

## فهرست مطالب کتاب آیات شیطانی جلد پنجم

| صفحه              | عنوان  |
|-------------------|--|
| ۱                 | ترجمه آیات قرآن کریم درباره یهودیت                                 |
| ۲                 | ای محمد تونمی‌توانی خداوند آنکسی را عذاب بکند نجات بدهی            |
| ۳                 | یهودیان سخنان قرآن تحریف میکنند                                    |
| ۴                 | خداوند یهودیان را به میمونها و خوکها تبدیل کرده است                |
| ۷                 | لعنت خداوند و ملائکه و مردم بر کافران است                          |
| ۹                 | یهودیان پیام آوران خداوند را عمداً به قتل رسانیده اند              |
| ۱۰                | یهودیان گفتند: خداوند از ما پیمان گرفته است که بهیچ ایمان نیاورید  |
| ۱۰                | یهودیان بموسی گفتند: بتو ایمان نمی‌آوریم تا خدا را آشکار نشان بدهی |
| ۱۲                | یهودیان گوساله را به خدای گرفته اند                                |
| ۱۳                | موسی گفت: ای یهودیان شما جاهل و نادان هستید                        |
| ۱۳                | یهودیان گفتند: گوساله خدای موسی است که او را فراموش کرد            |
| ۱۳                | خداوند: ای مؤمنین مانند قوم نشوید که موسی را آزار واذیت کردند      |
| ۱۴                | یهودیان خودشان را پسران خداوند میدانند                             |
| ۱۵                | گشت و خون انسانهای غیریهود؛ برای یهودیان حلال و مباح است           |
| ۱۶                | یهودیان میگویند: غیریهودی مانند خوک و سگ هستند                     |
| ۱۷                | انسانهای غیریهودی ملک و مال یهودیان هستند                          |
| ۱۷                | یهودیان میگویند: زنا و لواط کردن؛ برای یهودیان عذاب ندارد          |
| ۱۸                | یهودیان میگویند: با انسانهای غیریهودی باید مانند حیوانات عمل کرد   |
| ۱۸                | الله قرآن کریم جواب یهودیان را به خوبی فرموده است                  |
| ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ | الله قرآن؛ یهودیان را به میمونها و خوکها تبدیل کرد                 |
| ۲۲                | الله یهودیان را در جهان پراکنده کرده است                           |
| ۲۳                | خداوند به محمد فرمود: دین ابراهیم را به تو وحی کردیم               |
| ۲۳                | نکاتی از مؤلف: درباره قتل عمدی پیام آوران و با دست یهودیان         |
| ۲۵                | عیسی مسیح بزرگان یهودیان را ملعون فرموده است                       |
| ۲۷                | عیسی مسیح گفت: شما یهودیان قاتلان انبیاء و رسولان خداوند هستید     |
| ۳۲                | یونس پیام آور اهل نینوی بوده است                                   |
| ۳۷                | عیسی مسیح در اورشلیم مرضران را شفاء داد                            |
| ۴۱                | عیسی به کرء الاغی سوار شد است                                      |
| ۴۱                | عیسی بفرمان الله مرده را زنده کرد                                  |

- ۴۵ عیسی پسر خداوند است
- ۴۷ یکی از شاگردان عیسی او را به یهودیان تسلیم کرد
- ۵۰ عیسی گفت: پدر در من است و من در پدر هستم
- ۵۱ عیسی گفت: تسلی دهنده یعنی روح القدس خواهد آمد ۷ و ۶ و ۵ و ۵ و ۱
- ۶۳ یهودیان عیسی را گرفتند و بستند
- ۶۶ عیسی مسیح گفت: پادشاهی من در این جهان نیست
- ۶۷ یهودیان از خارتاج درست کردند به سر عیسی گذاشتند
- ۶۸ پلاطس خواست عیسی آزاد را کند یهودیان فریاد کردند صلیبش کن
- ۷۰ یهودیان عیسی مسیح به صلیب کشیدند
- ۷۲ جنازه عیسی مسیح را یوسف نام دفن کرده است
- ۷۳ عیسی مسیح در قبر زنده شد و به بیرون آمد
- ۷۴ عیسی مسیح بعد از زنده شدن به نزد شاگردانش آمد
- ۷۵ عیسی مسیح پسر خداوند است
- ۸۰ فرشته خداوند نزد زکویا آمد یحیی را به او مژده داد
- ۸۱ جبرئیل فرشته بنزد مریم مقدس آمد؛ و عیسی مسیح را به او مژده داد
- ۸۲ عیسی مسیح به پسر حضرت اعلی مسمی میشود
- ۸۳ مریم مقدس به خانه زکریا رفت
- ۸۴ در روز هشتم یحیی را ختنه کردند
- ۸۶ عیسی مسیح رسول الله تولد یافت
- ۸۹ زنی که پیام آور بود
- ۹۱ وحی الله بر یحیی نازل شده است
- ۹۳ یحیی گفت: من لیاقتی ندارم بند کفش عیسی را باز کنم
- ۹۴ عیسی مسیح در سی سالگی نبوت خود را شروع کرد و اجداد عیسی
- ۹۵ آدم ابن الله است
- ۹۵ نکاتی درباره تولد الله
- ۹۶ خدایان هشت گانه مسیحیت در اناجیل
- ۱۰۹ گوشت و خون وارث خداوند نمیشود
- ۱۱۰ بامعجزه عیسی مسیح با دو قرص نان پنج هزار نفر سیر شدند
- ۱۱۳ شاگردان عیسی گفتند: جسد عیسی را در بدن خود حمل میکنیم
- ۱۲۳ عیسی مسیح برای زن زناکار حکم میدهد
- ۱۲۷ عیسی مسیح گفت: هر کسی که گناه کند غلام خود میباشد

- ۱۲۷ یهودان به عیسی مسیح گفتند: ما از زنا تولد نیافتیم
- ۱۲۸ عیسی مسیح به یهودیان گفت: شما از پدر خودتان ابلیس هستید
- ۱۲۸ یهودیان به عیسی گفتند: توسامری هسرتی و دیو داری
- ۱۳۰ عیسی مسیح گفت: پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم
- ۱۳۰ عیسی مسیح کور مادرزاد را شفاء داد
- ۱۳۸ یهودیان گفتند: عیسی دیوانه است
- ۱۳۸ یهودیان میخواستند عیسی مسیح را سنگ سارکنند
- ۱۳۹ عیسی مسیح گفت: پدر در من است و من در پدر هستم
- ۱۴۰ نکاتی از مؤلف: درباره مسیحیت
- ۱۴۱ خدایان دوازده گانه یهودیت؛ کتاب مقدس عهد عتیق و توراة فعلی
- ۱۵۳ در تورات فعلی کورش پیام آور است
- ۱۵۴ خداوند توراة فعلی؛ خودش فرزندان نرینه زائیده است
- ۱۶۶ زنان خداوند در توراة فعلی
- ۱۷۹ خداوند توراة فعلی به اسرائیل گفت: طلاق نامه مادر شما کجا است
- ۱۸۰ خداوند توراة فعلی گفت: من از طلاق نفرت دارم
- ۱۸۱ خداوند توراة فعلی گفت: هیچ کسی نمیتواند مرا ببیند
- ۱۸۲ خداوند توراة فعلی را دیدند و دیده میشود
- ۱۸۳ نکاتی از مؤلف: درباره خداوند در توراة فعلی
- ۱۹۰ آیات قرآن کریم درباره وحی منزل بودند الهی قرآن کریم
- ۱۹۵ قرآن کریم تمامی کتابهای انبیاء است؛ در سوره قمر ۴ بار آمده
- ۲۰۲ الله قرآن گفت: هیچ کسی نمیتواند از کلمات قرآن کم یا اضافه کند
- ۲۰۴ نکاتی از مؤلف: درباره دست نخورده قرآن کریم
- ۲۰۷ عدالت خواهی و شهادت طلبی قرآن کریم
- ۲۱۳ قرآن کریم بر همه کتابهای ادیان دیگر پیروز شده است
- ۲۱۸ نکاتی از مؤلف: درباره پیروزی قرآن به همه کتابهای توحیدی
- ۲۲۰ ابراهیم زن خود ساره را؛ بزنی فرعون مصر داد
- ۲۲۵ ابراهیم در نمود نه سالگی و پسرانش ختنه شدند
- ۲۳۲ خداند شهر لوط را و از گون و سنگباران کرد
- ۲۳۶ دختران لوط با پدرشان زنا کردند
- ۲۳۷ ابراهیم گفت: ساره خواهر واقعی من است
- ۲۳۸ ابراهیم در جهان آینده با ذکر یهودیان آنها را ببهشت خواهد فرستاد

- نکاتی از مؤلف: درباره ابراهیم و دختران لوط ۲۴۷ و ۲۳۹
- کتاب آیات شیطانی؛ از کتابهای عهد عتیق و توراة فعلی سرچشمه گرفت ۲۴۹
- توهین و تهمت و افتراء اهانت به یعقوب رسول الله ۲۵۴
- یعقوب با خداوند کشتی گرخت و پیورز شد ۲۵۴
- اسرائیل پدر و پسر به یک دختر درآمدند ۲۵۶
- اسرائیل زناکار بوده است ۲۵۷
- خداوند توراة فعلی شوهر اسرائیل است ۲۵۷
- خداوند توراة فعلی قصد قتل موسی را کرد ۲۵۸
- پسران یعقوب بخاطریک زنیک شهر را ویران کرد و مردم را کشت ۲۵۹
- خداوند توراة فعلی به یعقوب لعنت کرد و دوشنام داد ۲۶۷
- جمیع اسرائیل زناکار هستند ۲۶۸
- خداوند توراة فعلی خدای لشگرها است و یادگار او یهوه است ۲۷۹
- نکاتی از مؤلف: درباره کتاب مقدس عهد عتیق و توراة فعلی ۲۸۰
- داود زناى محصنه کرد ۲۸۰
- پسر داود بنام آمنون با خواهرش تamar زناى عنفی کرد ۲۸۷
- پسر داود بنام آبشالوم آمنون را کشت ۲۹۸
- توهین و افتراء و تهمت به سلیمان رسول الله ۳۱۴
- کارکردهای زشت بنی اسرائیل ۳۱۶
- یهودا پسر یعقوب با عروس خود بنام تamar زنا کرد؛ و دو پسر زنازاده تولد یافت ۳۲۸
- زنان و دختران و عروس های اسرائیل زناکار و فاحشه بودند ۳۲۳
- خداوند توراة فعلی گفت: من شوهر اسرائیل هستم ۳۳۱
- هر کسی که خدای یهودا را نخواهد باید کشته شود و اگر چه بچه باشد ۳۳۳
- یهودیان بت پرستی و زناکاری کرده بودند ۳۳۵
- نکاتی از مؤلف: درباره فساد اخلاقی و کشتار و خون خوری یهود ۳۵۳

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ  
 تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (١٠) تُؤْمِنُونَ بِاللّٰهِ  
 وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ  
 بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ  
 تَعْلَمُونَ (١١) قرآن کریم سوره الصف

سایت های شمه ای از قرآن و سنت

1-www.booksasgari.ir

2-www.i-g-s.blogfa.com

3-www.shamme-goran-sonnat.blokfa.com

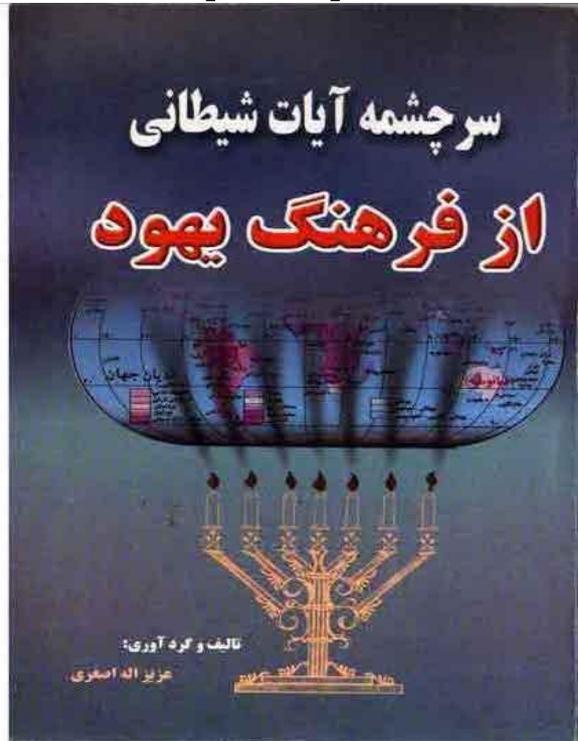
سایت های فارسی

1- عزیزاله اصغری

2- شمه ای از قرآن و سنت

3- عزیزاله اصغری تبریزی

ها ن قرآن حاصل رنج خلیل آله است  
 رحمت عمر محمد که جیب آله است  
 خون یحیی و حسین راه کلیم آله است  
 نور و آگاهی دوران قرآن می آید



سرچشمه آیات شیطانی

از فرهنگ یهود

عزیزاله اصغری

تألیف و گردآوری:

قرآن بیزه هدفدی؛ سرمایه شرفدی؛

أللّوٰخ بویولدا قربان؛ امر شهادت اولدی؛

قرآن؛ قرآن؛ قرآن...

شعار قرآنی و سیاسی و دینی مسلمان جهان

این کتاب هدیه و جایزه است! برای کار  
گودانان؛ و نویسندگان طراحان؛ و بازی  
کنندگان نجس خنزرو غادر؛ ملعون! فطم  
مسلمانان معصوم! که یهودیان صهیون  
نیزم شیطان پرست امریکائی که کافرو  
مشرک و گمراه هستند و ملعون و ملعون  
و ملعون میباشند! فرزندان زنازاده محرم  
پسران دوقلوی یهودا و عروس اوتامار  
بنامهای زارح و فارص تولدیافتند؛ شدند  
پسران خداوند همجنس باز توراة فعلی!!!

کسانیکه بقرآن کریم توهین اهانت میکنند!!! خیال نکند تنهابقرآن توهین اهانت میکنند! بلکه بتمامی کتابهای حقیقی آسمانی وحی منزل خداوند خلاقّ جهان هستی وربّ العالمین توهین واهانت میکنند!!! زیراکه دراین کتاب ازخودآیات قرآن کریم ثابت کردیم! که قرآن کریم کتاب کلّ پیغمبران!!! رسولان وانبیاء عظام واقعی وحقیقی خداوند خلاقّ هستی جهان وجهانیان میباشد!!! که دراین امرهیچ شکّ و شبهه ای وجود ندارد که درکتاب خواهید خواند!!! کسانیکه بقرآن کریم توهین اهانت میکنند! و آتش میزنند! و پاره پاره مینمایند! و بج-ایهای ناپاک می اندازند! درنطفهٔ اینهاشکال دارد! واین انسان نماها

بگفته: عیسی مسیح پیام آورورسول الله! فرزندان ابلیس هستند! که کارهای پدرشان ابلیس را انجام میدهند و بجای آوردند که مانند پدرشان ابلیس جهان را بخاک خون؛ و خون ریزی بفساد میکشند و همجنس بازی و بی بندباری را درجهان گسترش میدهند!!!

وبگفته قرآن کریم وحی منزل خداوند خلاقّ جهان

## ب

هستی ربّ العالمین! و کتاب کلّ پیام آوران و رسولان  
و انبیاء عظام خداوند متعال!!! این انسان نماهای که  
فرزندان میمونها!!! بوزینه ها! و خوک! و خنزیرهای  
مسخ شده هستند!!! با این کارهای کفو و شرکشان  
میخواهند شعله دلشان که!!! خداوند قهار آتش زده  
است تسکین بدهند! ولی نمیتواند روز بروز هم خداوند  
قهار شعله دلشان را زیادتر خواهد فرمود!!! زیرا که  
راه کفر! شرک! گمراهی را انتخاب کردند!!! در دنیا  
سواترند! و در آخرت عذاب خوار! دردناک جهنّم نصیب  
شان خواهد شد! و بگفته اصل و ناب کتابهای آیات  
شیطانی! این انسان نماها! فرزندان زنازاده ها و حرام  
زاده های مانند! فارص! و زارح ابن یهودا! و تمار!  
که از اصل نسل یهودیت صهیون نیست هستند! جهان  
رابه فساد کشیده اند! مانند خودشان زنازاده معرفی  
کردند! میخواهند بادهان نجسشان نور خداوند خلاق  
را خاموش کنند ولی نمیتواند!!! زیرا که خداوند روز  
بروز نور خودش را که قرآن کریم میباشد! روشن تر  
کامل تر میفرماید: که انسانهای حقگرا و حقیقت جو

ت

روز بروز بطرف قرآن کریم وحی منزل خداوند خلاق  
جهان هستی گرایش! سوق پیدا مینمایند! هر چند که  
برای زنازاده ها و حرام زاده ها! فوزندان ابلیس!!! او  
میمونها! و خوی ها!!! او کارگردانان! و بازی کنندگان  
فیلم موهن امریکائی!!! او حشیگرها ناخوشایند بوده  
باشد!!! قرآن کریم کتاب کلّ پیغمبران حقیقی خداوند  
الهی وحی منزل میباشد! پرده از چهره اصل کتابهای  
آیات شیطانی برداشته است! که بر جهان و جهانیان  
ثابت و ثابت فرموده است! خودش تنها کتاب آسمانی  
وحی منزل خداوند بر کلّ انبیاء و پیغمبران و رسولان  
میباشد! که اصلاً تغییر و تبدیل! تحریف به او راه نیافته  
است!!! او از دست شیاطین انس و جنّ سالم و مصون  
یا برجامانده است! آی کسانی که با قرآن کریم مشگل  
دارید! و از ترس قرآن شب و روز! همه وقت در وحشت  
و نگرانی زندگی ننگین خودتان راسیری میکنید!!!  
ایکه شما تروریست های دولتی هستید بدانید و آگاه  
باشید!!! که قرآن بما دستور داده که در مقابل توپ

ث

وتانگ بمب اتم شمشیطین استادگی بکنیم!!!  
وجان شیرین مان را سیر قرار دهیم وشهادت طلب  
باشیم!واین شهادت طلبی است!!!که شما فرزندان  
ابلیس!وفارص!وزارح رابه وحشت انداخته است  
!وبشما هشدار میدهم!که یای نجس تان را از کشور  
های اسلامی بیرون بکشید!والاکشورهای اسلامی  
را!!!باشهادت طلبی گورستان شماتروریت های  
دولتی خواهیم کرد!این کلام امررا!!!وهن وسست  
نگیرید!که یک هشدار جدی است!برای شما فرزندان  
ابلیس!وفارص!وزارح!ابن یهودا!وتامار!که آگاهید  
از نسل اصل زنا زاده ها!وحرام زاده های فارص  
!وزارح!ابن یهودا!وتامار بوده اید!وازنسل یهودیت  
!وصهیون نیست هستید!!!

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ  
مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِقَوَّامِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ  
الَّذِينَ هَادُوا سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّاعُونَ لِقَوْمٍ آخِرِينَ  
لَمْ يَأْتُوكَ يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ  
أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ  
اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً أُولَئِكَ الَّذِينَ  
لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّر قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ  
لَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (٤١)

(ازقرآن کریم ازسورة المائده آیه ٤١)

ترجمه: خداوند فرموده: یا رسول الله!!! آنهاییکه در  
مسیر کفر شتاب میکنند! و بازبان میگویند: که ایمان  
آوردیم! و قلب آنها ایمان نیاورده است!!! که تورا  
اندوهگین نسازند! و همین طور گروهی از **یهودیانی**

خوب بسخنان توگوش میدهند! تادستاویزی برای تکذیب کردن تویببندکه آنهاجاسوسان گروه دیگری هستند! که خودشان نزد تونیامده اند!!! آنهاسخنان تورا از مفهوم اصلیش تحریف میکنند! وبدیگران میگویند: اگر این که مامیخواهیم بشماداده شده! واگرمحمد برطبق خواسته شماداوری کردبپذیرید! وگرنه از اودوری کنید! ای محمد اگر کسی را که خداوند بر اثر گناهانش بخواهد مجازات کند! تو قادر بدفاع مجازات! از اونستی آنهاکسانی هستند که خداوند نخواسته قلب های آنها را پاک کند!!! دردنیابرای آنها خواری و رسوایی است! و در آخرت مجازات بزرگی نصیب شان خواهد شد!!!

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالََةَ وَ يُرِيدُونَ أَن تَضِلُّوا السَّبِيلَ (۴۴) وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا (۴۵) مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَ أَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَ رَاعِنَا لِيًّا بِأَلْسِنَتِهِمْ وَ طَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا وَ أَسْمَعُ وَ أَنْظَرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَ أَقْوَمَ وَ لَكِن

لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا (۴۶) يَا أَيُّهَا  
 الَّذِينَ آوَتْوَا الْكِتَابَ آمِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ  
 مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ  
 نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا  
 (۴۷) إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ  
 ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ افْتَرَى إِثْمًا  
 عَظِيمًا (۴۸) (از قرآن کریم از سوره النساء از آیه ۴۴ تا ۴۸)

ترجمه: خداوند فرمود: ای محمد! یانیدی کسانی را  
 که بهره از کتاب آسمانی به آنها داده شده است؟!  
 بجای اینکه از آن برای هدایت خود و دیگران استفاده  
 کنند؟! برای خویش گمراهی رامیخواهند؟! و میخواهند  
 شما نیز گمراه شوید! خداوند به دشمنان شما آگاه تر  
 است! ولی آنهازیانی به شما نمیرسانند! و کافی است  
 که خداوند ولی و سرپرست شما می باشد!!! بعضی از  
**یهودیان** سخنان خداوند را از جای خود تحریف میکنند

!وبجای اینکه بگویند: شنیدیم و اطاعت کردیم! می  
 گویند: شنیدیم و مخالفت کردیم! و نیز میگویند: بشنو!  
 که هرگز نشنوی! و از روی تمسخر میگویند: ما رامهلت  
 بده! تا بازبان خود حقایق را بگردانند! و در آیین خداوند  
 طعنه میزنند!!! ولی اگر آنها بجای این همه لجابت  
 میگفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم! و سخنان ما را بشنو  
 بمامهلت بده! تا حقایق را درک کنیم!!! برای آنها بهتر  
 بود! و با واقعیت سازگارتری داشت! ولی درحالیکه  
 خداوند! آنها را بخاطر کفر کردنشان!!! از فضل و رحمت  
 خود دور ساخته است! از این روجز عده کمی ایمان  
 نمی آورند! ای کسانی که بکتاب خداوند ایمان نمی  
 آورید خداوند **(تورات)** بشما داده شده است! به آنچه  
 پیام آور خود (محمد) نازل کریم!!! و هماهنگی بانسانه  
 هایی است که **(با کتاب تورات)** شما است! که ایمان  
 بیاورید! پیش از آنکه صورت هایی را محبوب کنیم!!!  
 سپس پشت سر! باز گردانیم! و یا آنها را از رحمت خود

دور میسازیم! همان گونه که اصحاب شنبه را دور ساختیم  
**(خداوند گروهی از کفار و مشرک یهودیان بنی اسرائیل را**  
**به می و نرها! و به خوکها عوض! و تبدیل کرده است)** و فومان  
 و دستور خداوند! در در هر حال انجام شدنی و حتمی است!  
 خداونده برگزمشرک و شرک را نمی بخشد! و پایین تر از آن را  
 هر کسی را بخواهد و شایسته بداندمی بخشد! و آن کسیکه بر  
 خداوند! شریکی قرار بدهد! بگناه بزرگ نابخشودنی مرتکب  
 شده است (شرک بخداوند ظلمی بسیار بزرگتوی میباشد!!!)

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ  
 حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْ  
 لَهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ (۲۱) (از قرآن کریم و از سوره آل عمران آیه ۲۱)

ترجمه: کسانی که آیات خداوند را پنهان کردند و کفر  
 ورزیدند پیام آوران را به ناحق میکشند!!! و به قتل  
 رسانیدند! و نیز از مردمی که به عدالت امر میکنند به  
 قتل میرسانند! آنها را به عذاب درناک خداوند بشارت  
 بده!!!

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا أَلَيْكَ  
 لَأَخْلَقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَآيُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ  
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ (۷۷) وَأَنَّ  
 لَفَوْيَقًا يَلُوءُونَ أَسْنِنَتَهُمْ بِأَلْكَتَابٍ لِيَحْسَبُوهُ مِنَ الْكِتَابِ  
 وَمَاهُوَ وَمَاهُو مِنْ أَلْكَتَابٍ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ  
 وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ (۷۸)

(ازقرآن کریم ازسوره آل عمران آیات ۷۷ و ۷۸)

ترجمه: خداوند فرمود: بدرستی که آنانیکه پیمان خداوند  
 وسوگندهای به نام مقدس الهی را! به بهای ناچیز  
 میفروشدند! آنها بهره ای در آخرت نخواهند داشت؛ و  
 خداوند در قیامت با آن هاسخن نمیگوید: و به آنها نمی  
 نگردد!!! و آنها را از گناه پاک نمیسازد! و عذاب درناک  
 خداوند برای آنها میباشد! در آنها کسانیهستند (یهودیان)  
 که به هنگام تلاوت کتاب خداوند! زبان خود را چنان  
 میگردانند گمان میکنی!!! آنچه را که میخوانند از کتاب  
 خداست! در حالیکه از کتاب خداوند نیست؛ و صراحتاً  
 میگویند: آن از طرف خداوند است (همین تحریف شده

**تورات فعلی بود**) باینکه از طرف خداوند نبود و نیست  
! و بخداوند دروغ میبندند در حالیکه م میبندند!!!

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَ شَهِدُوا  
أَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ وَ جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي  
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (٨٦) أُولَئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ  
اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ (٨٧)

(قرآن کریم از سوره آل عمران آیات ۸۶ و ۸۷)

ترجمه: الله فرمود: چگونه الله قومی را هدایت میکند! که  
بعد از ایمان و گواهی بحقانیت (محمد) رسول الله! و نشرانه  
های روشن برای آنها آمده؛ کافر شدند؟! و الله جمیعیت  
ستمکاران را هدایت نخواهد کرد! کیفر آنها این است! که  
لعن الله و فرشتگان و مردم همگی برای آنهاست!!!

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الدُّلَّةُ أَيْنَ مَا تُقِفُوا إِلَّا حَبْلٌ مِّنَ اللَّهِ وَ  
حَبْلٌ مِّنَ النَّاسِ وَ بَاوُوا بِغَضَبِ مِّنَ اللَّهِ وَ ضُرِبَتْ  
عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ  
يَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَ كَانُوا  
يَعْتَدُونَ (١١٢)

(از قرآن کریم از سوره آل عمران آی ۱۱۲)

الله فرمود: **(یهودیان)** هرجا یافته شوند!! **مُهرذلت** و خواری بر آنها خورده است! مگر با ارتباط بخداوند و در روش ناپسند خود تجدید نظر کنند! و یا با ارتباط به مردم و وابستگی به این و آن! و بخشم خداوند گرفتار شدند! **انبیاء الله را بناحق میکشند و بقتل میرسانیدند! مهر ذلت به آنها زده شده است! چرا که آنها به آیات الله کفومی کردند! این عذابها بخاطر آن است که گناه بزرگی انجام دادند! و بحقوق دیگران تجاوز میکردند!!!**

وَلَا يَحْسَبُ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۱۸۰) لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۱۸۱) ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ (۱۸۲) الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْيَتِيمَ الْأَنْوَمِ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَهُمُ الْقُرْبَانُ تَأْكُلُ النَّارُ

قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِي قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (۱۸۳) إِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاؤُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ (۱۸۴)

(از قرآن کریم از سوره آل عمران آیات آز آیات ۱۸۰ تا ۱۸۴)

ترجمه: خداوند فرمود: **(یهودیان)** کسانی که بخل می‌ورزند! و آنچه را که خداوند از فضل خویش به آنان داده انفاق نمی‌کنند! گمان نکنند که این کار بسود آنهاست!!! بزودی در روز قیامت آنچه را که نسبت به آن بخل ورزیدند!!! مانند طوقی بگردنشان می‌افکنند، و میراث آسمانها و زمین از آن خداوند است! و آنچه را که انجام میدهند خداوند آگاه است! حقیقت این است که خداوند سخن آنها را شنید که گفتند: خداوند فقیر است ما بی‌نیازیم! بزودی آنچه را که گفتند: خواهیم نوشت، **و همچنین پیامبران را بناحق بقتل رسانیدند و کشتند می‌نویسیم!!!** و به آنها می‌گوییم: عذاب سوزان جهنم را بچشید!!! در برابر کارهای تان است که انجام میدادید!!! این بخاطر چیزی است که دستهای شما از پیش فرستاده بود! و نتیجه کارهای شما بوده و بخاطر آن است! که خداوند به بندگان خود ظلم نمیکند!!! اینها

همان کسانی هستند که گفتند: خداوند از ما پیمان گرفته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم! مگر تا این معجزه را انجام دهد! یک قربانی بیاورد که آتش صاعقه آسمانی آن را بخورد (یامحمد) بگو: پیامبران پیش از من برای شما و دلایل روشن آمدند و آنچه را که شما گفتید: آورده اند! پس اگر راست میگوید: چرا آنهارا به قتل رسانیدید و کشتید؟! پس اگر چه این بهانه جویان (یهودیان) تورا تکذیب کردند! چیز تازه ای نیست! رسولان پیش از تورا نیز تکذیب کرده بودند! پیامبرانی که با دلایل آشکار و روشنی! های متین و محکم! و کتاب روشنی بخش آورده بودند نیز تکذیب کردند!!!

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ (۵۵) ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّن بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (۵۶) (از قرآن کریم از سوره البقره آیات ۵۵ و ۵۶)

ترجمه: الله فرمود (ای یهودیان بی اد آورید) وقتی که گفتید: ای موسی ما هرگز بتو ایمان نخواهیم آورد! تا مگر الله را آشکارا با چشم خود ببینیم! پس صاعقه شما را گرفت و سوزانید! در حالیکه شما تماشا می کردید! سپس شما را پس از مرگتان دو باره حیات و زندگی بخشیدیم! باشد شکر نعمت الله را بجا آورید!

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ لِكِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا  
 مُوسَىٰ أَكْبَرًا مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أُرِنَالِ اللَّهِ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ  
 بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنِ  
 ذَلِكَ وَآتَيْنَا مُوسَىٰ سُلْطَانًا مُّبِينًا (۱۵۳) (از قرآن کریم از سوره النساء آیه ۵۳)

ترجمه (خداوند: ای محمد) اهل کتاب از تو میخواهند!  
 کتابی از آسمان بیکجابر آنها نازل کنی! در حالیکه این  
 یک بهانه است! آنها از موسی بزرگتر از این را خواستند  
 !وگفتند: الله را آشکارا بمانشان بده! و بخاطر این ظلم  
 و ستم! صاعقه آنها را فراگرفت و سوزانید! سپس گوساله  
 سامری را!!! پس از آن همه دلایل و آیات روشن که  
 برای آنها آمده بود! بخدای انتخاب کردند! ولی ما آن  
 را عفو کردیم به موسی برهان و دلیل آشکاری دادیم!  
 وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ  
 أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ  
 آلِهَةٌ قَالِ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ؛ إِنَّ هَؤُلَاءِ مُمْتَرِّمَاهُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ  
 مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَىٰ  
 الْعَالَمِينَ (از قرآن کریم از سوره الاعراف از آیات ۱۳۸)

ترجمه: خداوند فرمود (ای محمد بیاد آور زمانی را که) و بنی اسرائیل را سالم از دریا عبور دادیم، ناگاه در راه خود بگروهی رسیدند که اطراف بُتهایشان! با تواضع و خشوع گرد آمده بودند!!! در این هنگام بنی اسرائیل به موسی گفتند: تو هم برای ما معبودی قرار بده! همان گونه که آنها معبودان و خدایانی دارند! موسی گفت: شما قومی جاهل و نادان هستید! اینها را که می بینید سرانجام کارشان باطل و نابودی است! و آنچه را که انجام می دهند باطل و بیهوده و برباد است! سپس گفت: آیا غیر از الله حقیقی؟! خدای برای شما بطلبم و جستجو کنم؟! در حالیکه او شما را بر جهانیان و مردم عصر خودتان برتری داده است!!!

وَ اتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا آلَهُ  
خُوَارًا لَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَآيُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا اتَّخَذُوهُ وَ  
وَكَانُوا ظَالِمِينَ (۱۴۸)

(از قرآن کریم از سوره الاعراف آیه ۱۴۸)

ترجمه: خداوند فرمود: قوم موسی بعد از رفتن اوبه میعاد گله خداوند، از زیورهای خودگوساله ساختند! جسدی که صدای گوساله داشت!!!

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَى فَنَسِيَ؛ أَفَلَا يَرَوْنَ أَلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا

(از قرآن کریم از سوره طه آیات ۸۸ و ۸۹)

ترجمه: خداوند فرمود: پس برای آنها جسد گوساله ای را! که صدایی مانند صدای گوساله واقعی داشت بوجود آورده است! اوبه یکدیگر گفتند: این الله شما والله موسی است! واو فراموش کرد! پیمانی را که با خداوند بسته بود! آیانی دیدند که این گوساله هیچ سخنی جواب به آنها نمیدهد؟! و مالک هیچ گونه سود و زیان برای آنها ندارد؟! يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَتَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى فَبَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا (۶۹)

(از قرآن کریم از سوره الاحزاب آیه ۶۹)

ترجمه: خداوند فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید مانند کسانی نباشید که موسی را آزار و اذیت کردند الله او را از آنچه در حق او می گفتند: مبرا ساخت؛ واو در نزد الله آبرو مند و گران قدر بود!!!

وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوَدُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ  
أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ  
وَاللَّهُ لِيَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۵) (از قرآن کریم از سوره الصّرف آیه ۵)

ترجمه: خداوند فرمود: ای محمدبیادآورید وقتیکه را  
که موسی بقومش گفت: ای قوم من! چرا مرا آزار و  
واذیت میکنید؟! باینکه میدانید من رسول الله بسوی  
شما هستم؟! هنگامیه آنها از راه حق خداوند منحرف  
شدند!!! خداوند قلوبشان را منحرف ساخته است! و  
الله فاسقان را هدایت نمیکند!!!

**نکات از مؤلف: توجه یهودیان خودشان را پسران خداوند  
کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراۀ فعلی میدانند!!!**

**شما پسران یهوه خدای خود هستید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق تورات سفر تثنیه باب چهاردهم آیه ۱)

**وروزی واقع شد که پسر خدا آمدند تا بحضور خداوند**

**حاضر شوند!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق؛ کتاب ایوب اول آیه ۶)

**و جمیع پسران خداوند آواز شادمانی دادند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ کتاب ایوب باب سی و هشتم آیه ۷)

**من گفتم که شما خدایانید! و جمیع شما فرزندان حضرت اعلی**

**لیکن مثل آدمیان خواهید مرد! و چون یکی از سروران خواهید افتاد!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ از کتاب مزامیر؛ مزموهشتاد و دوم؛ مز مور آساف آیه ۷)

**پس الآن در نظر تمامی اسرائیل که جماعت خداوند هستند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ اول توایخ ایام؛ باب بست و هشتم؛ آیه ۸)

**پسران خدادختران آدمیان را دیدند! که نیگو منظرند؛ و هر کدام**

**خوایتند زنان برای خود می گرفتند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ تورات سفر پیدایش باب ششم آیات از ۱ تا ۵)

**افراد ملت اسرائیل عزیز هستند! زیرا فرزندان خدای حاضر در**

**همه جا خوانده شده اند!!!** (از کتاب تلمود ص ۴۵)

**واماتوای پسرانسان خداوندیهوه چنین میفرماید: که بهرجنس**

**مرغان و به همه حیوانات صحراء بگو: جمع شوید! و بیایید**

**نزد قربانی من! که آن را برای شما ذبح مینمایم فراهم آید!**

**قربانی عظیمی برکوه های اسرائیل! تا گوشت بخورید! و خون**

**بنوشید! گوشت جباران را خواهید خورد و خون رؤسای جهان**

**را خواهید نوشید! از قوچها و بره ها و بزها و گاوها که همه آنها از**

**پروریهای باشند میباشد! و از قربانی من که برای شما ذبح**

**مینمایم! پیه خواهید خورد تا سیر شوید! و خون خواهید نوشید**

**تامست شوید! و خداوندیهوه میگوید: بر سر سفره من از اسبان**

**و سواران و همه مردان جنگی سیر خواهید شد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ از کتاب حزقیال نبی باب سی و نهم آیه از ۱۷ تا ۲۵)

ملعون باد کسیکه شمشیر خود را از خون باز دارد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق؛ از کتاب ارمیاء نبی آیه ۱۱)

**مطالب از کتاب تلمود؛ یعنی کتاب آئین یهود**

ارواح یهود از ارواح دیگران افضل است!!! همچنانکه  
 فرزند جزء پدرش میباشد! و روحهای یهود نزد خدا عزیزتر  
 است! زیرا ارواح دیگران شیطانی! مانند ارواح حیوانات  
 است! نطفه غیر یهود مثل نطفه حیوانات است! و بهشت  
 مخصوص یهود است! و هیچ کسی جز آنها داخل آن نمیشود  
ولی جهنم جایگاه مسیحیان و مسلمانان است! اسرائیل  
 در نزد خداوند! بیش از ملائکه محبوب و معتبر است!!! اگر  
 یک نفر غیر یهودی! یهودی را بزند! چنان است که بعزت  
 الهی جسارت کرده است! جزای چنین شخص جز مرگ  
 مرگ چیزی دیگری نیست! و باید او را کشت! اگر یهودیان  
 نبود برکت از روی زمین برداشته میشد! و آفتاب ظاهر نشده  
 و باران نمیبارید! چنانکه انسان بر حیوانات فضیلت دارد!  
 یهود بر اقوام دیگر فضیلت دارد!!! نطفه از غیر یهودی منعقد  
 شود نطفه اسب است! اجانب مانند سنگ هستند! و برای آنها  
 عیدی نیست؛ زیرا عید برای اجنبی و سنگ خلق نشد است

**سگ افضل از غیریهودی است!** زیرا که بسگ میتوان نان وگشت داد؛ ولی نان دادن به اجنبی حرام است! **خانه های غیریهودی به منزله طوطیه است!** اجانب دشمن خداوند و مثل خنزیر و قتلشان مباح است اجانب خدمت کردن یهود بصورت انسان خلق شده است؛ چون با حیوانات مساوی هستند بنابراین تمام دنیا و هر چه در آن است ملک آنها میباشد **زیرا عید برای اجنبی و سگ خلق نشد است؛ و حق دارند که بر آن تسلط کامل یابند!** حیات و زندگی دیگران ملک یهود است؛ چه رسد به اموال آنها! غیریهودی هر چند صالح و نیکوکار باشد او را باید کشت! حرام است غیریهودی را رانجات دهید؛ حتی اگر در چاه بیافتد فوراً سنگی بردر آن گذاشت؛ اگر یکی از اجانب را بکشیم مثل این است! **در راه خداوند قربانی کردیم! غیر یهودی را باید بکشید؛ هلاک کردن مسیحی ثواب بسیار دارد!** زنا کردن با غیریهودی ممانعی ندارد! زیرا که کفار مثل حیوانات هستند! و حیوانات رازناشویی نیست! یهود حق دارد زنها را غیر مؤمنه را بغصب برباید! **و خلاصه زن و لواط بغیر یهود عقاب ندارد!** بر یهود واجب است! روزی سه مرتبه!!! بر مالازم است

بر مسیح لعن کریم؛ و دعا کریم تا خداوند آنها را نابود سازد! **بر ما لازم است! که بانصاری مانند حیوانات معامله کنیم! کلیسا های نصاری خانه گمراه است خراب کردن آنه- او واجب است! ما ملت برگزیده خداوندیم! و لذا برای ما حیوانات انسانی خلق کرده است! زیرا خدا میداند که ما احتیاج به دو قسم حیوانات داریم! یکی حیوانات بی شعور مانند بهایم غیر ناطقه! و دیگری حیوانات ناطقه و باشعور مانند مسیحیان و مسلمانان و بودائیان و یوای آنکه بتوانیم از همه آنها به اصطلاح سواری بگیریم! ما را در جهان متفرق ساخته است!!!**

**الله خلاق جهان و جهانیان و رب العالمین؛ در قرآن وحی منزل! جواب یهودیان فرزندان خدای کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی را! در قرآن کریم بخوبی فرموده است! توجه کنید!**

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرْ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَ يُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ!!! (از قرآن کریم از سوره المائده آیه ۱۸)

**ترجمه: الله فرمود: یهود و نصاری گفتند: ما فرزندان الله و دوستان خاص او هستیم (ای محمد) بگو: پس چرا الله شما را در برابر گناهانتان مجازات میکند؟!؟!!**

بلکه شما هم بشری هستید از مخلوقات که آفریده شدید  
**!!!** الله هرکسی را بخواهد و شایسته بداند! میبخشد!!! او  
 هرکسی را بخواهد مستحق عذاب بداند مجازات میکند  
**!!!** و ملک و حکومت آسمانها و زمین!!! و هر آنچه در  
 میان آنها است!!! از آن الله است!!! و بازگشت همه  
 موجودات بسوی او است!!!

وَلَقَدْ عَلَّمْتُمُ الدِّينَ اعْتَدُوا مَعَكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً  
 خَاسِيْنَ؛ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّالْمَآئِيْنَ يَدِيهَا وَمَا خَلَقَهَا وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِيْنَ  
 (از قرآن کریم از سوره البقره آیات ۶۵ و ۶۶)

ترجمه: الله فرمود: و حقیقت این است!!! کسانی که از  
**شما! در روز شنبه نافرمانی و گناه کردند!!! شما آگاه**  
**شده اید! ما به آنها گفتیم: بصورت میمون ها و بوزینه**  
**هایی طرد شده در آید! ما این کیفر را درس عبرتی برای**  
**مردم آن زمان و نسلهایی بعد از آنان قرار دادیم! و پند و**  
**نصیحت و اندرزی برای پرهیزگاران هم قرار داده ایم!**  
 قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِّنْ ذَلِكَ مَثْوَبَةٌ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ  
 غَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتَ  
 أُولَئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ (قرآن کریم سوره الامان آیه ۶۰)

ترجمه: الله فرمود: ای محمدبگو: ای اهل کتاب؟؟؟!!!  
 آیا با خرده میگیرید؟! مگر ما چه کرده ایم؟! جز اینکه  
 به الله یکتا! و به آن کتابیکه برمانازل شده؟! و به آن  
 کتابهاییکه پیش از این کتاب نازل شده اند است ایمان  
 آوردیم؟! و این بدبینی بخاطر آن است که بیشتر شما؟!  
 از راه حقّ خارج شده اید! بگو: آیا شمارا از کسانیکه  
 موقعیت و پاداششان!!! نزد الله بدتر از این بوده است  
 با خبر بکنم؟؟؟!!! کسانیکه الله آنها را از رحمت خود  
 دور کرده! و مورد خشم خود قرار داده است؟؟؟! و مسخ  
 مورد خشم خود قرار داده است؟! و مسخ کرده و از آنها  
 میمونها و خوکهایی قرار داده است؟؟؟! و برای اینکه  
 بتّ پرستی کرده بودند؟؟؟! که مکان و موقعیت محلّ  
 آنها چه بدتر بوده است! و از راه راست گمراه تر بودند!  
 وَ سَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةً فِي الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ  
 السَّبْتَ إِذْ تَأْتِيهِمْ حَيَاتُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا يَسْبِتُونَ  
 لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَ كَانُوا يَفْسُقُونَ؛ وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ  
 لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُكُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ

إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا ابْهَادُ كَرُوا بِهِ أُنَجِينَا  
 الْهَيْنَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا  
 يَفْسُقُونَ؛ فَلَمَّا عَثُوا عَن مَّأْهُوَ آعَنَهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ وَ  
 إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبَعِثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ  
 الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ وَ قَطَّعْنَاهُمْ  
 فِي الْأَرْضِ أُمَمًا مِّنْهُمْ الصَّالِحُونَ وَمِهِمْ دُونَ ذَلِكَ وَبَلَوْنَاهُمْ  
 بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (از قرآن کریم از سوره الاعراف آیات ۶۳ تا ۱۶۸)

ترجمه: الله فرمود: (ای محمد) و از یهودیان درباره سرگذشت  
 شهریکه در ساحل دریا بود پرس؟! زمانیکه انهار در روزهای  
 پیرس؟ زمانیکه انها در روزهای شنبه؛ تجاوز و نافرمانی  
 خداوند میکردند؛ هنگامیکه ماهیان روز شنبه (روز تعطیل  
 و استراحت و عبادت بود) آشکار میشدند؛ اما در غیر روز شنبه  
 ؛ بیرون بسراغ آنها نمی آمدند! این چنین آنها را به چیزی  
 آزمایش و امتحان کردیم؛ که نافرمانی میکردند! و بیاد آور  
 زمانیکه گروهی از آنها بگروه دیگری گفتند: چرا جمعی  
 تعدی کننده گان را بیم و اندرز میدید؟! که سرانجام خداوند  
 سخت! آنها را بحال خود و اگذارید تا نابود بشوند! گفتند: این  
 بیم و اندرزها برای اعتذار رفع مسؤولیت در پیشگاه

آنهارا هلاک خواهد کرد! و یا بعذاب شدیدی گرفتار خواهد ساخت! آنهارا بحال خود و اگذارید تا نابود بشوند! گفتند: این بیم و اندرزها برای اعتذار رفع مسؤولیت در پیشگاه بیم و اندرزها برای اعتذار رفع مسؤولیت در پیشگاه صاحب اختیار کلّ شماست! بعلاوه شاید که آنها این بیم و اندرز را بپذیرند؛ و از گناه باز ایستند؛ و تقوی پیشه کنند! اما هنگامیکه ننگرانی را که به آنها داده شده بود فراموش کردند! لحظه عذاب فوارسید!!! و نهی کنندگان را از بدی رهایی بخشیدیم؛ و کسانی که ستم کردند! بخاطر نافرمانی ایشان بعذاب شدیدی گرفتار کردیم؛! آری هنگامیکه در برابر آنچه از آن نهی شده بودند سرکشی و تعدی کردند! به آنها گفتیم: بشکل میمونها و بوزینه هایی طردورانده شده در آید! و نیز بحاطر بیاور زمانیکه صاحب اختیار کلّ تو! اعلام کرد: تا روز دامنۀ قیامت؛ کسی را بر آنها مسلط خواهد کرد؛ که همواره آنها را در عذاب سختی قرار بدهد! زیرا که مجازات صاحب اختیار کلّ تو خیلی سریع میباشد! و در عن حال نسبت به توبه کنندگان آمرزنده و مهربان است؛ و آنها را در زمین بصورت گروهایی پراکنده ساختیم

**!!! گروهی از آنها صالح و گروهی ناصالحند!!! و آنها را با**

نیکیها و بدیهامی آزمایم و امتهان میکنیم؛ شاید که بازگردند  
 ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ  
 الْمُشْرِكِينَ؛ إِنْ مَجَعَلِ السَّيِّئَاتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ  
 رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

(از قرآن کریم از سوره النحل آیات ۱۲۳ و ۱۲۴)

**(ترجمه: الله به محمد رسول الله فرمود:) پس بتو**  
 وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم پیروی کن که ایمان  
 خالص داشت! و او از مشرکان نبود! تحریم های روز  
 شنبه برای یهود فقط بعنوان یک مجازات بود!!! که  
 در آن هم اختلاف کردند!!! و صاحب اختیار کل تو! روز  
 قیامت! در آنچه اختلاف داشتند! در میان آنها حکم و  
 داوری خواهد کرد!!!

نکاتی از مؤلف: خوانندگان محترم و گرامی! یهودیان  
 تنها قومی هستند که خیلی انبیاء الله را عمداً به قتل  
 رسانیده اند!!! دال بر کتاب مقدس عهد عتیق! تورات  
 فعلی! و دال بر اناجیل! دال بر قرآن کریم! این قتل عمداً  
 انبیاء! در هر سه کتاب موجود میباشد! که در چهار جلد

کتاب! سرچشمه آیات شیطانی از فرهنگ یهود! بشفاف نوشته ایم که میتوانید بخوانید! و یهودیان تنها قومی هستند که الله متعال! آنها را مسخ کرده!!! به میمون ها و بوزینه ها و خوک و خنزیرها تبدیل فرموده است! شمه ای از افتخارات این قوم لجوج و جنایتکار میباشد! کسیکه با مادرش زنا کند! با دیگران چه کار میکند؟! تا به اینجا قرآن کریم وحی منزل الله خلاق جهان هستی به محمد رسول الله؛ ثابت کرده است که یهودیان تورات موسی رسول الله تحریف کرده اند؛ و از بین بردند و نابود کردند بی فرهنگ الهی شدند و دست خالی مانده اند! از کتاب مقدس عهد جدید! یعنی اناجیل دین مسیحیت! قتل انبیاء! و تحریف شریعت! و تورات موسی رسول الله! با دست یهودیان کافر و مشرک جنایت کار نوشته شده است که توجه فرماید!!!

عیسی مسیح رسول الله گفت: آنگاه عیسی آنجماعت و شاگردان خود را خطاب کرده گفت: کاتبان و فریسیان بر کرسی موسی نشسته اند! پس آنچه بشما میگویند:

نگاه دارید و بجا آورید لیکن مثل اعمال ایشان مکنید!  
 زیرامی گویند: نمیکنند! زیرا بارهای گران و دشوار را  
 میبندند و بردوش مردم مینهند! و خود نمیخواهند آنها  
 را بیک انگشت حرکت دهند! و همه کارهای خود را  
 میکنند تا مردم ایشان را به بینند! حمایلهای خود را  
 عریض و دامنه‌های قبای خود را پهن میسازند! و بلا  
 نشین در ضیافته و کرسیهای صدر در کتاب سرار دوست  
 دوست میدارند! و تعظیم در کوچه‌ها را و اینکه مردم  
 ایشان را آقا آقا بخوانند! لیکن شما آقا خوانده میشوید!  
 زیرا استاد شما یکیست یعنی مسیح و جمیع شما برادرانید  
 ! و هیچکس را در زمین پدر خود مخوانید! زیرا پدر شما  
 یکی است که در آسمان است! پیشوا خوانده شوید زیرا  
 پیشوای شما یکی است یعنی مسیح! و هر که از شما بزرگتر  
 باشد خادم شما بود! هر که خود را بنده کند پست گردد! و هر که  
 خود را فروتن سازد سزاوارتر گردد! و ای بر شما ای کاتبان و فریسیان  
 ریاکار! که در ملکوت آسمان را بر روی مردم میبندید! زیرا که  
 خود داخل آن نمیشوید و داخل شوندگن را از دخول مانع میشوید

**وای بر شما ای کاتبان و ریاکار زیراخانه های بیوه زنان**  
**رامی بلعید و از روی ریا نماز را طویل میکنید!** از آن رومی  
 کنید! از آن رو عذاب شدیدتر خواهید یافت! وای بر شما ای  
 کاتبان و فریسیان ریاکار! زیرا که بر و بحر را میگردید تا مریدی  
 پیدا کنید! و چون پیدا شد او را دو مرتبه پست تر از خود بستر  
 جهنم میسازید! وای بر شما ای راه نمایان گور که میگوید:  
 هر که بهیکل قسم خورد باکی نیست لیکن هر که بطلای  
 هیکل قسم خورد باید وفا کند! ای نادانان و نابینان آیا کدام  
 افضل است! طلایا هیکلی که طلار اقدس میسازد! و هر که  
 بمذبح قسم خورد باکی نیست!!! لیکن هر که بهدیه که  
 بر آن است قسم خورد باید ادا کند! ای جهال و کوران  
 کدام افضل است! هدیه یا مذبح که هدیه را تقدیس می  
 نماید! پس هر که بمذبح قسم خورد به آن!!! و بهر چه بر  
 آن است قسم خورده است و هر که بهیکل قسم خورد به  
 آن! و به او که در آن ساکن است قسم خورده است! هر که  
 به آسمان قسم خورد بکرسی خداوند و به او که بر آن  
 نشسته است قسم خورده باشد!!! وای بر شما ای کاتبان  
 و فریسیان ریاکار که نفع و ثبوت وزیره را عشمید

**و عظم احکام شریعت یعنی عدالت و رحمت و ایمان را**  
**ترک کرده اید! میبایست آنها را بجا آورده اینهارانیز**  
**ترک نکرده باشید!!! ای راهنمایان کورکه پشه را**  
**صافی میکنید و شتر را فرو میبرید! و ای برشمای کاتبان**  
**و فریسیان ریاکار! از آن رویرون پیاله و بشقاب را**  
**پاک مینمائید! و درون آنها مملو از جبر و ظلم است! ای**  
**فریسی کوراوّل درون پیاله و بشقاب را ظاهر سازید**  
**تا بیرونش نیز ظاهر شود! و ای برشمای کاتبان و فریسان**  
**ریاکار که چون قبر سفید شده میباشید! که بیرونش**  
**رانیکو مینماید! لیکن درون آنها از استخاذهای مرده**  
**گان و سایر نجاسات پر است! همچنین شما نیز ظاهراً**  
**بمردم عادل میباشید! لیکن باطناً از ریاکاری و شرارت**  
**مملو هستید! و ای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که**  
**! و میگوید: اگر در ایام پدران خود میبودیم! در ریختن خون**  
**انبیاء با ایشان شریک نمیشدیم! پس خودتان شهادت**  
**میدهید که فرزندان قاتلان انبیاء هستید! پس شما پیمانہ**  
**پدران خود را لبریز می کنید قبرهای انبیاء را بنا می کنید!**  
**بنا می کنید مدفهای صادقان را زینت میدهید!!! ای ماران**

**افعی زادگان چگونه از عذاب جهنم فرار خواهید کرد!**  
**لهذا الحال انبياء و حکماء و کاتبان نزد شما میفرستم و**  
**بعضی را خواهید کشت و به دار خواهید کشید!!! و بعضی**  
**را در کنایس خود تا زیانه زده از شهر بشهر خواهید راند**  
**!!! تا همه خونهای صادقان که بوزمین ریخته از خون**  
**هابیل صدیق تا خون زکویا ابن برحیاه که او را در میان**  
**هیکل و مذبح کشتید! هر آینه بشما میگویم: که این همه**  
**بر این طایفه خواهد آمد! ای اورشلیم: اورشلیم قاتل انبیاء**  
**و سنگسار کننده مرسلان خود! چند مرتبه خواستم فرزندان**  
**تو را جمع کنم مثل مرغی که جوجه های خود را زیر بال**  
**خود جمع میکند و نخواستی! اینک خانه شما برای شما**  
**ویران گذارده میشود! زیرا بشما میگویم: از این پس مرا**  
**نخواهید دید تا بگوئید: مبارک است! او بنام خداوند میآید!**  
 (از کتاب مقدس عهد جدید: انجیل متی تمامی باب بیست و سیم)  
**و هنگامیکه او در موضعی دعا میکرد چون فارغ شد!**  
**یکی از شاگردانش بوی! گفت: خداوند! دعا کردن را**  
**بما تعلیم نما! چنانکه بحیی شاگردان خود را پیاموخت!**  
**بدیشان گفت: هر گاه دعا بکنید گوئید: ای پدر ما که در**

آسمانی! نام تو مقدس باد! ملکوت تو بیاید! اراده تو چنانکه در آسمان است! در زمین نیز کرده شود! نان کفاف ما روز بروز بماده؛ و گناهان ما را ببخش زیرا که ما نیز هر قدر ضد خود را می بخشیم! و ما را در آزمایش می آور! بلکه ما را از شریر هائی بده؛ و بدیشان گفت: کیست از شما که دوستی داشته باشد؛ و نصف شب نزد وی آمده بگوید: ای دوست سه قرص نان قرص بده؛ چونکه یکی از دوستان من از سفر بر من وارد شده و چیزی ندارم که پیش او گذارم؛ پس او را از اندرون در جواب بگوید: مرا زحمت مده زیرا که الان در بسته است؛ و بچه های من در درخت خواب با من خفته اند!!! نمیتوانم برخاستم تا بتو نان بدهم؛ بشما میگویم: هر چند بعلت دوستی برخیزد تا بدونان بدهد؛ لیکن بجهت لجالت خواهد برخاست و هر آنچه حاجت دارد بدو خواهد داد؛ و من بشما میگویم: سؤال کنید که بشما داده خواهد شد؛ بطلبید که خواهید یافت؛ بگویند: که برای شما در باز کرده خواهد شد! و او را هر که سؤال کند یابد و هر که بطلبد خواهد یافت!!! و هر که بگوید: برای او باز

کرده خواهد شد! و کیست از شما که پدر باشد و پسرش از اوانان خواهد بد و سنگی بدهد! یا اگر ماهی بعوض ماهی ماری بدو بخشد! یا اگر تخم مرغی بخواد عقرب بدو عطاء کند پس اگر شما! با آنکه شریر هستید! میدانید چیزهای نیکورابه اولاد خود باید داد! چند مرتبه زیاده تر پدر آسمانی شما روح القدس را خواهد داد بهر که از او سؤال کند! و دیوی را که گنگ بود بیرون میکرد! و چون دیو بیرون شد گنگ گویا گردید و مردم تعجب نمودند! لیکن بعضی از ایشان گفتند: که دیوها را بیاری بعزبول رئیس دیوها بیرون میکند! و دیگران از روی امتحان آیتی آسمانی از او طلب نمودند پس او خیالات ایشان را درک کرده بدیشان گفت: هر ممکنی که برخلاف خود منقسم شود تباه گردد! و خانه که برخانه منقسم شود منهدم گردد! پس شیطان نیز اگر بصد خود منقسم شود سلطنت او چگونه پایدار بماند زیرا که میگویند: من به اعانت بعزبول دیوها را بیرون میکنم! پس اگر من دیوها را بوساطت بعزبول بیرون میکنم!!! پس ران

شما بوساطت چه کسی آنها را بیرون میکنند! از این لیکن هرگاه به !جهت ایشان داوران بر شما خواهد بود به انگشت خدا دیوها را بیرون میکنم! هرآینه ملکوت وقتیکه مرد زور آور !خدا ناگهان بر شما آمده است سلاح پوشیده! خانه خود را نگاه دارد اموال او محفوظ اما چون شخصی زور آور تراز او آید! بر او غلبه یافته !میباشد همه اسلحه او را که بدان اعتماد میداشت از او میگیرد و کسیکه بامن نیست برخلاف من ! اموال او را تقسیم میکند است! و آن کسیکه بامن جمع نمیکند پراکنده میسازد! چون روح پلید از انسان بیرون آید!!! !بمکانهای بی آب بطلب آرامی گردش میکند! و چون نیافت میگوید: بخانه خود که پس چون آید آن را جاروب ! از آن بیرون آدم برمی گردم !! آنگاه میرود و هفت روح ! کرده شده و آراسته می بیند دیگر شریرتر از خود برداشته داخل شده در آنجا ساکن می گردد! و او آخر آن شخص از او ائتش بدتر میشود! چون او این سخن را میگفت: زنی از آن میان باوا از بندوی را گفت: خوشا و پستانیکه مکیدی را بحال آن رحمی که تو را حمل کرد!

لیکن او گفت: بلکه خوشابحال آنائیکه کلام خدارامی شنوند و آن را حفظ می کنند!!! و هنگامیکه مردم بر او ازدحام می نمودند سخن گفتن را آغاز کرد! که اینان فرقه شیرینند! که آیتی طلب میکنند! و آیتی بدیشان عطاء نخواهد شد جز آیت یونس نبی! ریرا چنانکه یونس برای اهل نینوی روایت شد! همچنین پسرانسان نیز برای این فرقه خواهد بود!!! ملکه جنوب در روزداوری با مردم این فرقه برخاسته برایشان حکم خواهد کرد! زیرا که از اقصای زمین آمده تا حکمیت سلیمان را بشنود! و اینک در اینجاکسی بزرگتر از سلیمان است! مردم نینوی در روزداوری با این طبقه برخاسته برای ایشان حکم خواهد کرد! زیرا که بموعظه یونس توبه کردند! و اینک در اینجاکسی بزرگتر از یونس است! و هیچ کس چراغی نمی افروزد تا آن را! در پنهانی یازیر پیمانه بگذارد؛ بلکه بر چراغدان تاهرکه داخل شود روشنی را ببیند! چراغ بدن چشم است پس مادامیکه چشم تو بسیط است تمامی جسدت نیز روشن است ولیکن اگر فاسد باشد جسدت نیز تاریک بود! پس باحذر

باش مبادا نوری که درتواست ظلمت باشد بنابوین هر گاه تمامی جسم توروشن باشد و ذره ظلمت نداشته باشد همه اش روشن خواهد بود! مثل وقتی که چراغ بتابش خود توراروشنائی میدهد! و هنگامیکه سخن میگفت: یکی از فریسیان وعده خواست که در خانه او چاشت بخورد پس داخل شد به نشت! اما فریسی چون دید که پیش از چاشت دست نشست تعجب نمود خدا وی را گفت: همانا شما ای فریسیان بیرون پیاله و بشقاب طاهر میسازید ولی درون شما پر حرص و خبائث است!!! ای احمقان آیا او که بیرون را آفریداند درون را نیافرید؟! بلکه از آنچه دارید صدقه دهید که اینک همه چیز برای شما ظاهر خواهد گشت! و ای بر شما ای فریسیان که ده یک از نفع و سداب و سبزا میدید و از دادرسی و محبت خداوند تجاوز مینماید! اینهارا میباید بجا آورید و آنها را نیز ترک نکنید! **وای بر شما ای فویسیان که صردر کنایس و سلام در بازارها را دوست میدارید!** وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار زیرا که مانند قبرهای پنهان شده هستید!!! که مردم بر آنها راه میروند و نمیدانند! آنگاه یکی از فقهاء جواب داد گفت:

ای معلم بدین سخنان مارانیز سرزنش میکنی؟! گفت:  
 وای بر شما نیزای فقهاء زیرا که بارهای گران را بر  
 مردم مینهد و خود بر آن بارها یک انگشت خود را  
 نم یگذارید! وای بر شما زیرا که مقابر انبیاء را بناء میکنید  
 و پدران شما ایشان! و شما ایشان را کشتند! پس بکارهای  
 پدران خود شهادت میدید و از آنها راضی هستید! زیرا آنها  
 ایشان را کشتند و شما قبرهای ایشان را میسازید! از این  
 روحمت خدانیز فرموده است! که بسوی ایشان انبیاء  
 و رسولان میفرستم و بعضی از ایشان را خواهند کشت  
 بر بعضی جفا خواهند کرد! تا انتقام خون جمیع انبیاء که  
 از بنای عالم ریخته شد از این طبقه گرفته شود! از خون  
 هابیل تا خون زکریا که در میان مذبح و هیکل کشته شد  
 بلی بشما میگویم: که از این فرقه بازخواست خواهد شد!  
 وای بر شما ای فقهاء زیرا که کلید معرفت را برداشته اید  
 خود داخل نمیشوید و داخل شوندگان را هم مانع میشوید!  
 و چون او این سخنان را بدیشان میگفت: کاتبان فریسیان  
 با او بشدت در آویختند و در مطالب بسیار سؤالاتی از

او می کردند! و کمین او می بودند تا آنکه از زبا او گرفته مدعی  
 او بشوند!!! (از کتاب مقدس عهد جدید و از انجیل لوقا تمامی باب یازهم)

و بعد از آن یهوداراعیدی بود و عیسی به اورشلیم آمد  
 و در اورشلیم نزد باب الضان حوضی است که آن را  
 بعبرانی بیت حسدا میگویند: که پنج رواق دارد! و در  
 و در آنجا جمعی کثیر از مریضان و کوران و لنکان و جواب  
 ده منتظر حرکت آب می بودند! و در آنجا مردی بود که  
 سی و هشت سال بمرضی مبتلا بود! چون عیسی او را  
 خوابیده دید و دانست که مرض او طول کشیده است  
 بدو گفت: آیا میخواهی شفایابی! مریض او را جواب داد  
 که ای آقا کسی ندارم که چون آب بحرکت آید مرا در حوض  
 بیندازد! بلکه تا وقتیکه میآیم دیگری پیش از من فرورفت  
 است! عیسی بدو گفت: برخیز و بستر خود را برداشته روانه شو  
 ! که در حال که آن مرد شفایافت و بستر خود را برداشته روانه  
 گوید و آن روز سبت بود! پس یهودیان بآن کسیکه شفایافته  
 بود گفتند: روز سبت است و بر تورا نیست که بستر خود را بر  
 داری! او در جواب ایشان گفت: آن کسیکه مرا شفا داد همان

بمن گفت: بستر خود را بردار و برو! پس از او پرسیدند  
 کیست؟! آن کسیکه بتو گفت: بستر خود را بردار و برو  
 ؟! لیکن آن که شفایافته نمی‌دانست چه کسی بود! زیرا که  
 عیسی ناپدید شده بود!!! چون در آنجا زدهات می‌بود!  
 و بعد از آن عیسی او را در هیکل یافته بدو گفت: اکنون  
 شفلیافته دیگر خطاء مکن تا برای تو بدتر نگردد! آن  
 مرد رفت یهودیان را خبر داد آن کسیکه مرا شفا داد  
 عیسی است! و از این سبب یهودیان به عیسی تعدی  
 میکردند! زیرا که اینکار را در روز سبت کرده بود! عیسی  
 در جواب ایشان گفت: که پدر من تا کنون کار میکند!! و  
 من نیز کار میکنم! پس از این سبب یهودیان بیشتر قصد  
 قتل او کردند!!! زیرا که نه تنها سبت را می شکست بلکه  
 خداوند را نیز پدر خود گفته!!! خود را مساوی خداوند  
 میساخت!!! آنگاه عیسی در جواب ایشان گفت: آمین  
 آمین بشما میگویم: پسر از خود هیچ نمیتوان کرد!!!  
 مگر آنچه بیند که پدر بعمل آورد! زیرا که آنچه او میکند  
 او همچنین پسر نیز میکند! زیرا که پدر و پسر را دوست

میدارا! و هر آنچه خود میکند بدو مینماید! و اعمال بزرگتر از این بدونشان خواهد داد تا شمتا تعجب نمائید! زیرا که همچنانکه پدر مردگان را برمیخیزاند و زنده میکند!!!  
 همچنین پسر نیز هر کسی را که میخواهد زنده میکند! زیرا که پدر بر هیچکس داوری نمیکند!!! بلکه داوری را به پسر سپرده است تا آنکه همه پسر را حرمت بدارد! همچنانکه پدر را حرمت میدارند و کسیکه به پسر حرمت نکند! به پدری که او را فرستاده احترام نکرده است!  
 آمین آمین بشما میگویم: هر کسی که کلام مرا بشنود و بفرستنده من ایمان آورد حیات جاودانی دارد! و داوری نماید بلکه از موت تا بحیات منتقل گشته است! آمین آمین بشما میگویم: که ساعتی مآید بلکه اکنون است!!! که مردگان آواز پسر خدا را میشنوند! و مردها بشنود زنده گردد!!! زیرا که همچنانکه پدر در خود حیات دارد!!!  
 همچنین پسر نیز عطاء کرده است که در خود حیات داشته باشد!!! و بدو قدرت بخشیده است که داوری بکند زیرا که پسر انسان است!!! و از این تعجب مکنید

زیرا که ساعتی میآید آن جمیع کسانی که در قبور میباشند  
 !آواز او را خواهند شنید! و بیرون خواهند آمد هر کسی که  
 اعمال نیکو کرد! برای قیامت حیات و هر کسی که اعمال  
 بد کرد بجهت قیامت داوری! من از خود هیچ نمیتوانم  
 کرد بلکه چنانکه شنیده ام داوری میکنم!!! و داوری  
 من عادل است زیرا که اراده خود را طلب نیستم! بلکه  
 بلکه اراده پدری که مرا فرستاده است! و اگر من بر خود  
 بر خود شهادت دهم! شهادت من راست نیست دیگری  
 هست که بر من شهادت میدهد و میدانم شهادتی که او  
 بر من میدهد راست است! شمارانزدیحیی فرستاد او او  
 بر راستی شهادت داد!!! اما من شهادت انسان را قبول  
 نمیکنم! ولیکن این سخنان را میگویم: تا شما نجات  
 یابید! او چراغ افروخته و درخشان بود و شما خواستید که  
 ساعتی بنور او شادی کنید! و اما من شهادت بزرگتر از یحیی  
 دارم زیرا که آن کارهایی که پدر بمن عطاء کرد تا کامل  
 کنم!!! یعنی این کارهایی که من میکنم!!! بر من شهادت  
 میدهد که پدر مرا فرستاده است!!! و خود پدر که فرستاده

بمن شهادت داده است! که هرگز آواز او را نشنیده و صورت او را ندیده اید! و کلام او را در خود ثابت ندارید زیرا که کسی را که پدر فوستاده بدو ایمان نیاوردید! کتب را تفتش کنید زیرا که شما گمان میبرید که در آنها حیات جاودانی دارید! و آنهاست که بمن شهادت میدهند و نمیخواهند نزد من آید تا حیات یابید!!! جلال را از مردم نمیپذیرم!!! ولیکن شمارا میشناسم که در نفس خود محبت خدا را ندارید!!! من باسم پدر خود آمده ام و مرا قبول نمیکنید! ولی هرگاه دیگری باسم خود آید او را قبول خواهید کرد! شما چگونه میتوانید ایمان آورید و حال آنکه جلال از دیگر میطلبید!!! و جلالی را که از خدای واحد است طالب نیستید! کمان میبرید که من نزد پدر بر شما ادّعاء خواهم کرد؟! کسی هست که مدّعی شما میباشد و آن موسی است! که بر او امیدوار هستید!!! زیرا که اگر موسی را تصدیق میکردید مرا نیز تصدیق میکردید! چونکه او در او دربارۀ من نوشته است! اما چون نوشته های او را تصدیق نمیکنید! پس چگونه سخنان مرا قبول خواهید کرد!!!

(از کتاب مقدّس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب پنجم)

پس شش روز قبل از عید فصح عیسی بیت عنیا آمد  
**همان جائیکه ایلعارز مرده را از مردگن بر خیزانیده**  
 بود! و برای او در آنجا شام حاضر کردند و مریا خدمت میکرد  
 و ایلعارز یکی از مجلسیان با او بود! آنکاه مریم رطلی  
 از عطر سنبل خالص گرنبها گرفته پایهای عیسی را  
 تدهین کرد!!! و پلپهای او را از مویهای خود خشکانید  
 چنانکه خانه از بوی عطر پر شد! یکی از شاگردان او  
 یعنی یهودای اسخریوطی پسر شمعون که تسلیم کننده  
 وی بود گفت: برای چه این عطر بسیصد دینار فروخته  
 نشد؟ تا به فقراء داده شود؟! و این رانه از آن رو گفت:  
 که پروای فقراء میداشت! از آن رو که دزد بود و خریطه  
 در حواله او از آنچه در آن انداخته میشد بر میداشت! عیسی  
 گفت: او را و اگذار زیراکه بجهة روز تکفین من این را  
 نگاه داشته است! زیرا که فقراء همیشه باشما میباشد  
 ! اما من همه وقت باشما نیستم!!! پس جمعی کثیر از  
 یهود چون دانستند که عیسی در آنجا است آمدند! نه  
 برای وبس بلکه تا ایلعارز را نیز که از!!! مردگانش

برخیزانیده بود به بینند! آنگاه رؤسای گهته شهری کردند که ایلعازر را نیز بکشتند!!! زیرا که بسیاری از ازیهود بسبب او میرفتند و بعیسی ایمان می آوردند! فردای آن روز چون گوه بسیاری که برای عید آمده بودند شنیدند که عیسی به اورشلیم می آید!!! شاخه های نخل را گرفته به استقبال او بیرون آمدند! و ندا میکردند هوشعانا مبارک باد پادشاه اسرائیل که به اسم خداوند می آید! **وعیسی کره الاغی یافته بر آن سوار شد چنانکه مکتوب است! که ای دختر صهیون مترس اینک پادشاه تو سوار بر کره الاغ می آید!!!** شاگردانش اولاً این چیزها را نفهمیدند لکن چون عیسی جلال یافت آنگاه بخاطر آورد که چیزها در باره او مکتوب است و همچنان با او گروهی بودند! و گروهی که با او بودند شهادت دادند که ایلعازر را از قبر خوانده او را از مردگان برخیزانیده است! و بجهة همین نیز آن گروه او را استقبال کردند!!! زیرا که شنیده بودند که آن معجزه نموده بود! فریسیان بیکدیگر گفتند: نمی بینید که هیچ نفع نمیرید اینک تمام

عالم از پی اورفته ان! واز آن کسانیکه در عید بجهت  
 عبادت بودند بعضی یونانی بودن! ایشان نزد فیلیپس  
 که از بیت صیدای جلیل بود آمدند سوال کرده گفتند:  
 ای آقامیخواهیم عیسی را به بینیم!!! فیلیپس آمدوبه  
 اندریاس گفت: واندریاس وفیلیپس به عیسی گفتند: عیسی  
 در جواب ایشان گفت: ساعتی رسیده است که پسرانسان  
 جلال یابد! آمین آمین بشما میگویم: اگر دانه گندم که  
 در زمین میافتد نمیرد! تنهاماندلیکن اگر بمیرد ثمر بسیار  
 آورد! کسیکه جان خود را دوست دارد آن راهلای کند  
 ! و هر کسیکه در اینجهان جان خود را دشمن دارد تاحیات  
 جاودانی آن رانگاه خواهد داشت! اگر کسی مرا خدمت  
 کند مرا پیروی بکند و جائیکه من میباشم! آنجا خادم من  
 نیز خواهد بود و هر کسیکه مرا خدمت کند پدر او را خدمت  
 خواهد داشت! الآن جان من مضطرب است و چه بگویم:  
 ای پدر مرا از این ساعت رستگار کن لکن بجهت همین امر  
 تا این ساعت رسیده ام!!! ای پدر اسم خود را جلال!!!  
 ناگاه صدائی از آسمان در رسید که جلال دادم!!! و باز

جلال خواهم داد!!! پس گروهی که حاضر بودند این را شنیده گفتند: رعد شد و دیگران گفتند: فرشته با او تکلم کرد! عیسی در جواب گفت: این صدا از برای من نیامد بلکه بجهة شما! الحال دآوری این جهان است و الان رئیس این جهان بیرون افکنده می شود! و من اگر از زمین بلند کرده شوم همه را بسوی خود خواهم کشید! و این را گفت: کنایه از قسم موت که میبایست بمیرد! پس همه با جواب دادند! **ما از تورات شنیده ایم که مسیح تا ابد باقی میماند!** پس چگونه تومیگویی که پسرانسان باید بالا کشیده شود کیست این پسرانسان آنگاه عیسی بدیشان گفت: اندک زمانی نور باشماست پس مادامیکه نور باشماست راه بروید تا ظلمت شما را فرو نگرد و کسیکه در تاریکی راه میرود نمیداند بجا میرود!!! مادامیکه نور باشماست به نور ایمان آورید تا پسران نور گردد!!! عیسی چون این را بگفت: رفته خود را از ایشان مخفی ساخت!!! و با اینکه پیش روی ایشان چنین معجزات بسیار نموده ایمان نیاوردند!!!

تاکلامیکه اشعیاء نبی گفت: به اتمام رسید! ای خداوند کیست که خبر ما را باور کرد و بازوی خداوند به چه کسی آشکار گردید! و از آن جهت نتوانستند ایمان آورد زیرا که اشعیاء نیز گفت: چشمان ایشان را کور کرد و دل‌های ایشان را سخت ساخت!!! تا چشمان خود نه بینند و بدل‌های خود نفهمند و برنگردند تا ایشان را شفاء ده دو! این کلام اشعیاء گفت: وقتی که جلال او را دید و در باره او تکلم کرد! لکن با وجود این بسیار از سرداران نیز بدو ایمان آوردند اما بسبب فریسیان اقرار نکردند که مبادا از کنیسه بیرون شوند!!! زیرا که جلال خلق را بیشتر از جلال خدا دوست می‌داشتند!!! آنگاه عیسی ندا کرده گفت: آنکه بمن ایمان آورد نه!!! بمن بلکه مرا فرستاده است ایمان آورده است! و کسیکه مرا دید فرستنده مرا دیده است!!! من نوری در جهان آمدم!!! برای هر کسی که بمن ایمان آورد در ظلمت نماند!!! و اگر کسی کلام مرا شنید! و ایمان نیاورد من بر او داوری نمی‌کنم!!! زیرا که نیامده ام تا جهان را داوری کنم بلکه

تاجهان رانجات بخشم! هر کسیکه مرا حقیر شمارد و کلام مرا قبول نکند کسی هست که در حق او داوری کند! همان کلامیکه گفتم در روز بازپسین بر او!!! داوری خواهد کرد! زانرو که من از خود نگفتم: لکن پدریکه مرا فرستاده بمن فرمان داد که چه بگویم: و بچه چیزی تکلم کنم!!! و میدانم که فرمان او حیات جاوید نیست پس آنچه من میگویم: چنانکه پدر بمن گفته است که تکلم میکنم!!! (از کتاب مقدس عهد جدید انجیل یوحنا تمامی باب دوازدهم)

و قبل از عید فصح چون عیسی دانست که ساعت او رسیده است تا از این جهان بجانب پدر برود خاصان خود را که در این جهان محبت مینمود ایشان را تا آخر محبت نمود! **و چون شام میخوردند و ابلیس پیش از آن در دل یهودا پسر شمعون اسخریوطی نهاده بود که او را تسلیم کند! عیسی با اینکه میدانست که پدر همه چیز را بدست او داده است و از نزد خدا آمده و بجانب خدامی رود!!! از شام خواست و جامه خود را بیرون کرد و!!! دسمالی گرفته بکمر بست!!! پس آب در لگن رخته**

شروع کردبشستن پایهای شاگردان! و خشگانید آنها با دسمالی که بر کمر داشت!!! پس شمعون پطرس رسید او بوی گفت: ای آقا تو پایهای مرا می‌شوئی! عیسی در جواب وی گفت: آنچه میکنم الان تو نمدانی لکن بعد خواهی فهمید! پطرس باو گفت: پایهای ما را هرگز نخواهی شست!!! عیسی او را گفت: و جواب داد که اگر تورا نشویم تورا با من نصیبی نیست!!! شمعون پطرس بدو گفت: ای آقانه پایهای مرا!!! و پس بلکه دستها و سر مرا نیز!!! عیسی بدو گفت: کسیکه غسل یافت محتاج نیست مگر بشستن پایها بلکه تما او پاک است و شما پاک هستید نه همه! زیرا که تسلیم کننده خود را مدانست!!! و از این جهة گفت: همگی شما پاک نیستید! و چون پایهای ایشان را شست رخت خود را گرفته!!! باز بنشست و بدیشان گفت: آیا فهمیدید آنچه بشما کردم! شما مرا استاد و آقا میخوانید و خوب میگوئید: زیرا که چنین هستم!!! پس اگر من که آقا و معلم هستم پایهای شما را شستم! بر شما نیز واجب است که پایهای

یکدیگر را بشوید! زیرا بشمانمونه دادم تاچنانکه من  
 باشما کردم شما نیز بکنید!!! آمین آمین بشمامیگویم:  
 غلام بزرگتر از آقای خود نبوده نیست و نه رسول  
 از فرستنده خود هرگاه این رادانستید خوشحال شما  
 شما اگر آن را بعمل آورید! درباره جمیع شما میگویم  
 :من آنانی را که برگزیده ام میشناسم لیکن تا کتاب  
 تمام شود! آنکه بامن نان میخورد پاشنه خود را بر من  
 بلند کرده است!!! الان قبل از وقوع بشما میگویم: تا  
 زمانیکه واقع شود باور کنید که من هستم! آمین آمین  
 بشما میگویم: هر که قبول کند کسی را که میفوستم  
 مراقبول کرده! و آنکه مراقبول کند فرستنده مراقبول  
 کرده باشد! چون عیسی این را گفت: در روح مضطرب  
 گشت و شهادت داده گفت: آمین آمین بشما میگویم:  
 که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد! پس شاگردان  
 بیکدیگر نگاه میکردند و حیران میبودند!!! که این را در  
 باره کسی میگوید: ویکی از شاگردان او بود! که بسینه  
 عیسی تکیه میزد او را محبت مینود!!! شمعون پطرس

بدو اشاره میکرده که پرسد در باره چه کسی این را گفت:  
 پس او در آغوش عیسی افتاده بدو گفت: خداوند اقدام  
 است! عیسی جواب داد آن است که بامن لقمه رافرو  
 برده بدو میدهم پس لقمه رافرو برده بیهودا اسخریوطی  
 پسر شمعون داد! بعد از لقمه شیطان در او داخل گشت  
 آنگاه عیسی وی را گفت: آنچه میکنی بزودی بکن!  
 اما این سخن را احدی از مجلسیان نفهمید که برای چه  
 بدو گفت: زیرا که بعضی گمان بردند که چون خریطه  
 نزد یهودا بود عیسی وی را گفت: تا ما یحتاج عید را بخرد  
 یا آنکه چیزی بفقرا بدهد!!! پس او لقمه را گرفته در  
 ساعت بیرون رفت شب بود چون بیرون رفت عیسی  
 گفت: الآن پسر انسان جلال یافت و خدا در او جلال یافت  
 و اگر خدا در او جلال یافت هر آینه خدا در خود جلال  
 او را در خود جلال خواهد داد؛ و بزودی او را جلال خواهد  
 داد!!! ای فرزندان اندک زمانی دیگر با شما هستم و مرا  
 طلب خواهید کرد!!! و همچنانیکه بیهودا کفتم: جائیکه  
 میروم شما نمیتوانید آمد! الآن نیز به شما میگویم: حکمی

تازه می‌دهم که یکدیگر را محبت نمایند چنانکه!!! من شمار محبت نمودم تا شما نیز یکدیگر را محبت نمایید!!! بهمین همه خواهند فهمید که شاگردان من هستید اگر محبت یکدیگر را داشته باشید!!! شمعون پطرس بوی گفت: ای آقا کجا می‌روی؟! عیسی جواب داد جاییکه می‌روم الآن نمیتوانی از عقب من بیایی و لکن در آخر عقب من خواهی آمد!!! پطرس بدو گفت: ای آقا برای چه الآن نمیتوانیم از عقب تو بیایم؟! جان خود را در راه تو خواهیم نهاد! عیسی با جواب داد آیا جان خود را در راه من می‌دهی؟! آمین امین بتو می‌گوییم: تا سه مرتبه مرا انکار کرده باشی خروس بانگ نخواهد زد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب سیزدهم)

دل شما مضطرب نشود بخدا ایمان آورید بمن نیز ایمان آورید! در خانه پدر من منزل بسیار است و الا بشمام می‌گفتم: می‌روم تا برای شما مکانی حاضر کنم! و اگر بروم و از برای شما مکانی حاضر کنم باز می‌آیم و شما را برداشته بل خود خواهم برد تا جاییکه من می‌باشم شما نیز باشید

!وجائیکه من میروم میدانیدوراه رامیدانید!توما بدو  
 گفت: ای آقائیدانیم کجا میروی پس چگونه راه را  
 توانیم دانست! عیسی بدوگفت: من راه وراستی و حیات  
 هستم! هیچ کس نزد پدر جز بوسیله من نمیآید! اگر مرا  
 نیز میشناختید و بعد از این اورا میشناسید و اورا دیده اید  
 !! فلپس بوی گفت: ای آقا پدر را بمانشان ده که مارا  
 کافیت! عیسی بدوگفت: ای فلپس در این مدت باشما  
 بوده ام آیام را شناخته کسیکه مرا دید پدر را دیده است  
 !پس چگونه تو میگوئی پدر را بمانشان ده!!! **آیا باور**  
**نمیکنی که من در پدر هستم و پدر در من است!** سخنهائیکه  
 من بشما میگویم: از خود نمی گویم: **اکنون پدریکه در**  
**من ساکن است او این اعمال را میکند!** مرا تصدیق  
 کنید که من در پدر هستم و پدر در من است! **والأمر** بسبب  
 آن اعمال تصدیق کنید! آمین آمین بشما میگویم: هر  
 کسیکه بمن ایمان آورد!!! کارهای راکه من میکنم او  
 نیز خواهد کرد!!! و بزرگتر از اینها نیز خواهد کود زیرا که  
 من نزد پدر میروم!!! گفت: هر چیز راکه باسم من سوءال

کنید بجا خواهم آورد تا پدر در پسر جلال یابد! اگر چیزی به اسم من طلب کنید من آن را بجا خواهم آورد! اگر مرادوست دارید احکام مرا نگاه دارید! و از پدر سوءال میکنم؟! **و تسلی دهندۀ دیگر بشما عطاء خواهد کرد!** تا همیشه باشما بماند! یعنی روح راستی که جهان نمیتواند او را قبول کند! زیرا که او رانمی بیند و نمیسناسند! و امّا شما و او را میشناسید زیرا باشما میماند و در شما خواهد بود! شمار ایتیم نمیگذارم نزد شما میآیم!! بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمیبیند! و امّا شما مرا می بینید و از این جهت که من زنده ام شما هم خواهید و از این زیست! و دیگر آن روز شما خواهید **دانست که من در پدر هستم! و شما در من! و من در شما!** هر کسی که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند آن است که مرا محبت می نمود و آن کسی که مرا محبت مینماید پدر من او را محبت خواهد نمود!!! و من او را محبت خواهم نمود و خود را به او ظاهر خواهم ساخت! یهودا آن اسخریوطی بوی گفت: ای آقا چگونه میخواهی خود را بمانمائی و نه بر جهان

!عیسی در جواب او گفت: اگر کسی مرا محبت نماید کلام  
 مرا نگه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد نمود!  
 و بسوی او آمده نزد وی مسکن خواهیم کرد!!! و آن  
 کسیکه مرا محبت نماید کلام مرا حفظ نمیکند و کلامیکه  
 میشنوید از من نیست! بلکه از پدریست که مرا فرستاده  
 این سخنان را بشما گفتم: و قتیکه باشما بودم!!! **لیکن**  
**تسلّی دهنده یعنی روح القدس که پدر اورا به اسم من**  
**میفرستد!** او همه چیز را بشما تعلیم خواهد داد! و آنچه  
 بشما گفتم: بیاد شما خواهد آورد! سلامتی برای شما می  
 گذارم سلامتی خود را بشما میدهم! نه چنانکه جهان  
 میدهد من بشما میدهم!!! دل شما مضطرب و هراسان  
 نباشد! شنیده اید که من بشما گفتم: میروم و نزد شما  
 می آیم اگر مرا محبت مینمودید خوشحال میگشتید!  
 که گفتم: نزد پدر میروم زیرا که پدر بزرگتر از من است!  
 و الآن قبل از وقوع بشما!!! گفتم: تا قتیکه واقع گودد  
 ایمان آوری! بعد از این بسیار باشما نخواهم گفت: **زیرا که**  
**رهبر و رئیس این جهان می آید!** و در من چیزی ندارد!!!

لیکن تاجهان بدانکه پدر را محبت مینمایم!!! چنانکه  
پدر بمن حکم کرده مانند پدرم میکنم برخیز از اینجا برویم!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب چهاردهم)

من تاک حقیقی هستم و پدر من باغبان است!!! هر شاخه  
در من که میوه نیاورد آن را دور میسازد! و هر چه میوه  
آورد آن را نلک میکند تا بیشتر میوه آورد! الحال شما  
بسبب کلامیکه بشما گفته ام نلک هستید!!! در من بمانید  
و من در شما!!! همچنانکه شاخه از خود نمیتواند میوه  
آورد! اگر در تاک نماند! من تاک هستم و شما شاخه!!!  
آنکه در من میماند من در او میوه بسیار میآورد! زیرا که  
جدا از من هیچ نمیتوانید کرد! اگر کسی در من نماند مثل  
شاخه بیرون انداخته میشود! و میخشکد و آنها را جمع کرده  
در آتش می اندازند و سوخته میشود! اگر در من بمانید  
و کلام من در شما بماند آنچه خواهید بطلبید!!! که برای  
برای شما خواهد شد! جلال پدر من آشکار میشود! باینکه  
میوه بسیار بیاورد!!! و شاگرد من بشود همچنانکه  
پدر مرا محبت نمود!!! من نیز شما را نیز شما را محبت  
نمودم! در محبت من بمانید!!! اگر احکام مرا نگاه دارید

در محبت من خواهی دماند! چنانکه من احکام پدر خود  
 را نگاه داشته ام و در محبت او میمانم!!! این را بشما  
 گفتم: تلخوشی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد  
 !!! این است حکم من که یکدیگر را محبت نمائید!!!  
 همچنانکه شمارا محبت نمودم!!! کسی بزرگتر از این  
 ندارد که جان خود را بجهة و دستان خود بدهد!!! شما  
 دوست من هستید اگر آنچه بشما حکم میکنم بجا آورید!  
 دیگر شمارا بنده نمیخوانم زیرا که بنده آنچه آقايش  
 میکند نمیداند؛ لکن شمارا دوست خوانده ام زیرا که  
 هرچه از پدر شنیده ام بشما بیان کردم! شما مرا برنگزید  
 بلکه من شمارا برانگزیدم و شما را مقرر کردم! تا شما  
 بروی و میوه آورید و میوه شما بماند! تا هرچه از پدر به  
 اسم من طلب کنید بشما عطاء کند! باین چیزها را حکم  
 شمارا حکم میکنم تا یکدیگر را محبت نمائید! اگر جهان شما  
 را دشمن دارد!!! بدانید که بیشتر از شما مرا دشمن داشته  
 است!!! اگر از جهان میبودید جهان خاصان خورا دوست  
 میداشت!!! لکن چونکه از جهان نیستید بلکه من شما

را از جهان برکزیده ام! از این سبب جهان باشمادشمنی  
 میکند! بخاطر آورید کلامی را که بشما گفتم: غلام بزرگتر  
 از آقای خود نیست! اگر مرا زحمت دادند شمارانیز زحمت  
 خواهند داد!!! و اگر کلام مرا نگاه داشتید کلام شما را  
 هم نگاه خواهند داشت! لکن بجهة اسم من جمع این  
 این کارها را بشما خواهند کرد!!! زیرا که فرستنده مرا  
 نمی شناسند! اگر نیامده بودم و با ایشان تکلم نکرده  
 گناه نداشتند! و اما الآن عذری برای گناه خود ندارید  
 هر کسی که مرا دشمن دارد پدر مرا نیز دشمن دارد!!! و  
 اگر در میان ایشان کارهایی نکرده بودم!!! که غیر از من  
 کسی هرگز نکرده بود گناه نمیداشتند!!! ولیکن اکنون  
 دیدند و دشمن داشتند مرا و پدر مرا نیز!!! بلکه تا تمام  
 شود کلامیکه در شریعت ایشان مکتوب است! که مرا بی  
 سبب دشمن داشتند!!! لیکن چون تسلی دهنده که او را  
 جانب پدر نزد شما میفرستم آید!!! یعنی روح راستی که  
 از پدر صادر میگردد!!! او بر من شهادت خواهد داد! و شما  
 نیز شهادت خواهید داد! زیرا که از ابتداء با من بودیده اید!!!

این را بشماگفتم: تا لغزش نخورید! شمارا از کنایس بیرون خواهند نمود! بلکه ساعتی می آید که هر کسی که شمارا بکشد گمان میبرد که خدا را خدمت میکند! و تا اینکه باشما نخواهند کرد بجهت آنکه نه پدر را شناخته اند و نه مرا! لیکن این را بشماگفتم: تا وقتی که ساعت میآید بخاطر آورید که من بشماگفتم: و این را از اول بشمانگفتم: زیرا که باشما بودم! اما الان نزد فرستنده خود میروم و کسی از شما از من نمیپرسد بکجا میروی! ولیکن این را بشما گفتم: دل شما از غم پر شده است! و من بشما راست میگویم: که رفتن من برای شما مفید است!!! زیرا که اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد اما اگر بروم اورا نزد شما میفرستم! و چون او آید جهان را برگناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود! اما برگناه زیرا که بمن ایمان نمی آورند!!! و اما بر عدالت از آن سبب که نزد پدر خود میروم و دیگر مرا نخواهید دید!!! و اما برداوری از آن رو که برئیس ایجهان حکم شده است! بسوی بسیاری از چیزهای دیگر نیز دارم بشما بگویم:

لکن الآن طاقت تحمل آنها را ندارم! **ولیکن چون او**  
**یعنی روح راستی می آید شما را بجمیع راستی هدایت**  
**خواهد کرد! زیرا که از خود تکلم نمیکنند بلکه آنچه شنیده**  
**است سخن خواهد گفت: و از امور آینده بشما خبر خواهد**  
**داد! او مرا جلال خواهد داد! زیرا که آنچه از آن من است**  
**خواهد گرفت و بشما خبر خواهد داد! هر چه از آن پدر**  
**است از آن من است از این جهت گفتم: که از آنچه از**  
**آن من است میگیرد و بشما خبر خواهد داد! بعد از اندکی**  
**مرا خواهید دید و بعد از اندکی باز مرا خواهید دید زیرا که**  
**نزد پدر میروم! آنگاه بعضی از شاگردانش بیکدیگر گفتند:**  
**چه چیزی است اینک بما میگوید: که اندکی مرا خواهید**  
**دید و بعد از اندکی باز مرا خواهید دید و زیرا که نزد پدر**  
**میروم! پس گفتند: چه چیزی است این اندکی که میگوید:**  
**نمیدانیم چه میگوید: عیسی دانست که میخواهند از**  
**او سؤال کنند بدیشان گفت: آیا در میان خود از این سؤال را**  
**میکنید که گفتم: اندکی دیگر مرا خواهید دید پس بعد از**  
**اندکی باز مرا خواهید دید!!! آمین آمین بشما میگویم:**

که شماگریه وزاری خواهید کرد و جهان شادی خواهد نمود شما محزون می شوید لکن حزن شما بخوشی مبدل خواهد شد! زن در حین زائیدن محزون می شود زیرا که ساعت او رسیده است ولیکن چون طفل را زائیده آن زحمت را دیگر بیاد نمی آورد! بسبب خوشی از اینکه انسانی در جهان تولد یافته!! پس شما همچنین الان محزون می باشید! لکن باز شما را خواهم دید و دل شما خوش خواهد گشت و هیچ کسی آن خوشی را از شما نخواهد گرفت! و در آن روز چیزی از من سؤال نخواهد کرد!!! آمین آمین بشما میگویم: که هر آنچه از پدر به اسم من طلب کنید بشما عطاء خواهد شد! تاکنون به اسم من چیزی طلب نکردید بطلبید تا بیابید و خوشی شما کامل گردد! این چیزها را بمثلها بشما گفتم: لکن ساعتی میآید که دیگر به مثلها بشما حرف نمی‌زنم بلکه از پدر بشما آشکارا خبر خواهم داد!!! آن را به اسم من طلب خواهید کرد!!! بشما نمیگویم: که من بجهت شما از پدر سؤال میکنم!!! زیرا که خود پدر شما را دوست میدارد

**!چونکه شما مرا دوست داشتید!!! وایمان آوردید که  
 بلززد خدا بیرون آمده ام! و در جهان وارید شدم و باز  
 جهان را گذارده نزد پدر میروم! شاکردانش بدو گفتند:  
 هان اکنون علانیه سخن میگوئی و هیچ مثلی نمیگوئی  
 :الآن دانستیم که همه چیز را میدانی و لازم نیست که  
 کس از تو بپرسد بدین جهت باور میکنیم که از خدا بیرون  
 آمدی! پس عیسی به ایشان جواب داد آیا الآن باور  
 میکنید؟! اینک ساعتی میآید بلکه الآن آمده است! که  
 متفرق خواهید شد هر یکی بنزد خاصان خود و مرا تنها  
 خواهید گذارد!!! اینک تنها نیستم زیرا که پدر با من است  
 بدین چیزها بشما تکلم کردم!!! تا در من سلامتی داشته  
 باشید! در جهان برای شما رحمت خواهد شد و لکن خاطر  
 جمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده ام!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب شانزدهم)

**عیسی چون این را گفت: چشمان خود را بطرف بلند کرد  
 گفت: ای پدر ساعت رسیده است!!! پسر خود را جلال بده  
 تا پسرت نیز تورا جلال بدهد! همچنانکه او را بر هر بشری  
 قدرت داده به آنها حیات جاودانی بخشید و!!! آسمان**

وحیات جاودانی این است! که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسند! من بر روی زمین تو را جلال دادم!!! و کاری را که بمن سپردی تا بکنم بکمال رسانیدم! الآن تو ای پدر مرا در نزد خود جلال بده! بهمان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم!!! اسم تو را به آن مردمانیکه از جهان بمن عطاء کردی ساختم! از آن تو بودی و ایشان را بمن دادی و کلام تو را نگاه داشتند! و الآن دانستند آنچه بمن داده از نزد تو میباشند!!! زیرا کلامی را بمن سپردی بدیشان سپردم و ایشان قبول کردند!!! و از روی یقین دانستند که از نزد تو بیرون آمد! و ایمان آوردند که تو مرا فرستادی پیام آور! من بجهة اینها سؤال میکنم و برای جهان سؤال نمیکنم! بلکه بمن داده زیرا که از آن تو میباشد و آنچه از آن من است از آن تو است!!! و آنچه از آن تو است از آن من است و در آنها جلال یافته ام!!! بعد از این در جهان نیستم اما اینها در جهان هستند!!! و من نزد تو میآیم!!! ای پدر قدّوس اینها را بمن داده اسم خود نگاه

دار! تایکی باشند چنانکه ما هستیم! مادامیکه بایشان  
 ساکن در جهان بودم من ایشان را باسم تونگاه داشتم  
 !وهرکسی را که بمن داده حفظ نمودم! که یکی از ایشان  
 نابود هلاک نشده مگر هلاکت پسر تا کتاب تمام شود!!!  
 واما الآن نزد تو میآیم و این را در جهان میگویم: تا  
 خوشی مرا در خود کامل داشته باشند! من کلام تورا  
 بایشان دادم! و جهان ایشان را دشمن داشت! زیرا که  
 از جهان نیستند همچنانکه من از این جهان نیستم!!!  
 خواهش نمیکنم که ایشان را از این جهان ببری بلکه  
 تا ایشان را از شریرنگاه داری!!! ایشان از این جهان  
 نیستند چنانکه من از جهان نمیباشم! ایشان را برستی  
 خود تقدیس نما! کلام توراستی است همچنانکه مرا  
 در جهان فرستادی! من نیز ایشان را در جهان فرستادم  
 ! و بجهة ایشان من خود را تقدیس میکنم! تا ایشان نیز  
 در راستی تقدیس کوده شوند!!! و نه برای ایشان فقط  
 سؤال میکنم! بلکه برای آنها نیز که بوسیله کلام ایشان  
 بمن ایمان خواهند آورد!!! تا همه یک گورده چنانکه

توای پدر من هستی و من در تو! تا ایشان نیز در مایک باشند! تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستادی! و من جلالی را که بمن دادی بایشان دادم تا یک باشند چنانکه مایک هستیم!!! من در ایشان و تو در من تا یکی کامل کردند! و تا جهان بداند تو مرا فرستادی و ایشان را محبت نمودی!!! ای پدر می خواهم آنایکه بمن داده بامن باشند در جایکه من می باشم تا جلال مرا که بمن داده ببینند!!! زیرا که مرا پیش از بنای جهان محبت نمودی! ای پدر عادل جهان تو را شناخت امّا من تو را شناختم و اینها شناخته اند که تو مرا فرستادی!!! و اسم تو را بایشان شناساندم و خواهم شناسانید!!! تا آن محبتی که بمن نموده در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب هفدهم)

چون عیسی این را گفت: باشاگردان خود به آن طرف! وادی قدرون رفت و در آنجا باغی بود!!! که با شاگردان خود به آن درآمد!!! و یهودا که تسلیم کننده وی بود آن موضع را میدانست چونکه عیسی در آجا باشاگردان خود بارها انجمن مینمود!!! پس یهودا لشکریان و خادمان

از نزد رؤسای کهنه و فریسیین را برداشته با چراغها  
 و مشعلها و اسلحه به آنجا آمد! آنگاه عیسی با اینکه  
 آگاه بود از آنچه میبایست بر او واقع شود بیرون آمد  
 به ایشان گفت: چه کسی را میطلبید! به او جواب دادند  
 عیسی ناصری را!!! عیسی بدیشان گفت: من هستم  
 و یهودا که تسلیم کننده او بودند نیز با ایشان ایستاده بود  
 و بایهودیان بود!!! پس چون بدیشان گفت: من هستم  
 برگشته بر زمین افتاد!!! او باز از ایشان سؤال کرد چه  
 کسی را میطلبید؟! گفتند: عیسی ناصری را عیسی جواب  
 داد بشما گفتم: من هستم پس اگر مرا میخواهید اینها را  
 بگذارید بروند! تا آن سخنی که گفته بود تمام گردد! که  
 از آنانیکه بمن داده یکی را گم نکرده ام! آنگاه شمعون  
 پطرس شمشیری که داشت کشیده بغلام رئیس کهنه  
 که ملوک نام داشت زده گوش راستش را برید! عیسی  
 پطرس گفت: شمشیر خود را غلاف کن آیا!!! جامی را  
 پدر بمن داده است ننوشم؟! آنگاه سربازان و سرتیبان  
 و خادمان یهود عیسی را گوفته او را بستند!!! و اوّل او

را نزد حن‌پدرزن قیافاکه در همان سال رئیس گهنه بود آوردند! و قیافاهمان بود که بیهود اشاره کرده بود که بهتر است یک شخص در راه قوم بمیرد! اما شمعون پطرس و شاگردی دیگر از عقب عیسی روانه شدند! و چون آن شاگرد در نزد رئیس گهنه معروف بود به عیسی داخل خانه رئیس گهنه شد! اما پطرس بیرون در ایستاده بود! پس آن شاگرد دیگر که آشنای رئیس گهنه بود بیرون آمده با دربان گفتگو کرد و پطرس را به اندرون برد! آنگاه کنیزی که دربان بود به پطرس گفت: آیا تونیز از شاگردان این شخص نیستی؟! گفت: نیستم!!! و غلامان و خدّامان آتش افروخته ایستاده بودند! خود را گرم میکردند چون که هوا سرد بود و پطرس نیز با ایشان خود را گرم میکرد!!! پس رئیس گهنه از عیسی درباره شاگردان و تعلیم او پرسید!!! عیسی به او جواب داد که من به جهان آشکارا سخن گفته‌ام! من هر وقت در کنیسه و در هیكل جائیکه!!! همه یهودیان پیوسته جمع میشدند تعلیم میدادم و در خفا چیزی نگفته‌ام

**!چرا از من سؤال میکنی؟! از کسانیکه شنیده اند بپرس که چه چیزی بدیشان گفتم: اینک ایشان میدانند آنچه من گفتم: و چون این را گفت: یکی از خادمان که در آنجا ایستاده بود!!! طپانچه بر عیسی زده گفت: آیا بر رئیس چنین جواب میدهی؟! عیسی بدو جواب داد اگر بدگفتم: ببدی شهادت بده و اگر خوب گفتم: برای چه مرا میزنی! پس حنا او را بسته بنزد قیافا رئیس گهته فرستاد! و شمعون پطرس ایستاده خود را گرم میکرد! بعضی بدو گفتند: آیاتونیز از شاگرداونیستی؟! او انکار کرده و ترسید گفت: نیستم!!! پس یکی از رئیس گهته که آن کسی بود که پطرس گوشش را بریده بود گفت: مگر تورا با او در باغ ندیدم! پطرس باز انکار کرد که در حال خروس بانگ زد! بعد عیسی را از نزد قیافا بدیوان قیافا بدیوان خانه آوردند و صبح بود و ایشان داخل دیوان خانه نشدند مبادا نجس بشوند تا فصح را بخورد!!! پس پیلطس بنزد ایشان بیرون آمد گفت: چه دعوی برای این شخص دارید!!! در جواب او گفتند: اگر او بد کار نمی**

بود بتو تسلیم نمی‌کردیم! پیلاطس بدیشان گفت: شما او را بگیرید و موافق شریعت خود بر او حکم نمائید یهودیان بوی گفتند: بر ما جایز نیست که کسی را بکشیم! تا قول عیسی تمام گردد! که گفته بود اشاره بآن قسم موت که باید بمیرد! پس پیلاطس داخل دیوان خانه شد و عیسی را طلبیده باو گفت: آیا تو پادشاه یهود هستی؟! عیسی باو جواب داد آیا تو این را از خود می‌گویی؟! و یا دیگوان درباره من بتو گفتند؟! پیلاطس جواب داد مگر من یهود هستم؟! اَمّت تو و رؤسای کهنه تو را بمن تسلیم کردند! چه کرده؟! **عیسی جواب داد که پادشاهی من از این جهان نیست! اگر پادشاهی من از این جهان می‌بود خدام من جنگ می‌کردند تا بیهودت تسلیم نشوم! لیکن پادشاهی من از این جهان نیست!** پیلاطس به او گفت: مگر تو پادشاه هستی؟! عیسی جواب داد تو می‌گویی: که من پادشاه هستم!!! از این جهت در این جهان آمدم تا بر راستی شهادت بدهم و هر کسی که راستی است سخن مرا می‌شنود!!! پیلاطس به او گفت: راستی چیست؟؟؟!!!

و چون این را بگفت: **باز بنزد یهودیان بیرون شده بایشان گفت: من در این شخص هیچ عیبی نیافته** و قانون شما این است که در عید فصح بجهت شما یک نفر را آزاد کنم!!! پس آیا میخواهید بجهت شما پادشاه یهود را آزاد کنم؟! باز همه فریاد بر آورده گفتند: اورانی بلکه بر آبارا و بر آباد زد بود!!!

از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب هجدهم)

پس پیلطس عیسی را گرفته تازیانه زد! و لشگریان تلجی از خار بافته بر سرش گذاردند! و جامه ارغوانی بدو پوشانیدند! و میگفتند: سلام ای پادشاه یهود و طپانچه بدو میزدند!!! باز پیلطس بیرون آمده با ایشان گفت: اینک اورا نزد شما بیرون آوردم تا بدانید که در او هیچ عیبی نیافتم! آنگاه عیسی باتاجی از خار و لباس ارغوانی بیرون آمد!!! **پیلطس بدیشان گفت: اینک آن انسان!!! و چون رؤسای کهنه و خدام اورا دیدند فریاد بر آوردند گفتند: صلیبش کن صلیبش کن!!!** پیلطس بدیشان گفت: شما اورا گوفته مصلوبش سازید زیرا که من در او عیبی نیافتم!!! یهودیان بدو جواب دادند که ما شریعتی داریم

و موافق شریعت ما واجب است که بمیرد زیرا که خود را پسر خدا ساخته است! پس چون پیلطس این را شنید خوف بر او زیاده مستولی! باز داخل دیوان خانه شده به عیسی گفت: تو از کجائی؟! اما عیسی بدو هیچ جوابی نداد! پیلطس بدو گفت: آیا بمن سخن نمیگویی؟! نمیدانی که قدرت دارم تو را صلیب کنم؟! و قدرت دارم آزارت نمایم؟! عیسی جواب داد هیچ قدرت بر من نمیداشتی اگر از بالا بتو داده نمیشد! و از این جهت آن کسیکه مرا بتو تسلیم کرد گناه بزرگ تو دارد!!! و آن وقت پیلطس خواست او را آزاد نماید لکن یهودیان فریاد بر آورده میگفتند: که اگر این شخص را رها کنی دوست قیصر نیستی!!! هر کسیکه خود را پادشاه سازد برخلاف قیصر سخن میگوید: پس چون پیلطس این را شنید عیسی را بیرون آورده! بر مسند حکومت در موضعی که به بلاط و عبرانی جانا گفته میشد نشست!!! و وقت ته-وهٔ فصیح و قریب بساعت ششم بود پس یهودیان گفت: اینک پادشاه شما!!! ایشان فریاد زدند او را بردار

**پپلاطس به ایشان گفت: آیا پادشاه شمار امصلوب کنم؟! رؤسای گهته جواب دادند که غیر از قیصر پادشاهی نداریم! آنگاه اورا بدیشان تسلیم کرد تا امصلوب شود! پس عیسی را گفته بودند! و صلیب خود را برداشته بیرون رفت بموضعی که به جُمُمه مسمّی بود و عبرانی آن راجُمُنا می گفتند: اورا در آنجا صلیب نمودند! و دو نفر دیگر را از این طرف و آن طرف و عیسی را در میان! و پپلاطس تقصیرنامه نوشته بر صلیب گذارد! و نوشته این بود عیسی ناصری پادشاه یهود! و این تقصیرنامه را بسیاری از یهود خواندند! زیرا آن مکانی عیسی را صلیب کردند نزدیک شهر بود! آن را بزبان عبرانی و یونانی و لاتینی نوشته بودند! پس رؤسای گهته یهود به پپلاطس گفتند: منویس پادشاه یهود! بلکه او گفت: منم پادشاه یهود! پپلاطس جواب داد آنچه نوشتم و نوشتم!! پس لشگریان چون عیسی را صلیب کردند جامه های اورا برداشته!!! چه ارقسمت کردند! هر سپاهی را یک قسمت و پیراهن را نیز!!! اما**

پیراهن درزیر نداشت! بلکه تماماً از بالا بافته شده بود  
 !!! پس بیکدیگر گفتند: این را پاره نکنیم بلکه قرعه  
 بر آن میندازیم!!! تا از آن چه کسی شود! تا تمام گردد  
 کتاب که میگوید: در میان خود جامه های مرا تقسیم  
 کردند! و بر لباس من قرعه افکندند!!! پس لشگریان  
 چنین کردند!!! **و پای صلیب عیسی مادر او و خواهر و  
 مادرش و مریم زن گلویا و مریم مجدلیه ایستاده بودند**  
 ! چون عیسی مادر خود را با آنها شنکرده که دوست  
 میداشت!!! ایستاده دید بمادر خود گفت: ای زن اینک  
 پسر تو و به آن شاگرد!!! گفت: اینک مادر تو و در همان  
 ساعت آشنا کرد! او را بخانه خود برد! و بعد چون عیسی  
 دید که همه چیز به انجام رسیده است! گفت: تا کتاب  
 تمام شود **گفت: تشنه ام! و در آنجا ظرفی پُر از سرکه**  
**گذاشته بود! پس اسفنجی را از سرکه پُر ساخته و بر زوفا**  
**گذاشته نزدیک دهان او بردند!!! چون عیسی سرکه را**  
**گفت: تمام شد و سر خود را پائین آورد جان داد!!! پس**  
**یهودیان خواستند تا بدار!!! در روز سبت بر صلیب نماند**

چونکه روزتهیه بودوآن سبت روزبزرگ بود!!! از  
 پپلاطس درخواست کردندکه ساق پلهای ایشان را  
 بشکنندوپائین بیاورند! آنگه لشگریان آمدند وساقهای  
 آن اول و دیگری راکه با او صلیب شده بودند شکستند!  
 اما چون نزد عیسی آمدند و دیدند که پیش از آن مرده  
 باشد ساقهای او را شکستند!!! لکن یکی از لشگریان  
 بپهلوی او نیزه زد که در آن ساعت خون و آب بیرون آمدند  
 و آن کسیکه دیدشهادت داد و شهادت او راست است!  
 او امیداند که راست میگوید: تا شما نیز ایمان آوردند!  
 زیرا که این واقع شد تا کتاب تمام شود که میگویند:  
 استخوانی از او شکسته نخواهد شد! و باز کتاب دیگر  
 میگوید: آن کسی را نیزه زند خواهند نگرست! و بعد از  
 این یوسف که از اهل رامه و شاگرد عیسی بود لیکن  
 مخفی بسبب ترس یهود!!! از پپلاطس خواهش کرد  
 که جسد عیسی را بردارد! پپلاطس اذن داد پس آمد بدن  
 عیسی را برداشت! و نیقود یمس نیز که اول شب نزد  
 عیسی آمده بود مرمخلوط باعود قریب بصدرطل با

خود آورد! آنگاه بدن عیسی را برداشته در کفن باحنوط برسم تکفین یهود پیچیدند! و در موضعی که مصلوب شد باغی بود! و در باغ قبر تازه که هرگز هیچ کسی در آن دفن نشده بود!!! پس بسبب تهیه یهود عیسی را در آنجا گذاردند چونکه آن قبر نزدیک بود!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب نوزدهم)

بامدادان در اوّل هفته وقتیکه هنوز تاریک بود مریم مجدلیّه بسر قبر آمد و دید که سنگ از قبر برداشته شده است!!! پس دوان دوان نزد شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر که عیسی او را دوست داشت آمد به ایشان گفت: خداوند را از قبر برده ند!!! و نمودانیم او را کجا گذارده اند: آنگاه پطرس و شاگردان دیگر بیرون شده!!! بجانب قبر رفتند!!! و هر دو باهم می‌دویدند اما شاگرد دیگر از پطرس پیش افتاده اوّل به قبر رسید!!! و خم شده کفن را گذاشته دید لیکن داخل نشد!!! بعد شمعون پطرس نیز از عقب او آمد و داخل قبر شده کفن را گذاشته دید!!! و دسمالی را که بر سر او بود به!!! با کفن نهاده بلکه در جای علی حده پیچیده ایست!!! پس آن شاگرد دیگر که اوّل بسر

قبر آمده بودند داخل شده دیدوایمان آورد!!! زیرا که هنوز کتاب را نفهمیده بودند زیرا که باید او از مردگان برخیزد! پس آن دوشاگرد بجمکان خود برگشتند!!! اما مریم بیرون قبرگریان ایستاده بود و چون می گریست بسوی قبر خم شده! دو فرشته راکه لباس سفید در بر تن داشتند یکی بطرف سرو دیگری بجانب قدم در جائیکه بدن عیسی گذارده بودند نشسته دیدایشان بدو گفتند: ای زن برای چه گریانی! بدیشان گفت: خداوند مرا بردند و نیدانم او را کجا گذارده اند! چون این را گفت: به عقب ملتفت شده عیسی را ایستاده دید لیکن نشاخت که عیسی است!!! عیسی بدو گفت: ای زن برای چه گریانی چه کسی را میطلبی! چون او گمان کرد که باغبان است بدو گفت: ای آقا اگر تو او را برداشته بمن بگو: او را کجا گذارده؟! تا من او را بردارم! عیسی بدو گفت: ای مریم او برگشته گفت: ربونی یعنی ای معلم!!! عیسی بدو گفت: مرا لمس مکن زیرا که هنوز نزد پدر خود بالا نرفته ام ولیکن!!! نزد برادران من رفته به ایشان بگو:

که نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما میروم  
 مریم مَجْدَلِیَّه آمد شاگردان را خبر داد که خداوند را دیدم  
 و بمن چنین گفت: و در شام همان روز که یکشنبه بود  
 هنگامی که در راه بسته بود!!! جائیکه شاگردان بسبب  
 ترس یهود جمع بودند ناگاه عیسی آمد در میان ایستاد و  
 بدیشان گفت: سلام بر شما باد!!! و چون این را گفت:  
 دستها و پهلوی خود را به ایشان نشان داد! و شاگردان  
 چون خداوند را دیدند شاد گشتند!!! باز عیسی به ایشان  
 گفت: سلام بر شما باد! چنانکه پدر مرا فرستاده من نیز  
 شمارا میفرستم! چون این را گفت: دیدوبه ایشان گفت:  
 روح القدس را بیایید!!! گناهان آنانی را که آمرزیدید  
 برای ایشان آمرزیده شد و آنانی که بستید بسته شد!  
 اما توامای که یکی از آن دوارده بود و او را توأم می  
 گفتند: وقتی که عیسی آمد با ایشان نبود! پس شاگردان  
 دیگر بدو گفتند: خداوند را دیده ایم!!! بدیشان گفت: تا در  
 دو دستش جای میخها را نه بینم و انگشت خود را!!! در  
 جای میخها نگذاریم و دست خود را بر پهلویش نهم!!!

ایمان نخواهم آورد! بعد از هشت روز باز شاگردان باتو  
 مای در خانه جمع بودند و درها بسته بود که ناگاه عیسی  
 آمد و در میان ایستاده گفت: سلام بر شما باد! پس تو مای  
 گفت: خود را به اینجا بیاور و دستهای مرا بین و دست  
 خود را بیاور و بر پهلوی من بگذار و بی ایمان مباش  
 بلکه ایمان دار! تو مای در جواب وی گفت: ای خداوند  
 من!!! و ای خدای من! عیسی گفت: ای تو مای بعد از  
 دیدن ایمان آوردی؟! خوشحال آنایکه ندیده ایمان  
 آورند!!! و عیسی معجزات دیگر بسیار نزد شاگردان نمود  
 که در این کتاب نوشته نشد!!! لیکن اینقدر نوشته شد که  
 تا ایمان آورید که عیسی مسیح و پسر خداوند است!!! و تا  
 ایمان آورده به اسم او حیات یابید!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب بیستم)

بعد از آن عیسی باز خود را در کنار دریای طبریّه بشاگردان  
 ظاهر ساخت و بر اینطور نمودار گشت!!! شمعون و پطرس  
 و تو مای معروف به توأم و شائیل که از قانای جلیل بود  
 و دو پسر زبّدی و دو نفر دیگر از شاگردان او جمع بودند!!!  
 شمعون و پطرس بشاگردان ایشان گفت: میرویم تا صید

ماهی کنیم! به او گفتند: مانیز باتومی آئیم پس بیرون آمدند بکشتی سوار شدند و در آن شب چیزی نگرفتند! و چون صبح شد عیسی بر ساحل ایستاده بود!!! لیکن شاگردان ندانستند که عیسی است!!! عیسی بدیشان گفت: ای بچه هانزد شما خوراکی هست! بجواب دادند که نه! بدیشان گفت: دام را بطرف راست کشتی بیندازید که خواهید یافت! پس انداختند و از کثرت ماهی نتوانستند آن را بکشند! پس آن شاگری که عیسی او را محبت می نمود پطرس گفت: خداوند است!!! چون شمعون پطرس شنید که خداوند است جامه خود را بخیستن پیچید! چونکه برهنه بود و خود را به دریا انداخت! اما شاگردان در زورق آمدند ریزا که از خشگی دور نبودند مگر قریب بدویست ذراع دام ماهی را میکشیدند!!! پس چون بکشتی آمدند آتشی افروخته و ماهی بر آن گذارده و نان دیدند!!! عیسی بدیشان گفت: از ماهی که الان گرفته اید بیاورید!!! پس شمعون پطرس رفت و دام را بر زمین کشید پُر از صد و پنجاه سه ماهی بزرگ

و با وجودیکه اینقدر بود دام پاره نشد! عیسی بدیشان  
 گفت: بیاید بخورید ولی احدی از شاگردان جرآن نکرد  
 که از او پیرسند که تو کیستی زیرا که میدانستند که خداوند  
 است! آنگاه عیسی آمدونان را گرفته بدیشان داد همچنین  
 ماهی را! و این مرتبه سوّم بود که عیسی بعد از برخاستن  
 از مردگان خود را بشاگردان ظاهر کرد! و بعد از غذا خوردن  
 عیسی بشمعون پطرس گفت: ای شمعون پسر یونا آیا مرا  
 بیشتر از اینها محبت مینمائی؟! بدوبلی خداوند تو میدانی  
 که تو را دوست میدارم بدو گفت: برّه های مرا خوراک بده  
 باز در ثانی به او گفت: ای شمعون پسر یونا آیا مرا محبت  
 مینمائی؟! به او گفت: بلی خداوند تو میدانی که تو را دوست  
 میدارم بدو گفت: گوسفندان مرا شبانی کن!!! مرتبه سوّم  
 بدو گفت: ای شمعون پسر یونا مرا دوست میداری! پطرس  
 محزون گشت زیرا که مرتبه سوّم بدو گفت: مرا دوست  
 میداری پس به او گفت: خداوند تو بر همه چیز واقف هستی  
 تو میدانی که تو را دوست میدارم! عیسی بدو گفت: گوسفندان  
 مرا خوراک بده!!! آمین آمین بتو میگویم: وقتی که جوان

بودی کمر رامیبستی و هر جا میخواستی میرفتی و لکن  
 زمانیکه پیرشوی دستهای خود را دراز خواهی کرد  
 ! و دیگران تو را بسته بجائیکه نمیخواهی تو را خواهی  
 بود! و بدین سخن او کرد که بجهت قسم موت خدا را  
 جلال خود داد و چون این را گفت: به او فرمود: از عقب  
 من بیاطرس ملتفت شده آن شاگردی که عیسی او  
 او را محبت مینود دید که از عقب می آید و همان بود که  
 کمر سینه وی وقت عشاء تکیه میزد و گفت: خداوند  
 کیست آن کسیکه تو را تسلیم میکند! پس چون پطرس  
 او را دید به عیسی گفت: ای خداوند و او چه میشود!  
 عیسی بدو گفت: اگر بخوام که او بماند تا باز آیم تو را  
 چه تو از عقب من بیا! پس این سخن در میان برادران  
 شهرت یافت که آن شاگرد نخواهد مرد لیکن عیسی  
 بدو نگفت: آن میمیرد بلکه اگر بخوام که او بماند تا  
 باز آیم تو را چه!!! و این شاگرد است که به این چیزها  
 شهادت داد!!! و اینها را نوشت و میدانیم که شهادت او  
 راست!!! و دیگر کارهای بسیار عیسی بجا آورد که اگر

فردا نوشته شود کمان نداریم! که جهان هم گنجایش  
نوشته هار داشته باشد! ( از کتاب مقدّس عهد جدید از انجیل توحنا نامی باب بیست و یکم

## کتاب مقدّس عهد جدید از انجیل لوقا

### باب اوّل

از آنجهت که بسیار دست خود را دراز کردند بسوی تألیف  
حکایت اموری که نزد ما به اتمام رسید! چنانچه آنانیکه  
از ابتداء نظرگان و خادمان کلام بودند بمارسائیدند! من  
نیز مصلحت چنان دیدم که همه را من البدایة بتحقیق  
در پی رفته بتربیت و بنویسم! ای تیوفلس عزیز!!! تا  
برای صحت آن کلامیکه در آن تعلیم یافته دریابی! در آیام  
هیروودیس پادشاه یهودیه کاهنی زکویانام از فوقه ابیا  
بود که زن او دختر هارون بود!!! و ایصابات نام داشت  
و هر دو در حضور خداوند صالح!!! و بجمع احکام فوایض  
خداوندی عیب سالک بودند! و ایشان را فوزندی نبود  
زیرا که ایصابات!!! نزا بود هر دو دیرینه سال بودند  
! و واقع شد که چون بنوبت فرقه خود را در حضور خداوند  
کهنات میکرد! حسب عادت کهنات نوبت او شد که بقدّس

خداوند در آمده بخور بسوزانید!!! و در وقت بخور تمام  
 جماعت قوم در بیرون عبادت میکردند! ناگاه فرشته  
 خداوند بطرف راست مذبح بخور ایستاده بروی ظاهر  
 گشت! چون زکریا او را دید در حیرت افتاده ترس بر او  
 مستولی شد! فرشته بدو گفت: ای زکریا ترسان مباش  
 زیرا که دعای تو مستجاب گردیده است!!! و زوجه ات  
 ایصابات برای تو پسر خواهد زد و او را یحیی خواهی  
 نامید! زیرا که در حضور خداوند بزرگ خواهد بود!!! و  
 شراب و مسکری نخواهد نوشید و از شکم مادر خود پیر  
 از روح القدس خواهد بود!!! بسیاری از بنی اسرائیل  
 را بسوی خداوند خدای ایشان خواهد برگردانید! و او  
 بروح و قوت الیاس پیش روی وی خواهد خرامید!  
 تادلهای پدران را بطرف پسران و نافرمان را بحمکت  
 عادلان بگرداند!!! تا قوم مستعد برای خدامهیا سازد!  
 زکریا بفرشته گفت: این را چگونه بدانم و حال آنکه من  
 پیر هستم! و زوجه ام دیرینه سال است!!! فوشته در  
 جواب وی گفت: من جبرائیل هستم!!! که در حضور می

ایستم و فرستاده شدم تا به تو سخن گویم: و از این امور  
 تورا مرزده بدهم!!! و الحال تا این امور واقع نگردد!  
 گنگ شده یارای حرف زدن نخواهی داشت! زیرا که  
 سخنهای مرا که در وقت خود بوقوع خواهد پیوست  
 باور نکردی؟! و جماعت منتظر زکریا میبوند و از طول  
 توقف او در قدس متعجب شدند! اما چون بیرون آمده  
 نتوانست با ایشان حرف زند پس فهمیدند که در قدس  
 رویائی دیده است! پس بسوی ایشان اشاره میکرد  
 و ساکت ماند! و چون ایام خدمت او به اتمام رسید بخانه  
 خود رفت!!! و بعد از آن روزها زن او ایصایات حامله  
 شده مدت پنج ماه خود را پنهان نمود و گفت: به اینطور  
 خداوند بمن عمل نمود در روزهایی که مرا منظور  
 داشت تا رنگ مرا از نظر مردم بردارد! **و در ماه ششم**  
**جبرائیل فرشته از جانب خداوند به بلدی از جلیل که**  
**بصره نام داشت فرستاده شد!!! نزد باکره نامزد مردی**  
**مسمی بیوسف از خاندان داود و نام آن باکره مریم بود!**  
**پس فرشته نزد او داخل شده گفت: سلام بر تو ای نعمت**

رسیده! خداوند باتواست و تو در میان زنان مبارک هستی  
 چون او را دید از سخن او مضطرب شده متفکر شد که این  
 چه نوحیت است!!! فوشته بدو گفت: ای مریم ترسان  
 مباش زیرا که نزد خداوند نعمت یافته! و اینک حامله  
 شده ای پسری خواهی زائید و او را عیسی خواهی نامید  
 او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی می  
 شود و خداوند! خداوند تخت پدرش داود را بدو عطا خواهد  
 فرمود! و او بر خادان یعقوب تا بلبد پادشاه خواهد کرد!!!  
 و سلطنت او را نهایت نخواهد بود مریم بفرشته گفت: این  
 چگونه میشود و حال آنکه مردی را نشان خسته ام فرشته  
 در جواب وی گفت: روح القدس بر تو خواهد آمد و قوت  
 حضرت اعلی بر تو سایه خواهد آفکند از آنچه آن مولود  
 مقدس پسر خدا خواهد بود! و اینک ایصابات از خویشان  
 تو نیز در پیروی بیسرحامله شده و این ماه ششم است!!!  
 مردم وی را نازا میخوانند! و آنده خواهد شد! زیرا که نزد  
 خداوند هیچ امری محال نیست! مریم گفت: پس اینک کنیز  
 خداوندم!!! مرا بر حسب سخن تو واقع شود پس فرشته  
 از نزد او رفت!!! در آن روزها مریم برخاست به وعده

وبه بلدی از کوهستان یهودیه بشاب رفت!!! وبخانه  
 زکریا در آمده به ایصابات سلام کرد! و چون ایصابات  
 سلام مریم را شنید بچه در رحم او ب حرکت آمد و ایصابات  
 بروح القدس پر شد! باواز بلند صدازده گفت: تو در میان  
 زنان مبارک هستی و مبارکیست ثمره رحم تو و از کجا  
 این بمن رسید که مادر خداوند من به نزد من آید! زیرا  
 اینک چون آواز سلام تو گوش زدمن شد بچه از خوشی  
 در رحم من ب حرکت آمد! و خوشحال او که ایمان آورد  
 زیرا که آن چه از جانب خداوند بوی گفته شده به انجام  
 خواهد رسید مریم گفت: جان من خداوند را تمجید میکند!  
 و روح من برهاننده من خدا بوجد آمد! زیرا بر حقارت  
 کنیز خود نظر افکند! زیرا هان از تمام طبقات مرا خوشحال  
 خواهد خواند! زیرا آن قادر بمن کارهای عظیم کرده! و  
 نام او قدوس است و رحمت او نسل بعد نسل است! بر  
 آنانیکه از او میترسند!!! بیازوی خود قدرت را ظاهر  
 فرمود! و متکبران را بخیال دل ایشان پراکنده ساخت!  
 جباران را از تختها ب زیر افکند! و فروتنان را سرافراز

گردانید! گرسنگان رابه چیزهای نیکو سپر فرمود!!!  
 و دولت مندان راتهی دست ردمود! بنده خود اسرائیل  
 رایاری کرد! بیادگاری رحمانیت خویش! چنانکه به  
 اجداد ما گفته بود! به ابراهیم و بذریّت اوتا ابدالآباد!  
 و مریم قریب بسه ماه در نزدوی ماند پس بخانه خود  
 مراجعت کرد! اما چون ایصابات را وقت وضع حمل  
 رسید پسری بزاد! و همسایگان و خویشان او چون شنیدند  
 که خداوند رحمت عظیمی بروی کرده با او شادی کردند  
 ! و واقع شد در روز هشتم چون برای ختنه طفل آمدند  
 که نام پدرش زکریّا را براومینهادند! امّا مادرش ملتفت  
 شده گفت: نه بلکه به او یحیی نامیده میشود! بوی گفتند  
 از قبیلۀ توهیچکس این اسم را ندارد! پس پدرش اشاره  
 کرد که اورا چه نام خواهی نهاد او تخته خواسته بنوشت  
 که نام او یحیی است و همه متعجب شدند! در این ساعت  
 دهان و زبان او بازگشته بحمد خداوند متکلم شد!!! بر تمام  
 همسایگان ایشان خوف مستولی گشت جمیع این وقیع  
 همه سرکوست آن را! یهودیّه شهرت یافت!!! او هر کسی

شنید در خاطر خود تفکر نمود گفت: این چه نوع طفل خواهد بود دست خداوند باوی میبود! و پدرش زکریّا از روح القدس پر شده نبوت نمود گفت: خداوند؛ خدای اسرائیل متبارک؛ باد! زیرا که به قوم خود تفقد نموده برای ایشان داوی قرار داد!! و شاخ نجاتی برای ما بر افراشت! در خانه بنده خود داد! چنانچه بزبان مقدّسین گفت: که بدو عالم انبیای او میبوند! رهای از دشمنان ما! و آزار دست آنانیکه از ما نفرت دارند! تا رحمت را بر پدران ما بجا آورد! و عهد و قدّس خود را تذکر فرماید: سو گندی که برای پدر ما ابراهیم یاد کرد! که ما را فیض عطاء فرماید! تا از دست دشمنان خود رهائی یافته! که او را بیخوف عبادت کنیم!!! در خضور او بقدّوسیت و عدالت!!! در تمامی روزهای عمر خود و طفل تونبیّ حضرت اعلیٰ خداوند خواهی شه! ریرا که پیش روی خداوند!!! خواهی خرامید! تا طریق او را مهیّاسازی!!! تا قوم او را معرفت! نجات دهی!!! در آمرزش گناهان ایشان! به احشای رحمت خدای ماکه به آن رسیده!!! از عالم

اعلی تفقدنمود! تا ساکنان در ظلمت و ظلّ موت رانور  
 دهد! و پای های ما را بطریق سلامتی هدایت نماید!  
 پس طفل نمو کرده! در روح قوی میگشت و تا روز ظهور  
 خود برای اسرائیل در میان بسر میبرد!!!

### از انجیل لوقا باب دوم

در آن ایام حکمی از او غسطس قیصر صادر گشت که تمام  
 ربح مسکون! را اسم نویسی کنند! و این اسم نویسی  
 اول شده گامیکه گیرینیوس والی سوریه بود! پس  
 همه مردم هریک بشهر خود برای اسم نویسی میرفتند  
 !!! و یوسف نیز از جلیل از بلده ناصربه یهودیه بشهر  
 داود که بیت الحم نام داشت رفت زیرا که او از خاندان  
 و آل داود بود! تا نام او با مریم که نامزد او بود و نزدیک  
 بزائیدن بود ثبت گردد!!! او وقتیکه ایشان در آنجا بودند  
 این هنگام وضع حمل او رسیده!!! پس نخستین خود را  
 زائید و او را در قنடைه پیچیده در آخور خوابانید!!! زیرا که  
 برای ایشان در منزل جای نبود!!! و در آن نواحی شبانان  
 در صحرا بسر میبردند و در شب پاسبانی گله های خویش

میکردند! ناگاه فرشته خداوند برایشان ظاهر شد! خداوند برگردایشان تابید و بی‌غایت ترسان گشتند!!! فرشته ایشان را گفت: مترسید زیرا که اینک بشارت خوشی عظیم بشما آمیدم که برای جمع قوم بود! که امروز برای شما در شهر داود نجات دهنده که مسیح خداوند باشد متولد شد! و علامت برای شما این است که طفلی در قن‌داقه پیچیده و در آخور خوابیده خواهد یافت! در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با فرشته حاضر شده خداوند را تسبیح گنان میگفتند: خداوند را در اعلیٰ علین جلال و بر زمین سلامتی و در میان مردم رضامندی بادو!!! چون فرشتگان از نزد ایشان به آسمان رفتند شبانان بایکدیگر گفتند: الآن به بیت الحم برویم و این چیزی را که واقع شده و خداوند آن را بما اعلام نموده است ببینیم!!! پس بشتاب رفته مریم و یوسف و آن طفل را در آخور خوابیده یافتند!!! چون این را دیدند آن سخنی را که درباره طفل بدیشان گفته شده بود شهرت دادند!!! و هر کسی که میشنیدند!!! و از آنچه شبانان بدیشان گفتند:

تعجب مینودند! اما مریم در دل خود متفکر شده این همه سخنان را نگاه میداشت! و شبانان خدا را تمجید و حمدکنان برگشتند بسبب همه آن اموری که دیده و شنیده بودند چنانکه به ایشان گفته شده بود!!! و چون روز هشتم وقت ختنه طفل رسید او را عیسی نام نهادند چنانکه فرشته قبل از قرار گرفتن او در رحم او را نامیده بود! و چون!!! ائمه تطهیر ایشان بر حسب شریعت موسی رسید او را به اورشلیم بردند تا بخداوند بگذارند چنانکه در شریعت خداوند مکتوب است که هر ذکوری رحم را بگشاید مقدس خداوند خوانده میشود! و تا قربانی گذرانند! چنانکه در شریعت خداوند مقرر است یعنی جفت فاخته یاد و جوجه کبوتر! و اینک شخص شمعون در اورشلیم بود که مرد صالح و متقی و منتظر تسلی اسرائیل بود و روح القدس بروی بود! و از روح القدس بدو وحی رسیده بود که تا مسیح خداوند را زینبی من تورا نخواهم دید! پس براه نمائی روح بهیکل درآمد و چون والدینش آن یعنی عیسی را آوردند تا رسوم شریعت را بجهت!!!

او بعمل آورند! اوراد را غوش خود کشیده و خداوند را متبارک خوانده گفت: الحال ای خداوند بنده خود را رخصت میدهی! بسلامتی بر حسب کلام خود! زیرا که چشمان من نجات‌دهنده تو را دیده است! که آن را در پیش روی جمیع امتهای ساختی! نوری که کشف حجاب برای امتهای کند! و قوم تو اسرائیل را جلال بود!! و یوسف و مادرش از آنچه درباره او گفته شد تعجب نمودند! پس شمعون ایشان را بوکت داده بمادرش م‌ریم گفت: اینک این طفل قرار داده شد برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل و برای آیتی که بخلاف آن خواهند گفت: و در قلب تو نیز شمشیری فرو خواهد رفت تا افکار قلوب بسیاری مکشوف شود! و زنی نبیه بود حنانام دختر قنویل از سبط آشیر بسیار سالخورده که از زمان بکارت هفت سال باشوهر بسر برده بود!!! و قریب بهشتاد و چه سال بود که او بیوه گشته از هیکل جدانمی شد!!! بلکه شبانه روز بروزه و مناجات!!! در عبادت خداوند مشغول میبود! او در همان ساعت درآمده

خداوند را شکر نمود و در باره او بجهت منتظرین نجات در اورشلیم تکلم نمود! و چون تمامی رسوم شریعت خداوند را ببیان برده بودند بشهر خود ناصره جلیل مراجعت کردند! طفل نم و کرد بروحی قوی می‌گشت و از حکمت پر شده فیص خدا بروی می‌بود!!! او و الهین او هر ساله بجهت عید فصح به اورشلیم می‌رفتند! و چون در وازده ساله شد موافق رسم عید به اورشلیم آمدند! و چون روزها را تمام کرده مراجعت مینویدند آن طفل یعنی عیسی در اورشلیم توقف نمود!!! و یوسف و مادرش نمیدانستند! بلکه چون گمان می‌بردند که او در قافله است سفری کرده کردند و او را در میان خویشان و آشنایان خود می‌جستند و چون او را نیافتند در طلب او به اورشلیم برگشتند! و بعد از سه روز او را در هیکل یافتند که در میان مُعلمان نشسته سخنان ایشان را میشنود و از ایشان سؤال هم می‌گرد! و هر که سخن او را میشنید از فهم و جوابهای او متحیر می‌گشت!!! چون ایشان او را دیدند مضطرب شدند!!! پس مادرش بوی گفت: ای فرزند چرا

باماچنین کردی اینک پدرت ومن غمناک گشته تو  
 راجستجو می کردیم!!! اوبه ایشان گفت: از بهر چه مرا  
 طلب می کردیدمگر نداسته اید که باید من در امور پدر  
 خود باشم! ولی آن سخنی! راگه بدیشان گفت: نفهمیدند  
 !پس باایشان روانه شده بناصره آمدومطیع ایشان  
 میبود ومادرا وتمامی این امور را در خاطر خود نگاه  
 داشت! وعیسی در حکمت وقامت ورضامندی نزد خداوند  
 ومردم ترقی میکرد!!!

### از انجیل لوقا باب سوم

ودرسال پانزدهم از سلطنت طیباریوس قیصر در وقتیکه  
 پنطیوس پیلاطس! والی یهودیه بود وهیرو دیس تیتراک  
 جلیل وبرادرش فیلیپس تیتراک ایطوریّه ودیار تراخونس  
 ولیسانیوس تیتراک ابلوی! وحتاوقیافا رؤسای گهته بودند  
 کلام خداوند به یحیی ابن زکریّا در بیابان نازل شده!!!  
 بتمامی حوالی اردن آمده بتعمید!!! توبه بجهت آمرزش  
 گناهان موعظه میکرد! چنانچه کتاب اشیا متکوب است  
 در صحیفه کلمات اشعیای نبی!!! که میگوید: صدای ندا

کننده در بیابان که راه خداوند را مهیا سازید و طردق  
 او را راست نمائید!!! هر وادی انباشته و هر کوه و تلی  
 پست و هر کجی راست و هر راه ناهموار صاف خواهد  
 شد! و تمامی بشر نجات خداوند را خواهند دید!!! آنگاه  
 به آن جماعتی که بر تعمیدوی بیرون می آمدند گفت:  
 ای افعی زادگان که شمارا نشان داد که از غضب آینده  
 بگریزید! پس ثمرات مناسب توبه بیاورید و در خاطر  
 خود این سخن را راه می دهد که ابراهیم پدر ما است  
 زیرا که بشما می گویم: خداوند قادر است که از این سنگها  
 فرزندان برای ابراهیم برانگیزاند! و الآن نیز تیشه بر  
 ریشه در جان نهاده شده است!!! پس هر درختی که  
 میوه نیکوی نیاورد بریده و در آتش افکندند میشود!  
 پس مردم از وی سؤال نموده گفتند: چه کنیم؟! او در  
 جواب ایشان گفت: هر که دو جامه دارد به آن که ندارد  
 بدهد و هر که خوراک دارد نیز چنین کند!!! و با جگریان  
 نیز برای تمعید آمده بدو گفتند: ای استاد چه کنیم! بدیشان  
 گفت: زیاد تو از آنچه مقرر است مگیرید!!! سپاهیان! نیز

از او پرسیده گفتند: ما چه کنیم؟! به ایشان گفت: بر کسی ظلم مکنید! و بر هیچکسی افتراء مزنید و بواجب خود اکتفاء کنید!!! او هنگامیکه قوم مترصد میبودند و همه در خاطر خود درباره یحیی تفکر مینودند که این مسیح است یا نه؟! **یحیی به همه و توجه شده گفت: من شما را به آب تمعید میدهم لیکن شخصی توانا تر از من می آید که لیاقت آن را ندارم که بند نعلین او را بزرگنم او شمار ابروح القدس و آتش تمید خواهد داد!!!** او غربال خود را بدست خود دارد و خرمن خویش را پاک کرده گندم را در انبار خود ذخیره خواهد نمود و گنّه را در آتشی که خاموشی نمی پذیرد خواهد سوزانید! و بنصایح پس بار دیگر قوم را بشارت میداد!!! اما هیرودیس تیتراک چون بسبب هیرودیازن برادر او فیلیپ و سایر بدیهائی که هیرودیس کرده بود از وی توبیخ یافت! این را نیز بر همه افزود که یحیی را در زندان حبس نمود!!! اما تمامی قوم تمعی یافته بودند و عیسی هم تمعید!!! گرفته دعای کرد آسمان شکافته شد!!! و روح القدس بهیئة جماعتی

مانند کبوتری بر او نازل شد و آوازی آسمانی در رسید  
 که تو پسر حبیب من هستی که بتو خوشنودم! و خود  
 عیسی وقتی که که شروع کرد قریب بسی ساله بود  
 و بر حسب گمان خلق پسر یوسف بن هالی! بن متاب  
 بن لاوی بن مکی بن یثا! بن یوسف! بن متا! بن آموس  
 ! بن ناحوم! بن حسلی! بن نحی! بن مات! بن متاتیا! بن  
 شمعی! بن یوسف! بن یهودا! بن یوحنا! بن ریس! بن  
 زرو بابل! بن سالتیئیل! بن نیری! بن مکی! بن ادی  
 ! بن قوسام! بن المودام! بن عیر! بن یوسی! بن ایلعادر  
 ! بن یوریم! بن متات! بن لاوی! بن شمعون! بن یهودا  
 ! بن یوسف! بن یونان! بن ایلیاقیم! بن ملیا! بن مینان  
 ! بن ناتان! بن داود! بن یسی! بن عبید! بن بو عز! بن  
 شلمون! بن نحشون! بن عمیناداب! بن آرام! بن خصرون  
 ! بن بنقارص! بن یهودا! بن یعقوب! بن اسحق! بن ابراهیم  
 ! بن تارح! بن ناحور! بن سروج! بن رعون! بن فالج  
 بن عابر! بن صالح! بن قینان! بن ارفکشاد! بن سام! بن  
 نوح! بن لامک! بن متوشالچ! بن خنوخ! بن یارد! بن مهلائیل

**ابن قینان! بن آنوش! بن شیث! بن آدم! بن الله!؟!!!**  
 نکاتی از مؤلف: بنا به نوشته انجیل لوقا؛ آدم ابن الله  
 است! آیا الله ابن کیست؟!؟!؟!؟! و در انجیل نوشته  
 است! که عیسی خداوند است! اگر عیسی خداوند باشد  
 ؟!؟!؟! فرزند مریم بوده! و مریم شوه‌ری نداشت که  
 بگویم: شوهر مریم فلان کسی بود؟!؟!؟! و اگر شوهر  
 مریم خداوند بوده است؟!؟!؟! در آن وقت می‌گوفتیم:  
 که پدر عیسی و شوهر مریم خداوند بوده؟!؟!؟! عیسی  
 مسیح از نسل خداوند است! که خداوندی را از پدرش  
 خداوند ارث بورده است!!! زیرا که خداوند مرده!!! و  
 خداوندی! پسرش میراث مانده است!!! بگفته انجیل  
 لوقا اگر آدم ابن الله باشد؟!؟!؟! ابن عیسی است! زیرا  
 عیسی را خداوند میدانند!!! عیسی که زنی نداشته  
 است؟! که فرزندی بزاید؟! چه کسی آدم را زائیده است  
 ؟! ناچار باید بگویم: که آدم را عیسی خودش زائیده بود  
 زیرا که عیسی خداوند بود!!! و زنی هم نداشت؟!؟!!!!

درحالیکه مریم دختر عمران بوده و شوهری هم نداشت  
 !و پس عیسی مانند آدم! از روح و فرمان و امر و دستور  
 خداوند خلاق تمامی کاینات! و جهان موجود خلق شده  
 است! و در اناجیل! تنها عیسی خداوند نیست! و در اناجیل  
 هشت! خداوند وجود دارد! در اینجا مضمونیم توجه کنید!  
 شاید خداوندان دیگر آدم را زائید است!!!؟؟؟

## خدایان هشت گانه مسیحیت از کتاب مقدس عهد جدید اناجیل!!!

۱- اما درباره قیامت مردگان! آیا خوانده اید کلامی را  
 که خدایه شما گفته است؟! من خدای ابراهیم و خدای  
 اسحق و خدای یعقوب هستم!

عیسی در جواب ایشان گفت: بسبب سنگدلی شما این  
 حکم را برای شما نوشت! لیکن ابتدای خلقت خداوند  
 ایشان را مردوزن آفرید! از آن جهت باید مرد پدر و مادر  
 خود را ترک کرده بازن خویش پیوندند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل مرقس باب دهم آیه ۷)

**و آنایکه پیش و پس می رفتند فریادکنان می گفتند:  
هوشیعا نامبارک باد کسی که به نام خداوند می آید!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل و از انجیل متی باب بیست دوم آیه ۳۱)

**اما در باب مردگان که بر می خیزند! در کتاب موسی  
در ذکر بوده نخوانده اید! چگونه خدا او را خطاب کرده  
گفت: منم خدای ابراهیم و خدای اسحق و خدای یعقوب  
! و او خدای مردگان نیست بلکه خدای زندگان است  
پس شما بسیار گمراه شده اید! کاتب وی را گفت: آفرین  
ای استاد نیکوگفتی: زیرا خدا واحد است و سوای او**

**دیگری نیست!!!** (از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل مرقس باب دوازدهم آیه از ۲۶ تا ۳۳)

**همسایکان و خویشان او چون شنیدند که خداوند رحمت  
عظیمی بروی کرده!!! با او شادی کردند!!! و واقع شد در  
روز هشتم چون برای ختنه طفل آمدند!!! که نام پدرش  
زکریا را بر او می نهادند!!! اما مادرش ملتفت شده گفت:  
نه بلکه به یحیی نامیده می شود!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل لوقا باب اول آیه از ۵۸ تا ۶۱)

**نکاتی از مؤلف: در کتاب مقدس عهد جدید انجیل حدوداً  
۱۳۴ بار نام خداوند واحد و یکتا ذکر شده و آمده است!!!**

که خداوند خالق جهان و آفرینش خداوند واحد و یکتا است!  
 که جز او خدای دیگر وجود ندارد!!! که چند نمونه در فوق  
 نوشته و گردآوری کردیم توجه فرماید!!!

۲- عیسی وی را گفت: این که خداوند! خدای خود را  
 !بهمه دل و تمامی نفس فکر محبت نما!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل مرقس باب بیست و دوم آیه ۳۷)

چون فریسیان جمع بودند! عیسی از ایشان پرسید؟!  
 درباره مسیح چه گمان میبرید او پسر کیست؟! گفتند:  
 پسر داود! ایشان را گفت: چه طور داود در روح او را خداوند  
 میخوانید؟! چنانکه مگوید: خداوند به خداوند من گفت: به  
 دست راست من بنشین! تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم  
 !پس هرگاه داود او را خداوند! خواند چگونه پسرش میباشد!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل متی باب بیست دوم آیه از ۴۱ تا ۴۵)

عیسی او را جواب داد!!! که اول همه احکام اینست که  
 بشنوای اسرائیل خداوند ما! خداوند واحد است! و خداوند  
 است! و خداوند! خدای خود را به تمامی دل و تمامی جان  
 و تمامی خاطر و تمامی قوت خود محبت نمائید اول از  
 احکام این است!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل مرقس باب دوازدهم آیه از ۲۹ تا ۳۱)

**و خداوند! خدا نخست پدرش داود را بدو عطاء خواهد**

**و فرمود!!!** (از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل لوقا باب اول آیه ۳۲)

**خداوند؛ خدای اسرائیل متبارک باد!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل لوقا باب اول آیه ۶۸)

**عیسی در جواب او گفت: ای شیطان مکتوب است خداوند**

**خداوند؛ خدای خود را پرستش کن! و غیر از او عبادت نما!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل لوقا باب چهارم آیه ۹)

**عیسی در جواب گفت: که گفته شده است! خداوند؛**

**خدای خود را تجربه مکن!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل لوقا باب چهارم آیه ۱۲)

**جواب داد گفت: این که خداوند؛ خدای خود را به تمام دل**

**و تمام نفس و به تمام توانای و به تمام فکر خود محبت**

**نما! و همسایه خود را مثل نفس خود!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل لوقا باب دهم آیه ۲۷)

**زیرا که داود به آسمان صعود نکرد! لیکن خود میگوید:**

**خداوند به! خداوند من گفت: بردست راست من بنشین!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان باب دوم آیه ۳۴)

**زیرا که این وعده است برای شما و فرزندان شما و همه**

**آنانیکه دور اند! یعنی هر که خداوند؛ خدای ما و را بخواد**

(از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان باب دوم آیه ۳۹)

زیراموسی به اجداد گفت: که خداوند؛ خدای شما!!! نبی  
**مثل من از میان برادران شما برخواهد انگیخت!!!**

(از کتاب مقدس عهدجدید از کتاب اعمال رسولان باب سوم آیه ۲۲)

نکاتی از مؤلف: حدوداً ۹۰ جای دیگری کتاب مقدس  
 عهدجدید! یعنی اناجیل نوشته و آمده است! که خداوند  
 ؛ خدای دیگری هم دارد! و چند نمونه را از متن کتاب  
 مقدس عهدجدید اناجیل است که نوشته ایم! از جای  
 دیگر نیاوردیم! تنها از متن کتاب مقدس عهدجدید اناجیل  
 می باشد! که استفاده شد است! که خوانندگان گرامی  
 توجه فرمایند!!!

۳- عیسی ایشان را گفت: آیاهمه این امور را فهمیده  
 اید گفتند: بلی خداوند (از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل متی از باب سیزدهم آیه ۵۲)

پس عیسی با ایشان روانه شد و چون نزدیک بخانه  
 یوزباشی رسید! چند نفر از دستان خود را نزد او فرستاد  
 بدو گفت: خداوند از حمت مکش زیرا که لایق آن نیستم  
 که زیر سقف من در آئی!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل لوقا باب هفتم آیه ۲۲)

**ای عیسی خداوند بر ما ترحم فرما!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل لوقا باب هفدهم آیه ۱۴)

پس به عیسی گفت: ای خداوند مرا بیاد آور هنگامیکه  
به ملکوت خود آئی!!! عیسی بوی گفت: هر آینه بتو  
میگویم: امروز با من در فردوس خواهی بود!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل لوقا باب بیست و سوم آیه ۴۳)

وسنگ دراز سر قبر را غلطانیده دیدند! چون داخل  
شدند جسد عیسی خداوند را نیافتند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل لوقا باب چهارم آیه ۳)

زیرا که نان خدا آنست که از آسمان نازل شده! بجهان حیات  
میبخشید! آنگاه بدو گفتند: ای خداوند این نان را پیوسته بمابده  
! عیسی بدیشان گفت: من نان حیات هستم! نان خدا آنست که  
از آسمان نازل شده بجهان حیات میبخشد! آنگاه بدو گفتند: ای  
خداوند این نان را پیوسته بمابده! عیسی بدیشان گفت: من نان  
حیات هستم! کسی که نزد من آید هرگز گرسنه نشود!!!  
و هر کسی بمن ایمان آورد هرگز تشنه نگردد!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا از باب ششم از آیه ۳۲ تا ۳۵)

عیسی بدو گفت: تو نیز او را دیده و آنکه با تو تکلم میکند همان  
است! گفت: ای خداوند ایمان آورده ام! پس او را پرستش  
نمود! آنگاه عیسی گفت: من در این جهان بجهت داوری  
آمده ام! تا گوران را بینا و بینایان کور شوند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا باب نهم آیه ۳۸ و ۳۹)

یهودیان در جواب گفتند: بلی به سبب عمل نیک تورا  
**سنگسار** نم‌کنیم! بلکه بسبب کفر؛ زیاد! تو انسان هستی  
 خود را خدامیخوانی! عیسی در جواب ایشان گفت: آیا  
 در تورات شما نوشته شده است! **شما خدایان هستید!**  
**پس اگر آنانی را که کلام خدا بدیشان نازل شد! خدایان**  
**خواند! و ممکن نیست که از کتاب محو گردد!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا باب دهم آیه ۳۴)

پس پطرس او را دید به عیسی گفت: ای خداوند او چه  
 شود؟! عیسی بدو گفت: اگر بخواهم که او بماند تا باز  
 هم آیم تورا چه؟! **تو از عقب من بیا!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا باب بیست و یکم آیه ۲۲)

الحال می باید از آن مردانی که همراهان ما بودند! در  
 تمام آن مدتی که عیسی خداوند با ما آمده و رفت می‌کرد!

(از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان باب اول آیه ۲۲)

و رسولان به قوت عظیم! به قیامت عیسی خداوند شهادت  
 میدادند! و فیض عظیم همگی ایشان بود!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان باب پنجم آیه ۳۳)

و چون استیفان را **سنگسار** می‌کردند! او دعاء نموده گفت:  
**عیسی خداوند روح مرا پذیر!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان باب هفتم آیه ۶۶)

**زیرا که هنوز کسی از ایشان نازل شده بود! که بنام  
خداوند عیسی! تعظیم یافته بودند!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان باب هشتم آیه ۱۷)

**گفت: خداوند تو کیستی؟! خداوند گفت: من آن عیسی**

**هستم بدو جفامی کنی!!!** (از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان ۵)

**و در اورشلیم بایشان آمدورفت میکرد! و بنام خداوند**

**عیسی بدلیری موعظه مینمود!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان باب نهم آیه ۲۸)

**لکن بعضی از ایشان که اهل قپوس و قیرون بودن!**

**چون به انطاکیه رسیدند! بایونانیان نیز تکلم کردند!**

**و بخداوند عیسی بشارت دادند!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان باب یازدهم آیه ۲۱)

**چون این را شنید بنام خداوند عیسی تعمد گرفتند!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از کتاب اعمال رسولان باب نوزدهم آیه ۵)

**زیرا من از خداوند یافتم! آنچه بشمانیز سپردم! که عیسی**

**خداوند! در شبی که او را تسلیم کردند!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید رساله اول پولس رسول بقرنتیان باب یازدهم آیه ۲۳)

**پیوسته قتل! عیسی خداوند را در جسد خود حمل میکنیم!**

**تاحیات عیسی در بدن مظاهر شود!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از رساله دوم پولس رسول بقرنتیان باب چهارم آیه ۱۰)

نکاتی از مؤلف: حدوداً در ۱۴۶ جای کتاب مقدس عهد جدید یعنی اناجیل! عیسی پسر مریم را خداوند نوشته است! که چند نمونه را از متن کتاب مقدس عهد جدید! اناجیل گردآوری کردیم و نوشته ایم! و عیسی در کتاب مقدس عهد جدید اناجیل ۹ مقام دارد ۱ خداوند ۲ پسر خداوند ۳ پسر خوانده خداوند ۴ پیام آور خداوند ۵ رسول خداوند ۶ گاهین تابیک انسان ساده مقام دارد!!!

۴- و هنگام که در هیکل تعلیم می داد متوجه شده گفت: چگونه کاتبان میگویند: که مسیح پسر داود است!!! او حال آنکه خود داود در روح القدس میگوید: که خداوند به خداوند من گفت: بر طرف راست بنشین تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم! خود داود او را خداوند میخواند! پس چگونه او را پسر میباشند؟! و عوام الناس کلام او را به خشنودی می شنیدند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل مرقس باب دوازدهم آیه ۳۵ تا ۳۸)

۵- در ابتداء کلمه بود! کلمه نزد خدا بود! و کلمه خدا بود! کلمه خدا بود! ه مان در ابتداء نزد خداوند بود! همه چیز

بواسطه او آفریده شد! و به غیر از او از موجودات وجود  
 نیافت! در او حیات بود و حیات نور از انسان بود! و نور  
 در تاریکی می درخشید! و تاریکی آن را در نیافت! شخص  
 از جانب خدا فرستاده شد! که اسمش یحیی بود! او برای  
 شهادت آمد! تا بر نور شهادت دهد! تا هم به وسیله او  
 ایمان آورد! او آن نور نبود بلکه تا آمد بر نور شهادت  
 بدهد! که هر انسان را منور گردانید! و در جهان آمدنی  
 بود! او در جهان بود! و جهان به وسیله او آفریده شد!  
 و جهان او را شناخت! به نزد خاصان آمد! و خاصان او  
 او را نپذیرفتند! و اما به آن کسانی که او را قبول کردند  
 قدرت داد! تا فرزندان خدا گردند! یعنی هر که به اسم او  
 ایمان آورد! که نه از خون! و نه از خواهش جسد! و نه  
 از خواهش مردم! بلکه از خدا تولد یافتند! کلمه جسم  
 گردید! و میان ما ساکن شد! پراز فیضی و راستی! و جلال  
 او را دیدیم!!! جلال شایسته پسر یگانه پدر! و یحیی بر او  
 شهادت داد!!! و ندا کرده میگفت: این است آن که درباره  
 او گفتم: آن بعد از من می آید بهتر از من شده است! زیرا که

بر من مقدم بود! و از پری او جمیع ما بهره یافتیم! و فیض به عوض! زیرا که شریعت به وسیله موسی عطاء شد! اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسیده! خداوند را هرگز کسی ندیده است! پس ریگانه در آغوش پدر است! همان او را ظاهر کرد!!! یحیی در وقت که یهودیان از اورشلیم! گاهنان و لاویان را فرستادند!!! تا از او سؤال کنند! که تو کیستی؟! که معترف شد! انکار نمود! بلکه اقرار کرد که من مسیح نیستم!!!

(از کتیب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا باب اول آیه از ۱ تا ۲۱)

نکاتی از مؤلف: ۱. ابتداء کلمه بود! و کلمه همان خدا بود!!! و همه چیز بواسطه او آفریده شد! یعنی بواسطه کلمه آفریده شد ۲. همه چیز از خداوند تولد یافتند! یعنی جهان بواسطه او آفریده شد!!! مؤلف: ما نتوانستیم بدانیم همه چیز را خدا زائیده است! که همان وحدت وجودی میباشد ۳. و کلمه جسم گردید! و در میان ماساکن شد! یعنی خداوند مانند انسان جسم شد! او در جهان بود! باید بدانیم! در کتاب مقدس عهد جدید اناجیل؟! جهان اول بوده؟! او یا خدا اول بوده؟! که خداوند هرگز زائیده نشده! پس این همه کسیکه

خداوند را دیده اند! یعنی چه؟؟!! این همه ضدونقیض  
گویی کتاب مقدس عهد جدید! یعنی اناجیل را آیا میتوان  
انجیل عیسی مسیح و کتاب آسمانی دانست؟! ماکه از  
این کتاب مقدس عهد جدید یعنی اناجیل! چیزی نفهمیده ایم!  
واگر کسی از مسیحیان محترم چیزی فهمیده باشد! بماهم  
تعلیم بدهد که از او متشکر می شویم!!!

۶- خدا روح است! و هر کسی که او را پرستش کند!!!

میباید بروح و راستی را پرستند (از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا باب چهارم آیه ۲۴)

نقاب برداشته میشود! اما خداوند روح است! و جائیک  
روح خداوند است!!! اینک همه ما با چهره بی نقاب  
جلال خداوند را در آینه مینگریم!!! از جلال بهمان  
صورت متبدل میشویم!!! چنانکه از خداوند که روح  
است!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از رساله پولس رسول بقرنتیان باب سوم آیه ۱۷)

تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امتها آید! و عده روح  
را به وسیله ایمان حاصل کنیم!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از رساله دوم پولس رسول بعل اطیان باب سوم آیه ۱۴)

نکاتی از مؤلف: در این سه آیه کتاب مقدس عهد جدید  
 اناجیل خداوند را روح دانسته و نوشته است!!! یعنی  
 خداوند روح میباشد!!!

۷- عیسی گفت: من و پدر یکی هستیم!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا باب دهم آیه ۱۴)

و عیسی گفت: و یقین کنید که پدر در من است و من در او!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا باب دهم آیه ۳۹)

پولس رسول گفت: عیسی مسیح به حکم نجات دهنده  
 ما خداوند؛ و مسیح عیسی خداوند که آمیدما است! به  
 فرزند حقیقی خود در ایمان! تیموتاؤش فیض و حکم و  
 سلامتی از جانب خدای پدر خداوند ما مسیح عیسی بر تو باد!

(از کتاب مقدس عهد جدید از رساله اول پولس رسول به تیموتاؤش باب اول آیه از ۱ تا ۳)

نکاتی از مؤلف: ببین به نوشته کتاب مقدس عهد جدید  
 یعنی اناجیل هم خداوند عیسی است!!! او هم عیسی  
 خداوند است! یعنی هر دو یکی هستند! او هم خداوند و  
 عیسی! هر دو یکی هستند! که هر دو خداوند واحد هستند!

۸- اگر جسم نفسانی هست! هر آینه روحانی نیز هست!  
 !و همچنین نیز مکتوب است که انسان اول یعنی آدم  
 نفس زنده گشت! اما آدم آخر روح حیات بخش شد!!!  
 بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی! انسان اول از زمین  
 است خاکی! انسان دوم خداوند است از آسمان! چنانکه  
 خاکست خاکیان نیز هستند! و چنانکه آسمانی است آسمانی  
 ها همچنان میباشند!!! و چنان که صورت خاکی را گرفتیم  
 صورت آسمانی را خواهیم گرفت! لیکن ای برادران این  
 را میگویم: که گوشت و خون نمیتواند وارث ملکوت خدا  
 شوند! و فاسدوارث بی فاسادی نمیشود! همانا بشما سرّی  
 میگویم: که همه نخواهیم مرد لیکن همه ما متبدّل خواهیم  
 شد! (از کتاب مقدّس عهد جدید از رساله اول پولس رسول بقرنتیان باب پنزدهم آیه از ۴۴ تا ۵۲)

نکاتی از مؤلف: بنابه نوشته این آیات کتاب مقدّس عهد  
 جدید! اناجیل! خداونده م انسان است! و هم خداوند انسان  
 نیست! که از متن خود کتاب نوشته ایم! و خدایان هشت گانه  
 را از متن کتاب مقدّس عهد جدید اناجیل! نگارش کرده ایم  
 که خوانده اید! قضاوت بر عهده خوانندگان گرامی میباشد

### از انجیل یوحنا باب ششم

وبعد از آن عیسی به آن طرف دریای جلیل که دریای طبریّه باشد رفت! و جمعی کثیر از عقب او آمدند زیرا که آن معجزاتی را که به مریضان می نمود میدیدند! آنگاه عیسی بکوهی برآمده باشاگردان خود در آنجا بنشست! و فصح که عید یهود باشد نزدیک بود! پس عیسی چشمان خود را بالا انداخته دید که جمعی کثیر بطرف او می آیند ببطیّس گفت: از کجایان بخریم تا اینها بخورند! و این را از روی امتحان به او گفت: زیرا خود میدانست چه باید کرد! فیلیّس او را جواب داد که دو بست دینار نان اینها را کفایت نکند تا هر یکی اندکی بخورند! یکی از شاگردانش که اندریاس برادر شمعون پطرس باشد وی را گفت: در اینجا پسری است!!! که پنج نان جو و دو ماهی دارد!!! ولیکن این برای این گروه چه میشود!!! عیسی گفت: مردم را بنشانید و در آن مکان گیاه بسیار بود!!! و آن گروه قریب به پنج هزار مرد بودند که نشستند!!! عیسی نان ها را گرفت و شکر نمود!!! بشاگردان داد و

شاگردان به نشستگان دادند و همچنین از دوماهی نیز  
 بقدریکه خواستند!!! و چون سیرگشتند به شاگردان  
 خودگفت: پاره های باقی مانده را جمع کنید تا چیزی  
 ضایع نشود! پس جمع کردند و از پاره های پنج نان  
 که از خورندگان زیاد آمده بود دوازده سبد پر کردند!  
 و چون مردمان این معجزه را که از عیسی صادر شده  
 بود دیدند گفتند: که این البته همان نبی است که باید  
 در جهان بیاید! و اما عیسی چون دانست که میخواهند  
 بیایند و او را بزور برده پادشاه سازند باز تنها بکوه  
 برآمد! و شام شد شاگردانش بجانب دریای پائین برآمد!  
 رفتند!!! و بکشتی سوار شده به آن طرف دریا بکفر  
 ناحوم روانه شدند و چون تاریک شد عیسی هنوز نزد  
 ایشان نیامده بود! و دریا بواسطه وزیدن باد شد بتلاطم  
 آمد!!! پس وقتی که قریب به بیست و پنج یاسی تیر  
 پرتاب رانده بودند عیسی را دیدند که بر روی دریا  
 خرامان شده نزدیک کشتی میآید پس ترسیدند!!! او  
 بدیشان گفت: من هستم مترسید و چون میخواستند!!!

اوراد رکشتی بیاورند در ساعت کشتی به آن زمینیکه  
 عازم آن بودند رسید! بامدادان گروهیکه به آن طرف  
 دریا ایستاده بودند!!! که هیچ زورقی نبود غیر از آن  
 که شاگردان او داخل آن شده بودند و عیسی بشاگردان  
 خود داخل آن زروق نشدند بلکه شاگردانش تنهارفته  
 بودند! لیکن زورقهای دیگر از طبریّه آمد نزدیک به  
 آنجائیکه نان خورده بودند بعد از آنکه خداوند را شکر  
 گفته بود! پس چون آن گروه دیدند که عیسی و شاگردانش  
 در آنجا هستند ایشان به کشتیها سوار شده در طلب عیسی  
 بکفر ناحوم آمدند! و چون اوراد را آن طرف دریا یافتند  
 بدو گفتند: ای استاد کی بلینجا آمدی! عیسی در جواب  
 ایشان گفت: آمین آمین بشما میگویم: که مرا میطلبید  
 نه بسبب معجزات یکه دیدید بلکه بسبب آن نان که  
 خورد و سیر شدید!!! کار بکنیدنه برای خوراک فانی  
 بلکه برای خوراکی که تاحیات جاودانی باقیست که  
 پسرانسان آن را بشما عطاء خواهد کرد زیرا که خدای  
 پدر بر او مهر زده است!!! بدو گفتند: چه کنیم تا اعمال

خداوند را بجا آورده باشیم! عیسی در جواب ایشان گفت: عمل خدا این است که به آن کسیکه او فرستاده ایمان بیاورید! بدو گفتند: چه معجزه مینمائی تا آن را دیده بتوانیم آوریم؟! چه کار میکنی! پدران ما در بیابان من را خورند چنانکه مکتوب است که از آسمان بدیشان عطاء کرد تا بخورند! عیسی بدیشان گفت: آمین امین بشما میگویم: که موسی نان را از آسمان نداد بلکه پدر من نان حقیقی را از آسمان بشما میدهد! زیرا که نان خدا آن است که از آسمان نازل شده بجان حیات میبخشد! آنگاه بدو گفتند: ای خداوند این نان را پیوسته بمانده! عیسی بدیشان گفت: من نان حیات هستم؛ کسی که نزد من آید هرگز گرسنه نشود و هر که بمن ایمان آورد هرگز تشنه نگردد!!! لیکن بشما گفتم: که مرا هم دیدید و ایمان نیاوردید!!! هر آن چه پدر من عطاء کند بجانب من آید! و هر کسی بجانب من آید او را بیرون نخواهم کرد!!! زیرا که از آسمان نزول کردم!!! نه تا به اراده خود عمل کنم بلکه به اراده فوستنده خود!!! و

اراده پدري که مرافستاد اين است که از آنچه بمن عطاء کرد چيزی تلف نکنم بلکه روز بازپسين آن را برخيزانم! و اراده فرستنده من اين است هرکسی پسر را ديد و بدو ايمان آورد حيات جاودانی داشته باشد! و من در روز بازپسين او را خواهم برخيزانيد! پس يهوديان درباره او همه کردند زيرا که گفته بود من هستم آن آن نانی که از آسمان نازل شد! و گفتند: آيا اين عیسی پسر يوسف نيست؟! که پدر و مادر او را می شناسيم پس چگونه میگوید: که از آسمان نازل شدم! عیسی در جواب ایشان گفت: بايکديگر همه مکنيد!!! کسی نم تواند نزد من آید مگر آنکه پدری که مرافستاد او را جذب کند و من در روز بازپسين او را برخيزانم! در کتب انبياء مکتوب است که همه از خدا تعليم خواهند يافت! پس هرکسی از پدر شنيد و تعليم يافت نزد من میآید! نه اين که کسی پدر را ديد باشد!!! جز آن کسی که از جانب خدا است او پدر را ديد است!!! آمين آمين بشم! میگويم: هرکسی بمن ايمان آورد حيات جاودانی دارد

من نان حیات هستم پدران شما در بیابان من را خوردند  
 و مردند! این نانی است که از آسمان نازل شد!!! تا هر  
 کسی از آن بخورد نمیرد! من هستم آن نان زنده که  
 از آسمان نازل شد؛ اگر کسی از این نان بخورد تا به ابد  
 زنده خواهد ماند و نانی که من عطاء میکنم جسم من  
 است که آن را بجهة حیات می بخشم! پس یهودیان  
 بایکدیگر مخاصمه کرده میگفتند: چگونه این شخص  
 میتواند جسد خود را بماند تا بخوریم! عیسی بدیشان  
 گفت: آمین آمین بشما میگویم: **اگر جسد پسر انسان را  
 نخورید و خون او را ننوشید در خود حیات ندارند! و هر  
 کسی جسد مرا خورد و خون مرا نوشید حیات جاودانی  
 دارد! و من در روز آخر او را خواهم برخیزانید! زیرا که  
 جسد من خوردنی حقیقی و خون من آشامیدنی حقیقی  
 است! پس هر کسی جسد مرا می خورد و خون مرا می  
 نوشد در من میماند و من در او! چنانکه پدر زنده مرا  
 فوستاد و من در پدر زنده هستم!!! همچنین کسی که مرا  
 بخورد او نیز بمن زنده میشود!!! این است نانی که از**

آسمان نازل شد؛ نه همچنانکه پدران شما من را خوردند  
 و مردند! بلکه هرکسی این نان را بخورد تابه ابد زنده  
 می ماند! این سخن را وقتیکه در کفرناحوم تعلیم میداد  
 در کنیسه گفت: آنگاه بسیاری از شاگردان او چون این  
 را شنیدند گفتند: این کلام سخت است! که میتوان آن  
 را بشنود! چون عیسی خود دانست که شاگردانش در  
 این امر همه می کنند بدیشان گفت: آیا این شمار الغزش  
 میدهد؟! پس اگر پسرانسان را ببینید که بجائیکه اول  
 صعود میکند چه؟! روح است که زنده میکند! و اما از  
 جسد فایده نیست!!! کلامی را که من بشما میگویم:  
 روح حیات است! ولیکن بعضی از شما هستند که ایمان  
 نمی آورند زیرا که عیسی از ابتداء میدانست کیانند که  
 ایمان نمی آورند و کیست که او را تسلیم خواهد کرد  
 پس گفت: از این سبب بشما گفتم: که کسی نزد من  
 نمیتواند آمد مگر آن کسیکه پدر من آن را بدو عطاء  
 کند!!! در همان وقت بسیار از شاگردان او برگشته دیگر  
 با او همراهی نکردند!!! آنگاه عیسی به آن دوازده گفت:

آیا شما نیز می‌خواهید بروید؟! شمعون پطرس به او جواب داد خداوندا نزد چه کسی برویم! کلمات حیات جاودانی نزد تو است! و ما ایمان آورده و شناخته ایم که تو مسیح پسر خدای حی هستی! عیسی بدشان جواب جواب داد! آیامن شما دوازده را برنگزیدم؟! **و حال آنکه یکی از شما ابلیسی است!** و این را در باره یهودا پسر شمعون اسخریوطی گفت: زیرا که میبایست تسلیم کننده کننده‌وی بشود و یکی از آن دوا ده بود!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا باب تمامی ششم)

### انجیل یوحنا باب هفتم

و بعد از آن عیسی در جلیل می‌گشت زیرا که نمی‌خواست در یهودیه راه برود!!! چونکه یهودیان قصد قتل او می‌داشتند و عید یهود که عید خیمه‌ها باشد نزدیک بود! پس برادرانش بدو گفتند: از اینجا روانه شده بیهودیه برو تا شاگردانت نیز آن اعمالی را که تو می‌کنی به بینند! زیرا که هر کسی که می‌خواهد آشکار شود در پنهانی نمی‌کند! پس اگر اینکارها را می‌کنی خود بجهان بنما!

زیرا که برادرانش نیز به او ایمان نیاورده بودند! آنگاه عیسی بدیشان گفت: وقت من هنوز نرسیده اما وقت شما حاضر است! جهان نمیتواند شما را دشمن بدارد! ولیکن مرا دشمن میدارد! زیرا که من بر آن شهادت میدهم که اعمالش بد است! شما برای این عید بروید من حالا به این عید نمیآیم! زیرا که وقت من هنوز تمام نشده است! چون این را بدیشان گفت: در جلیل توقف نمود! لیکن چون برادرانش برای عید رفته بودند او نیز آمدنه آشکار بلکه در خفا! اما یهودیان او را جستجو نموده میگفتند: که او کجاست؟! او در میان مردم در باره او همه بسیار بود! بعضی میگفتند: که مرد نیکو است!!! و دیگران میگفتند: نه بلکه گمراه کننده قوم است! ولیکن بسبب ترس از یهود! هیچ کسی درباره او ظاهراً حرف نمیزد! و چون نصف عید گذشته بود! عیسی بهیکل آمده تعلیم میداد!!! و یهودیان تعجب نموده گفتند: این شخص هرگز تعلیم نیافته چگونه

کتب را میداند! عیسی در جواب ایشان گفت: تعلیم من  
 !از من نیست بلکه از فرستنده من است!!! اگر کسی  
 بخواهد!!! اراده او را بعمل آورد! در بیره ما!!! خواهد  
 دانست که از خداوند است یا آنکه من از خود سخن  
 می‌رانم! هر کسی خود سخن گوید: جلال خود را طالب  
 بود! و اما هر کسی جلال فرستنده خود باشد! او صادق  
 است و در او ناراستی نیست! آیا موسی تورا را بشما  
 نداده است! و حال آنکه کسی از شما نیست که بتورا  
 عمل کند! از برای چه میخواهید مرا بقتل برسانید! آنگاه  
 همه گفتند: تو دیو داری که اراده دارد! تورا بکشد!  
 عیسی در جواب ایشان گفت: یک عمل نمودم و همه  
 شما از آن متعجب شدید! موسی ختنه را بشما دادند  
 آنکه از موسی باشد! بلکه از اجداد و در روز سبت مرا  
 ختنه مکنید! پس اگر کسی در روز سبت مختون شود  
 تا شریعت موسی شکسته نشود!!! چرا بومن خشم  
 می‌آورید؟! از آن سبب که در روز سبت شخصی را شفای

کامل دادم؟! بحسب ظاهر داوری میکنید؟! بلکه برآستی  
 داوری نمائید!!! پس بعضی از اهل اورشلیم گفتند: آیا  
 این آن نیست که قصد قتل او دارند؟! و اینک آشکارا  
 حرف میزند و بدو هیچ نمیگویند؟! آیا رؤساء یقیناً  
 میدانند که او در حقیقت مسیح است؟! لیکن این شخص  
 را میدانیم از کجا است؟! اما مسیح چون آید هیچکسی  
 نمی شناسد که از کجا است؟! و عیسی چون در هیکل  
 تعلیم میداد ندا کرده گفت: مرا می شناسید و نیز میدانید  
 از کجا هستم! و از خود نیامده ام بلکه فرستنده من حق  
 است! شما او را نمی شناسید! اما من او را میشناسم  
 زیرا که از او هستم! و او مرا فرستاده است! آنگاه خواستند  
 او را گرفتار کنند! ولیکن کسی بر او دست نیداخت زیرا که  
 ساعت او هنوز نرسیده بود! آنگاه بسیاری! از آن گروه  
 بدو ایمان آوردند و گفتند: آیا چون مسیح آید معجزات؟!  
 بیشتر از اینها که این شخص مینماید خواهد نمود؟!  
 چون فریسیان شنیدند که خلق درباره او این همه

میکنند! فریسیان و رؤسای گهنه خادمان رافرستادند  
 تا او را بگیرند! آنگاه عیسی گفت: اندک زمانی دیگر  
 باشما هستم بعد نزد فرستنده خود میروم! و مرا طلب  
 خواهید کرد و نخواهید یافت و آنجائیکه من هستم شما  
 نمیتوانید آمد! پس یهودیان بایکدیگر گفتند: او کجاست  
 خواهد بود که ما نمیابیم؟! آیا اراده دارد بسوی پراکند  
 کان یونانیان رود؟! و یونانیان را تعلیم دهد! این چه  
 کلامی است که گفت: مرا طلب خواهید کرد و نخواهید  
 یافت؟! و آنجائیکه من هستم شما نمیتوانید آمد! و در روز  
 آخر که روز بزرگ عید بود عیسی ایستاده ندا کرد و  
 گفت: هر تشنه باشد نزد من آید و بنوشد!!! کسیکه بمن  
 ایمان آورد چنانکه کتاب میگوید: از بطن نهرهای آب  
 زنده جاری خواهد شد! اما این را گفت: درباره روح  
 که هر کسی به او ایمان آورد او را خواهد یافت زیرا که  
 روح القدس هنوز عطاء نشده بود چونکه عیسی تا  
 بحال جلال نیافته بود!!! آنگاه بسیاری از آن گروه

چون این کلام را شنیدند گفتند: درحقیقت این شخص همان نبیّ است! و بعضی گفتند: او مسیح است و بعضی گفتند: مگر مسیح از جلیل خواهد آمد!!! آیا کتاب نگفته است که از نسل داود! و از بیت الحم دهیکه داود در آن بود مسیح ظاهر خواهد شد! پس درباره او در میان مردم اختلاف افتاد! و بعضی از ایشان خواستند او را بگیرند! ولیکن هیچکسی بر او دست نینداخت!!! پس خادمان نزد رؤسای گهنه و فریسیان آمدند! آنها بدیشان گفتند: برای چه او را نیاوردید! خادمان در جواب گفتند: هرگز کسی مثل این شخص سخن نگفته است! آنگاه فریسیان در جواب ایشان گفتند: آیا شما نیز گمراه شده اید؟! مگر کسی از سرداران یا فریسیان به او ایمان آورده است؟! ولیکن این گروه که شریعت را که نمدانند ملعون است نیقودیموس آنکه در شب نزد او آمده و یکی از ایشان بود بدیشان گفت: آیا شریعت ما بر کسی فتوی میدهد جز آنکه اول سخن او را بشنوند و کار او را دریافت کنید

ایشان در جواب وی گفتند: مگر تونی ز جلیلی هستی  
تفحص کنی و ببینی؟! زیرا که هیچ نبی از جلیل برخاسته  
است؟! پس هریکی بخانه خود رفتند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب هفتم)

### از انجیل یوحنا باب هشتم

اما عیسی بکوه زیتون رفت! و با مدادان باز به هیکل  
آمد و چون جمیع قوم نزد او آمدند نشسته ایشان را  
تعلیم میداد! که ناگاه کاتبان و فریسیان زنی را که در  
زنا گرفته شده بود! پیش او آوردند و او را در میان برپا  
داشته بدو گفتند: ای استاد این زن در عین عمل زنا  
گرفته! و موسی در توراۀ بما حکم کرده است!!! **چنین**  
**زنان سنگسار شود!!! اما توجه میگوئی** و این را از  
روی امتحان بدو گفتند: تا ادعائی بر او پیدا کنی!!! اما  
عیسی سر بر زیر افکند به انگشت خود بر روی زمین  
مینوشت!!! و چون در سؤال کرده الحاج می نمودند  
راست شده بدیشان گفت: ه-ر کسی از شما گناه ندارد!

اول بر او سنگ اندازد! و باز سر بر زیر افکند بر زمین می  
مینوشت! پس چون شنیدند از ضمیر خود ملزم شده از  
مشایخ شروع کرده تا به آخر یک یک بیرون رفتند  
!!! و عیسی تنها با زن باقی ماند با آن زن که در میان  
ایستاده بود! پس عیسی چون راست شد و غیر از زن  
کیسی را ندید!!! بدو گفت: ای زن آیا مدعیان تو کجا  
رفتند؟! آیا هیچ کسی بر تو فتوای نداد؟! گفت: هیچ کس  
ای آقا! عیسی گفت: من هم بر تو فتوی نمیدهم برو گناه  
مکن! پس عیسی باز بدیشان خطاب کرده گفت: من  
نور عالم هستم! کسیکه مرا متابعت کند در ظلمت ساکن  
نمیشود بلکه نور حیات را مییابد!!! آنگاه فریسیان  
بدو گفتند: تو بر خود شهادت میدهی پس شهادت تو  
راست نیست!!! عیسی در جواب ایشان گفت: هر چند  
من بر خود شهادت میدهم! شهادت من راست است!  
زیرا که میدانم از کجا آمده ام! و بکجا خواهم رفت لیکن  
شما نمیدانید از کجا آمده ام و بکجا میروم! شما بحسب

جسم حکم میکنید اما من بر هیچکس حکم نمیکنم! او  
 اگر من حکم بدهم حکم من راست است! از آن رو که  
 تنهانیستم بلکه من پدری که مرا فرستاد!!! و نیز در  
 شریعت شما متکوب است! که شهادت دو کس حق است  
 من بر خود شهادت میدهم و پدری که مرا فرستاد نیز برای  
 من شهادت میدهد! بدو گفتند: پدر تو کجاست؟! عیسی  
 جواب داد که نه مرا می شناسید! و نه پدر مرا!!! هر گاه  
 مرا میشناختید! پدر مرا نیز میشناختید!!! و این کلام را  
 عیسی در بیت المال گفت: و قتی که در هیكل تعلیم میداد  
 و هیچکسی او را نگرفت بجهت آنکه ساعت او هنوز  
 نرسیده بود! باز عیسی بدیشان گفت: من میروم و مرا  
 طلب خواهید کرد و در گناهان خودتان خواهید مرد! و  
 جائیکه من میروم شما نمیتوانید آمد! یهودیان گفتند:  
 آیا اراده قتل خود دارد؟! که میگوید: بجائی خواهد  
 رفت که شما نمیتوانید آمد! ایشان را گفت: شما از پائین  
 میباشید! اما من از بالا! شما از این جهان هستید! لیکن

من از این جهان نیستم! از این جهة بشما گفتم: که در گناهان خود خواهید مرد! زیرا که اگر باور نکنید که من هستم در گناهان خود خواهید مرد! بدو گفتند: تو کیستی؟! عیسی بدیشان گفت: همانم که از اول بشما گفتم: من چیزهای بسیار دارم که درباره شما بگویم: و حکم کنم لیکن آنکه مرا فرستاد حق است! و من آنچه از او شنیده ام بجهان میگویم: ایشان نفهمیدند! که بدیشان درباره پدر سخن مگوید: عیسی بدیشان گفت: وقتیکه پسر انسان را بلند کردید آن وقت خواهید!!! دانست که من هستم و از خود کاری نمیکنم! بلکه آنچه پدرم مرا تعلم داد تکلم میکنم و او که مرا فرستاد با من است و پدر مرا تنهانگزارده است! زیرا که من همیشه کارهای پسندیده اورا بجامی آورم! چون این را گفت: بدو ایمان آوردند پس عیسی بیهودیانی که بدو ایمان آوردند گفت: اگر شما در کلام من بمانید! فی الحقیقة شاگرد من خواهید شد! و حق را خواهید شناخت! و حق شمارا آزاد خواهد

کرد! بدو جواب دادند که اولاد ابراهیم میباشیم! و هرگز هیچکسی را غلام نبودیم! پس چگونه تو میگوئی: که آزاد خواهید شد؟! عیسی در جواب ایشان گفت: آمین امین بشما میگویم: هرکسی گناه م‌کند غلام گناه است! و غلام همیشه در خانه نمیماند! ما پسر همیشه میماند! پس اگر پسر شما را آزاد کند در حقیقت آزاد خواهد بود! میدانم که اولاد ابراهیم هستید لیکن می‌خواهید مرا بکشید زیرا که کلام من در شما جای ندارد! من آنچه از نزد پدر خود دیده‌ام میگویم: و شما آنچه از نزد پدر خود دیده‌اید می‌کنید! در جواب او گفتند: که پدر ما ابراهیم است! عیسی بدیشان گفت: آنگاه اولاد ابراهیم می‌بودید؟! اعمال ابراهیم را انجامی‌آوردید؟! ولیکن الآن می‌خواهید مرا بکشید؟! و من شخصی هستم که باشما برآستی؛ که از خداوند شنیده‌ام تکلم می‌کنم! ابراهیم چنین نکرد؟! شما اعمال پدر خود را انجامی‌آورید!!! بدو گفتند: که ما از زنا زائیده نشده‌یم!!! یک پدر داریم که

خداوند باشد! عیسی به ایشان گفت: اگر خداوند پدر شما  
میبودم را دوست میداشتید! زیرا که من از جانب خداوند  
صادر شده و آمده ام! زیرا که من از پیش خود نیامده ام  
بلکه او مرا فرستاده است! برای چه سخن مرا نمی  
فهمید از آنجهت که کلام مرا نمیتوانید بشنوید! شما از  
پدر خود ابلیس میباشید!!! و خواهشهای پدر خود را  
میخواهید بعمل آورید! او از اول قاتل بود در راستی  
ثابت نمیباشد! از آن جهت که در او راستی نیست! هر  
گاه بدروغ سخن میگوید: از ذات خود میگوید: زیرا که  
دروغگو و پدر دروغگویان است! و اما من از این سبب  
میگویم: مرا باور نمیکنید! کیست از شما که مرا بگناه  
ملزم سازد پس اگر راست میگویم: چرا باور نمیکنید  
؟؟؟!! کسیکه از خداوند است! کلام خداوند را خداوند  
را میشنود! و برای از سبب شما نمیشنوید! که از کلام  
خداوند نیستید! پس یهودیان در جواب او گفتند: آیا ما  
خوب نگفتیم؟! که تو سامری هستی و دیوداری!!؟؟!

عیسی در جواب داد که من دیوندارم لیکن پدر خود را  
 حرمت میدارم و شما مرا بیحرمت میسازید! من جلال  
 خود را طالب نیستم کسی هست که میطلبد و داوری  
 میکند! آمین آمین بشمامیگویم: اگر کسی کلام مرا را  
 حفظ کند! موت را تا به ابد نخواهد دید! پس یهودیان  
 بدو گفتند: الان دانستیم که دیوداری! ابراهیم و انبیاء  
 مردند و تو میگوئی! اگر کسی کلام مرا حفظ کند! موت  
 را تا به ابد نخواهد چشید! آیاتو پدر ما ابراهیم که مُرد  
 و انبیائی که مُردند بزرگتر هستی؟! خود را چه کسی میدانی  
 ???!!! عیسی جواب داد اگر خود را جلال دهم جلال  
 من چیزی نمیباشد! پدر آن است که مرا جلال میبخشد  
 آنکه شما میگوئید: خداوند ما است! و او را نمی شناسید  
 اما من او را میشناسم! و اگر بگویم: او را میشناسم مثل  
 شما دروغگو میباشم! لیکن او را میشناسم و قول او را  
 او را نگاه میدارم! پدر شما ابراهیم شادی خواهد کرد  
 بر اینکه روزی مرا به بیند و دید! و دیده شادمانی گردید

**یهودیان بدو گفتند: هنوز پنجاه سال نداری و ابراهیم رادیده! عیسی بدیشان گفت: آمین امین بشامیگویم: که پیش از آنکه ابراهیم پیداشود من هستم!!! آنگاه سنگها برداشتند تا اورا سنگسار کنند! اما عیسی خود را مخفی ساخت و از میان گذشت از هیکل بیرون شد!!! هیچ ندیدن از میان برفت!!!**

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب نهم)

### از انجیل یوحنا باب دهم

و وقتی که میرفت کوری مادر زاد را دید! و شاگردانش از او سؤال کرده گفتند: ای استاد چه کسی گناه کرده؟! این شخص یا والدین او که کور زاییده شد؟! عیسی جواب داد که گناه را نه این شخص کرد! و نه پدر و مادرش بلکه تا اعمال خداوند روی ظاهر شده است! مادامیکه روز است من باید بکارهای فرستنده خود مشغول باشم! شب میآید که در آن هیچکسی نمیتواند کاری کند!!! مادامیکه در جهان هستم نور جهانم! این را گفت: و آب دهان بر زمست انداخته از آب گل ساخت و کل را به

چشمان کور مالید! و بدو گفت: برو حوض سیلوخا که به معنی مُرسل است بشوی! پس رفته شست و بیناشده برگرشت! پس همسایگان و کسانیکه او را پیش از آن در حالت کوری دیده بودند گفتند: آیا این آن نیست که می نشست و گدائی میکرد؟! بعضی گفتند: همان است! و بعضی گفتند: شباهت بدو دارد او گفت: من همانم بیدو گفتند: پس چگونه چشمان تو بازگشت؟! او جواب داد شخصیکه او را عیسی میگویند: گل ساخت بر چشمان بر چشمان من مالیده بمن گفت: برو حوض سیلوخا برو بشوی!!! آنگاه رفتم و شسته بینا گشتم! بوی گفتند: آن شخص کجا است؟! گفت: نمیدانم!!! پس او را که پیشتر کور بود نزد فریسیان آوردند!!! و آن روزی که عیسی گل ساخته چشمان او را باز کرد روز سبت بود! آنگاه فریسیان نیز از او سؤال کردند چگونه بیناشدی بدیشان گفت: گل به چشمهای من گذارد پس شتم و بیناشدم! بعضی فریسیان گفتند: آن شخص از جانب

خدانیست زیرا که سبت را نگاه نمیدارد! دیگران گفتند:  
 چگونه شخص گناه کار میتواند!!! مثل این معجزات  
 ظاهر سازد؟! و در میان ایشان اختلاف افتاد!!! باز بدان  
 کور گفتند: تو درباره او چه میگوئی که چشمان تو را  
 بیناساخت گفت: نبی است! لیکن یهودیان سرگذشت  
 او را باور نکردند که کور بوده و بیناشده است! تا آنکه  
 پدر و مادر آن بیناشده را طلبیدند! و از آنها سؤال کرده  
 گفتند:؟! آیا این است پسر شما که مگوئید: کور متولد  
 شده؟! پس چگونه الحال بیناگشته است؟! پدر و مادر او  
 در جواب ایشان گفتند: میدانیم که این پسر ما است و  
 گور متولد شده! لیکن الحال چه طور چشانش میبیند  
 ! نمی‌دانیم چه کسی چشمان او را باز نموده!!! او بالغ  
 است از او سؤال کنید؟! تا او احوال خود را بیان کند  
 پدر و مادر او چنین گفتند: زیرا که از یهودیان می‌ترسیدند  
 از آن روی یهودیان با خود عهد کرده بودند! که هر کسی  
 اعتراف کند او مسیح است! از کنیسه بیرونش کنند!

و از این جهة والدین او گفتند: او بالغ است از خودش  
 بپرسید!!! پس آن شخص را گور بود باز خوانده بدو  
 گفتند: خدارا تمجید کن ما میدانیم که این شخص گناه  
 کار است! او جواب داد اگر گناه کار است نمیدانم!!! یک  
 چیز میدانم که گور بودم و الآن بیناشده ام! باز بدو گفتند:  
 با توجه کرد و چگونه چشمهای تو را باز کرد؟! ایشان  
 را جواب داد که الآن بشما گفتم: نشنیدید مرا برای چه  
 باز می خواهید بشنوید؟! آیا شما نیز اراده دارید که شتاگرد  
 او بشوید؟! پس او را دشنام داده گفتند: تو شاگرد او  
 هستی ما شاگرد موسی میباشیم! ما میدانیم که خداوند  
 با موسی تکلم کرد اما این شخص را نمیدانیم که از  
 کجا است! آن مرد جواب داد بدیشان گفت: این عجب  
 است که نمیدانید از کجا است!!! و حال آنکه چشم های  
 مرا باز کرد! و میدانیم خدا دعای گناهکاران را نمیشنود  
 ! ولیکن اگر کسی خدا پرست باشد و اراده او را بجا آورد  
 دعای او را میشنود! از ابتدای عالم شنیده نشده است

که کسی چشمان کور مادرزاد را باز کرده باشد اگر این شخص از خداوند نبوده یچ کار نتوانستی که کرد! در جواب او گفتند: تو بکلی باگناه متولد شده!!! آیاتو ما را فریب میدهی؟! پس او را بیرون راندند!!! عیسی چون شنید که او را بیرون کرده اندوی راجسته گفت: آیاتوبه پسر خداوند ایمان آوردی؟! او در جواب گفت: ای آقا کیست تا به او ایمان آورم!!! عیسی بدو گفت: تو نه او را دیده؟! و آنکه با تو تکلم میکند همان است گفت: ای خداوند ایمان آورده ام پس او را پرستش نمود! آنگاه عیسی گفت: من در این جهان بجهت داوری آدمم تا کوران بینا و بینایان کور شوند!!! بعضی از فریسیان که با او بودند! چون این کلام را شنیدند گفتند: آیاما نیز کور هستیم؟؟؟! عیسی بدیشان گفت: اگر کور مینوید گناهی نمی داشتید! ولکن الآن میگوئید: بینا هستیم پس گناه شما در میماند!!!

(از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا باب نهم)

## از انجیل یوحنا باب دهم

آمین آمین بشمامیگویم: هر کسی از در آغل گوسفند داخل نشود بلکه از راه دیگر بالا رود اودزد و راه زن است! و اما آنکه از در داخل شود شبان گوسفندان است! دربان بجهت او می‌گشاید و گوسفندان آواز او را می‌شنوند! و گوسفندان خود را نام بنام می‌خواند و ایشان را بیرون می‌برد! و وقتی که گوسفندان خود را بیرون می‌برد پیش روی ایشان م‌مخرامد و گوسفندان از عقب او می‌روند! زیرا که آواز او را می‌شناسند!!! لیکن غریب را م‌تابع نمی‌کنند! بلکه از او می‌گریزند! زیرا که آواز غریبان را نمی‌شناسند! و این مثل را عیسی برای ایشان آورد اما ایشان نفهمیدند که چه چیزی بدیشان م‌گوید: آنگاه عیسی بدیشان باز گفت: آمین آمین بشما میگویم: که من در گوسفندان هستم!!! جمیع کسانی که پیش از من آمدند دزد و راه زن هستند لیکن گوسفندان سخن ایشان را نشنیدند!!! من در هستم هر کسی از من داخل گردد

نجات یابد! و بیرون و درون خرامید و علوفه یابد! دزد  
 نمیآید مگر آنکه بدزد و بکشد و هلاک کند! من آمده ام  
 تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتر حاصل کنند! من ایشان  
 را شبین نیکو هستم!!! شبان نیکو جان خود را در راه  
 گوسفندان مینهد! اما مزدوریکه شبان نیست و گوسفندان  
 از آن او نمیباشد! چون بیند که گرگ میآید گوسفندان  
 را گذاشته فرار میکند!!! و گرگ گوسفندان را بگیرد و  
 پراکنده میسازد! مزدور میگریزد چونکه مزدور است  
 و بفکر گوسفندان نیست! من شبان نیکو هستم و خاصان  
 خود را میشناسم و خاصان من مرا می شناسند! چنانکه  
 پدر مرا میشناسد و من پدر را میشناسم!!! جان خود را  
 در راه گوسفندان مینهم! و مرا گوسفندان دیگری هست  
 که از این آغل نستند! باید آنها را نیز بیاورم و آواز مرا  
 خواهد شنید و یک گله و شبان خواهند شد! و از سبب  
 پدر مرا دوست میدارند که من جان خود را مینهم تا آن  
 را بازگیرم! کسی آن را از من نمیگیرد بلکه من آن

را مینهم! قدرت دارم که آن را بنهم و قدرت دارم آن  
 را بازگیرم این حکم را پدر خود یافتم!!! باز بسبب این  
 کلام در میان یهودیان اختلاف افتاد! بسیاری از ایشان  
 گفتند: که دیو دارد و دیوانه است برای چه بدو گوش  
 میدهید!!! دیگران گفتند: که این سخنان دیوانه نیست  
 آید دیوانه میتواند چشم کوران را باز کند! پس در اورشلیم  
 عیادت جدید شد و زمستان بود و عیسی در هیکل در رواق  
 سلیمان میخرا مید! پس یهودیان دور او را گرفته بدو  
 بدو گفتند: تا کی ما را متردد داری اگر تو مسیح هستی  
 آشکارا بمانگو: عیسی بدیشان جواب داد من بشما  
 گفتم: و ایمان نیاوردید اعمالی را که به اسم پدر خود  
 بجا ماورم آنها برای من شهادت میدهند اینک شما  
 شما ایمان نمیآوردید! زیرا که از گوسفندان من نیستید!  
 چنانکه بشما گفتم! گوسفندان من آواز مرا میشنوند!  
 و من آنها را می شناسم و مرا متابعت میکنند! و من  
 به آنها حیات جاودانی میدهم! و تابه ابد هلاک نخواهند

شد! و هیچکسی آنها را از من نخواهد گرفت! پدریکه  
 بمن داد از همه بزرگتر است و کسی نمیتواند از دست  
 پدر من بگیرد! **من و پدریک هسیم! آنگاه یهودیان باز  
 سنگ برداشته تا او را سنگسار کنند! عیسی بدیشان  
 جواب داد از جانب پدر خود بسیار کارهای نیک بشما  
 نمودم بسبب کدام یک از آنها مرا سنگسار میکنند!  
 یهودیان در جواب گفتند: بسبب عمل نیک تو را سنگسار  
 نمیکنیم بلکه کفر زیراکه تو انسان هستی و خود را  
 خدامیخوانی! عیسی در جواب ایشان گفت: آیا در توراة  
 شما نوشته نشده است؟؟؟!! که من گفتم: شما خدایان  
 هستید! پس آنانی را که کلام خداوند بدیشان نازل شد  
 خدایان خوانند!!! و ممکن نیست که کتاب محو گردد آیا  
 کسی را که پدر تقدیس کرده بجهان فرستاد بدو میگوئید:  
 کفر میگوئی: از آن سبب که گفتم: پسر خداوند هستم!!!  
 اگر اعمال پدر خود را بجانم میآورم بمن ایمان میآورید  
 !ولکن چنانچه بجانم میآورم!!! هرگاه بمن ایمان نمی**

**آورید؟! به اعمال ایمان آورید تا بدانید و یقین کنید!**  
**پدر در من است و من در او!!! پس دیگر باره خواستند**  
**او را بگیرند! اما از دستهای ایشان بیرون رفت! و باز**  
**به آن طرف اردن جائیکه اول یحیی تمعید میداد!!!**  
**رفت و در آنجا توقف نمود! و بسیار نزد او آمده گفتند:**  
**یحیی هیچ معجزه ننمود و لکن هر چه یحیی درباره**  
**این شخص گفت: راست است!!! پس بسیار در آنجا به**  
**او ایمان آورد!!!** از کتاب مقدس عهد جدید از انجیل یوحنا تمامی باب دهم)

**نکاتی از مؤلف: در کتاب مقدس عهد جدید!!! اناجیل**  
**نوشته و ثابت کرده است! که یهودیان صهیون نیست**  
**انبیاء و رسولان خداوند خلاق جهان هستی را عمداً**  
**به قتل رسانیده اند!!! و شریعت و کتاب موسی و کتاب**  
**عیسی را تحریف کردند از بین بردند!!!**

**نکاتی از مؤلف: یهودیان صهیون نیست! توراة موسی**  
**را تحریف و نابود کردند! کتاب بنام کتاب مقدس عهد**  
**عتیق و طایه اصطلاح بنام توراة موسی نوشته اند!**

به جهان معرفی نمودند که توراۃ موسی این است!  
 و در آن کتاب سرتاپاودروغ و کذب و حرفهای رکیک  
 و سبکی و تهمت و افتراء و کفر و شرک و گمراهی و  
 باطل و ناحقّ به خداوند خلاقّ جهان هستی و ربّ  
 العالمین و در همه جا حاضر و ناظر و رحمان و رحیم؛ و  
 به انبیاء عظام و رسولان خداوند حقیقی؛ و به مؤمنین  
 و به شهداء راه حقّ روا داشتند؛ و در آن توراۃ تحریف  
 شده! خدایان متعدد و از ده گانه بوجود آوردند و نوشته اند  
 که از خدایان دو از ده گانه شروع مینمایم! که قبل از آن  
 از قلم خود که کفر و شرک توهین اهانت مینویسم از  
 خداوند ربّ العمین و رحمان و رحیم و غفار و؛ و هاب  
 عفو و بخشش و گذشت را مسئلت مینمایم و خواهانم  
 ای خداوند خالق و خلاقّ و صاحب اختیار کلّ من و  
 جهان و جهانیان که جز تو عفو و بخشش کننده وجود  
 ندارد! و امید من! و پناه من! فقط و فقط توی؛ تورا بذات  
 عقدست و سبحانت سوگند میدهم! امید این بنده که

جزتوشفیع وامیدی پناهی ندارد؛ ورحمت وبخشیش  
مفرما؛ ونومیدم مکن؛ آمین آمین یارب العالمین!!!  
**و خدایان دوازده گانه یهودیت صهیون  
نیست را! از کتاب مقدس عهد عتیق و از  
کتاب توراة فعلی! یعنی اصل واصل ناب  
وناب آیات شیطانی مینویسیم توجه!**

۱- وهوه صبايوت اولین خدای یهودیت صهیون نیزم  
بنی اسرائیل است! که هزاران جای کتاب مقدس عهد  
عتیق و کتاب توراة فعلی نامش نوشته شده است!

۲- هَللویاه خداوندرا حمد بگوئی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صدوششم آیه ۱)

**وتمام قوم بگویند: آمین هَللویاه!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صدوششم آیه ۸۴)

**هَللویاه خداوندرا به تمام دل حمدخواهیم گفت:**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد ویا زدهم آیه ۱)

**هَللویاه! خوشابه حال کسیکه از خداوند میترسند**

**و دروصیای او بسیار رغبت دارد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد و دوازدهم آیه ۱)

**هَلّوِیاه؛ ای بندگان خداوند تسبیح بخوانید!!!**

(از کتاب مقدّس عهدعتیق از مزمور صد و سیزدهم آیه ۱)

**نذرهای خود را بخداوند؛ ادا خواهیم کرد؛ به حضور**

**تمامی قوم وی! در صحن های اورشلیم هَلّوِیاه**

(از کتاب مقدّس عهدعتیق از مزمور صد و شانزدهم آیه ۱۹)

**ای جمیع امّت‌ها خداوند را تسبیح بخوانید؛ ای تمامی**

**قبایل اورا حمد گوئید: زیرا که رحمت پرما عظیم است؛**

**وراستی و خداوند تا ابد اَلْیَاقُوبَ هَلّوِیاه!!!**

(از کتاب مقدّس عهدعتیق از مزمور صد و هفدهم آیه ۱ و ۲)

**هَلّوِیاه نام خداوند را تسبیح بحوانی؛ ای بندگان**

**خداوند تسبیح بخوانید! شما که در خانه خداوند می**

**استید! در صحن های خانه خدای ما! هَلّوِیاه**

**زیرا که خداوند نهکواست!!!**

(از کتاب مقدّس عهدعتیق از مزمور صد و سی و پنجم آیه ۱ تا ۴)

**خداوند را متبرک خوانید؛ ای خاندان هارون خداوند را متبرک**

**خوانید؛ ای ترسندگان خداوند؛ متبرک بخوانید خداوند از**

**صهیون متبرک باد؛ که در اورشلیم ساکن است هَلّوِیاه**

(از کتاب مقدّس عهدعتیق از مزمور صد و سی و پنجم آیه ۲۰ و ۲۱)

**هَلّوِیاه ای جان من خداوند را تسبیح بخوان! تازنده  
هستم خداوند را حمد خواهم گفت:**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد و چهل و هشتم آیه ۱ و ۲)

**هَلّوِیاه؛ زیرا خدای ما را سر آیدن نیگواست! و دل پسندو  
تسبیح خواندن شایسته است! خداوند اورشلیم را بناء میکند**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد و چهل و هفتم آیه ۱)

**کلام خود را بیعقوب بیان کرده! فرایض و داوریهای خویش  
را با اسرائیل با هیچ امتی چنین نکرده است! داوریهای او را  
نداسته اند هَلّوِیاه!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد و چهل و هفتم آیه ۱۹ و ۲۰)

**هَلّوِیاه خداوند را از آسمان تسبیح بخوانید! در اعلی  
علیین او را تسبیح بخوانید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد و چهل و هشتم آیه ۱)

**و جلال او افق زمین و آسمان! او شاخی برای قوم خود بر  
افراشته است تا فخر باشد برای همه مقدّسان او! برای  
بنی اسرائیل؛ که قوم مقرب اومی باشد هَلّوِیاه!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد و چهل و هشتم آیه ۱۴)

**هَلّوِیاه خداوند را سر و دتازه بسر آید! و تسبیح او را در  
جماعت مقدّسان اسرائیل در آفریننده خود شادی نمایند**

**و پسران صهیون در پادشاه خویش وجد نمایند! نام او  
اورا با رقص تسبیح بخوانید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد و چهل و نهم آیه ۲۰)

**و داوری راکه متگوب برایشان اجراء دارند این کرامت  
است برای همه مقدسان او هَللویاه!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد و چهل و نهم آیه ۹)

**هَللویاه خدارا در قدس او تسبیح بجوانید! در فلک قوت  
اورا تسبیح بخوانید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد و پنجاهم آیه ۱)

**هر کسی روح دارد خدارا تسبیح بخواند هَللویاه!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از مزمور صد و پنجاهم آیه ۶)

**۳- خدوند الواهی خدای یگريهودیت صهیون نیزم؛ یعقوب  
و مزبحی در آنجا بنام او آن رایل الواهی اسرائیل نامید**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از تورا؛ سفر پیدایش باب سی و سوم آیه ۲۰)

**نکاتی از مؤلف: و تلمود (یعنی آئین یهود)**

**یک کتاب مسمی یهودیان صهیونیست میباشد! که دو قرن  
پیش از میلاد! عیسی مسیح ابن مریم رسول الله شروع  
بنوشتن کردند! بعد از دو قرن میلاد عیسی مسیح رسول الله  
ابن مریم! تلمود را تمام کردند! که در آن کتاب به عیسی**

مسیح رسول الله ابن مریم؛ و بخود مریم اهانت و توهین افتراء فراوان نوشته اند (تلمود یعنی آئین یهود؛ که تلمود را از کتاب مقدس عهد عتیق توراة فعلی؛ بالاتروگرامی تر میدانند) که این کتاب را در سال ۱۳۵۰ شمسی در امریک ب زبان فارسی ترجمه کردند! که اینجانب آن را از امریکا آورده ام؛ که در صفحه ۴۲ و ۶۵ تلمود کلمه الواهی را خدای خدایان نوشته اند!!! پس در این صورت الواهی یکی از خدایان یهودیت صهیون نیست میباشد؛ و خدای؛ خدایان است!!!

۴- داود یکی از خدایان یهودیت و صهیونیست است! یوناتان به داود گفت: بیابان صحراء برویم و هر دوی ایشان بصحراء رفتند؛ و یوناتان به داود گفت: ای یهوه خدای اسرائیل! چون فردایا روز سوم پدر خود را مثل این وقت آزمودم!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب اول سموئیل باب بیستم آیه ۱۲)

۵- سموئیل یکی از خدای یهودیت و صهیون نیست است! و سموئیل وفات نموده بود و جمیع اسرائیل به جهت او نوحه گری نمودند! و شاؤل تمام ی اصحاب اجنه و فالگران

را از زمین بیرون کرده بود؛ و فلسطینیان جمع شده آمدند و در شؤئیم اردو زدند؛ و شاول تمامی اسرائیل را جمع کرده در جلبوع اردو زدند؛ و چون شاول لشکر فلسطینیان را دید بترسید بسیار مضطرب شد؛ و شاول از خداوند سؤال نمود و خداوند او را جواب نداد؛ نه بخوابها و نه به اوریم و نه به انبیاء و شاول به خادمان خود گفت: زنی را که صاحب اجنه است برای من بطلبید!!! تا نزد او رفته از او مسئلت بنمایم! خادمانش وی را گفتند: اینک زنی صاحب اجنه در دور میباشد!!! و شاول صورت خویش را تبدیل نموده لباس دیگر پوشید؛ و دو نفر همراه خود برداشته رفت؛ و شبانگاه نزد آن زن آمده گفت: تمنّ اینک بواسطه جنّ برای من فالگیری نمائی؛ و کسی را که بتوب گویم: از برایم برآوری آن زن وی را گفت: اینک آنچه شاول فالگیرها کوده است میدانی؟ چگونه اصحاب اجنه و فالگیران را از زمین منقطع نموده است؟! پس تو چرا برای جانم دام میگذاری؟! تا مرا به قتل رسانی؟! و شاول برای وی به یهوه قسم خورد! گفت: به حیات یهوه قسم که از این امر بتوهیچ بدی نخواهد رسید؛ آن زن گفت: از برایت چه کسی را برآوریم! او گفت:

سموئیل را برای برآور؛ و چون آن زن سموئیل را دید با آواز بلند صدازد؛ وزن شاول را خطاب کرده گفت: برای چه مرا فریب دادی؟! زیرا که تو شاول هستی؛ پادشاه وی را گفت: مترس چه دیدی؟! آن زن در جواب شاول گفت: خدائی رامی بینم که از زمین برمیآید؛ اووی را گفت: صورت او چگونه است؟! زن گفت: مردی پیربرمی آید!!! و برداویی ملهس است!!! پس شاول دانست که سموئیل است؛ و رو بنومین خم شده تعظیم کرد؛ و سموئیل گفت: چرا مرا آوردی مضطرب ساختی؛ شاول گفت: در شدت تنگی هستم! چون که فلسطینیان بامن جنگ می نمایند؛ و خدا از من دور شده مرا به واسطه انبیاء و نه بخوابها دگر جواب نمی دهد!

لهذا تور اخواندم تا مرا اعلام نمائی که چه باید بکنم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب اول سموئیل باب بیست و هشتم آیه از ۳ تا ۱۶)

نکاتی از مؤلفک: آیا واقعاً زنان صاحب اجنه پیدامی شوند که اجنه در اختیار داشته باشند؟! که مردگان را از جهان آخرت زنده کنند و بیاورند؟! حتی آن قدر قدرت داشته باشد خدای مرده را زنده کند بیاورد؛ آیا چنین

زنی میتواند از جهان آخرت اطلاعاتی و خبری داشته باشد؟! آیا اصلاً چنین جادوگری می‌واند وجود داشته باشد؟! این چه گونه مردم فریبی است؟! یهودیان صهیون نیست به اصطلاح در کتاب آسمانی بنام توراۃ موسی وحی منزل در جهان!!! بنام کتاب خداوند خلاق جهان هستی و ربّ العالمین را به مردم جهان وجه انیان معرفی مینمایند؟! ای مردم جهان نگاه کنید که چگونه مردم دنیا را عوام می‌پندارند؟! پس قبل از آمدن سموئیل چرا زن صاحب اجنه شاول شناخت؟! آیا در کتاب به اصطلاح آسمانی این مطلب جادوگری و خدای برده را زنده کردن درست میباشد!!!

۶- خدای یهودیت صهیون نیست؛ خدای دیگری هم دارد! و نزدیکه خدای خود عا کردم؛ و اعتراف نموده گفتم: ای خداوند؛ خدای عظیم و مهیب؛ که عهد و رحمت را با محبان خویش؛ و آنانیکه فرایض تورا حفظ مینمایند نگاه میداری!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق از دانیال نبی؛ باب نهم؛ آیه ۴)

**خداوند؛ خدای ما را رحمت ها مغفرت ها است؛ هر چند**

**بدوگناه ورزیده یم!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب دانیال نبی؛ باب نهم؛ آیه ۹)

**پس الآن ای خداوند؛ خدای ما قوم خود را به دست قوی**

**! از زمین مصر بیرون آورده؛ اسمی برای خود پیدا کرده!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب دانیال نبی؛ باب نهم؛ آیه ۱۵)

**اما خداوند؛ خدای لشگرهاست؛ و یادگار او یهوه است!!!**

(کتاب مقدس عهد عتیق کتاب هوشع نبی؛ باب دوازدهم؛ آیه ۶)

**خدای؛ خدایان را حمد گوئید؛ زیرا که رحمت او تا ابد الابد**

**است!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب مزامیر مزور صدوسی و ششم؛ آیه ۱ تا ۳)

**جمال خداوند؛ خدای ما بر ما باد؛ و عمل دست های ما**

**را بر ما استوار ساز!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب مزامیر؛ مزور نود و دوم؛ آیه ۱۸)

**زیرا که یهوه خدای شما؛ خدای خدایان و رب الارباب**

**و خدای عظیم و جبار و مهیب است؛ که طرفدار ندارد!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب تورا سفر تنبیه؛ باب دهم؛ آیه ۱۷)

**و ما را از همه حیوانات صحراء که خداوند؛ خدا ساخته**

**بوده و شیار تر بود!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب تورا سفر پیدایش؛ باب سوم؛ آیه ۱۴)

**و آواز خداوند؛ خدارا شنیدند؛ که در هنگام وزیدن نسیم بهار**

**در باغ میخرامید؛ و آدم و زنش خویشان را از حضور خداوند**

خدا در میان درختان باغ پنهان کردند؛ خداوند؛ خدا آدم را ندا در داد و گفت: کجاستی؟! گفت: چون آوزت را در باغ شنیدم ترسان گشتم؛ زیرا که عریانم خود را پنهان کردم!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب توراة سفر پیدایش؛ باب سوم آیه ۹)

خداوند؛ خدایه مار گفت: چونکه این کار را کرده ای از جمیع بهایم؛ و از همه حیوانات صحراء ملعون تر هستی که بر شکمت راه خواهی رفت و در تمامی عمرت خاک

**خواهی خورد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب توراة؛ سفر پیدایش؛ باب سوم آیه ۱۴)

خداوند؛ خدایس آدم را از خاک زمین بسرشت!!! و در بینی وی روح حیات دمید و آدم زنده شد! و خداوند؛ خدای باغی در عدن به طرف شرق غرس نمود! و آدم را که سرشته بود در آنجا گذاشت؛ و خداوند؛ خدا هر درخت خوشنما و خوش خوراک را در زمین رویانید! و درخت حیات را در وسط باغ و درخت نیک و بد را!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب توراة سفر پیدایش؛ باب دوم؛ آیه ۷ تا ۱۴)

نکاتی از مؤلف: از این آیات کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب توراة فعلی؛ ثابت میشود؛ که خداوند؛ خدای دیگر هم دارد؛ یعنی چه؟ خدا در یک جا همان یهوه خداوند

ازلی است؛ و در یک جایه وه یادگار خداوند ازلی و اصلی است؛ ماکه در این باره چیزی درک نکردیم فقط خداوند خلاق جهان هستی و ازلی و ابدی میدانوبس!!!  
۷- در کتاب مقدس عهد عتیق و توراة فعلی یهود  
خدایان زیاد هستند!!!

الآن دانستیم یه وه از جمیع خدایان بزرگتر است؛ خصوصاً  
در همان امری که برای ایشان تکبری کردند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب توراة؛ سفر خروج باب دوم آیه ۱۱)

زیرا که میدانیم خداوند بزرگ؛ و خداوند ما برتر است!  
از جمیع خدایان؛ هر آنچه خود خداوند آن را کرد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب مزا میر؛ مزمور صدوسی و پنجم؛ آیه ۶)

تورا به تمامی دل خود حمد خواهیم گفت؛ به حضور  
خدایان تورا حمد خواهیم گفت؛ به سوی هیکل قدس  
تو عبادت خواهیم کرد؛ و نام تورا حمد خواهیم گفت:

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب مزامیر؛ مزمور صدوسی و هشتم؛ آیه ۱)

۸- در کتاب مقدس عهد عتیق توراة فعلی همه اسرائیل  
خداوند هستند و به سمع خدای مامتوجه شده؛ تمامی او امر  
یه وه خدای خود را بطلبید؛ تا زمین زهکورا بتصرف آورده

آن را بعد از خودتان به پسران خویش تا ابدالآبادیه

ارثیت واگذارید!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب اول تواریخ ایام؛ باب بیست و هشتم؛ آیه ۸)

**شما پسران یهوه خدای خود هستید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب تورا سفر تثئیه باب چهاردهم؛ آیه ۱)

وروزی واقع شد که پسران خداوند آمدند تا به حضور

خداوند حاضر شوند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب ایوب باب اول؛ آیه ۶)

**و جمیع پسران خدا آواز شادمانی دادند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب ایوب باب سی و هشتم؛ آیه ۷)

**من گفتم: که شما خدایانید؛ و جمیع شما فرزندان حضرت**

**اعلی؛ لیکن مثل آدمیان خواهید مرد؛ و چون یکی از سروران**

**خواهد افتاد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق؛ از کتاب مزامیر؛ مزمور هشتاد و دوم؛ مزمور آساف؛ آیه ۷)

**پس الآن در نظر تمامی اسرائیل که جماعت خداوند هستند**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از اول تواریخ ایام؛ باب بست و هشتم؛ آیه ۸)

**پسران خدا دختران آدمیان را دیدند؛ که نیکو منظرند؛ و**

**هر کدام خواستند؛ زنان برای خود می گرفتند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب تورا سفر پیدایش باب ششم؛ آیه ۱ تا ۵)

**افراد ملت اسرائیل عزیز هستند؛ زیرا فرزندان خدای**

**حاضر در همه جا خوانده شده اند!!!**

(از کتاب تلمود ص ۴۵)

۹- در کتاب مقدس عهد عتیق خداوند یکی است؛ که آنهم یهوه میباشد! خداوند بمسیح خویش گفت: یعنی به کورش که دست راست تورا گرفتم؛ تا به حضور تو امّت‌ها را مغلوب سازم! و کمرهای پادشان را بگشایم! تا درها را به حضور تو مفتوح نمایم؛ و دروازه هادیگر بسته نشود! خداوند چنین میگوید: که پیش روی تو خواهیم خرامید!!! و جاهای ناهموار را هموار خواهیم ساخت! و درهای برنجین را شکسته!!! پشت بندهای آهنین را خواهیم برید! و گنج‌های ظلمت و خزاین مخفی را به تو خواهیم بخشید؛ تا بدانی که من یهوه که تو را به اسمت خوانده‌ام؛ خدای اسرائیل میباشم!!! به خاطر بنده خود یعقوب! و برگزیده خویش اسرائیل!!! هنگامیکه که مرا شناختی تو را به اسمت خوانده‌ام و لقب ساختم! **من یهوه هستم و دیگری نیست! و غیر نیست؛ و غیر از من خدائی نی!** من گمرتورا بستم هنگامی که مرا شناختی؛ تا در مشرق آفتاب و مغرب آن بدانند!

**که سوای من احدی نیست!!! من یهوه هستم دیگری  
نی! پدید آورنده نور و آفریننده ظلمت! صانع سلامتی  
و آفریننده بدی! من یهوه صانع همه این چیزها هستم!**

(از کتاب مقدس عهد تئق از کتاب اشعیاء نبی؛ باب چهل و پنجم آیه از ۱ تا ۷)

**۱۰. خداوند کتاب مقدس عهد عتیق یهود؛ توراۀ فعلی  
زائیده است!!! او از خداوند است که بود دشمنان خود  
مکافات میرساند! قبل از آنکه درد زه بکشد زائیده!  
پیش از آنکه درد او را فروگیرد! اولاد نرینه آورد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب اشعیاء؛ باب شصت و ششم آیه از ۶ تا ۸)

**فرمان را اعلام میکنم که خداوند بمن گفته است!!! تو  
پسر من هستی امروز تورا تولید کردم!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب مزا میریعی مزور داود مزور اول آیه ۸)

**خداوند: او (داود) مرا خواهد خواند! که تو پدر من هستی  
خدای من و صخره نجات من؛ من نیز او را نخست زاده  
خود خواهم ساخت!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب مزامیر مزور؛ هشتاد و نهم؛ قصیده یتان از راحی؛ آیه ۲۶ و ۲۷)

**خداوند به افرایم گفت: من پدر اسرائیل هستم؛ و  
افرایم و افرایم نخست زاده من است!!!**

(از کتاب مقدس عهد از کتاب ارمیاء؛ نبی باب سی و یکم؛ آیه ۹)

وبه فرعون بگو: خداوند چنین میگوید: اسرائیل پسر من ونخست زاده من است! به تو میگویم: پسر مرا را رهاکن تا مرا عبادت نماید؛ و اگر از رهاکردنش ابانمائی **! همانا پسر تو یعنی نخست زاده تورا می کشم!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق کتاب تورا سفر خروج؛ باب چهارم؛ آیه ۲۳)

نکاتی از مؤلف: از این آیات کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورا فعلی! به اصطلاح کتاب آسمانی یهودیت و صهیون نیست چنین معلوم میشود! که خداوند بنی اسرائیل زائیده است! که زاییدنش و فرزندانش را!!! از کتاب با اصطلاح کتاب آسمانی خودشان شاهد آوردیم! ۱۱- خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورا هنوز نیامده است! زیرا که برای ما ولدی زائیده و پسر بها بخشیده شد! سلطت بردوش او خواهد بود!!! و اسم او عجیب مشیر و خدای قدیر و پدر سرمدی و سرور و سلامتی خوانده خواهد شد! سلطنت ترقی و سلامتی او بر کرسی داود! بر مملکت وی انتها نخواهد بود! تا آن را با انصاف و عدالت از الان تا ابد آباد ثابت و استوار نماید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب اشعیا نبی؛ باب نهم؛ آیه ۶ و ۷)

۱۲- کتاب مقدس عهد عتیق؛ کتاب امثال سلیمان نبی  
**بگفته سلیمان! خداوند مرا مبدای طریق خود داشت  
 قبل از اعمال خویش از ازل؛ من از برقرار بودم! از ابتداء  
 پیش از بودن جهان! هنگامیکه لجه هان بود من مولود  
 شدم! وقتیکه چشمه های پر از آب وجود نداشت! قبل  
 از آنکه کوهها برپا شود! پیش از تلها مولود گردیدم!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب امثال سلیمان نبی باب هشتم آیه‌ها ۲۲ تا ۲۶)

**نکاتی از مؤلف: از این آیات کتاب مقدس عهد عتیق  
 و از کتاب امثال سلیمان نبی! بلسطلاح از کتابهای آسمانی  
 یهودیت صهیون نیست دیگر ما نفهمیدیم آیا سلیمان  
 خداوند ازلی بوده است؟! و یا مخلوق پسر داود؟! پس  
 اگر سلیمان ازلی باشد؟! همان خداوند ازلی و خالق جهان  
 هستی است! که هنوز وفات نکرده است! زیرا که خداوند  
 ازلی و ابدی باقی است! پس اگر ازلی نباشد؟! مخلوق  
 ازلی است یعنی چه!!! این قدر ضدونقیض برای چه  
 است؟؟؟! آیا در کتاب آسمانی هم این همه ضدونقیض  
 بلید بوده باشد؟؟؟! و اگر چنین شده باشد! پس خداوند**

هم اشتباه کار و فراموش کار میباشد؟! پس آیا خداوند فراموش کار میتواند چنین جهان و موجودات پیچیده را خلق کند و اداره نماید؟! و با این خدایان دوازده گانه کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی! که کتاب به اصطلاح آسمانی! صهیون نیزم جهان خواریهودیت میباشد! که کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی! تحریف شده از بین رفته است! زیرا که سرتاپا ضد و نقیض میباشد! برای اینکه تا بحال ما نتوانستیم خداوند و مخلوق را از هم فصل و جدانماییم! و نه تنها ما نتوانستیم! و برای هیچکسی و هیچ گونه امکان شناخت و فهم وجود ندارد! که نمیدانیم علماء و خاخامهای! یهودیت و صهیون نیست آیا این کتابهاران خوانده اند؟! و با خداوند و مخلوق چنین عوام فریبی مینمایند؟!؟! و درحالی که در یک جا خداوند یکی است!!! و در جای دیگری همه بنی اسرائیل خداوند هستند؟!؟! پس خداوند و مخلوق کیست؟! و چیست؟!؟! که هیچ کسی نمیتواند در این

کتابها!!! و در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب توراة فعلی!!! خداوند و مخلوق را از هم جدا نمایند! و در فصل های یدیگر هم تمامی ضدونقیض های گوناگون این کتابها را به اصطلاح آسمانی هارا خواهیم نوشت تا تا کاملاً روشن تر شود! که در کتابهای به اصطلاح آسمانی! خداوند و مخلوق چنین قاتی شده است! که جدا کردن برای هیچکسی امکان پذیر نیست! **ویهودیان صهیون نیست یهوه را خداوند اصلی و ازلی خودشان معرفی میکنند و میدانند! در حالیکه در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب توراة فعلی!!! خداوند اصلی! خداوند دیگری است! که یهوه یادگار خداوند اصلی و ازلی میباشد! که در متن کتاب توراة فعلی! مطالعه فرموده اید! مانم می‌انیم آیا خداوند اصلی و ازلی! که یهوه یادگار اوست چه شده؟! که یهوه یادگار؟! او یا جانشین آن است؟! آیا مُرده؟! و یافزار کرده؟! و یاپنهان شده؟! و یازندانی شده است؟! و یابقتل رسانیده اند؟! معلوم نیست که چه شده است!؟**

خداوند قبلی و اصلی و ازلی شده است؟! که احوالات  
 و سرگذشت خداوند قبلی و اصلی و ازلی کتاب تورا  
 فعلی! برای ما معلوم و آشکار نشده است؟! خلاصه در  
 کتاب تورا فعلی! یهوه خداوند! اصلی و ازلی نمیباشد!  
 زیرا که در کتاب تورا فعلی نوشته است!!! که یهوه  
 و دیگر خداوند اصلی و ازلی میباشد!!! خلاصه کلام این  
 میباشد! که سرگذشت خداوند قبلی و اصلی و ازلی! در  
 کتاب مقدس عهد عتیق! و در کتاب تورا فعلی! چه بوده  
 است؟؟؟!!! برای مؤلف معلوم و آشکار نشده است!  
 آیا علماء و خاخامهای یهودیت و صهیون نیست یکتا  
 پرستی را از کجای کتابهای به اصطلاح آسمانی خود  
 در می آورند ما نمیدانیم؟؟؟!!!

عمل کردخدایان یهودیت در کتاب مقدس عهد عتیق  
 و در کتاب تورا فعلی! چنین میباشد!

۱- خداوند گفت: آدم را به صورت ما و موافق شبیه ما  
 بسازیم! تا بر ماهیان دریا و پرندگان آسمان و بهایم و

بر تمامی زمین و همه حشراتی که در زمین میخزند!  
**حکومت نمایند! پس خدا آدم را به صورت خود آفرید**  
**و ایشان نروماده آفرید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب توراة فعلی سفر پیدایش؛ باب اول آیه ۲۶)

**خداوند گفت: همانا انسان مثل یکی ماشده است!!! که**  
**عارف نیک و بد گردیده! اینک مبادا دست خود را دراز**  
**کند! و از درخت حیات نیز گرفته بخورد! و تا به ابد زنده**  
**بماند! پس خداوند! خدا او را از باغ عدن بیرون کرد!**  
**تا کارزمینی را که از آن گرفته شده بود بکند! پس آدم**  
**را بیرون کرد! و به طرف شرق باغ عدن کرّوبیان را**  
**مسکن داد! و شمشیر آتشباری! که را بر هر سو گردش**  
**میکرد خلق نمود! تا از طریق درخت حیات را محافظت کند!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب سوم آیه از ۲۲ تا آخر باب)

**و ما از همه حیوانات صحراء که خداوند؛ خدا ساخته**  
**بوده و شیار تر بود! و بز ن گفت: آیا خدا حقیقتاً گفته است**  
**؟! که از همه درختان باغ نخورد؟! از ن بمار گفت: از**  
**میوه درختان باغ میخوریم! لکن از میوه درختی که**

در وسط باغ است! خدا گفت: از آن نخورید و آن را لمس  
 مکنید که مبادا بمیرید؛ ما ریزن گفت: هر آینه نخواید  
 مُرد! بلکه خدا میداند در روزی که از آن بخورید چشمان  
 شما باز میشود! و مانند خدا عارف نیک و بد خواهد بود  
 و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست  
 و بنظر خوش نما و درختی دلپذیر دانش آفزا؛ پس از میوه اش  
 گرفته بخورد! و به شوهر خود نيز داد و او هم خورد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر پیدایش باب سوم آیه از ۱ تا ۶)

نکاتی از مؤلف: از این آیات کتاب مقدس عهد عتیق و  
 از کتاب توراة فعلی! استفاده میشود که خدا مانند آدم  
 است! و آدم هم مانند خدا است! پس در این صورت خدا  
 هم جسم میشود! و هر جسمی هم به مکان و زمان نیازمند  
 است! پس این خدائی که جسم بوده باشد؟!؟! قبل از  
 خلقت جهان هستی و عالم امکان؟!؟! این خدای جسمی  
 کجا بود؟! و چطور زندگی میکرد؟!؟! که جهان! و مکان  
 و زمان! و غذا! و هیچ مادی وجود نداشته است! و این  
 خدای جسمی یعنی چه؟! و چطور بوده است؟!؟!!!!

و واقع شد که چون آدمیان شروع کردند!!! بزاید شده  
 بر روی زمین! و دختران برای ایشان متولد گردیدند!  
 پسران خدا دختران آدمیان دیدند! که نیکو منظرند و هر  
 کدام خواستند زنان برای خویشان میگرفتند! خداوند  
 گفت: روح من در انسان دائماً داورى نخواهد کرد!!!  
 زیرا که او نیز بشر است!!! لیکن ایام وی صدوبیست سال  
 خواهد بود! و در آن ایام مردان تنومند در زمین بودند! بعد از  
 هنگامی که پسران خدا به دختران آدمیان درآمدند!  
 و آنها برای ایشان اولادی زائیدند که ایشان جبارانی بودند  
 (از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب توراة فعلی؛ سفر پیدایش؛ باب ششم؛ از آیه ۱ تا)

نکاتی از مؤلف: از این آیات کتاب مقدس عهد عتیق  
 و از کتاب توراة فعلی! برای ما معلوم و روشن نشد!  
 که این پسران را خداوند توراة فعلی خودش زائیده  
 بود؟؟؟؟!! و یا زنان خداوند زائیده بود؟؟؟؟!! زیرا که کتاب  
 خداوند توراة فعلی! خودش هم زائیده است؟؟؟؟!! که  
 زنان کتاب خداوند توراة فعلی! هم از زنان بوده! و هم  
 از پسران و مردان بوده است!!!

ای عاقره که نژائیده بسرا؛ ای که درد زه نکشیده  
 باواز بلندترتم نماو فریاد برآور! زیرا که خداوند میگوید:  
 پسران زن بی کس از منکوحه زیاده اند! مترس زیرا که  
 خجل نخواهی شد! و مشروشی مشوزیرا که رسوا نخواهی  
 گردید!!! چون که خجالت جوانی خویش را فراموش  
 خواهی کرد!!! و عاریبویگی خود را دیگر بیاد نخواهی  
 آورد! زیرا که آفریننده تو! که اسمش یهوه صبايوت  
 است؛ شوهر تو است! و قدّوس اسرائیل که بخدای تمام  
 تمام جهان مسمی است! ولیّ تو میباشد!!! زیرا که خداوند  
 تو را زن مهجور و رنجیره دل خوانده است؛ و مانند زوجه  
 جوانی که ترک شده باشد! خدای تو این را میگوید:  
 زیرا تو را به اندک لحظه ترک کردم! اما به رحمت های  
 عظیم تو را جمع خواهم کرد! و خداوند ولیّ تو میگوید:  
 بجوشش غضبی خود را از تو پوشانیدم؛ اما به احسان  
 جاودانی بر تو رحمت خواهم فرمود!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق از کتاب اشعیاء نبی؛ باب پنجاه و چهارم؛ آیه از ۱ تا ۹)

کلام خداوند بر هوشع بن بئیری نازل شد! برادران خود  
 لُوْعَمَى بگوئید: وبه خواهران خویش لُوْرُوْحَامَه محاجّه  
 نمائید! با مادر خود محاجّه نمائید! زیرا که اوزن من نیست  
 ؛ و من شوهر او نیستم! لهذا زنای خود را از پیش روشن  
 و فاحشگی را از میان پستانهایش رفع بنماید!!! مبادا  
 رخت او را کنده وی را برهنه نمایم!!! و او را مثل روز  
 ولادتش گودانیده! مانند بیابان واگذارم! و مثل زمین خشک  
 گردانیده بتشنگی بکشم! و بر پسرانش رحمت نخواهد  
 کرد!!! چونکه فرزندان زنا میباشند!!! زیرا که مادر  
 ایشان زنا نموده و والده ایشان بیشتر میکرده است  
 گفت: در عقب عاشقان خود که نان و آب و پشم و کتاب  
 و روغن و شربت بمن داده اند خواهم رفت: بنیو این  
 راه تو را بخارها خواهم بست؛ و گرداو! دهراری بناء  
 خواهم نمود تارهای خود را نیابی! و هر چند عاشقان  
 خود را تعاقب نماید به ایشان نخواهد رسید! و هر چند  
 ایشان را بطلبند نخواهد یافت! پس خواهد گفت: میروم  
 نزد شوهر نخستین خود بر میگردم! زیرا که در آن وقت

از اکنون مرا خوشترم بگذشت! اما او نمیدانست که من بودم که گندم! و شیره و روغن را به او میدادم! نقره و طلائی را که برای بعل صرف میکردند! برایش می افزودم!!! پس من گندم خود را در فصلش و شیره خود را در موسمش باز خواهم گرفت! و پشم و کتان خود را که میبایست برهنگی او را بپوشاند بر خواهم داشت! و الآن قباحت او را به نظر عاشقانش منکشف خواهم ساخت و احدی او را از دست من نخواهد رها کند!!! و تمامی شادی او و عید های و هلالها و سبتهای او و جمیع مواسمش را موقوف خواهم ساخت! مؤه او و انجیرهایش را که گفته بود! اینها اجرت من میباشد که عاشقانم به من داده اند! ویران خواهم ساخت و آنها را جنگل خواهم گودانید؛ تا حیوانات صحراء آنها را بخورند! و خداوند میگوید: که انتقام روزهای بعلم را از او خواهم کشید! برای آنها بخورم می سوزانید!!! و خویشان را بگوشواره ها و زویوهای خود آرایش داده! از عقب

عاشقان خودمیرفت! و مرا فراموش کرده بود! بنا بر اینکه  
 او را فریفته به بیابان خواهم آورد! و سخنان دلایز به  
 او خواهم گفت: و تا کستانهایش را از آنجا بوی خواهم  
 داد! و وادئی عخر را به دروازه امیدمبدل خواهم ساخت!  
 و در آنجا مانند ایام جوانیش! و مثل روز بیرون آمدنش  
 از زمین مصر خواهد سرائید! و خداوند میگوید: که در  
 در آن روز مرا ایشی (یعنی شوهر من) خواهد خواند!  
 و دیگر مرا بعلی نخواهد گفت: زیرا که نامهای بعلم را  
 از دهانش دور خواهم کرد! که با دیگر بنامهای خود  
 مذکور نشوند! و در آن روز به جهت ایشان با حیوانات  
 صحراء و مرغان هوا و حشرات زمین ع-هد خواهم  
 بست!! و شمشیر و جنگ را از زمین خواهم شکست!  
 و ایشان را به امنیّت خواهم خوابانید! و توراتا به ابد  
 نامزد خود خواهم ساخت! و تورا به عدالت و انصاف  
 و رأفت و رحمانیّت نامزد خود خواهم گردانید! و چون  
 تورا به امانت نامزد خود ساختم! آنگاه یهوه را خواهی  
 شناخت! و خداوند میگوید: من خطاب خواهم کرد!!!

آسمانها را خطاب خواهم کرد! و آنها زمین را خطاب خواهند کرد!  
وزمین گندم و شیره و روغن را خطاب خواهد کرد!  
نهایزر عیل را خطاب خواهند کرد! و او را برای خود در زمین خواهم گشت!  
و بر لور و حامه رحمت خواهم فرمود!  
وبه لوعمی خواهم گفت: تو قوم من هستی! و او جواب خواهد داد تو خدای من میباشی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب هوشع نبی؛ تمامی باب دوم)

۴ کلام خداوند بر من نازل شد گفت: ای پسرانسان دو زن دختر یک مادر بودند! و ایشان در مصر زنا کردند! در جوانی خود زنا کار شدند! در آنجاسینه های ایشان ایشان را مالیدند! و پستانهای بکارت ایشان را افشروند! و نامهای ایشان بزرگتر اهوئه و خواهر او اهوئیه بوده اند! و ایشان از آن من بوده اند! پسران و دختران زائیدند و اما نامهای ایشان اهوئه سامری میباشد! و اهوئیه اورشلیم! اهوئه از من روتافت زنا نمود!!! و بر محبان خود یعنی بر آشوریان! که مجاور او بودند عاشق گردید! کسانی که به آسمان جونی ملبس بودند؛ حاکمان و سرداران

**!که همه ایشان جوانان دلپسند و فارسان اسب سوار  
 بودند!!! و با ایشان یعنی به جمیع برگزیدگان بنی آشور  
 فاحشگی خود را بذل نموده! و خود را از جمیع بُتهای آنانیکه  
 برایشان عاشق میبود نجس می ساخت! و فاحشگی  
 خود را که در مصر می نمود ترک نکرد! زیرا ایشان در  
 ایام جوانیش با او هم خواب میشدند! و پستانه ای بکارت  
 او را افشوده زناکاری خود را بروی میرختند! لهذا من  
 او را به دست عاشقانش یعنی بدست بنی آشور که او  
 برایشان عشق میورزید تسلیم نمودم! که ایشان عورت  
 او را منکشف ساختند! پسران و دختران را گرفتند و او را  
 به شمشیر کشتند! که در میان زنان عبرت گردید و بر  
 وی داوری نمودند! و چون خواهرش اهُوئیبه این را  
 دید! در عشقبازی خویش را او زیادتر فاسد گردید! و  
 بیشتر از زناکاری خواهرش زنا نمود! و بر بنی آشور  
 عاشق گردید!!! که جمیع ایشان حاکمان و سروران  
 مجاور او بودند و ملبس به آسمانی جونی! و فارسان اسب**

سوارو جوانان دلپسند بودند! و دیدم که او نیز نجس گردیده! و طریق هر دوی ایشان یکی بوده است! پس زناکاری خود را زیاد نمود! زیرا صورتهای مردان که بر دیوارها نقش شده بود! یعنی تصویرهای گلدانیان را بشنجر ف کشیده شده بودید!!! که گمرهای ایشان! بکمر بندها بسته! و عمامه های رنگارنگ بر سر ایشان پیچیده بود! و جمیع آنها مانند سرداران! و شبیه اهل بابل که مولد ایشان زمین گلدانیان است بودند! و چون چشم او بر آنها افتاد عاشق ایشان گردید! رسولان نزد ایشان بزمین گلدانیان فرستاد! و پسران بابل نزد وی در بستر عشق بازی درآمدند! او را از زناکاری خود نجس ساختند! پس چون خود را از ایشان نجس یافت! طبع وی از ایشان متنفر گردید!!! و چونکه زناکاری خود را آشکار کرد و عورت خود را منکشف ساخت!!! جان من از او متنفر گردید چنانکه جانم از خواهرش متنفر شده بود! اما او ایام جوانی خود را که در آنها در زمین مصر زنا کرده

بود بیاد آورد! باز زناکاری خود را زیاد نمود! و بر معشوقه  
 های ایشان عشق ورزید! که گوشت ایشان مثل گوشت  
 الاغان و نطفه ایشان چون نطفه اسبان میباشد! و قباحت  
 جوانی خود را حینی که مصریان پستانهایت را به خاطر  
 افشردند بیاد آوری! بنابراین ای اهل بیت خدانداوند یهوه  
 چنین میفرماید: اینک من عاشقانت را که جانت از ایشان  
 منتفر شده است! به ضد تو برانگیزانیده ایشان را از  
 هر طرف بر تو خواهم آورد! یعنی پسران بابل و همه  
 گلدانیان را از فقود و شوع! و وقوع و همه پسران آشور  
 را همراه ایشان! که جمیع ایشان جوانان دلپسند و حاکمان  
 و الیان و سرداران و نامداران هستند! و تمام ی ایشان  
 اسب سوارند و با اسبها و کالسکه و ارابه ها و گاو و  
 عظیمی بر تو خواهند آمد! و با من هاوسیرها و خودها  
 تو را احاطه خواهند نمود! و من داور ی تو را بر ایشان  
 خواهم سپرد! تا تو را بر حسب احکام خود داور ی نمایند!  
 و من غیرت خود را بر ضد تو خواهم برانگیخت! تا با تو  
 بغضب عمل نمایند! و بینی گوشهای تو را خواهند برید

وبقیه تو باشمشیر خواهند افتاد و پسران و دختران تو  
 را خواهند گرفت! وبقیه تو با آتش سوخته خواهد شد!  
 ولباس تو را از توکنده زیورهای زیبائی تو را خواهند  
 برد!!! پس قباحت تو و زناکاری تو را که از زمین مصر  
 آورده از تو نابود خواهم ساخت! وچشمان خود را بسوی  
 ایشان بر نخواهی افراشت و دیگر مصر را بیاد نخواهی  
 آورد زیرا خداوندیهوه چنین میگوید: اینک تو را بدست  
 آنانیکه از ایشان نفرت داری! و بدست آنانیکه جانت  
 از ایشان متنفر است تسلیم خواهم نمود! و با تو از راه  
 بغض رفتار نموده! تمامی حاصل تو را خواهند گرفت!  
 و تو را عریان و برهنه و خواهی گذاشت! تا آنکه برهنگی  
 زناکاری تو و قباحت و فاحشه گری تو ظاهر شود!!! و  
 این کارها را به تو خواهم کرد از این جهت که در عقب  
 امّتها زنا نموده! و خویش تن را از بتهای ایشان نجس  
 ساخته! و چونکه بطریق خواهر خود سلوک نمودی!  
 جام او را بدست تو خواهم داد!!! و خداوندیهوه چنین

میفرماید: جام عمیق و بزرگ خواهرت را خواهی نوشید!  
 !ومحلّ سخریّه واسه تواء خواهی شد که متحمل آن  
 نتوانی شد! و از مستی و حزن پُر خواهی شد! از جام حیرت  
 و خرابی یعنی از جام خواهرت سامره؛ و آن را خواهی  
 نوشید و تا ته خواهی آشامید!!! و خورده های آن را  
 خواهی خائید! و پستانهای خود را خواهی کند! زیرا که  
 خداوند یهوه میگوید: که من اینرا که گفته ام؛ بنابراین  
 خداوند یهوه چنین میفرماید: چونکه مرا فراموش کردی  
 و مرا پشت سر خود انداختی لهذا! تو نیز متحمل قباحت  
 و زناکاری خود خواهی شد! و خداوند مرا گفت: ای پسر  
 انسان آیا بر اهلوه و اهلویه دآوری خواهی نمود؟!  
 بلکه ایشان را از رجاسات ایشان آگاه سازی! زیرا که  
 زنانموه اند و دست ایشان خون آلود است! و بابتته ای  
 خویش مرتکب زنا شده اند!!! و پسران خود را نیز که  
 برای من زائیده بودند! بجهت آنها از آتش گذرانیده اند  
 تا سوخته شوند! و علاوه بر آن این راهم بمن کردند!  
 که در همان روز مقدّس مرا بی عصمت کرده سبتهای

آرایش دادی! و بر بستر فاخری که سفره پیش آن آماده  
 بودنشسته؛ بخور و روغن مرا بر آن نهادی و در آن آواز  
 گروه عیاشان مسموع شده!!! همراه آن گروه عظیم  
 صابیان از بیابان آورده شدند! که دستبندها بردستها و  
 تاجهای فاخر بر سر هر دوی آنها گذاشتند من باره آن  
 زنیکه در زناکاری فرسوده شده بود گفتم: آیا ایشان  
 الآن با او زنا خواهند کرد؟! و او ایشان و با او درآمدند!  
 بنهجیکه نزد فاحشه هادر می آیند؟! همچنان با آن دوزن  
 قباحت پیشه یعنی اهُولَه و اهُولَیبه درآمدند! پس مردان  
 مرابی حرمت نموده اند!!! زیر که چون پسران خود  
 را برای بُتهای خویش ذبح نمودند! و در همان روز به  
 مقدّس من داخل شده آن را بی عصمت نمودند! و  
 هان این را در خانه من بجا آوردند!!! بلکه نزد مردانی  
 که از دور آمدند فرستادید که نزد ایشان قاصدی فرستاده  
 شد! چون ایشان رسیدند خویشان را برای ایشان غسل  
 دادی! و سرمه به چشمانت کشیدی و خود را بزور هایت

عادل برایشان قصاص زنان و زناکاری! و خون ریزی  
 را خواهند رسانید زیرا که ایشان زانیه میباشند و دست  
 ایشان خون آلود است!!! زیرا که خداوند یَهُوَه چنین  
 میفهماید: من گروهی را به ضدایشان خواهم برانگیخت  
 و ایشان را مشوش ساخته! بتاراج تسلیم خواهم نمود  
 آن گروه ایشان را با سنگها سنکسار نموده! باشمشیرهای  
خودپاره خواهند کرد!!! و پسران و دختران ایشان را  
 کشته! خانه های ایشان را با آتش خواهند سوزانید! و  
 قباحت را از زمین نابود خواهم ساخت! پس جمیع زنان  
 متنبه خواهند شد که مثل شما مرتکب قباحت نشوند!  
 و سزای قباحت شما را بر شما خواهند رسانید! و متحمل  
 گناهان بُتهای خویش خواهید شد!!! و خواهید دانست  
 که من یَهُوَه خداوند میباشم!!!

(از کتاب مقدس عهد هتیک از کتاب حزقیال نبی؛ باب تمامی بیست و سوم)

فقط بگناهانت اعتراف بنما که بر یَهُوَه خدای خویش  
 عاصی شدی! و راههای خود را زیر هر درخت سبز برای  
 بیگانگان منشعب ساختی! خداوند میگوید: که شما

**شما آواز مرا نشنیدید! پس خداوند میگوید: ای پسران  
مرتد رجوع نمائید زیرا که من شوهر شما هستم! و از شما  
یک نفر از شهر و دو نفر از قبیله گرفته شمارا به صهیون  
خواهم آورد!!! و به شما شبانان موافق دل خود خواهم  
داد! که شمارا به معرفت و حکمت خواهد چراند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب ارمیاء نبی از باب سوم آیه از ۱۴ تا ۱۶)

**خداوند در ایام یوشیایادشاه بمن گفت: آیا ملاحظه کردی  
که اسرائیل مرتد چه کرده است؟! چگونه بفراز هر کوه  
بلند؟! و زیر هر درخت سبز رفته در آنجا زنا کرده است؟!  
و بعد از آنکه همه این کارها را کرده بود! من گفتم: نزد  
من رجوع نما! رجوع نکرد و خواهر خائن او یهودا  
این را بدید! و من هم دیدم با آنکه اسرائیل مرتد زنا  
کرد! و همه جهاد او را بیرون کردم! و طلاق نامه بوی  
دادم! لکن خواهر خائن او یهودا نترسید! بلکه او نیز  
رفته مرتکب زنا شده!!! و واقع شده که به سبب سهل  
انکاری او در زناکاریش زمین ملوس گردید!!! و او با  
سنگها و چوبها زنا نمود! و نیز خداوند میگوید: با وجود**

**این همه خواهر خائن او یهودان زدن! با تمام دل رجوع نکرد! بلکه باریکاری! پس خداوند مرا گفت: اسرائیل مرتد! خویشتن را از یهودای خائن عادلتر نموده است لهذا برو این سخنان را به سوی شمال ندا کرده! بگو: خداوند میگوید: ای اسرائیل مرتد رجوع نما!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب ارمیاء نبیّ باب سوم آیه از ۱ تا ۲۶)

**خداوند میگوید: اینک ایّامی میآید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهد تازه خواهم بست! به مثل آن عهدی که با پدران قبل ایشان بستم! در روزی که ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصر بیرون آوردم!!! زیرا که ایشان عهد مرا شکستند! **با آنکه خداوند میگوید: من شوهر ایشان بودم!** اما خداوند میگوید: این عهدی که بعد از این ایّام با خاندان اسرائیل خواهم بست!!! شریعت خود را در باطن ایشان خواهم نهاد! آن را بر دل ایشان خواهم نوشت؛ و من خدای ایشان خواهم بود! و ایشان قوم من خواهند بود!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب ارمیاء نبیّ باب سی و یکم آیه از ۳۱ تا ۳۴)

نکاتی از مؤلف: از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب توراة فعلی! یهودیت و صهیون نیست! چنین نوشته است! که خود اسرائیل زن خداوند توراة فعلی بود! زیرا که خداوند توراة فعلی به اسرائیل طلاق نامه داده است! و از این کتاب مقدس عهد عتیق از توراة فعلی ثابت میشود !که اسرائیل زناکار و مرتد و بت پرست بوده است! و از این مقدس عهد عتیق از کتاب توراة فعلی!!! استفاده میشود که خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و توراة فعلی! هم مذکر و هم مؤنث بوده است! زیرا که اگر مذکر بود است! از زنان برای خود زن گرفته است! و هم از پسران و مردان برای خود زن گرفته است! و هم خود خداوند تورات فعلی مؤنث است! برای اینکه خودش زائیده است! و کسیکه میزاید باید شوهری داشته باشد! ولی امّا شوهر خداوند توراة فعلی! را در کتاب مقدس عهد عتیق و توراة فعلی پیدا نکردیم! و یاکه شوهر نداشته است! ولی امّا زائیده است! که امّا چگونه باردار شده و زائیده برای ما معلوم و آشکار نشده است؟! بخاطر این

کار خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی  
!خداوند توراة فعلی را همجنس باز شناخته ایم! زیرا که  
اگر خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی  
مرد بوده باشد؟! همجنس باز است! زیرا که از پسران  
و از مردان برای خود زن گرفته است! و شوهر ایشان  
میباشد!!! و اگر خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و توراة  
فعلی! زن بوده باشد؟! باز هم همجنس باز است! زیرا که  
از زنان برای خود زن گرفته است! و این کتاب مقدس  
عهد عتیق و کتاب توراة فعلی! نشانگر آن است!!! که  
خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی!  
جسم وهم مذکوب است! وهم مؤنث است! وهم همجنس  
باز میباشد! که این کلمات را که نوشته ایم! در متن کتاب  
مقدس عهد عتیق و در کتاب توراة فعلی! موجود میباشد  
که خواننده اید و شاید مردان و زنان شهوت ران و هوس  
باز جهان امروزی! همجنس بازی را از خداوند کتاب  
مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی! آموخته اند!!!

۷- اسرائیل از خدای کتاب مقدس عهد عتیق زنا کرده است!  
ای اسرائیل مثل قوم هاشادی وجود منما! زیرا که از  
خدای خود زنا نمودی! و در همه خرمن ها اجرت را  
دوست داشتی!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع؛ نبی؛ باب نهم؛ آیه ۱)

کیست برای من در آسمان! غیر از تو هیچ چیز را در زمین  
نمیخواهم! اگر چه جسم و دل من زائل گردد! لکن صخره  
دل و حصه من خداست تا ابد الابد! زیرا که آنانیکه از  
تو دورند هلاک خواهند شد! و آنانی را که از تو زنا میکنند  
نابود خواهی ساخت! اما مرا نیکوست که بخدا تقرب  
جویم! بر خداوند یهوه توکل کرده ام! تا همه کارهای  
تورا بیان بکنم!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب مزامیر؛ مزمور؛ هفتاد و سوم قصیده آساق؛ آی از ۲۵ تا ۲۸)

۸- خداوند چنین میگوید: طلاق نامه مادر شما که او را  
طلاق دادم کجاست؟! یا کیست از طلبکاران من که شما  
رابه او فروختم؟ اینک شما بسبب کناهان خود فروخته  
شدید! و مادر شما جهت تقصیرهای شما طلاق داده

**شد! چون آدم چرا کسی نبود؟! و چون ندا کردم چرا کسی جواب نداد؟! آیا دست من به هیچ وجه کوتاه شده؟! که نتواند نجات دهد؟! یا در من قدرتی نیست که**

**رهائی بدهم؟؟؟!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی، باب پنجاهم آیه ۱ و ۲)

**پس از روحای خود با حذر باشید! و زنه را حدی بزوجه جوانی خود خیانت نوزد! زیرا که یهوه خدای اسرائیل میگوید: که از طلاق نفرت دارم!!! و نیز از اینکه کسی ظلم را بلباس خود نپوشاند! و قول یهوه صباوت این ایست! پس از روحهای خود با حذر بوده زنه را خیانت نوزید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ملاکی نبی، باب دوم آیه ۶)

**۸- اما من از زمین مصر تا حال یهوه خدای تو هستم! و غیر از من خدای دیگر رانمی شناسی و سوای من نجات دهنده نیست! من تو را در بیابان در زمین بسیار خشک شناختم! چون چریدند سیر شدند دل ایشان مغرور گردید و از این جهت مرا فراموش گردید پس من برای ایشان**

**مثل شیر خواهم بود! و مانند پلنگ سراه در کمین خواهم نشست! و مثل خرسی که بچه هایش را از وی ربوده باشد!!! برایشان حمله خواهم آورد! و پرده دل ایشان را خواهم درید! و مثل شیرایشان را در آنجا خواهم خورد و حیوانات صحراء ایشان را خواهند درید!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ باب سیزدهم آیه از ۴ تا ۹)

**۱۰- خداوند بموسی گفت: این کار را نیز که خواهم کرد! زیرا که در نظر من فیضی یافته‌ی تو را بنام می شناسم! عرض کردم استدعی آنکه جلال خود را به من بنمائی گفت: من تمامی احسان خود را پیش تو میگذارم! و نام یهوه را پیش روی تو ندا میکنم! و رأفت میکنم بر هر که رؤوف هستم و رحمت خواهم کرد بر هر که رحیم هستم! و گفت: روی مرا نمیتوانی دید! زیرا که انسان نمیتواند مرا ببیند زنده بماند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورا؛ سفر خروج؛ باب سی و سوم آیه از ۱۸ تا ۲۱)

**چون موسی بحضور خداوند داخل میشد که با وی گفتگو کن: نقاب را برمی داشت تا بیرون آمدن او!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورا؛ باب سی و چهارم؛ آیه ۳۴)

**و خداوند اسرائیل را دیدند! و زیر پاهایش مثل صنعتی**  
**از یاقوت کبود شفاف مانند ذات آسمانی صفا!!! و بر**  
**سروران اسرائیل دست خود را نگذارد! پس خداوند**  
**را دیدند و خوردند و آشامیدند! و خداوند بموسی گفت:**  
**نزد من بکوه بالابیا و آنجا باش تا لوحهای سنگی و تورات**  
**و احکامی را که نوشته ام! تا ایشان را تعلیم نمائی! پس**  
**موسی با خادم خود یوشع برخاست و موسی بکوه**  
**بالآمد!!!**

(از کتاب مقدس عهدت یق و کتاب توراة فعلی؛ سفر خروج باب بیست و چهارم؛ آیه از ۱۰ تا ۱۴)

نکاتی از مؤلف: از این کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب  
کتاب توراة فعلی!!! چنین اسفاده میشود! که خداوند  
یَهُوَه یکتا است و انسان نمیتواند خداوند را ببیند! که  
بخاطر داشته باشید!!! و خداوند یَهُوَه را دیدند! و دیده  
مشود! و هم خداوند یَهُوَه دیده نمیشود!!! از این ضد و  
نقیض ها در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب توراة  
فعلی! فراوان وجود دارد! که همه جای کتاب مقدس  
عهد عتیق و کتاب توراة فعلی سر تا پای ضد و نقیض می

باشد!!! خوانندگان محترم این خدایان متعدد دوازده گانه و توهین و اهانت و افتراء و همتایانیکه! بر خداوند خالق و خلاق جهان هستی و رب العالمین قراردادند و نوشته اند! اینها انسان نیستند که به مقدّسات! الهی صاحب اختیار کلّ جهان اینطور جسارت کردند! بزبان قرآن کریم اینها از چهارپایان کمتری بی ارزش تر هستند! أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا؟ أَمْ تَحْسَبُ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا!!!

ترجمه: آیای محمد؛ آیا دیدی کسی را که خواهش و هوای نفس خود را؟! الهی و معبود خود قراردادده؟!؟! و انتخاب کرده است؟!؟! آیاتو میتوانی برای او وکیل بشوی و هدایت کنی؟!؟! او یا بدفاع از او بوحیزی؟!؟! آیایگمان میکنی بیشتر آنها سخنان را میشنوند و یا میفهمند؟!؟! آنها فقط مانند چهارپایان هستند!!! بلکه از چهارپایان گمراه تر و کمتری ارزشتر هستند!

(از قرآن کریم از سوره الفرقان آیات ۴۳ و ۴۴)

فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُسْتَنْفِرَةٌ

فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ!!! (از قرآن کریم از سوره آل مدثر آیه ۴۹)

ترجمه: برای ایشان (انسه‌های گمراه) چه شد است که از قرآن روگردانیده اند فرار میکنند؟؟؟! مثل اینکه این گمراهان خرهای رمنده هستند؟؟؟! که از شپرد رنده فرار میکنند؟؟?!

نکاتی از مؤلف: چنین انسانهای گمراه و کافر و مشرک از خرها ناآگاه تر و گمراه تر و نادان تر هستند! زیرا که خرها دشمنشان را میشناسند و فرار میکنند! که فرار کردن خرها از دانای و آگاهی آنهاست! این فرار خرها حق و درست و بجاست!!! ولی انسان های گمراه که از قرآن فرار میکنند!! از دوست رحمت و سعادت خود میگریزند! و گمراه تر میشوند! پس در این صورت از خرها گمراه تر و نادان تر و بی ارزش تر هستند! زیرا که خیر و شر و دوست و دشمنشان را نمی شناسند!!! پس وای بر حال چنین انسان نماها در روز قیامت!!!

قال امام صادق(ع)النَّاسَ كُلَّهُمْ بَهَائِمٌ ثَلَاثًا؛ الْأَقْلِيلُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنُ غَرِيبٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ!!!

(از اصول کافی جلد سوم باب فی قله عدد المؤمنین کتاب الایمان و الکفر حدیث ۲)

**ترجمه: امام صادق(ع)گفت: مردم همگی بمانند چهار پایان هستند! این جمله را سه بار تکرار کرد!!! سپس گفت: مگواندکی مؤمنین! که مؤمن غریب است! این جمله را نیز سه بار تکرار فرمود!!!**

قال امام محمد باقر(ع) النَّاسَ كُلَّهُمْ بَهَائِمٌ ثَلَاثًا؛ الْأَقْلِيلُ مِنَ الْمُنِئِينَ وَالْمُؤْمِنُ غَرِيبٌ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ!!!

(از اصول کافی جلد سوم ص ۳۴۰)

**ترجمه: امام محمد باقر(ع)گفت: مردم همگی بمانند! چهار پایان هستند! این جمله را سه بار تکرار کرد!!! سپس گفت: مگر اندکی مؤمنین که مؤمن غریب است این جمله را نیز سه بار تکرار فرمود!!!**

نکاتی از مؤلف: با بزبان قرآن کریم اینها انسان نما هاستند! با خداوند و خالق و صاحب اختیار کل خود! به جدال و مخالفت برخواسته اند! بخاطر همین کفرو

شرک و گمراهی این انسان نماها بود! که خداوند خلاق  
 و صاحب اختیار کلّ جهان هستی و ربّ العالمین! اجداد  
 ایشان را به میمونها و بوزینه ها! و خوکها و خنزیرها  
 تبدیل فرموده اند! که رسوای دنیا و آخرت شده اند! و  
 دشمنی اینها تنها با مسلمانان و محمّد رسول الله (ص)  
 نبود! بلکه دشمنی اصلی اینها با قرآن کریم و وحی منزل  
 الهی خداوند خلاق هستی جهان ربّ العالمین بوده و  
 هست!!! به همین جهت قرآن کریم را آتش میزنند و  
 میسوراند و بجای ناپاک می اندرند و پاره پاره میکند  
 ! بنظر خودشان شاید که خشم و کینه دلشان کمی فروکش  
 نماید! اما این کار ناشدنی است؛ زیرا که خداوند ازلی  
 و ابدی شعله دلشان را بیشتر و بیشتر میناید!!! که میبیند  
 روز بروز فرهنگ قرآن کریم جهانگیر میشود! روزی  
 نیست ملت‌های غیر مسلمانان! گوره گوره مسلمان  
 نشوند! بگفته رادیو BBC دو هزار نفر از دانشمندان  
 آلمان مانند دکتر و مهندس کارشناس و استاد دانشگاه  
 و معلّم! در یکجا مسلمان شده اند!!! خبرنگار از ایشان

میپرسد که چه سبب باعث شده است که شماها مسلمان شده اید؟! در جواب میگویند: ما تمامی کتابهای آسمانی را بخوبی مطالعه کردیم! قرآن ما را قانع کرد که میتواند کتاب آسمانی وحی منزل خلاق جهان هستی بوده باشد!!! بخاطر همین امر مسلمان شده ایم و به قرآن ایمان آوردیم! و این خبر را کثرت رسانه های گروهی جهان پخش کرده اند! باز بگفت BBC خبرنگار از امام جماعت و واشینگتون میپرسد! روزی چند در پیش شما مسلمان میشوند؟! امام جماعت در جواب میگوید: از پنج نفر الا پانصد نفر در اینجامسلمان میشود! و بقرآن و اسلام ایمان می آورند!!! و روزی نیست که در اینجا کسی مسلمان نشود! و خبرنگار گروه از نو مسلمان میپرسد بچه دلیل شما مسلمان شده اید؟! در جواب میگویند: ما کتابهای آسمانی را مطالعه کردیم و آگاهی یافتیم! که تنها قرآن ما را قانع کرد که میتواند کتاب آسمانی وحی منزل خداوند خلاق هستی جهان موجود میباشد! و خبرنگار از گروه دیگر نو مسلمان و واشینگتون میپرسد

؟! شما بچه علت مسلمان شده اید؟! در جواب میگویند:  
 ما میخواستیم که راحت و بی خطر و سلامت زندگی کنیم!  
 مسلمان شده ایم که آن چیزها را که اسلام حرام کرده  
 انجام ندهیم! و غذاهای حرام کرده را نخوریم! از بلاها  
 و بیماریها در آمان باشیم!!! تا بتوانیم سلامت زندگی  
 کنیم!!! و همین پیشرفت قانون و احکام و معجزه قرآن  
 کریم وحی منزل الهی در جهان امروزی!!! **فوزندان**  
**میونها و خوکها و یهودا و تمار!** یهودیان صهیون نیزم  
 شیطان پرست را! دیوانه خشمگین کوده که فیلم موهن  
**امریکائی طراحی بازی کردند!!!** بزبان عیسی مسیح  
 ابن مریم رسول الله! این انسان نماها فوزندان ابلیس  
 هستند! کارهای پدرشان ابلیس را انجام میدهند بجای  
 آورند! و این فرزندان ابلیس میبینند و میدانند که نظم نوین  
 جهان اسلام و قرآن شروع شده!!! و ملت های قرآن  
 اسلام بیدار شدند! و فریادهای حق طلبی فرزندان قرآن  
 و اسلام ناب محمدی (ص) جهان را به وحشت انداخته اند  
**پرچم اسلام را بر آفرشته اند تا فرزندان و ملت اسلام**

را زیر آن جم نماخذ! تانظم نوین ملت اسلام را با عدالت  
 قرآنی به اجراء بگذارند! و عدالت اسلامی را در جهان  
 گسترش بدهند! و تمام ملت ملل کفر را در زیر سایه قرآن  
 کریم راحت و آسوده خاطر و در آسایش و رحمت الهی  
 امنیت ارزانی بدهند! و حقوق بشر کذائی را نابود کرده  
 ازین ببرد و نابود کنند!!! و **وتو= veto** به اصطلاح  
 سازمان ملل را که جهان خواران و زورگویان را بر  
 حکومت کفر و شرک خودشان درست کردند! که برای  
 حکومت ملل مستضعف جهان اکثریت را که اربابی  
 نمی نمایند و تاحال کردند! اما امروز پیروان قرآن؛ و حقوق  
 بشر قرآنی و اسلامی و عدالت الله که قانون و شریعت  
 کلّ انبیاء میباشد! جای گزین بمنایند! که قانون و شریعت  
 قرآن کریم که قانون گذارش خداوند خلاق جهان هستی  
 و ربّ العالمین میباشد! بنمایش جهان و جهانیان عرضه  
 بدارند!!! خوانندگان محترم و گوامی گفتیم: که قرآن  
 کریم کتاب آسمانی وحی منزل و شریعت کلّ انبیاء  
 میباشد! که برای مستندات و برهان و شاهد خود! از

خود آیات قرآن کریم مدرک و دلیل م-ی آوریم تقضاً  
داریم! خیلی خیلی خیلی بادقت توجه فرماید: زیرا که  
خیلی خیلی خیلی حساس میباشد؛ توجه فرماید!!!

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ (۱۹۱) وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ (۱۹۲) نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ (۱۹۳) عَلَى قَلْبِكَ  
لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ (۱۹۴) بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ (۱۹۵)  
وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ (۱۹۶) أَوْلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ  
يَعْلَمَهُ عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ (۱۹۷)

(از قرآن از سوره الشعراء از آیات ۱۹۱ تا ۱۹۷)

**ترجمه: (ای محمد) و بدرستی! و بدون شک صاحب اختیار  
کلّ تو اوست! که عزیز و رحیم است! و بدرستی که! این  
قرآن بدون شک!!! از سوی صاحب اختیار کلّ جهانیان  
نازل شده است! که روح امین این قرآن را نازل کرده  
است! آن را بر قلب تو نازل کرده تا از آن بیم کنندگان  
باشی! این قرآن را به عربی آشکار نازل کرده است!  
بدرستی که این قرآن بدون شک!!! در کتابه ای انبیاء**

**پیشینیان نیز بوده است! آیاهمین آیات برای بنی اسرائیل کافی نیست؟! که علمای بنی اسرائیل آن را بخوبی میداند و آگاهند؟؟؟!!!**

**إِنَّ هَٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ (۱۸) صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ**

(ازقرآن کریم ازسوره الاعلی آیات ۱۸ و ۱۹)

**ترجمه: بدرستیکه این قرآن بدون شک!!! در کتابهای آسمانی! انبیاء پیشین نیز بوده است! کتابهای آسمانی ابراهیم و موسی بوده است!!!**

**إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَىٰ نُوحٍ وَالتَّيْمَنَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَىٰ وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَءَاتَيْنَا دَاوُدَ زُبُورًا!!!**

(ازقرآن کریم ازسوره النساء آیه ۱۶۳)

**خداوند: (ایمحمد) ما این قرآن را بتو وحی کردیم؛ همان گونه که بنوح وحی کردیم؛ و پیامبران بعد از او وحی کردیم بلبراهیم وحی کردیم؛ به اسماعیل وحی کردیم؛ و به اسحاق وحی کردیم؛ و به یعقوب وحی کردیم؛ بفرزندان اسرائیل وحی کردیم؛ و به عیسی وحی کردیم؛ و به ایوب وحی کردیم و به یونس وحی کردیم؛ و به هارون وحی کردیم؛ و به سلیمان وحی کردیم؛ و به داود زبور را دادیم!!!**

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ وَإِبْرَاهِيمَ  
وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا!

(از قرآن کریم از سوره الاحزاب آیه ۷)

**ترجمه: خداوند فرمود: (ای محمد) بیاد آور وقتیکه از پیام آوران پیمان گرفتیم! و نیز از تو پیمان گرفتیم!!! و از نوح پیمان گرفتیم! و از ابراهیم پیمان گرفتیم! و از موسی پیمان گرفتیم! و عیسی ابن مریم پیمان گرفتیم؛ و ما از همه انبیاء پیمان محکمی گرفتیم! که در مسئولیت تبلیغ رسالت قرآن خود! کوتاهی نکنند!!!**

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ  
وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ  
وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ  
مُحْتَبَىٰ إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ!!!

(از قرآن کریم از سوره الشوری آیه ۱۳)

**ترجمه: (ای محمد) خداوند آیینی را که بوای شما مقرر کرده است! همان گونه به نوح توصیه و سفارش کرده بود! و آن قرآنی که بر تو وحی کردیم! به ابراهیم توصیه و سفارش کردم! به موسی توصیه و سفارش کردم! و به عیسی توصیه و سفارش کردم! این بود که دین قرآن**

را برپا دارید! و در دین قرآن تفرقه ایجاد نکنید! که بدانید  
 بر مشرکین گران است! آنچه شما آنها را بسوی قرآن  
 دعوت میکنید! و خداوند هر کسی را که بخواهد پرسالت  
 خود انتخاب میکند! و کسیکه بسوی او بازگردد هدایت خود!  
 نکاتی از مؤلف: خوانندگان محترم و گرامی توجه فرماید  
 : در قرآن کریم و در سوره القمريک آیه چهار بار آمده  
 است! اینجانب در مدت زیادی در تفکر و اندیشه بودم!  
 برای چه عین یک آیه در سوره کوچک چهار بار آمده  
 است! بعد از تفکر و جستجوی طولانی رمز آیات را بکمک  
 الله پیدا کردم! و متوجه شدم که خداوند میفرماید: کتاب  
 آسمانی نوح قرآن بوده است! کتاب آسمانی صالح و  
 ثمود قرآن بوده است! و کتاب آسمانی هود و عاد قرآن  
 بوده است! و کتاب آسمانی لوط همین قرآن موجود بوده  
 است! و کتاب آسمانی موسی قرآن بوده است! و بادقت  
 توجه فرماید: که سوره قمر را از اول تا آخر مینویسیم!

از قرآن کریم تمامی سوره قمر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ (۱) وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا  
 وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ (۲) وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ  
 أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ (۳) وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ (۴)  
 حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِ التُّذْرُ (۵) فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ  
 الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ عِنْكَرٍ (۶) خُشْعًا أَبْصَارُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ  
 الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُّنتَشِرٌ (۷) مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ  
 يَقُولُ الْكَافِرُونَ هَذَا يَوْمَ عَسِيرٍ (۸)

**ترجمه: خداوند فرمود: وقتیکه قیامت نزدیک شد و ماه  
 از هم شکافته شد! و هرگاه آیه و معجزه ای را ببینند  
 روی گردانیده! میگویند: این سحر مستمر و همیشگی  
 است! آنها آیات خداوند را تکذیب کردند!!! و از هوای  
 نفس خودشان پیروی کردند! و هر امری قرارگاهی دارد  
 !!! و حقیقت این است! به اندازه کافی از اخبار بدیهای  
 امتهای پیشین به آنها رسیده است! این آیات حکمت  
 بالغة الهی است؛ اما انذارها برای لجوج فایده نمیده  
 !!! پس از آنها روی بگردان! و روزی را بیاد آور! که  
 دعوت کننده الهی مردم را به امر و اعمال وحشتناکی**

دعوت میکنند! آنها درحالی که چشمهای ایشان از شدت وحشت بزیرافتاده! مانند ملخهای و پروانه های پراکنده از قبرها بیرون میآیند درحالی که بر شدت وحشت بسوی دعوت کننده الهی باخواری و ذلیلی روانه میشوند! کافران میگویند: امروز روزی سخت و دردناکی است! برای کفار و گمراهان!!!

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ  
 (۹) فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ (۱۰) فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ  
 بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ (۱۱) وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى  
 أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (۱۲) وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسر (۱۳)  
 تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِرَ (۱۴) وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً  
 فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۱۵) فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ (۱۶)  
 وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ (۱۷)

ترحمه: پیش از آن قوم نوح تکذیب کردند! بلی بنده ما نوح را تکذیب کرده! و گفتند: دیوانه است! با آزار و اذیت رسالتش را باز داشته شد! او پیشگاه صاحب اختیار کلش را ندا کرد گفت: من مغلوب این قوم گمراه شده ام پس برای من کمک کن! در این هنگام درهای آسمان را

باآبی فراوان وپی درپی بازکردیم!وزمین را شکافتیم  
چشمه های زیادی بیرون فرستادیم!!!وااین دوآب به  
اندازه زیادباهم درآمیختندوروی زمین آب وحشتناک  
شد!!!واو را بر مرکبی ازالواح و میخ هاییکه ساخته  
شده بودسوار کردیم؛کشتی در زیر نظر ماحرکت میکرد  
!این کیفری بودبرای کسانیکه کافر شده بودند!!!اما  
این ماجرارابعنوان آیات در میان امتها باقی گذاردیم  
آیاکسی هست که پندونصیحت بگیرد؟!اکنون بنگرید  
!عذاب اندازهای من چگونه بوده است!وحقیقت این  
است که ما این قرآن را برای تذکرونصیحت آسان  
ساختیم!آیاکسی هست که متذکرشودونصیحت بگیرد؟!  
وبقرآن ایمان بیاورد؟؟؟!!!

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ (۱۸) إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ  
رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُّسْتَمِرٍّ (۱۹) تَنْزِعُ النَّاسَ  
كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُّنْقَعِرٍ (۲۰) فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ (۲۱)  
وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُّذَكِّرٍ (۲۲)

ترجمه: قوم عاد نیز پیامبر خودشان را تکذیب کردند!

پس ببینید عذاب و اندازهای من چگونه بوده است! ما باد تند و وحشتناک و سردی را در یک روز شوم مستمر بر آنان فرستادیم! که مردم را مانند تنه درخت های نخل خرما از ریشه کنده شده! بر زمین افکنده شده اند!!!

پس ببینید عذاب و اندازهای من چگونه بوده است! و حقیقت این است که ما این قرآن را برای متذکرو نصیحت آسان ساختیم! آیاسی هست که متذکر شود و نصیحت بگیرد؟! بقرآن ایمان بیاورد؟؟؟!!!

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ (۲۳) فَقَالُوا أَبَشْرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۲۴) أَلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِن بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ (۲۵) سَيَعْلَمُونَ غَدَ أَمَّنَ الْكَذَّابُ الْأَشِرُّ (۲۶) (۲۶) إِنَّا مُرْسِلُوا لِنَاقَةٍ فِتْنَةً لَهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ (۲۷) وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌ (۲۸) فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ (۲۹) فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذُرٍ (۳۰) إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ (۳۱) وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَكِّرٍ (۳۲)

ترجمه: قوم ثمود نیز اندازهای الهی را تکذیب کردند! و گفتند: آیا ما از بشری از جنس خودمان پیروی کنیم؟!

اگرچنین کنیم بدون شک درگمراهی و جنون خواهیم بود! آیا چرا از میان ماتنها بر او وحی شده است؟! بلکه او آدم بسیار دروغگو و هوسبازی است! باید بدانند که فردامی فهمند! که چکسی دروغگو و هوسباز است! اما ناقه را برای آزمایش بر آنها میفرسیم! (ای صالح) در انتظار پایان فرجام کار آنها باش و صبر کن! و به آنها خبر بده آب قریه باید در میانشان تقسیم بشود!!! که یک ووز سهم ناقه است! و یک روز سهم برای آنها است! و هر یکی در نوبت خود باید حاضر بشوند! پس آنها یکی از یاران خود را صدا زدند! پس او بسراغ این کار آمده و ناقه را پی کرد! پس بنگرید که عذاب و اندازهای من من چگونه بوده است! ما فقط یک صیحه صاعقه بر آنها فرستادیم! و بدنبال آن همگی منندکاه و گیاه خشکیده ریزه ریزه شده بزمین افتادند! و حقیقت این است که ما این قرآن را برای تذکر و نصیحت آسان ساختیم! آیا کسی هست که متذکر شود و نصیحت بگیرد؟! و به قرآن ایمان بیاورد؟!!!!

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ (۳۳) إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آلَ  
 لُوطٍ نَّجَّيْنَاهُمْ بِسَحَرٍ (۳۴) نِعْمَةٌ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ  
 شَكَرَ (۳۵) وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ (۳۶) وَلَقَدْ  
 رَاوَدُوهُ عَنِ ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ (۳۷)  
 وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ (۳۸) فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذُرِ  
 وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَكِّرٍ (۴۰)

**ترجمه: قوم لوط انذارهای پی در پی پیامبرانشان را  
 تکذیب کردند! ما بر آنها تند بادیکه ریگها را بحرکت  
 درم یآورد فرستادیم! وهمه آنها را هلاک کردیم!!! جز  
 پیروان لوط را که سحرگاه نجاتشان دادیم! این نعمتی  
 بود از ناحیه ما! هر کسیکه شکر کند! چنین پاداش میدهیم  
 ! و حقیقت این است که او آنها را از مجازات ما بیم داده  
 بود! ولی آنها اصرار بر مجادله و القای شک داشتند!  
 و حقیقت این که آنها از لوط خواستند! که میهمانانش  
 را در اختیارشان بگذارند! ولی ما چشمانشان را نابینا  
 و محو کردیم! و گفتیم: پس بچشید عذاب و انذارهای مرا  
 ! سرانجام صبحگاهان و در اول روز عذابی پایدار و ثابت  
 بسراغشان آمد! و گفتیم: پس بچشید عذاب و انذارهای**

**دردناک مرآ! و حقیقت این است که! ما این قرآن برای  
پند و نصیحت آسان ساختیم!!! آیا پس کسی هست که  
متذکر شود و نصیحت بگیرد و به قرآن ایمان بیاورد!؟**

(۴۱) كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَا لَهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ (۴۲)  
أَكْفَارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْ لِيَكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ (۴۳) أَمْ  
يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ (۴۴) سَيَهْزِمُ الْجَمْعُ وَيَوْلُونَ  
الدُّبُرَ (۴۵) بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ (۴۶)  
إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ (۴۷) يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ  
عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ (۴۸) إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلْقْنَاهُ  
بِقَدَرٍ (۴۹) وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ (۵۰) وَلَقَدْ  
أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مَّذْكَرٍ (۵۱) وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي  
الزُّبُرِ (۵۲) وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُّسْتَطَرٌّ (۵۳) إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي  
جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ (۵۴) فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ (۵۵)

**ترجمه: حقیقت این است که انذارها و هشدارها! یکی  
پس از دیگری بسراغ آل فرعون آمد!!! اما آنها همه  
آیات ما را تکذیب کردند!!! و ما همه آنها را گوفتیم و  
مجازات کردیم!!! شخصی قدرتمند غالب و توانا! آنها  
را گرفت و مجازات کرد! آیا کفار شما بهتر از آنها می باشد**

؟! یابرای شما امن نامه ای در کتب آسمانی قرآنی نازل شده است؟؟!! یامیگوید: ما جماعت متحد ونیرو مندو پیروز هستیم؟! ولی بدانید بزودی جمعشان شکست میخورند و پابفرار مگذارند!!! بلکه علاوه بر این روز قیامت وعده گاه آنهاست! ومجازات قیامت هولناک ترو تلخ ترمیباشد! مجرمان در گمراهی و در شعله آتش هستند! در آن روز در آتش بصورت ایشان کشیده می شوند! وبه آنها گفته میشود: آتش دوزخ را بچشید!!! بدرستیکه ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم! وفرمان ما بیشتر از یک امر نیست! مانند یک چشم بهم زدن اجراء میشود! و حقیقت این است که ما کسانی را که در گذشته همانند شما بودند هلاک کردیم! آیا کسی هست که پند و نصیحت بگیرد؟! و هر کار را که انجام دادند! در نامه های اعمالشان ثبت میشود!!! و هر کاری کوچک وبزرگی نوشته شده است! بدرستیکه یقیناً پرهیزکاران در باغها ونهرهای بهشتی جایگاهی دارند! در جایگاه نزد خداوند صدق ومالک توانا ومقتدر میباشند!!!

نکاتی از مؤلف: خوانندگان محترم و گرامی با این آیات قرآن کریم وحی منزل خلاق جهان هستی ربّ العالمین ثابت کردیم که کتاب آسمانی تمامی وکلّ انبیاء و رسولان رحمان الله والهی است! و قرآن کریم موجود بوده و هست! اصلاً و ابداً تحریف نشده و سالم و سلامت می باشد! و بس!!! و شاهدید به عرایضم باز هم آیات خود قرآن کریم است که با دقت توجه فرماید:

وَاتْلُ مَا أُوحِيَٰ إِلَيْكَ مِنَ كِتَابِ رَبِّكَ لِأَمْبَدِلَ لِكَلِمَاتِهِ  
وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا. (از قرآن کریم از سوره الكهف آیه ۲۷)

ترجمه: خداوند می فرماید: (ای محمد) بدرستی که آنچه از کتاب صاحب اختیار کلت بتو! وحی شده تلاوت کن! و هیچ کسی کلمه های او را نمیتواند عوض کند و بدل نماید! هرگز جز او فره نگ پناهگاهی نمیتوانی بیابی!

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذُّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ. (از قرآن کریم سوره الحجر آیه ۹)

ترجمه: خداوند فرمود: بدرستی که ما این قرآن را نازل کردیم! و بدرستی که ما بطور قطع نگهدارنده آن هستیم!

وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَى مَا كُذِّبُوا وَأَوَدُّوا  
حَتَّىٰ آتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مَبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ  
رَبِّكَ الْمُرْسَلِينَ (۳۴) (از قرآن کریم از سوره الانعام آیه ۳۴)

**(ترجمه: خداوند فرمود: ای محمد) پیامبرانیکه پیش از  
تو بودند تکذیب کردند!!! ولی آنها برای آن تکذیب و  
آزار و اذیت صبر کردند! تا کمک و یاری ما بر آنها فوا  
رسید! و کلمات قرآن خداوند را تغییر و تبدیل دهنده ای  
وجود ندارد!!! و حقیقت این است که پاره ای از اخبار پیام  
آوران برای تو نازل شده است!!!**

وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا؛ لَا مَبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَهُوَ  
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (۱۱۵) (از قرآن کریم از سوره الانعام آیه ۱۱۵)

**(ترجمه: خداوند فرمود: ای محمد) و کلام صاحب اختیار  
کلّ تو! بیواستی و عدالت به حدّ کمال رسیده است!!!  
هیچ کسی نمیتواند کلمات قرآن الله را تغیر و تبدیل  
بکند! و او الله است شنوا و دان!!!**

نکاتی از مؤلف: با توجه آیات فوق قرآن کویم! که تنها  
کتاب آسمانی تمامی کلّ انبیاء و پیام آوران و مرسل

الله وخلق رب العالمين جهان هستی میباشد! هیچ  
 گونه تحریف و تغییر و تبدل به قرآن کریم راه نیافته  
 است! حتی یک کلمه و یک حرف و یک حرکت به قرآن  
 کریم اضافه و کم نشده است!!! دلیل بر اینکه در جهان  
 موجودام روز! بیشتر از دو بیست کشور وجود دارد! و در  
 از هر کشوری قرآن های عربی وجود دارد! و از هر کدام  
 از کشورهای قرآن عربی بیاورند عین هم هستند! و  
 هیچ کلمه و حرکت تعییر و تبدل نیافته است! و در اوّل  
 اسلام در زمان خلافت عثمان خلیفه سوّم مسلمانان  
 تمامی متخصصین قرآن و کاتبان وحی قرآن جمع شدند  
 که قرآنی یک پارچه و تایید شده کلّ کارشناسان و کاتبان  
 وحی قرآن! قرآنی را بنویسند! و یکی از متخصصین قرآن  
 کریم در آن جمع علی ابن ابی طالب بوده است! که  
 در نهج البلاغه فرموده است! این قرآن همان قرآنی  
 است! که محمد(ص) رسول الله آورده است! و در آن  
 مجلس متخصصین و کاتبان وحی قرآن! پنج جلد قرآن  
 نوشته شده است! که کلیّه متخصصین و کاتبان وحی

قرآن کریم! آن پنج جلد قرآن کریم را توشیح فرمودند  
 تمامی قرآن های که در دست جماعت بود از بین بردند  
 !! جز این پنج جلد توشیح شده متخصصین و کاتبان  
 وحی! و الآن یکی از آن پنج جلد توشیح شده قرآن کریم  
 در موزه ترکیه اسلامبول موجود میباشد! و الآن یکی  
 از پنج جلد توشیح شده قرآن کریم در موزه مصر گاهره  
 موجود میباشد! و الآن یکی از پنج جلد توشیح شده  
 قرآن کریم در موزه انگلستان لندن موجود میباشد!  
 این قرآن کریم موجود همان قرآن است!!! که هزار و  
 چهار صد سال پیش است! که تمامی دشمنانش! کفرو  
 شرک را به جهنم فرستاد و بدرک واصل کرده است  
 ! و تاقیامت و در روز قیامت هم دشمنانش را به آتش  
 جهنم خواهد فرستاد! در قرن گذشته نخست وزیر انگلستان  
 بنام کلادستون در مجلس عوام ملی انگلستان که  
 قرآن کریم در دست ناپاکش بود!!! گفت: این قرآن تا  
 وقتیکه در دست مسلمانان است! ما نمیوانیم بمسلمانان  
 مسلط شویم و حکومت نمایم! این کلمه را گفت: قرآن

کریم را باخشم تمام بزمین زدکلا دستون بدرک واصل  
 شد!!! امّ اقرآن هنوز که هنوز زنده است و نورافشانی  
 میکند! و زور بر زوایش فراواند پیر وانش زیادتر!!!  
 این ارادیل و او باش که در فیلم موهن امریکائی! زندگی  
 بالاترین و مقربترین انسانها را به الله خلاق جهان  
 هستی وربّ العالمین را! و ارونه بازی میکند و نشان  
 میدهند! و این انسان نماها!!! که بگفته: الله انبیاء و  
 ربّ العالمین!!! گمراه تر و کمتری از شرخرها  
 هستند!!! و بگفته: زبان قرآن کریم: این بی بند بارها  
 همجنس بازها فرزندان! میمونها و بوزینه ها و خوک  
 و خنزیرها هستند! که ادای حیوانات زبان بسته رادر  
 می آورند! دانشمندی فرزندان میمونها و بوزینه و خوک  
 و خنزیرها! بنام چارلز داروین فیلسوف انگلیسی به  
 اصطلاح دانشمند طبیعی دان خودش! تایید کرد بود!  
 باور داشته! که اجداد چنین انسان نم هامیمون ها و بوزینه  
 ها و شانپانزه ها بود! که قبل انقلاب ایران! در آموزش  
 پرورش ایران نظریه این چارلز داروین تدریس شد

ویک زن یهودی در اسرائیل پوستریخش کرد که قرآن  
 و محمد در زیر پای خوک لگدمال میشد! یعنی پوستر  
 قرآن و محمد زیر پای پدر آن زن پخش کننده پوستر  
 لگدمال میشد! و این ارادیل او باش! که فرزندان میمون  
 ها و خوک ها هستند که هیچ! و فرزندان ابلیس هستند!  
 بزبان عیسی مسیح ابن مریم رسول الله به چنین  
 انسان نماها در انجیل گفته است! شما فرزندان ابلیس  
 هستید! چنین انسان نماهای که با خدای خود زنا میکنند!  
و توهین و تهمت و افتراء و حرفهای رکیک و سگسی!  
در اصل کتاب آیات شیطانی توراة فعلی! به الله خلاق  
جهان هستی و رب العالمین! و به انبیاء و رسولان الله  
نوشته و روا میدارند چه انتظار باید داشته باشیم!؟!!  
 کسیکه با پدرش زنا کند باد یگران چه میکند!?!?!!

عدالت خواهی و شهادت طلبی قرآن

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ  
 وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوَالِدِ الَّذِينَ وَالِ الْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ  
 فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدُوا وَإِن تَلَوْا

أَوْ تُعْرَضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (۱۳۵) خَيْرًا  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ  
عَلَيْ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ  
بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ  
ضَلَالًا بَعِيدًا (۱۳۶) (از قرآن کریم از سوره النساء آیات ۱۳۵ و ۱۳۶)

**ترجمه: الله فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید!!!  
برای الله واجباً قیام به عدالت کنید!!! شهادت بدهید  
اگرچه این گواهی بزبان خود شما! و یا پدر و مادر و نزدیکان  
شما بوده باشد! اگرچه آنها غنی و ثروتمند! و یا فقیر بی  
چیز بوده باشند! واجباً درست شهادت بدهید! زیرا که  
الله سزاوارتر از آن دواست!!! پس از هوای نفس خودتان  
پیروی نکنید! تا از شهادت حقّ عدول کنید! و منحرف  
شوید! و یا که زبان بازی کنید! و زبانتان بیچان ید! یا از  
آن اعراض کنید!!! الله بهر آنچه انجام میدهد آگاه  
و با خیاست!!! ای کسانی که ایما آورده اید! به الله و  
پیام آورش و این کتابیکه بر پیام آورش نازل کرده!  
و آن کتابیکه پیش از آن نازل کرده ایمان حقیقی و**

واقعی بیاورید؛ و هر کسی که الله؛ و فرشتگان او؛ و کتابها  
و پیام آورانش و روز قیامت را انکار کند! پس در حقیقت  
در گمراهی دور و درازی افتاده است!!!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا  
يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ  
لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ (۸)

(از قرآن کریم از سوره المائده آیه ۸)

توجه: الله فرمود: ای کسانی که ایمان آورده اید واجب  
است!!! برای الله قیام کنید؛ و از روی عدالت شهادت  
بدهید؛ دشمنی با گروه دیگر و ادارتان نکند که عدالت  
ننماید؛ که او بتقوی نزدیکتر است؛ و از الله بترسید که  
او بهر کاری که میکنید آگاه و باخبر است!!!

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ  
لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَ  
مَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ  
اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ (۲۵)

(از قرآن کریم از سوره الحديد آیه ۲۵)

ترجمه: **الله فومود: حقیقت این است که ما پیام آوران خود را با آیات معجزات روشن فرستادیم و با آنها کتاب آسمانی و میزان شناسایی حق از باطل را نازل کردیم تا مردم را قیام به عدالت بکنند؛ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید! و برای مردم منافی دارد! تا الله باید بداند چه کسی او و رسولانش را یاری میکند! بدون اضکة اورا ببینند!!! بدرستی که الله قوی و غالب و شکست ناپذیر است!!!**

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا  
الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (۷۷) وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ  
هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ  
أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا  
لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ  
فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ  
فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ (۷۸) (از قرآن کریم از سوره الحج آیه ۷۷ و ۷۸)

ترجمه: **الله فومود: ای کسانی که ایمان آورده اید!!! رکوع کنید؛ و سجد و بجا آورید؛ و صاحب اختیار کلّ تان**

را عبادت کنی! و کارهای نیک را انجام بدهید!!! شاید  
 که رستگار شوید! و در راه الله جهاد کنید و حق جهادش  
 را ادا نمایید! او شمارا انتخاب کرده است! و در دین اسلام  
 کار سنگین و سختی بر شما قرار نداده است! از پدر دینی  
 خودتان ابراهیم پیروی کنید!!! او شما را در کتابهای  
 پیشین و در این کتاب آسمانی مسلمان نامید!!! تا پیام  
 آور بر شما شاهید باشد و شما هم شاهدان بر مردم باشید  
 پس نماز را برپا دارید! و زکات را بدهید! و فقط به الله  
 متوسل شوید و توسل کنید! که او مولا و سرپرست شما  
 است! چه مولای خوب! و چه کمک و یاور شایسته است!  
 مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مَثَلِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ  
 فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (۱۶۰) قُلْ إِنِّي هَدَانِي  
 رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا لِّإِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ  
 مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۶۱) قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَ  
 مَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (۱۶۲) لَا شَرِيكَ لَهُ وَ  
 بِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ (۱۶۳) قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي  
 رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَلَا

تَزْرُوَا زَرَّةً وَزَرَ أَخْرَى ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا  
 كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ (۱۶۴) وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ  
 وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ  
 إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ (۱۶۵)

(از قرآن کریم از سوره الانعام آیات از ۱۶۰ تا ۱۶۵)

**ترجمه: الله فرمود: هر کسی که کار نیکی را بجا آورد!!!**  
 ده برابر آن پاداش دارد! و هر کسی که کار بدی را انجام  
 بدهد! جز بمانند آن! کیفر نخواهد دید! و ظلم و ستمی بر  
 آنها نخواهد شد! ای محمد بگو: بدرستی که صاحب اختیار  
 کلّ من؛ مرا براه راست و درست هدایت کرده است!  
 به آیینی که پابرجا و استوار و محکم بوده است!!! که  
 آیین ابراهیم میباشد! که او حنیف بوده! و از مشرکین  
 نبوده است؛ بگو: نماز من و تمام عبادات من! و زندگی  
 و مرگ من!!! همه برای الله صاحب اختیار کلّ جهانیان  
 است! برای او شریک و همتایی نیست! و به همین جهت  
 مأمور شده ام! من نخستین مسلمان شده باشم؛ بگو: آیا  
 غیر از الله خلاق! صاحب اختیاری را بطلبیم؟!؟! در حالی که  
 او صاحب اختیار کلّ همه چیز است؟! و هیچ کسی عمل

بدی جزبزیان خودش انجام نمیدهد! و هیچ گناه کاری  
گناه دیگری را برنمیدارد و متحمل نمیشود!!! اسپس  
بازگشت همه شما بسوی صاحب اختیار کل خودتان  
است! از آنچه در آن اختلاف داشتید بشما خبر خواهد  
داد!!! و او کسی است که شمارا جانشینان انسانهای  
پیشین در زمین ساخته است! و درجات بعضی از شما  
را بالاتر از بعضی دیگر قرار داده است! تا شمارا بوسیله  
آنچه در اختیارتان قرار داده است بیازماید و امتهان کند!  
بدرسیتکه صاحب اختیار کلّ تو!!! سریع العقاب و  
بدرستیکه با مهربانی بخشنده است!!!

قرآن کریم و اسلام محمد (ص) رسول الله  
بر همه کتابهای ادیانی پیروز شده است!  
وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تُوَدُّونَنِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ  
أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ  
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ (۵) وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ  
يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ  
يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ

أَحْمَدُ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ (۶) وَمَنْ  
 أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ  
 وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (۷) يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ  
 اللَّهِ بِأَقْوَاهِمَ وَاللَّهُ مَتِّمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸)  
 هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ  
 عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (۹)

(از قرآن کریم از سوره الصف آیات از ۵ تا ۹)

**(ترجمه: ای محمد بیاد آورید) وقتیکه راکه موسی ب قوم  
 خود بنی اسرائیل گفت: ای قوم من چرا مرا آزار و اذیت  
 می کنید؟! و حقیقت این است که میدانید من فرستاده؟!  
 الله بسوی شما هستم؟؟؟! الله گفت: هنگامیکه بنی  
 اسرائیل از حق منحرف شده اند!!! الله عقله ای  
 ایشان را منحرف ساخته است!!! الله فلسقان را  
 هدایت نمیکند! و بیاد آورید وقتیکه راکه عیسی پسر  
 مریم گفت: ای بنی اسرائیل من فوستاده الله بسوی  
 شما هستم!!! در حالیکه تصدیق کننده کتاب تورا که  
 قبل از من فرستاده شده میباشم! و بشارت دهنده برسولی  
 که بعد از خواهد آمد! و وقتیکه احمد با معجزات و دلایل**

روشن بسوراغ آنها آمده!گفتند:که این آشکارا سحر و جادوی است!(مصدر احمد و محمد یکی است که حمد میباشد!احمد بیاب افعال رفته متعدی شده است!!! معنی احمد!یعنی کسیکه خودش؛خودش را وادار کند!که حمد و ثناء و تعریف و نیایش بگوید!و محمد اسم مفعول میباشد!معنی محمد!یعنی کسیکه همیشه کارش این بوده باشد که حمد و ثناء و تعریف و نیایش بگوید: پس معنا و معنی احمد و محمد یکی میباشد!پس بین این دو اسم هیچ فرقی ندارند و نیست!فقط ظاهر بین این دو اسم فرقی دارد!در انجیل برنابا و در صفحه ۲۹ نوشته است!و همانا که شیخ محمد بیرام از یک نفر سیاه انگلیسی نقل فرموده:که او در کتابخانه پاپ در فاتیگان نخسه از انجیل دیده که بخط حمیری قبل از بعثت پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم!نوشته شده و در آن {نوشته شده} بود که مسیح میفرماید {و مبشراً برسول یأتی من بعدی اسمه احمد} چه کسی ظالم تراست!!!از ان کسیکه بر الله دروغ بسته و نسبت

**داده است درحالیکه او به اسلام دعوت میشود؟؟!!**  
**الله گوه ستمکاران و ظالمان راه دایت نمیکند!!!**  
 آن کسانی که میخواهند نور قرآن الله را بادهانهای  
 خودشان خاموش بسازند! ولی الله نور قرآن خودش  
 را پیروزتر و کامل تر میکند! هرچند که کافران خوش  
 نداشته باشند!!! الله کسی است که رسول خود را  
 با هدایت و با دین حق فرستاده است! تا او را بر همه  
 ادیان باطل غالب بسازد! هرچند که مشرکان کراحت  
 داشته باشند!!!

نکاتی از مؤلف: تا به اینجا قرآن کویم! احترام الله  
 خلاق جهان هستی ورب العالمین! و شخصیت انبیاء  
 عظام! و شخصیت تمامی مؤمنین! و خداشناسان و شخصیت  
 جهاد کنندگان را در راه الله متعال بخوبی!!! ارزش  
 گذاشته و گرامی داشته است!!! نه مانند کتاب مقدس  
 عهد عتیق و توراة فعلی که تمامی تهمت ها و افتراء  
 ها و اعمال سکسی و حرفهای رکیک و زنا و غیره را  
 به خدای خودشان بسته و نسبت داده اند! که پیروان

کتابها هستند! که حقوق به اصطلاح بشر را جای گزین قوانین خلاق جهان هستی و ربّ العالمین کرده اند! و با این حقوق بشری مردم جهان را اینطور به فساد و بی بندباری کشیدند اینها و کسانی که به الله و انبیاء عظام اهانت کردند! و به ابراهیم بُت شکن و قهرمان توحید تاریخ حرفهای رکیک را روا داشتند!!! و فیلم موهن را امریکائی را طراحى و بازی کردند! بزبان عیسی مسیح پسر مریم رسول الله!!! فرزندان ابلیس هستند! و بزبان قرآن کریم وحی منزل الهی! **فرزندان میمونها و بوزینه ها و خوکها و خنزیرها هستند!** که این طور فساد و بی بندباری! را رواج داده و میدهند! ایها انسان نمای هستند که آبروی انسانیت و بشریت را در پیشگاه انسانها و الامقام خدشه دار کردند و بردند! که بقیه فساددینی و اخلاقی این آدم نماها را مینویسیم! خوانندگان گرامی توجه کن! کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی برابر ابراهیم بُت شکن و قهرمان توحید! اهانت! و تهمت! و افتراء! و حرف های رکیک را روا

داشته است! عیناً از توراۃ فعلی مینویسیم دقت کنید!  
 و خداوند به ابرام گفت: از ولایت خود و از مولد خویش  
 و از خانه پدر بسوی زمین که بتونشان دهم بیرون شو  
 و از توامتی عظیم پیداکنم؛ و تورا برکت دهم و نام تو  
 را بزرگ سازم و تو پربرکت خواهی بود و برکت دهم  
 به آنانیکه تورا مبلوک خوانند! و لعنت کنم به آنکه  
 تو را ملعون خوانند! و از تو جمیع قبایل جهان برکت خواهند  
 یافت! پس ابرام چنانکه خداوند بدو فرموده بود: روانه  
 شد! و لوط همراه وی رفت! و ابرام هفتاد و پنج ساله  
 بوده هنگامیکه از حرّان بیرون آمد!!! و ابرام زن خود  
 سارای و برادر زاده خود لوط و همه اموال اندوخته  
 خود را با اشخاصی که در حرّان پیدا کرده بودند برداشته  
 به عزیمت زمین کنعان بیرون شدند! و بر زمین کنعان  
 داخل شدند! و ابرام در زمین میگذشت تا مکان شکیم  
 تابلوط ستان مورّه! در آن وقت کنعانیان در آن زمین  
 بودند! و خداوند بر ابرام ظاهر شده گفت: بذریّت تو این  
 زمین را میبخشم! و در آنجا مذبحی بسوی خداوند که بر

وی ظاهر شد بناء نمود! پس از آنجا بکوه-ی که بشرقی بیت ئیل است! کوچ کرده خیمه خود را برپا نمود! و بیت ئیل به طرف غربی و عایدی بطرف شرقی آن بود! و در آنجا مذبحی برای خداوند بناء نمود و نام یهوه را خواند!!! و ابرام طیّ مراحل و منازل کرده بسمت جنوب گوجید! و قحطی در آن زمین شد! و ابرام به مصر فرود آمد تا در آنجا بسربرد! زیرا که قحط در زمین شدّت میکرد! و واقع شد که چون نزدیک ورود مصر شد! به زن خود سارای گفت: اینک میدانم که تو زن نیکو منظر هستی! همانا چون اهل مصر تو را ببینند بگویند: این زوجه اوست پس مرا بکشند! و تو را زنده نگاه دارند! پس بگو: که تو خواهر من هستی!!! تا بخاطر تو برای من خیریت شود! و جانم بسبب تو زنده بماند! و مجرد دورود ابرام به مصر آن زن را دیدنکه بسیار خوش منظر است! و امرای فرعون او را دیدند و او را در حضور فرعون ستودند! پس وی را بخانه فرعون در آوردند! و بخاطر وی با ابرام احسان نمود! و او صاحب

میشها وگاون وحم-اران و غلامان و کنیزان وماده  
الاعغان وشتران شد! و خداوند فرعون و اهل خانه را  
بسبب سارای! زوجه أبرام ببلاهای سخت مبتلا ساخت  
! و فرعون أبرام را خوانده گفت: این چیست که بمن  
کردی؟! چرا مرا خبر ندادی که او زوجه تو است؟! چرا  
گفتی: او خواهر من است که او را بزنی گرفتم؟! و الآن  
اینک زوجه تو! و او را برداشته روانه شو! آنگاه فرعون  
در خصوص وی کسان خود را امر فرمود: تا او را با  
زوجه اش تمام مایملکش روانه نمودند!!!

(از کتاب مقدس عهد غتیق و از کتاب توراہ فعلی؛ سفر پیدایش با ب دوازهم)

وسارای زوجه أبرام برای وی فرزندی نیاورد! و او  
راکنیزی مصری هاجر نام بود! پس سارای به أبرام  
گفت: اینک خداوند مرا از زائیدن بازداشت پس بکنیز  
من درآی شاید! از او ببناء شوم! و أبرام سخن سارای  
را قبول کرد! و چون ده سال از اقامت أبرام در زمین  
کنعان سپری شد! سارای زوجه أبرام و کنیز خود هاجر  
مصری را برداشته! او را بشوهر خود أبرام بزنی داد!  
پس بهاجر درآمد و او حامله شد! و چون دید که حامله

است خاتونش بنظروی خقیرشد! و سارای به ابرام گفت:  
 ظلم من برتو باد من کنیز خود را به آغوش تو دادم! و  
 چون آثار حمل خود را دید در نظر او حقیر شدم! خداوند  
 در میان من و تو داوری کند! ابرام بسارای گفت: اینک  
 کنیر تو بدست تو است آنچه پسند نظر تو باشد باوی بکن  
 پس چون وی از سارای بگریخت!!! و فرشته خداوند  
 او را نزد چشمه آب در بجا بان ی عنی چشمه که  
 براهش است یافت! و گفت: ای هاجر کنیز سارای از کجا  
 آمدی و کجا میروی؟! گفت: من از حضور خاتون خود  
 سارای گریخته ام! فرشته خداوند بوی گفت: نزد خاتون  
 خود برگرد و زیر دست او مطیع شو!!! و فرشته خداوند  
 به وی گفت: ذریت تو را بسیار افزون گردانم! بحدیکه  
 از کثرت شماره نیابند! و فرشته خداوند وی را گفت:  
 اینک حامله هستی و پسری خواهی زائیدی!!! او او را  
 اسمعیل نام خواهی نهاد!!! زیرا که خداوند تظلم تو را  
 شنیده است! او مردی وحشی خواهد بود! دست وی  
 به ضد هر کسی و دست هر کسی بضد او! و پیش روی

همه برادران خود ساکن خواهد بود!!! و او نام خداوند را که با وی تکلم کرد آنت ایل رنی خواند! زیرا گفت: آیا اینجانیز بعقب او که مرا می بیند نگرستم؟! از این سبب آن چاه را بنرلحی نامیدند! اینک در میان قادش و بارداشت!!! و هاجر از آبرام پسری زائید و آبرام پسر خود را که هاجر زائیده بود اسمعیل نام نهاد! و آبرام هشتاد و شش ساله بود هاجر اسمعیل را برای آبرام بزاد!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورا، فعلی؛ سفر پیدایش باب شانزدهم)

و چون آبرام نود و نه ساله بود! خداوند بر آبرام ظاهر شده گفت: من هستم خداوند قادر مطلق!!! پیش روی من بخرام و کامل شو! و عهد خویش را در میان خود و تو خواهم بست! و تو را بسیار بسیار کثیر خواهم گردانم! آن گاه آبرام بر روی در افتاد و خداوند خطاب کرده گفت: اما اینک عهد من با تست و تو پدر امت های بسیار خواهی بود! و نام تو بعد از این آبرام خوانده نشود! بلکه نام تو ابراهیم خواهد بود! زیرا که تو را پدر امت های بسیار گردانیده ام! تو را بسیار بارور نمائیم و امت ها از تو پدید آورم! پادشاهان از تو بوجود آیند! و عهد خویش را در

میان خود و تو و ذریت بعد از تو استوار گردانم! که نسل  
 بعد نسل عهد جاودانی باشد! تا تو را و بعد از تو و ذریت  
 تو را خداوند باشم! و زمین غریب تو یعنی تمام زمین  
 کنعان را به تو بعد از بذریت تو بملکیت ابدی دهم! و  
 خدای ایشان خواه م بود؛ پس خداوند به ابراهیم گفت:  
 و آما تو عهد مرا نگاه دار تو بعد از تو و ذریت تو در نسل  
 های ایشان! این است عهد من که نگه خواهی داشت  
 !!! در میان من و شما و ذریت تو بعد از تو هر ذکوری از  
 از شما مختون شود! و گوشت !!! غلفه خود را مختون  
 سازید تا نشان آن عهدی باشد! که در میان من و شما  
 است! هر پسر هشت روز از شما مختون! شود هر ذکوری  
 در نسل های شما خواه خانه زاد! خواه زر خرید! از  
 از اولاد هر اجنبی که از ذریت تو باشد! هر خانه زاد تو  
 و هر زر خرید تو البته مختون شود! تا عهد من در گوشت  
 شما جاودانی باشد! اما هر ذکوری نامختون که گوشت  
 غلفه او ختنه نشود! آنکس از قوم خود منقطع شود!  
 زیرا که عهد مرا شکسته است! و خداوند به ابراهیم

گفت: اما زوجه تو سارای نام اورا سارای مخوان! بلکه نام اوساره باشد! و اورا برکت خواهم داد و پسری نیز از وی بتو خواهم بخشید! اورا برکت خواهم داد! و امت از وی بوجود خواهند آمد! و ملوک امت ها از وی پدید خواهند شد! آنگاه ابراهیم بر روی درآفتاد به خندید! در دل خود گفت: آیا برای من مرد صدساله پسر متولد؟! ساره در نودسالگی بزاید و ابراهیم بخداوند گفت: کاش اسمعیل در حضور تو زیست کند خداوند گفت: به تحقیق زوجه ات ساره برای تو پسری خواهد زائید و اورا اسحق نام بنه!!! و عهد خود را با وی استوار خواهم داشت!!! تا باذریّت او بعد از او عهد ابدی باشد! و اما در خصوص! اسمعیل تو را اجابت فرمودم!!! اورا برکت داده بارور گردانم و اورا بسیار گثیر گردانم!!! دو از ده رئیس از وی پدید آیند و امتی عظیم از وی بوجود آورم! لکن عهد خود را با اسحق استوار خواهم ساخت! که ساره اورا بدین وقت در سال آینده برای تو خواهد زائید و چون خداوند از سخن باوی فارغ شد؛ از نزد ابراهیم

صعود فرمود و ابراهیم پسر خود اسمعیل و همه خانه  
زادان و زر خریدان! خود را یعنی هر ذکوری که در خانه  
ابراهیم بود گرفته گوشت غلفه ایشان را در همان روز  
خته کرد! چنانکه خداوند به وی امر کرده بود! عمل کرد  
!!! و ابراهیم نونه ساله بود و قتیکه گوشت غلفه اش  
مختون شد! و پسرش اسمعیل سیزده ساله بود؛ هنگامیکه  
گوشت غلفه مختون شد! در همان روز ابراهیم و پسرش  
مختون گشتند!!! و همه مردان خانه اش خواه خانه  
زاد خواه زر خرید! از اولاد اجنبی باوی مختون شدند!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر پیدایش باب دهم)

و خداوند در بلوطستان ممری بروی (ابراهیم) ظاهر شد!  
و او در گرمای روز بدرخیمه نشسته بود! ناگاه چشمان  
خود را بلند گردید! که اینک سه مرد در مقابل او ایستاده اند  
!!! و چون ایشان را دید از خیمه در به استقبال ایشان  
شتافت! و روبه زمین نهاد! و گفت: ای مولی اکنون اگر  
منظور نظر تو شدم از نزد بنده خود مگذر! اندکی آبی  
بیاورند تا پای های خود را شسته در زیر درخت بیار امید  
! و لقمه نانی بیاورم تا دل های خود را تقویت دهید! و

پس از آن روانه شوید! زیرا که برای همین شمارا بربنده خودگذرافتاده است! گفتند: آنچه گفتی بکن؛ پس ابراهیم به خیمه نزد ساره بشتافت!! او گفت: سه کیل از آرد میده بزودی حاضر کن!! او آن را خمیر کرده گودها بساز! و ابراهیم بسوی رمه بشتافت! و گوساله نازک خوب گرفته به غلام خود داد! تا بزودی آن را طبع نماید! پس کره و شیر و گوساله را که ساخته بود گرفته!!! پیش روی ایشان گذاشت و خود در مقابل ایشان در زیر درخت استادتا خوردند! بوی گفتند! زوجه ات ساره کجاست؟! گفت: اینک در خیمه است! گفت: البته موافق زمان حیات زود تو خواهیم برگشت و زوجه ات ساره را پسری خواهد شد! و ساره بدرخیمه که در عقب او بود شنیده! و ابراهیم و ساره پیرو سالخورده بودند! و عادت زنان از ساره منقطع شده بود! پس ساره در دل خود بخندید و گفت: آیا بعد از فرسودگیم! مرا شادی خواهد بود؟! و آقایم نمیپیر شده است؟؟؟! او خداوند به ابراهیم گفت: ساره برای چه خندید؟! او گفت: فی الحقیقت

خواهم زائید؟! و حال آنکه پیر هستم! گفت: مگر هیچ امری نزد خداوند مشکلست؟! در وقت موعود موافق زمان حیات نزد تو خواهم برگشت؛ و ساره را پسری خواهد شد!!! آنگاه ساره انکار کرده گفت: نه خندیم ترسیدگفت: نه خندیدی! پس آن مردان از آنجا برخاسته متوجه سدوم شدند! ابراهیم ایشان را مشایعت نمود! و خداوند گفت: آیا آنچه من میکنم از ابراهیم مخفی دارم؟! و حال آنکه از ابراهیم هر آینه امتی بزرگ و زور آور پدید خواهد آمد؟!؟! و جمیع امتهای جهان از او برکت خواهند یافت زیرا که او را می شناسم!!! که فرزندان و اهل خانه خود را بعد از خود امر خود فرمود! تا طریق خداوند را حفظ نمایند و عدالت و انصاف را بجا آورند! تا خداوند آنچه به ابراهیم گفته است بوی برساند! پس خداوند گفت: فریاد سدوم و عموره زیاد شده است! و خطائای ایشان بسیار گران اکنون نازل میشوم!!! تا ببینیم موافق این فریاد که به من رسیده بالتمام کرده اند! و الا خواهم دانست!!! آنگاه آن مردان از آنجا بسوی

سدوم متوجه شده برفتند! و ابراهیم در حضور خداوند ایستاده بود!!! و ابراهیم نزدیک آمد گفت: آیاعادل را بشیریر هلاک خواهی کرد؟! شاید در شه-ر پنجاه عادل باشند!!! آیا آن راهلاک خواهی کرد؟! و آن مکان را بخاطر آن پنجاه عدل که در آن باشند نجات نخواهی داد؟! حاشا از که مثل این کار بکنی! که عادلان را با شیریران هلاک سازی؟! و عادل و شیریر مساوی باشند؟! حاشا از تو آیا داور تمام جهان انصاف نخواهی کرد؟! خداوند گفت: اگر پنجاه عادل در شهر سدوم یابم! هر آینه تمام آن مکان را به خاطر ایشان رهائی دهم! ابراهیم در جواب گفت: اینک من خاک و خاکستر هستم جرأت کردم به خداوند سخن بگویم: شاید از آن پنجاه عادل پنج کم باشد؟! آیا تمام شهر را بسبب پنج هلاک خواهی کوی؟! گفت: اگر چهل و پنج در آنجا ایم آن را هلاک نکنم!!! بار دیگر بدو عرض کرده گفت: هر گاه در آنجا چهل یافت شوند؟! گفت: بخاطر آن را نکنم! گفت: زنهار غضب خداوند افروخته نشود! تا سخن بگویم: شاید

آنجاسی پیدا شوند؟! گفت: اگر در آنجاسی یابم این کار را نخواهم کرد! گفت: اینک جرأت کردم که بخداوند عرض کنم! اگر بیست در آنجا یافت شوند؟؟؟! گفت: بخاطر بیست آن را هلاک نکنم!! گفت: خشم خداوند افروخته نشود تا این دفعه را فقط عرض بکنم! شاید ده در آنجا یافته شوند؟! گفت: بخاطر ده آن هلاک نخواهم ساخت! پس خداوند چون گفتگورا با ابراهیم با تمام رسانید برفت! و ابراهیم بمکان خویش مراجعت کرد!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب توراة فعلی؛ سفر پیدایش باب هجدهم)

و وقت عصر آن دو فرشته وارد سدوم شدند! و لوط در دروازه سدوم نشسته بود! و چون لوط ایشان را بدید به استقبال ایشان برخاسته و بر زمین نهاد!! گفت: اینک اکنون ای آقایان من بخانه بنده! بیاید! شب را بسر برید و پایهای خود را بشوید! و بامدان برخاسته راه خود را پیش گیرید!! گفتند: نه بلکه شب را شهر در گوچه بسر بریم!! اما چون ایشان را الحاج بسیار نمود با او آمده بخانه اش داخل شدند! و برای ایشان ضیافت نمودونان فطیر پخت پس تناول کردند! و بخواب

هنوز نرفته بودند که مردان شهر یعنی مردم سدوم! از جوان و پیر تمام قوم از هرجانب خانه وی را احاطه کردند! و بلوط ندا در داده گفتند: آن دومرد که امشب به نزد تو آمدند کجاستند؟! آنها را نزد ما بیرون آور تا ایشان را بشناسیم! آنگاه لوط نزد ایشان بدرگاه بیرون آمد و در را از عقب خود بست! و گفت: ای برادران من ز نهار بدی مکنید! من دو دختر دارم! که مرد را نشناخته اند ایشان را الآن نزد شما بیرون آورم! و آنچه در نظر شما پسند آید با ایشان بکنید! لکن کاری بدین دومرد نداشته باشید! زیرا که برای همین زیر سایه سقف من آمده اند! گفتند: دور شو و گفتند: این یکی آمد تا نزیل ما شود و پیوسته داوری میکند! الآن با تو از ایشان بد تو بکنیم! پس بر آن مرد یعنی لوط بشدت هجوم آورده نزدیک آمدند تا در را بشکنند! آنگاه آن دومرد دست خود را پیش آورده! لوط رانزد خود بخانه در آوردند و در را بستند! اما آن اشخاص را که بدرخانه بودند! از خرد و بزرگ بگوری مبتلا کردند!!! که از جستن در

خویشان را خسته ساختند! و آن دو مرد بلوط گفتند:  
 آیا کسی دیگر در اینجادی؟! دامادان و پسران و دختران  
 خودداری از این مکان بیرون آور؟! زیرا که ما این مکان  
 را هلاک خواهیم ساخت! چونکه فوطد شدید ایشان  
 به حضور خداوند رسیده! و خداوند ما را فرستاده است  
 تا آن راهلاک بکنیم! پس لوط بیرون رفته با دامادان  
 خود که دختران او را گرفتند! مکالمه کرده گفت: برخیزید  
 و از این مکان بیرون شوید! زیرا که خداوند این شهر  
 را هلاک میکند! اما بنظر دامادان مسخره آمد! و هنگام  
 طلوع فجر آن دو فرشته لوط را شتابانیده گفتند: برخیز  
 وزن خود را با این دو دختر که حاضرند بردار مبادا در  
 گناه شهر هلاک شوی! و چون تأخیر مینمود آن مردان  
 دست او دست زنش و دست هر دو دخترش را گرفتند!  
 چونکه خداوند بروی شفقت نمود! و او را بیرون آورده  
 در خارج شهر گذاشتند! و واقع شد چون ایشان را بیرون  
 آورده بودند! که یکی بوی گفت: جان خود را دریاب  
 و از عقب منگرو تمام وادی نایست! بلکه بکوه بگریز

مبادا هلاک شوی! لوط بدیشان گفت: ای آقاچنین مباد  
 همانا بنده ات در نظرت التفات یافته است! واحسانی  
 عظیم به من کردی که جانم را رستگار ساختی!!!  
 و من قدرت آن ندارم که به کوه فوار بکنم!!! مبادا  
 این بلا مرا فروگیرد و بمیرم! اینک این شهر نزدیک  
 است! تا بر آن فرار کنم و نیز صغری است اذن بده تا بدان  
 فرار کنم! آیا صغیر نیست تا جانم زنده ماند؟! بدو گفتند:  
 اینک در این امر نیز تورا اجابت فرمودیم! تا شهری  
 راکه سفارش آن را نمودی و از گون نسازیم! بر آن جا  
 بزودی فرار کن زیرا که تا تو بدان جانرسی هیچ نمیتوانیم  
 کرد! از این سبب آن شهر مسمی بصو غر شد! و چون  
 آفتاب بر زمین طلوع کرد لوط بصو غر داخل شدند!!!  
 آنگاه خداوند بر سدوم و عموره کو کرد و آتش از حضور  
 خداوند از آسمان بارانید!!! آن شهرها و تمام وادی و  
 جمیع سکنه ها! و نباتات زمین را و از گون ساخت! اما  
 زن او از عقب خود نگریسته ستونی از نمک گردیده!  
 بامدادان ابراهیم برخاسته و بسوی آن مکان که در

آن بحضور خداوند ایستاده بود رفت!!! و چون بسوی  
 سهوم و عموره و تمام زمین وادی نظر انداخت دید  
 که اینک دود آن زمین چون دود کوره بالامیرود! و  
 هنگامیکه خداوند شهرهای وادی را هلاک کرد خداوند  
 ابراهیم را بیاد آورد! و لوط را از آن انقلاب بیرون آورد  
 ! چون آن شهرهایی را که لوط در آنها ساکن بود و از گون  
 ساخت! و لوط از صوغر برآمد و باد و دختر خود در کوه  
 ساکن شد! زیرا که ترسید که در صوغر بماند! پس با  
دو دختر خود در مغاره سکنی گرفت! و دختر بزرگ بکوچک  
گفت: پدر ما پیر شده و مردی بوروی زمین نیست که  
بر حسب عادت کلّ جهان بمادر آید! بیا تا پدر خود را  
شراب بنوشانیم! و با او هم بستر شویم تا نسلی از پدر  
خود نگاه داریم! پس در همان شب پدر خود را شراب  
نوشانیدند! و دختر بزرگ آمده بپدر خویش هم خواب  
شد! و او از خوابیدن و برخاستن وی آگاه نشد! و واقع  
شد که روز دیگر بزرگ به کوچک گفت: اینک دوش  
باید هم خواب شدم! امشب نیز او را شراب بنوشانیم!

وتویبیاوی هم خواب شو تا نسلی از پدر خود نگاه  
داریم! آن شب نیز پدر خود را شراب نوشانیدند! و دختر  
کوچک هم خواب وی شد و او از خوابیدن و از برخاستن  
وی آگاه نشد! پس هر دو دختر لوط از پدر خود حامله  
شدند! و آن بزرگ پسری زائیده او را مواب نام نهاد  
نهادوت! امروز پدر موابیان است! و کوچک نیز پسری  
بزاد او را بنی عمی نام نهادوی تا بحال پدر بنی عمونست!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی؛ سفر پیدایش باب نوزدهم)

پس ابراهیم از آنجا بسوی ارض جنوبی کوچ کرد! و  
در میان قادش و شورشاکن شد و در جرار منزل گرفت!  
و ابراهیم در خصوص زن خود ساره گفت: که او خواهر  
من است! و ابی ملک! ملک جرار فرستاده ساره را گرفت  
و خداوند در رویای شب برای ملک ظاهر شده! بوی  
گفت: اینک تو مرده ای بسبب این زن که گرفتی!!!  
زیرا که زوجه دیگری میباشد! و ابی ملک به او هنوز  
نزدیکی نکرده بود!!! پس گفت: ای خداوند آیا امّتی  
عادل راهلای خواهی کرد؟! مگر او بمن نگفت: که او  
خواهر من است و او نیز خود گفت: او برادر من است!

بساده دلی ویاک دستی خوداین را کردم! خداوند وی  
را در رویا گفت: من نیز میدانم که این را بساده دلی خود  
کردی! و من نیز تورا نگاه داشتم که بمن خطاء نوری  
! و از این سبب نگذاشتم که اورا المس نمائی! پس الآن  
زوجه این مرد را رد کن زیرا که اونبی است! و برای  
تو دعا خواهد کرد تا زنده بمائی! و اگر اورا رد کنی  
بدان که تو هر کسی که از آن تو باشد هر آینه خواهد  
مرد! با مدادان ابی ملک برخاسته جمیع خادمان خود  
را طلبیده! همه این امور را بسمع ایشان رسانید! و  
ایشان بسیار ترسان شدند! پس ابی ملک ابراهیم را  
خوانده بدو گفت: بما چه کردی؟! و بتوجه گناه کرده بودم  
؟! که بر من و بر مملکت من گناه عظیم آوردی؟! و کار  
های ناکردنی بمن کردی؟! و ابی ملک به ابراهیم گفت:  
چه دیدی که این کار را کردی؟! ابراهیم گفت: زیرا که  
گمان بردم که خدا ترسی در این مکان نباشد!!! مرا  
بجهت زوجه ام خواهند کشت! و فی الواقع او خواهر  
من است!!! دختر پدرم امانه دختر مادرم و زوجه من

شد! و هنگامیکه خدا مرا از خانه پدرم آواره کرد! او  
را گفتم: احسانی که به من باید کرد این است که هر  
هر جابرویم درباره من بگویی: که او برادر من است!  
پس ابی ملک گوسفندان و گاوان و غلامان و کنیزان  
گرفته به ابراهیم بخشید! و زوجه اش ساره را بوی  
رد کرد! و ابی ملک گفت: اینک زمین من پیش روی  
تست!!! هر جاکه پسند نظرت افتد ساکن شو، و بساره  
گفت: اینک هزار مثقال نقره برادرت دادم!!! همانا او  
برای تو پرده چشم است! نزده همه کسانی که باتو هستند!  
و نزده همه دیگران پس انصاف تو داده شده! و ابراهیم  
نزد خداد عاگرد و خدا ابی ملک و زوجه او و کنیزانش را  
شفاء بخشید! تا او و لادبهم رسانیدند! زیرا که خداوند رحم  
های تمام اهل بیت ابی ملک را بخاطر ساره زوجه  
ابراهیم بسته بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر پیدایش باب بیستم)

در جهان آخذة ابراهیم خلیل در مدخل جهنم مینشیند  
 و نم یگذارد! که هیچ فرد یهودی ختنه شده ای بدانجا  
 فرود آید!!! (از کتاب تلمود (یعنی آئین یهود) ص ۳۸۵)

نکاتی از مؤلف: اولاً اشخاصی که سه نفر بودند و در نزد ابراهیم آمده بودند! شهر سدوم را هلاک کنند! یکی آن سه نفر در کتاب مقدس عهد عتیق و در توراة فعلی! خداوند بوده است! که کتاب تلمود وجود خداوند را انکار کرده و فرشته نوشته است! این عمل جعل کتاب تلمود ثابت میکند! نویسندگان کتاب تلمود! کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی را قبول نداشتند! زیرا که وجود خداوند کتاب توراة فعلی را در مهمانی گوساله ابراهیم را قبول نکرده اند! در تلمود بر عکس کتاب مقدس عهد عتیق و توراة فعلی را نوشته اند!!! این عمل نویسندگان ثابت میکند! دانشمندان بیست قرن پیش یهودیت کتاب مقدس عهد عتیق و توراة فعلی را قبول نکرده بودند که چنین نوشته اند! این کذب و دروغ و کفر برای چیست؟؟؟!!!

و ابراهیم خلیل در روز قیامت که مردان را باختنه می شناسد ببهشت مفرستد! آیاراه هدایت و عمل توحیدی خداوند یهودیت این است؟! یعنی چه؟؟؟!!! آیا هانت از این بالاتر و بزرگتر میباشد! که به پیام آوربت شکن

قهرمان توحید خداوند! تخصصش را ذکر شناسی مراد ن  
نسبت داده شده است؟؟!! که در قیامت بذکران مردان  
نگاه م‌کنندو معاینه مینماید! و بهشت میفرستد؟! آیا  
مسخره بالاتر از این هم میباشد؟؟!! آخر اگر این کار  
ذکر شناسی هم درست بوده باشد؟! پس زنان را با چه  
مشخصات معلوم و تأیید می‌کند؟! بهشت می‌فروستد؟!!  
که می‌گویند: اهل یهودیت اهل بهشت هستند؟! و اهل  
جهنم نیستند!!! که کلمه جهان آخرت و قیامت را!!!  
و جهنم و بهشت! و زنده شدن بعد از مرگ! که در کتاب  
مقدس عهد عتیق! و در کتاب توراة فعلی وجود ندارد!  
کلمه آخرت! و قیامت! و بهشت! و جهنم را از کجا آورده اند  
?! و مستندانش از کجاست?! و از کجا نوشته اند?! و باز  
هم معلوم نمی‌باشد و نیست این کذب و دروغ را از کجا  
آورده اند؟؟!! خوانندگان عزیز شمارا به الله سوگند  
میدهم! دین توحیدی و یکتایرستی این چنین است?!!  
که دین توحیدی و یکتایرستی! همه انسانهای پاک و  
مقدس و انبیاء عظام و رسولان خداوند خلاق جهان هستی

وَرَبَّ الْعَالَمِينَ رَا چنين مسخره واستهزاء ميکند؟؟!!  
اين انسان نماهاواشباه الرّجال! بزبان: عيسى مسيح  
رسول الله ابن مرعم مقدس! فرزندان ابليس هستند!  
که اين همه اهانت وتوهين وافتراءوکذب وتهمت و  
دروغ را به الله و انبيا عظام ورسولان پاک مقدّس  
ومظهر روا میدارند؟؟؟؟!! اين انسان نماها و اشباه  
الرّجال فرزندان ميمونها و خوکها و ابليس هستند که  
فيلم موهن امريکائی راطراحی و کارکردانی و بازی  
میکنند! و بنمایش جهانیان میگزارند! و زندگی آخرين  
پیام آورو (محمد) رسول الله را تحريف کرده! و ارونه  
نشان دادند!!! و از نوشته ای قلم خود برالله خالق  
خلاق جهان هستی و رحمان و رحيم و ربّ العالمين  
توانا پناه میبرم! و از خوانندگان عزيز تقاضا دارم که  
خودشان قضاوت و حکم بفرمایند!!!

۲ بنابنوشته ای کتاب مقدّس عهد عتيق و کتاب توراة  
فعلى! وقتیکه دختران لوط با پدر خودشان هم خوابگی  
ویا بهتر بگویم: زنای محرم میکرده اند! نوشته است که

گفته اند در روی زمین مردی نیست که نسل بماند!  
در حالیکه بعد از هلاک شدن اهل سدوم! ابراهیم و مردان  
ابراهیم زنده بودند! که ابراهیم با مردانش بجنوب کوچ  
کردند! و در زمین قادش ساکن شدند! و ملک قادش و  
مردانش زنده و حاضر بودند! پس چطور نوشته است  
؟! که دختران لوط گفته اند: که در روی زمین مردی  
نیست که نسل بماند؟! این یکی از ضدّ و نقیض ه ای  
آشکار کتاب مقدّس عهد عتیق و توراة فعلی است! ثانیاً  
دختران هریکی! یک پسر زنازاده و حرام زاده زائیده  
بودند! بنا بر نوشته کتاب مقدّس عهد عتیق و توراة فعلی!  
یعنی نوشته ای این کتابهای اصل و اصل و اصل و ناب  
و ناب و ناب آیات شیطانی است! که این کلمات کفرو  
شرک و رکیک و فساد اخلاقی فرزندان زنازاده محرمی  
یهود او تمار می باشد!!! زن و یا مرد دیگر در روی زمین  
وجود نداشت که دختران لوط از دواج کند! پس لابد و  
ناچار آبایسران خودشان که از نطفه پدرانشان بودند  
از دواج و یا بهتر بگوییم: زنا محرمی و مقاربت کردند!

**که امروز بیش از هفت ملیارد انسان در جهان وجود دارد!!!** که از نسل چنین زنازاده و حرام زاده محرمی هستند! که مسئله ملات زنازادگی و حرام زادگی! کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی!!! و کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی ملعون!!! و یهودیت صهیون نیزم همین میباشد!!! باز هم ضدونقیض گوئی کتاب مقدس عهد عتیق و توراة فعلی است! آیا چنین کاری شدنی است؟؟؟!!! که به خداوند و انبیاء عظام و رسولان مقدس خداوند خلاق جهان هستی و رب العالمین چنین نسبتهای داده اند؟؟؟! آیا چنین عملهای ناشایسته از مردان پاک و مطهر و قهرمانان توحید بت شکن تاریخ جهان به عمل می آید؟؟؟! آیا میتوان گفت: که چنین کتابها! کتاب آسمانی و کتاب توراة موسی میباشد؟؟؟! قضاوت بر عهده خوانندگان گرامی میباشد!!!

**۳ کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی! ابراهیم بت شکن و قهرمان توحید و یدرکل ادیان را ترسو! و دنیا پرست! و بی غیرت! و بی ناموس معرفی مینماید!**

زیرا که زنش و خواهرش ساره که هم زنش بود! و هم  
 خواهر واقعی ابراهیم بوده است! به رکجا میرود به  
 پادشاهان! و فرمانروایان پیشکش میکند! و کتاب مقدس  
 عهد عتیق و کتاب توراة فعلی! ساره رازن و خواهر  
 واقعی ابراهیم معرفی مینماید! برای فرعون پادشاه  
 مصر به زنی داده است! و به ابی ملک پادشاه قادیس  
 هم به زنی داده بود! و زمانی که ابراهیم بجنوب کوچ  
 کرده! ساره نودساله بود و خیلی پیر بوده است! پادشاه  
 قادیس برای چه و به چه چیزی او عاشق شده بود؟!  
 و او را به زنی گرفته بود؟؟؟! که نوشته این کتاب ها  
 مسخره و خنده آور است! و بخاطر اینکه برای ابراهیم  
 سود آور بوده باشد! و هم برایش خطری جانی نداشته  
 باشد! و هم بخاطر ساره! به او احترام بگذارند! و بادید  
 احترام نگاه کنند! و زنش را پیشکش شاهان و فرعونیان  
 میکرد! و از خداوند کتاب توراة فعلی! تعجب آور است  
 ! که گناه را ابراهیم و ساره انجام میدهند! که میگویند:  
 خوار و برادر هستیم! و حقایق را از ترس طمع بمال دنیا

پنهان میکنند! درحالیکه فرعون از هیچ چیزی خبری  
نداشت! خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراۀ  
فعلی! فرعون را مجازات مینماید! چرا اورا برای چه؟!!  
فرعون که از همه چیز بیخبر بوده است؟؟!! از طرف دیگر  
خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و خداوند کتاب توراۀ  
فعلی! به خواب آبی ملک پادشاه قادیش میروند! و او را  
میترا ساند و آگاه میکند! میگوید: که ساره زوجه ابراهیم  
است! که پادشاه قادیش منصرف میشود! پس چرا به  
خواب فرعون نمیروند؟؟!! که آن را آگاه بکند! و بگوید:  
که ساره خواه را ابراهیم زن اوست! بگزارد زنا اندر  
زنا انجام بگیرد؟؟!! و بعد از رازی به زنا مجازات  
میکند؟؟!! و از طرف دیگر که ابراهیم مگوید: ساره  
خواهر واقعی من است! که از طرف پدر خواهر و برادر  
هستیم! چطور خواهرش را بزنی گرفته بود؟؟!! که  
جای تعجب است؟؟!! آیا این زناشویی محرمی حرام  
نمیباشد؟؟!! پناه بخداوند خلاق جهان هستی ربّ  
العالمین! چنین کاری انجام نگرفته چنین نبوده است!

و این کار ساخته پرداخته ای و کذب و دروغ و افتراء  
و تهمت و خیانت!!! کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تورا  
قلابی فعلی تحریف شده است!!! که گناه کبیره ای و  
حرام بزرگی را به ابراهیم و ساره و اسحق روا میدارند!  
پس در این صورت اسحق هم خوارزاده ابراهیم میشود  
!و هم پسر ابراهیم! این همان ملات پایه اصلی! حرام  
زادگی و زنا زادگی یهودیت و صهیون نیست میباشد  
!به خداوند خلاق جهان هستی و رب العالمین سوگند!!!  
ماتمامی مسلمانان جهان! ازدواج ابراهیم با خواهرش  
را کذب و دروغ؛ افتراء؛ و اسحق را حلال زاده و پاک و  
مقدس؛ و یکی انبیاء بزرگ خداوند خلاق جهان هستی!  
و صاحب اختیار کلّ جهان و جهانیان میدانیم! که عین  
نوشته ای آیات قرآن کریم؛ و وحی منزل خداوند ابدی  
و ازلی میباشد! در همان کتاب مقدس عهد عتیق و در  
کتاب تورا فعلی نوشته است! هر کسی که خواه خود  
را! خواه دختر پدرش! و خواه دختر مادرش باشد! بگیرد  
و عورت او را ببیند! و او عورت او را ببیند! رسوایی

**است! در پیش چشمان پسران قوم خود منقطع شود  
(یعنی سربریده شود) چونکه عورت خواهر خود را  
کشف کرده است! باید متحمل گناه خواهد بود!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر لاویان باب بیستم آیه ۱۷)

**و باز در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب توراة فعلی  
نوشته است! ملعون باد کسیکه با خواهر خود! چه  
دختر پدر خود باشد! و چه دختر مادر خویش باشد! بخوابد  
و تمامی قوم بگوید: آمین!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر تثئیه باب بیست و هفتم آیه ۲۲)

**نکاتی از مؤلف: آیا کتابهای آسمانی انبیاء عظام! کتاب  
مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی! و شریعت موسی  
کلیم الله چنین بوده است؟؟؟!! حتماً که چنین نهوده  
است! با این همه توهینات و افتراعات اهانت و کذب و  
کفر و شرک! و ضدنقیض های فراوانی که در این کتاب  
مقدس عهد عتیق و در توراة فعلی وجود دارد؟؟؟!!!  
نشانگران است که! کتابهای آسمانی انبیاء عظام! که  
همین کتاب مقدس عهد عتیق میباشد؟! و کتاب توراة  
موسی را تحریف قلبی کردند! و به این روز انداخته اند**

زیرا که به خداوند خلاق جهان هستی ربّ العالمین!  
و هم به انبیاء عظام پیغمبران بزرگ خداوند! و هم به  
قدّیسین! و هم به کلّ مؤمنین به خداوند! این قدر توهینات  
و افتراءات! و تهمت! و اهانت! و کذب! و دروغ را نسبت  
دادند و روا داشتند!!! که بنظر عقل سالم به هیچ وجه  
قابل قبول نیست چنین کتابها کتابهای انبیاء عظام و  
پیغمبران بزرگ و خداوند خلاق رحمان و رحیم و ربّ  
العلمین بوده باشد! آیا میتوانیم قبول کنیم؟! که ابراهیم  
آن مرد بزرگ بُت شکن و قهرمان توحید تاریخ جهان  
و یدر کلّ ادیان توحیدی؟! که در مقابل ترس و طمع بمال  
دنیا و یا به احترام بُت پرستان؟! از ناموس و دینش  
صرف نظر کند؟؟؟! و ناموس و دینش را بابی غیرتی  
و بی ناموسی! با مال دنیا و با احترام دشمنان! دین و جانش  
و ناموش؟! معاوضه بنماید؟؟؟! این توهین و افتراء  
و تهمت! برای قهرمان توحید! و بُت شکن تاریخ جهان  
بر ابراهیم خلیل الله! یدر کلّ ادیان توحیدی! خیلی خیلی  
خلعی بسیار! افتراء و توهین و تمهت بزرگی میباشد!!

۴ کتاب آیات شیطانی سلمان رشدی ملعون!!! از این  
کتابهای به اصطلاح آسمانی و دینی و فرنگی یهودیت  
سرچشمه گرفته است! که ثابت کردیم! بخداوند خلاق  
جهان هستی ربّ العالمین! و به انبیاء عظام و پیام آوران  
بزرگ و قدّیسین او! و بتمامی انسانیت و بشریت جهان  
هستی! چنین توهین! تهمت افتراء و عملهای رکیک  
رانسبت داده رواداشته و برشته تحریر در آورده است  
! و تمامی بشریت جهان هستی را! مثل خودش و پسرش  
و اربابانش زنازاده و حرام زاده معرفی کرده است!  
!!! و کارگردان و بازی کنندگان و طراهان فیلم موهن  
امریکائی نیز از این فرهنگ شیطان پرستی! و شرک  
و کفر و بی بندباری! و فساد و حقوق بشری فراماسوئری  
سرچشمه گرفته است! که بزبان قرآن کریم وحی منزل  
اله-ی!!! اینها فرزندان میمونها و بوزینه ها و خوک  
و خنزیرها هستند! و بزبان عیسی مسیح رسول الله ابن  
مریم مقدّس! اینها فرزندان ابلیس هستند! بهمین جهت  
کارهای پدرشان ابلیس را انجام میدهند! لعنت خداوند

وملائکه و تمامی انسانیّت جهان! برفرزدان! میمون  
ها و خوک ها و ابلیس ملعون بوده باشد! این انسان  
نماها! از اصل و ناب کتابهای آیات شیطانی یهودیّت  
وصهیون نیست که کتاب مقدّس عهد عتیق و توره  
فعلی میباشد! پیروی کردند که این عملهای کفر و شرک  
و گمراهی بسیار دور را! بضدّ خداوند خلاق هستی بعمل  
آوردند باید منتظر یاداش فساد خودشان میباشد!!!  
اینجانب مؤلف: با مدارک و مستندات فوق اعلام  
مینمایم: که اصل و اصل و ناب و ناب و ناب و  
آیات شیطانی کتاب مقدّس عهد عتیق و تورات فعلی  
میباشد! زیرا که به خداوند خالق و خلاق ربّ العالمین  
جهان هستی! و انبیاء عظام و پیام آوران و رسولان  
اوتهمت و افتراء و اهانت و عملهای کفر و شرک و  
رکیک و فساد اخلاقی را نوشته اند و نست دادند!!!  
 ای مکس عرصه سیمرغ نه جولنگه توست

ارز خود می بری و زحمت ما می داری

هان قران حاصل زنج خلیل الله است  
زحمت عمر محمد که حبیب الله است  
خون یحیی وحسین راه کلیم الله است  
نور و آگاهی دوران قرآن م-ی آید

وقحطی در آن زمین حادث شد! غیر از آن قحط اول که  
در ایام ابراهیم بود! واسحق نزدابی ملک پادشاه قادیان  
بجرار رفت! و خداوند بروی ظاهر شده گفت: به مصر  
فرود بیا! بلکه به زمینی که بگویم: ساکن شو! در این  
زمین توقف نما و با تو خواهم بود!!! و تورا برکت  
خواهم داد!!! زیرا که بتو و ذریّت تو تمام این زمین را  
میدهم! و سوگندی راکه با پدرت ابراهیم خوردم استوار  
خواهم داشت! و ذریّت تو را مانند ستارگان آسمان کثیر  
گردانم! و تمامی این زمین را هارا به ذریّت تو میبخشم  
!!! و از ذریّت تو جمیع امت های جهان برکت خواهند  
یافت زیرا که ابراهیم قول مرا شنید و وصایا و اوامرو  
فرائض و احکام مرا نگاه داشت! پس اسحق در جرار

اقامت نمود!!!و مردمان آن مکان درباره زنش از او  
جويا شدندگفت: اوخواهر من است! زیرا که ترسیدکه  
بگوید: زوجه من است مبادا اهل آنجا او را به خاطر  
رفقه که نیکو منظر بود بکشند! و چون در آنجامدتی توقف  
نمود چنان افتاد که ابی ملک پادشاه فلسطینیان از  
دریچه نظاره کرد و دید که اینک اسحق بازوجه خود  
رفقه مزاح میکند! پس ابی ملک اسحق را خوانده و  
گفت: همانا این زوجه توست! پس چرا گفتی که اوخواهر  
من است؟ اسحق بدو گفت: زیرا که گفتم: که برای وی  
بمیرم! ابی ملک گفت: این چه کار است که باما کردی  
؟؟؟!!! نزدیک بود یکی از اقوام من بازوجه ات هم  
خواب شود؟! و بر ما جر می آورده باشی؟! و ابی ملک  
تمامی قوم را قدغن فرموده گفت: هر کسیکه متعرض  
این مرد و زوجه اش بشود هر آینه خواهد مرد! و اسحق  
در آن زمین زراعت کرد! و در آن سال صدچندان پیدا  
نمود! و خداوند او را برکت داد! و آن مرد بزرگ شده مائاً  
فاتاً ترقی مینمود! تا بسیار بزرگ گردید! و او را گله گوسفندان

ومواشی گاوان و غلامان کثیر بود!!! و فلسطینیان بر  
اسحق حسد بردند! و همه چاههایی که نوکران پدرش  
در ایام ابراهیم کنده بودند! فلسطینیان آنها را بستند و  
از خاک پر کردند! و ابی ملک به او گفت: از نزد ما برو  
زیرا که از ما بسیار بزرگتر شده!!! پس اسحق از آنجا  
برفت! و در وادی جرار فرود آمده در آنجا ساکن شد! و  
چاههای آب را که در ایام پدرش ابراهیم کنده بودند  
و فلسطینیان آنها را بعد از رفتن ابراهیم بسته بودند!  
اسحق از سرنو کند! و آنها را مسمی نمود بنمهایی که  
پدرش آنها را نامیده بود! و نوکران اسحق در آن وادی  
حفره زدند و چاه آب زنده در آنجا یافتند! و شبانان جرار  
باشبانان اسحق منازه کرده گفتند: این آب از آن ماست  
پس آن چاه را عسق نامید! زیرا با وی منازعه کردند  
چاهی دیگری کردند و همچنان برای آن جنگ کردند  
و آن را سیطه نامید! و آنجا کوچ کرده چاهی دیگر کند  
و برای آن جنگ نکردند پس آن را رحوبوت نامیده  
گفت: که اکنون خداوند ما را وسعت داده است در زمین

بارور خواهیم شد! پس از آنجا به بی رشبع آمد! و در  
ه مان خداوند شب بروی ظاهر شده گفت: من خدای  
یدرت ابراهیم هستم ترسان مباش زیرا که من با تو  
هستم و تو را برکت میدهم! و ذریّت تو را بخاطر بنده خود  
ابراهیم فراوان خواهم ساخت! و مذبحی در آنجا بناء  
نهادونام یهوه را خواند! و خیمه خود را برپانمود که کار  
زکران اسحق بودند!!!

**توهین و تمهت اهانت و افتراء به یعقوب  
 نبی در کتاب توراة فعلی**

و یعقوب تنها ماند و مردی باوی تاملوع فجر کشتی  
میگرفت! و چون او دید که بروی غلبه نمیابد کف ران  
یعقوب را لمس کرد! و کف ران یعقوب در کشتی گرفتن  
با او فشروده شد! پس گفت: مرا رها کن زیرا که فجر  
میشکافد! گفت: تا مرا برکت ندهی تو را رها نمیکنم! بوی  
گفت: نام تو چیست؟! گفت: یعقوب گفت: از این پس نام  
تو یعقوب خوانده نشود! بلکه اسرائیل! زیرا که تو با

خدا و بانیانسان مجاهده کردی و نصرت یافتی! و یعقوب  
از او سؤال کرد؟! گفت: مرا از نام خود آگاه ساز؟! گفت:  
چرا اسم مرا میپرسی! و او را در آنجا برکت داد! و یعقوب  
آن مکان را فنوئیل نامید گفت: زیرا خدا را روپو دیدم  
! و جانم رسنگار شد! و چون از فنوئیل گذشت آفتاب  
بروی طلوع کرد! و بران خود می لنگید! از این سبب  
بنی اسرائیل تا امروز عرق النساء را که در کف رانست  
نمی خورند زیرا که ران یعقوب را در عرق النساء  
لمس کرد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و دوم ایه ۲۴ تا آخر)

خداوند چنین میگوید: بسبب سه وجه - ارتقصیر اسرائیل  
و عقوبتش را نخواهم برگردانید!!! زیرا که مرد عادل  
را به نقره! و مسکین را بروج نعلین فروختند!!! و به  
غبار زمین که بر سر مکینان است! حرص دارند و راه  
حلیمان را منحرف میسازند! **و پسر و پدر بیک دختر**  
**در آمده! اسم قدّوس مرا بی حرمت میکنند زنا کرده اند!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب عاموسی نبیّ باب دوم آیات از ۸ تا ۶)

خداوند یهوه بذات خود قسم خورده! و خدای لشگرها  
فرموده است! که من از حشمت یعقوب نفرت دارم! و قصر

هایش نزد من مکروه است! پس شهر را با هرچه در آن

است تسلیم خواهم نمود!!! (از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب عاموسی نبیّ باب ششم آیه ۸)

خداوند بجلال یعقوب قسم خورده است! که هیچ کدام از

اعمال ایشان را هرگز فراموش نخواهم کرد!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب د و م سموئیل باب بیست و سوم آیه از ۱ تا ۳ )

**و خداوند در ایام یوشیا پادشاه بمن گفت: آیا ملاحظه**

**کردی که اسرائیل مرتدّ چه کرده است؟! چگونه بفراز**

**هرکوه بلندوزیر هر درخت سبز رفته؟! در آنجا زنا کرده**

**است! و بعد از آنکه همه این کارها را کرده بود! من گفتم**

**: نزد من رجوع نماع اما رجوع نکرد! و خواه رحائن**

**او و هوذا این را بدید! و من هم دیدم با آنکه اسرائیل**

**مرتدّ زنا کرد! و از همه جهات او را بیرون کردم! و طلاق**

**نامه بوی دادم! سبب سهل انکاری او در زنا کلویش**

**زمین ملوث گردید! و او با سنگها و چوبها زنا نمود! و نیز**

**خداوند میگوید: با وجود این همه خواهر خائن او یهودا**

**نزد من با تمامی دل خود رجوع نکرد بلکه باریکاری!**

**پس خداوند مرا گفت: اسرائیل مرتدّ خویشتن را از یهودای**

**خائن عادل تو نموده است! لهذا برو این سخنان را بسوی**

شمال ندا کرده! بگو: خداوند میگوید: ای اسرائیل مرتد رجوع نما! بر تو غضب نخوام نمود! زیرا خداوند میگوید: من رؤوف هستم و تابه ابد خشم خود را نگاه نخواهم داشت!!! فقط بگناهانت اعتراف نما که بر یهوه خدای خویش عاصی شدی! و راههای خود را زیر هر درخت سبز برای بیگانگان منشعب ساختی! و خداوند میگوید: که شما آواز مرا شنیدید! پس خداوند میگوید: ای پسران مرتد رجوع نمائید! زیرا که من شوهر شما هستم! و از شمایک نفر از شهری! و دو نفر از قبیله شما را به صهیون **خواهم آورد!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی ابا سیم آیات از ۶ تا ۱۵)

خداوند چنین میگوید: طلاق نامه مادر شما! که او را طلاق دادم کجاست؟! یا کیست از طلب کاران من که شما را به او فروختم؟! اینک شما بسبب گناهان خود فروخته شدید! و مادر شما بجهت تقصیرهای طلاق داده شد! چون آدم چرا کسی نبود؟! و چون ندا کردم چرا کسی جواب نداد؟! آیا دست من بهیچ وجه کوتاه شده که نتواند نجات دهد؟! یا در من قدرتی نیست که رهائی دهم؟؟؟!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب پنجاهم آیه ۱)

خداوند بموسی گفت: چون روانه شده به مصر مراجعت کردی! آگاه باش که همه علاماتی را که بدستت سپرده ام به حضور فوعون ظاهر سازی! و من دل او را سخت خواهم ساخت تا قوم را رها نکند! و به فرعون بگو: خداوند چنین میگوید: اسرائیل پسر من و نخست زاده من است! بتو میگویم: پسر مرا رها کن تا مرا عبادت نماید و اگر از رها کردنش ابا نمائی! همانا پسر تو یعنی نخست زاده تو را میکشم! واقع شد در بین راه که خداوند در منزل بدو (موسی) برخورد! قصد قتل وی نمود! آنگاه صقوره سنگی تیز گرفته غلافه پسر خود را ختنه کرد! و نزد پلی وی انداخت! گفت: تو مرا شوهر خون هستی! پس او (خدا) وی را رها کرد! آنگاه صقوره گفت: شوهر خون هستی بسبب ختنه! و خداوند به ارون گفت: به سوی صحراء به استقبال موسی برو! پس روانه شد شد و او را در جبل الله ملاقات کرده او را بوسید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورا سفر خروج باب چهارم آیات از ۲۱ تا ۲۷)

**و خدا به یعقوب گفت: بر خاسته به بیت ایل برای و در آنجا ساکن شو! و آنجا برای خدائی که بر تو ظاهر**

**شد! وقتیکه از حضور برادرت عیسو فرار کردی مذبحی بساز! یعقوب به اهل خانه و همه کسانی که باوی بودند گفت: خدایان بیگانه را که در میان شما است دور کنید! و خویشتن را ظاهر سازید! و رختهای خود را عوض کنید تا بر خاسته به بیت ایل برویم! و آنجا برای آن خدائیکه در روزتگی من را اجابت فرمود! و در راهی که رفتم با من میبود مذبحی بسازیم!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر پیدایش باب سی و پنجم آیات از ۱ تا ۴)

پس دینه دختر آیه که او را به یعقوب زائیده بود! برای دیدن دختران آن ملک بیرون رفت! و چون شکیم بن حمور حوی که رئیس آن زمین بود او را بدید! او را بگرفت و هم خواب شده وی را بی عصمت ساخت! و دلش بدینه دختر یعقوب بسته شده عاشق آن دختر گشت! و سخنان دل آویز به آن دختر گفت: و شکیم به پدر خود حمور خطاب کرده گفت: این دختر را برای من بزنی بگیر!!! و یعقوب شنید که دخترش دینه را بی عصمت کرده است! و چون پسرانش بامواشی او در صحراء بودند! یعقوب سکوت کرد تا ایشان بیایند! و

**وَحَمُورٍ پَدْرَشَكِيمِ نَزْدِ يَعْقُوبَ بِيْرُونَ اَمْدَتَا بُوِي سَخْنِ**  
**گوید: و چون پسران یعقوب این را شنیدند از صحراء**  
**آمدند و غضبناک شده خشم ایشان بشدت افووحته**  
**شد! زیرا که با دختر یعقوب هم خواب شده! قباحتی در**  
**اسرائیل نموده بود! و این ناکردنی بود!!! پس حَمُور**  
**ایشان را خطاب کرده گفت: دل پسرِم شکیم شیفته**  
**دختر شماست! او را به وی زنی بدهید! و با ما مصاهرت**  
**نموده دختران خود را بماندهید! و دختران ما برای خود**  
**بگیرید! و با ساکن شوید! و زمین از آن شما باشد در آن**  
**بمانید! و تجارت نمائید و در آن تصرف کنید! و شکیم**  
**بپدر و برادران آن دختر گفت: در نظر خود ما منظور بدارید**  
**! و آنچه بمن بگوید: خواهم داد مهر و پیشکش هر چه**  
**زیاده از من بخواهید! آنچه بگوید: خواهم داد!!! فقط**  
**دختر را بزنی بمن بسپارید! اما پسران یعقوب در جواب**  
**شکیم و پدرش حَمُور بمرسخن گفتند: زیرا خواهر ایشان**  
**دینه را بی عصمت کرده بود!!! پس بدیشان گفتند:**  
**این کار را نمیتوانیم کرد که خواهر خود را به شخص**

نامختون بدهیم! چون که این برای مانگ است! بدین شرط باشماهدستان میشویم اگرچون مابشوید! که هرذکوری از شما مختون گردد! آنگاه دختران خود را بشما بدهیم! و دختران شمارا برای خود بگیریم!!! و با شما ساکن شده یک قوم شویم! اما اگر سخن ما را اجابت نکنید و مختون نشوید!!! دختر خود را برداشته از اینجا کوچ کرد! و سخنان ایشان بنظر حمور و بنظر شکیم بن شکیم بن حمور پسند افتاد!!! و آن جوان در کردن این کار تأخیر نمود! زیرا که شیفته دختر یعقوب بود! و او را از همه اهل خانه پدرش گرامی تر بود! پس حمور و پسرش شکیم به دروازه شهر خود آمد!!! مردمان شهر خود را خطاب کرده گفتند: این مرمان با ما صلاح اندیش هستند!!! پس در این زمین ساکن شوند در آن تجارت کنند اینک زمین از هر طرف برای ایشان وسیع است! دختران ایشان را بزنی بگیریم! دختران خود را بدیشان بدهیم فقط!!! بدین شرط ایشان با ما متفق خواهند شد! تا با ما ساکن شده یک قوم شویم! که هر

ذکوری از مامختون شود! چنانکه ایشان مختونند!  
 آیا مواشی ایشان و اموال ایشان و هر حیوانی که دارند  
 از آن ما نمیشود؟! فقط با ایشان هم داستان شویم تا  
 با ما ساکن شوند! پس همه کسانی که بدر وازه شهر او  
 درآمدند! بسخن حمور و پسرش شکیم رضادادند! و هر  
 ذگوری از آنانیکه بدر وازه شهر او درآمدند مختون  
 شدند! و در روز سوم که در ناک بودند! دو پسر یعقوب  
 شمعون و لاوی برادران دینه هریکی شمشیر خود را  
 گرفته دلیرانه بر شهر آمدند! و همه مردان را کشتند!  
 و حمور و پسرش شکیم را بدم شمشیر کشتند! و دینه  
 را از خانه شکیم برداشته بیرون آمدند! و پسران یعقوب  
 بیکشتگان آمده شهر را غارت کردند! زیرا که خواهر  
 ایشان رابی عصمت کرده بودند! و کله هاورمه هاو  
 الاغ ها و آنچه در شهر و آنچه در صحرا بودند گرفتند! و  
 تمامی اموال ایشان و همه اطفال و زنان ایشان را به  
 اسیری بردند! و آنچه در خانه ها بود تاراج کردند! پس  
 یعقوب به شمعون و لاوی گفت: مرا به اضطراب انداختید

**وم را نزد سکنه این زمین!!! یعنی کنعانیان و فرزندان  
مکروه ساختید و من در شماره قلیلیم! همانا بر من جمع  
شوند! و من با خانه ام هلاک شوم! گفتند: آیا او با خواهر  
مما مثل فاحشه عمل کند؟؟؟!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر پیدایش باب؛ سی و چهارم)

**او گناهی از یعقوب ندیده! و خطائی در اسرائیل مشاهده  
نموده است! یهوه خدای اوبای است! و نعره پادشاه  
در میان ایشان است! خدا ایشان را از مصر بیرون آورد!  
اورا شاخهای مثل گاو وحشی است! بدرستی که بر یعقوب  
افسون نیست! و بر اسرائیل فالگیری نباشد!!! در باره  
یعقوب! و در باره اسرائیل در وقتش گفته خواهد شد که  
خدا چه کرده است!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر اعداد باب بیست و سوم آیه ۲۲)

**و پسران رابین نخست زاده اسرائیل اینانند! زیرا که او نخست  
زاده بود! و اما بسبب بی عصمت ساختن بستر پدر خویش  
حق نخست زادگی او به پسران یوسف بن اسرائیل داده  
شد! از این جهت نسب نامه او بر حسب نخست زادگی ثبت  
نشده بود! زیرا که یهودا بر برادرن خود برتری یافت! پادشاه  
از او بود! اما نخست زادگی از آن یوسف بود!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول تواریخ ایام باب پنجم آیه ۱ و ۲)

و یعقوب پسران خود را خوانده گفت: جمع شوید تا شما را  
 را از آنچه در ایام آخر بشما واقع خواهد شد خبر دهم! ای  
 پسران یعقوب جمع شوید! و بشنوید و بپذیر خود اسرئیل  
 گوش گیرید! ای رابین تو نخست زاده منی! تو انائی من  
 و ابتدای قوتم فضیلت رفعت! و فضیلت قدرت! جوشان  
 مثل آب برتری نخواهد یافت! زیرا که بر بستر پدر خود  
 بر آمدی!!! آنگاه آن رابی حرمت ساختی به بستمن  
 بر آمد! شمعون و لاوی برادرند! آلات ظلم شمشیرهای  
 ایشان است!!! ای نفس من به مشورت ایشان داخل  
 مشو! و ای جلال من به محفل ایشان متحد باش!!!  
 زیرا که در غضب خود مردم را کشتند!!! و در خود رایی  
 خویش گاو را پی کردند! ملعون باد خشم ایشان که  
 سخت بود! و غضب ایشان زیرا که تند بود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق از کتاب توراة فعلی؛ سفر پیدایش باب چهل و نهم آیات از ۱ تا ۷)

**ولیکن من از قوت روح خداوند از انصاف توئی مملو  
 شده ام ای رؤسای خاندان یعقوب! ای داوران خاندان  
 اسرئیل این را بشنوید! شما که از انصاف نفرت دارید  
 یعقوب را از عصیان او! و اسرئیل را از گناهِش خبر دهم!**

**وتم امی راستی را منحرف میسازید! و صهیون را  
بخون و اورشلیم را بظلم بنءمینمائید! رؤسای ایشان  
برای رشوه داوری مینمایند!!! و گاهنان ایشان برای  
اجرت تعلیم میدهند!!! و انبیای ایشان برای نقره فال  
میگیرند! و بر خداوند توکل نموده مگویند: آیا خداوند  
در میان مانیست! پس بلا به ما نخواهد رسید! بنا بر این  
صهیون بسبب شامثل مزرعه شیار خواهد شده! و  
اورشلیم بتوده های سنگ! و کوه خانه به بلندای های  
جنگل مبدل خواهد گردید!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب میکاه نبی باب سوم آیات ۸ تا آخر باب)

**حیوانات صحراء گرگان و شترمرغها را تمجید خواهند  
نمود! چونگه آب در بیابان و نهرها در صحراء بوجود  
آورده ام!!! تا قوم خود و برگزیدگان خویش را سیراب  
نمایم! این قوم را برای خود ایجاد کردم تا مرا تسبیح  
بخوانند! اما توای یعقوب مرا خواندی و توای اسرائیل  
از من به تنگ آمدی! گوسفندان قربانی های سوختنی  
خود را برای من نیاوردی! و به ذبایح خود مرا تکریم  
نمودی! بهدایای بندگی بر تو ننهادم! و به بخور تو را**

به تنگ نیاورده! نه معطر را بجهت من نقره نخریدی!  
و به پیه ذبایح خویش مراسیرن ساختی! بلکه بگناهان  
خود بر من بندگی نهادی! و به خطائای خویش مرا  
به تنگ آوردی!!! من هستم که بخاطر خود خطائای  
تو را بیاد نخواهم آورد! مرا یاد بده تا با هم محاکمه نمائیم  
حجت خود را بیاور تا تصدیق شوی! اجداد اولین تو گناه  
ورزیدند! و واسطه های تو بمن عاصی شدند! بنابراین  
من سروران قدس را بی احترامی خواهم ساخت! و  
یعقوب را به لعنت! و اسرائیل بدشنام تسلیم خواهم نمود!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اشعیا نبی باب چهل و سوم آیات از ۲۰ تا آخر باب)

ای کاهنان این را بشنوید! و ای خاندان اسرائیل اصغ  
نمائی! و ای خاندان پادشاهان گوش گیرید! زیرا که این  
فتوی برای شماست! چونکه شما در مزیغه دام شدید!  
و توری گسترده شده نابود شده اید! عاصیان در کشتار  
مبالغه نموده اند! پس من همگی ایشان را تأدیب خواهم  
نمود! من افرایم را می شناسم! و اسرائیل از من مخفی  
نیست! زیرا که حال تو ای افرایم مرتکب زنا شده! و  
اسرائیل خویشتن رانجس ساخته است! کارهای ایشان

مانع م شود که بسوی خدا بازگشت نمایند! چونکه روح  
زناکاری در قلب ایشان است! و خداوند را نمی شناسند!  
و فخر اسرائیل پیش روی ایشان شهادت میدهد! اسرائیل  
ا و افرایم در گناه خود می لغزند! و یهودا نیز همراه ایشان  
خواهد لغزید! گوسفندان و گاوان خود را می آورند! تا  
خداوند را بطلبند! اما او را نخواهند یافت! چونکه خود را  
از ایشان دور ساخته است! بخداوند خیانت ورزیده اند  
! زیرا که فرزندان اجنبی تولید نموده اند! الآن هلالهای  
ایشان را با ملکهای ایشان خواهد بدید! در جبهه کرنا  
و در راه سر نابنوازید! و در بیت آن صدا بزنید و در  
عقب توای بنیامین! افرایم در روز عتاب خراب خواهد  
شد! در میان اسباط اسرائیل بیقین اعلام نموده! سروران  
اسرائیل مثل نقل کنندگان حدود میباشند!!! پس خشم  
خویش را مثل آب بر ایشان خواهم ریخت!!! افرایم  
مقهور شده و در داوری کوفته گردیده است! زیرا که  
بیروی تقلید خرسند میباشد! بنا برین من برای افرایم  
مثل بید شده ام! و برای خاندان یهودا مانند یوسیدگی!

**چون افرایم د! افرایم به آشور رفته! نزد پادشاهی که**  
**دشمن بود فرستاده است! اما او شمار انمیتواند شفاء**  
**داد! و جراحات شمار التیام نتواند نمود!!! او من برای**  
**افرایم مثل شیرو برای خاندان یهودا مانند شیر ژیان**  
**خواهم بود! من خودم خواهم درید! و رفته خواهم ربود!**  
**ور هاننده نخواهد بود! من روانه شده بمکان خود خواهم**  
**برگشت! تا ایشان به عصیان خود اعتراف نموده روی**  
**مرا بطلبند! در تنگی خود صبح زود مرا خواهند طلبید!!!**  
**بیماری خود را و یهودا جراحات خویش را دیدن!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب پنجم)

**چون اسرائیل را شفاء می دادم! آنگاه گناه افرایم و**  
**شرارت سامره منکشف گردید! زیرا که مرتکب فریب**  
**شده اند! دزدان داخل میشوند!!! و راهزنان در بیرون**  
**تاراج مینمایند! و در دل خود تفکر نمیکنند! که من تمامی**  
**شرارت ایشان را بیاد آورده ام! الآن اعمالشان ایشان**  
**را احاطه مینماید! و آنها در نظر واقع شده است! پادشاه**  
**است! پادشاه را بشرارت خویش! و سروران را بدروغهای**  
**خود شادمان می سازند! **جمع** ایشان زنا کارند! مثل**

تتوریکه خبازان آن رامشعل سازد! که بعد از سرشتن  
 خمیر! تا مخر شدنش! از برانگیختن آتش بازمی ایستند!  
 در یوم پادشاه ماسرووران از گرمی شراب خود بیمار  
 ساختند!!! و او دست خود را به استهزاء کنندگان دراز  
 کرد! زیرا که دل خود را بکاید خویش مثل تتور نزدیک  
 آوردند! و تمامی شب خبازایشان می خوابد! و صبگاهان  
 آن مثل آتش ملتهب میشود! جمیع ایشان مثل تتور  
 گرم شده! و او را از خویش رامی بلعد! و همه پادشاهان  
 ایشان می افتند! **و در میان ایشان کسی نیست که مرا**  
**بخواند!** افرایم با قومها مخلوط شده است افرایم قرص  
 نانی است که برگردانیده نشده است! غریبان قوتش  
 را خوردند! و او نمیداند که سفیدی بر موهای پاشیده  
 شده است! **و او نمیداند فخر اسرائیل پیش رویش شهادت**  
**میدهد!** اما ایشان **و هوه خدای خود بازگشت ننمایند!** و  
**با وجود این اورانمی طلبند!** افرایم مانند کبوتر ساده  
 دل بی فهم است! **و مصر رامی خواند و بسوی آشور**  
**میروند!** **و چون میروند من دام خود را برایشان می**

گسترانم! و ایشان را مثل مرغان هوا بزیر میاندازم  
 و ایشان را بروفق اخباریکه بجماعت ایشان رسیده  
 است تأدیب مینمایم! و ای برایشان زیراکه بمن عصیان  
 ورزیدند! اگرچه من ایشان را فدیہ دادم! لکن بضدّ من  
 دروغ گفتند: و از دل خود نزد من استغاثه نمی نمایند!  
 بلکه بر بسترهای خود لوله میکنند! برای روغن و  
 شراب جمع شده! بر من فتنه می انگیزند! و اگرچه من  
 بازوهای ایشان را تعلیم دادم! و تقویت نمودم لیکن  
 بامن بداندیشی نمودند! ایشان رجوع میکنند! امانه  
 بحضرت اعلیٰ! مثل کمان خطاءکننده شده اند! سروران  
 ایشان بسبب غیظ زبان خویش بشمشیر می افتند!  
 بسبب همین در زمین مصر ایشان را استهزاء خواهند نمود

(از کتاب مقدّس عهدعتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمانمی باب هفتم)

کرنار ابدهان خود بگذار! او مثل عقاب بضدّ خانه خداوند  
 می آید! زیرا که از عهد من تجاوز نمودند! و بشریعت من  
 عصیان ورزیدند! اسرائیل زود من فریادمینمود که ای  
 خدای ما تورا می شناسیم! اسرائیل نیکوئی را ترک  
 کرده است! پس دشمن او را تعاقب خواهد نمود! ایشان

پادشاهان نصب کردند امانه از جانب من!! اسروران  
 تعیین کردند امانتشان را نشاختم! از نقره و طلای خویش  
 بُته برای خود ساختند تا منقطع شوند! ای سامره او  
 اوگوساله تورا رد نموده است! خشم من بر ایشان افروخته  
 شد! تا بکی نمیتوانند ظاهر بشوند! زیرا که این نیز اسرائیل  
 است! و صنعتگران را ساخته است لهذا خدا نیست! البتّه  
 گو سالة سامره خورد خواهد شده! بدرستی که با دراکاشتند  
 پس گربادرا خواهند دروید! آن را محصول نیست و  
 خوشه هایش آرد نخواهد داد؛ و اگر هم بدهد غریبان  
 آن را خواهند بلعید! اسرائیل بلعیده خواهد شد! و الآن  
 در میان امّتها مثل ظرف ناپسندیده میباشد! زیرا که  
 ایشان مثل گور خرتنها و منقود به آشور رفته اند! و  
 افویایم عاشقان اجیر کرده است!!! اگر چه ایشان  
 در میان امّتها اجرت میدهند! من الآن ایشان را جمع  
 خواهم کرد! و بسبب ستم پادشاه و سروران رو بتناقض  
 خواهند نهاد!!! چون که افرایم مذبحه ای بسیار برای  
 گناه ساخت! پس مذبح های بوایش باعث گناه شد!

واحکام بسیار شریعت خود را برای او نوشتم! اما آن‌ها  
 را مثل چیز غریب شمردند! قربانی های سوختنی مرا  
 ذبح کردند تا گوشت بخورند و خداوند آن‌ها را قبول نکرد!  
 الآن عصیان ایشان را بیاد می آورد! و عقوبت گناه را  
 بر ایشان میرساند!!! ایشان به مصر خواهند برگشت!  
 اسرائیل خالق خود را فراموش کرده! قصرها بنا می‌کند  
 و یهودا شهرهای حصاردار بسیار می‌سازد! اما من آتش  
 بشهرهایش خواهم فرستاد! که قصرهایش را بسوزاند!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تما تمی باب هشتم)

ای اسرائیل مثل قومها شادی و وجد منما؛ زیرا از خدای  
 خود زنا نمودی! و در همه خرمنها اجرت را دوست  
 داشتی! خرمنها و چرخشتهایشان را پرورش نخواهد  
 داد! و شیره در آن ضایع خواهد شد! در زمین خداوند  
 ساکن نخواهد شد! بلکه افرایم به مصر خواهد برگشت!  
 و ایشان در آشور چیزهای نجس خواهند خورد! برای  
خداوند شراب نخواهند ریخت! و مقبول او نخواهد بود  
قربانی های ایشان مثل خوراک ماتیان خواهد بود  
 و هر که از آنها بخورد نجس خواهد شد! زیرا که خوراک

ایشان برای اشتهای ایشان است!! پس از آن بخانه خداوند داخل نخواهد شد! پس در ایام مراسم و در ایام عیدهای بر خداوند چه خواهد کرد! زیرا اینک از ترس هلاکت رفته اند! امام صراحتاً ایشان را جمع خواهد کرد! مکانهای نفیسه نقره ایشان را خارها بتصرف خواهد خواهد گرفت! و در منازل ایشان شوکها خواهد بود! ایام عقوبت میآید! ایام مکافات میرسد! و اسرائیل این را نیز خواهد دانست! ونبیّ احمق گردید و صاحب روح دیوانه شد! بسبب کثرت گناه و فراوانی بغض توافرایم از جانب خدای من دیده بان بود! دام صیاد بر تمامی طریق های انبیاء گسترده شد! در خانه خدای ایشان عداوت است! مثل ایام جبهه فساد را بینهایت رساند! پس عصیان ایشان را بیاد می آورد! و گناه ایشان را مکافات خواهد داد! اسرائیل را مثل انگورها در بیابان یافتیم! پدران شمارا مثل نوبرانجیر در ابتدای موسم دیدیم! اما ایشان ببعل و فغور رفتند! و خویشان را برای رسوائی نذیره ساختند! و مانند مشوقه خود مکروه

شدند!!! جلال افرایم مثل مرغ میپرد! زائیده وحامله شده! و در رحم قرار گرفتن نخوهدشد! و اگر فرزندان را بیرو رانند ایشان را بی اولاد خواهم ساخت! بحدیکه انسانی نخواهد ماند! وای بیوای ایشان حینیکه من از ایشان دور شوم! افرایم حینیکه او را برگزیده ام! مثل صور در مرتع نیکو مغروس بود! اما افرایم پسران خود را برای قاتل بیرون خواهد آورد! ای خداوند به ایشان بده! چه بدهی؟! رحم سقط کننده! و ایستادهای خشک به ایشان بده! تمامی شرارت ایشان در جلال است! زیرا که در آنجا از ایشان نفرت داشتم! پس ایشان را بسبب اعمال زشت ایشان! از خانه خود خواهم راند! و ایشان را دیگر دوست نخواهم داشت! چونکه جمیع سروران ایشان فتنه انگیزند! افرایم خشک شده است! و ریشه ایشان خشک گردیده میوه نمیآورد! و اگر چه بنو ایندنتایج مرغوب رحم ایشان را خواهد گشت! خدای من ایشان را ترک خواهد نمود چونکه او را نشنیدند! **پس در میان امّتها آواره خواهند شد!!!**

اسرائیل موبرومندا است که میوه برای خود می آورد! هرچه میوه زیاد می آورد مذبح ها را زیاد می سازد! و هر چه زمینش نیکوتر می شود! تماثیل را نیکوتر بنا می کند دل‌هایشان پر از نفاق است الآن مجرم می شوند! و او مذبح های ایشان را خراب! و تماثیل ایشان را منهدم خواهد ساخت! زیرا که الحال می گویند: پادشاه نداریم چونکه از خداوند نمی ترسیم! پس پادشاه برای ما چه تواند کرد! ایشان قسم های دروغ خورده! و عهد ها بسته سخنان (باطل) می گویند: و عدالت مثل حنظل در شیارهای زمین می روید! ساکنان سامره برای گوساله های! بت آن می ترسند زیرا که قومش برای آن ماتم می گیرند: و گناهانش بجهت جلال او می لرزند زیرا که از آن دور شده است و آن را نیز به آشور بجهت هدیه برای پادشاه دشمن خواهند بورد! خجالت خواهند کشید و اسرائیل از مشورت خود رسوا خواهند شد! پادشاه سامره مثل کف بر روی آب نابود می شود! و مکانهای بلند آن که گناه اسرائیل می باشد ویران خواهد شد: و خار و خس بر مذبح های

ایشان خواهد روئید! و به کوهها خواهد گفت: که ما را  
 بپوشانید به تلها که بر ما بیفتید! ای اسرائیل ایام جبعه  
 گناه کرده در آنجا ایستادند! و جنگ با فرزندان شرارت  
 در جبعه به ایشان بوسید!!! هرگاه بخواهیم ایشان را  
 تأدیب خواهیم نمود! و قومها بصدایشان جمع خواهند  
 شد! هر گامیکه به دو گناه خود بسته شوند!!! و افرایم  
 گوساله آموخته شده است! که کوفتن خرمن را دوست  
 دارد! و من بگردن بی یوغ او گذر کردم! و من بر افرایم  
 یوغ میگذارم! یهودا شیار خواهد کرد! و یعقوب بازور  
 برای خود خواهد کشید! برای خود به عدالت بکارید!  
 و بحسب رحمت درو نمائید! و زمین ناکاشته را برای  
 خودخیش بزنید!!! زیرا که وقت است که خداوند را  
 بطلبید تا بیاید! و بر شما عدالت را بباراند! شرارت را  
 شیار کردید و ظلم را درو نمودید! و ثمره دروغ را خوردید!  
 چگونه بطریق خود به کثرت جبلّان خویش اعتماد  
 نمودید! لهذا هنگامه در میان قومها تو خواهند برخاست  
 و تمامی قلعه هایت خراب خواهد شد به نهجیکه سلمان

**بیت اربیل را در روز جنگ خراب کرد! که مادر با فرزندانش  
خورد شدند! همچنین بیت نیل بسبب شدت شرارت  
شما! بشما عمل خواهد نمود! در وقت طلوع فجر پادشاه  
اسرائیل بالکل هلاک خواهد شد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب دهم)

**هنگامیکه اسرائیل طفل بود او را دوست داشتم! و پسر  
خود را از مصر خواندم! هر قدر که ایشان را بیشتر دعوت  
کردند! بیشتر از ایشان دور رفتند! و برای بعظیم قربانی  
گذرانیدند! و بجهت بُتهای تراشیده بخور سوزانیدند!  
ومن راه رفتن را به افرایم تعلیم دادم! و او را به بازو  
ه ا برداشتم اما ایشان ندانستند! که من ایشان را شفاء  
داده ام! ایشان را بریسمانیهای انسان! و ببندهای محبت  
جذب نمودم! و بجهت ایشان مثل کسانی بودم که یوغ  
را از گردن ایشان بر میدارند!!! و خوراک پیش روی  
ایشان نهادم! بزمین مصر نخواهد برگشت!!! اما آشور  
پادشاه ایشان خواهد شد! چونکه از بازگشت نمودند  
ابا کردند! شمشیر بر شهرهایش هجوم خواهد آورد! و  
پشت بندهایش را بسبب مشورت های ایشان معدوم**

**نابودخواهد ساخت! و قوم من جازم شدند که از من مرتد گردیدند! و هر چند ایشان را بسوی حضرت اعلی دعوت نمایند! لکن کسی خویشان را بر نمی افزارد! ای افرایم چگونه تورا ترک بکنم؟! و ای اسرائیل چگونه تورا تورا تسلیم نمایم؟! چگونه تورا مثل آدمه نمایم! و تورا مثل صبوئیم سازم! دل من در اندرونم منقلب شده! و رفته‌های من با هم مشتعل شده است! حدت خشم خود را جاری نخواهم ساخت!!! و بار دیگر افرایم را هلاک نخواهم نمود! زیرا که خدا هستم و انسان نه و در میان تو قدّوس هستم! پس به غضب نخواهم آمد! ایشان خداوند را پیروی خواهند نمود! او مثل شیر غرّش نماید فرزندان از مغرب بلرزه خواهند آمد! مثل مرغان از مصر و کبوتران از زمین آشور! لوزان خواهند آمد!!! خداوند میگوید: که ایشان را در خانه های ایشان ساکن نخواهم گردانید! افرایم بدروغ ها! و خاندان اسرائیل بمرکرها احاطه کرده ند! و یهودا هنوز با خدا و با قدّوس امین ناپایدار است!!!**

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب یازدهم)

افرایم باد را میخورد و باد شرقی را تعقیب میکند! تمامی روز دروغ و خرابی را می افزاید! و ایشان آشور عهد می بندند! و روغن (بجهت هدیه) بمصر برده میشود!

خداوند را بایهودا مخاصمه ای است! و یعقوب را بر حسب راههایش عقوبت رسانیده! بروفق اعمالش او را جزا خواهد داد! او پاشنه برادر خود را در رحم گرفت!

و در حین قوتش با خدا مجاهده نموده غالب آمد! گریان شده نزد وی تضرع نمود! در بیت نیل او را یافت! و در آنجا با ما تکلم نمود! اما خداوند لشگرهاست! و یادگاری او یهوه است! اما تو بسوی خدای خود بازگشت نما!

رحمت و راستی را نگاه داشته دایماً منتظر خداوند خود باش! **او سوداگری است که میزان فریب در دست او میباشد! و ظلم را دوست میدارد!** افرایم میگوید: بدرستی که دولت مند شده ام! و توانگری را برای خود تحصیل نموده ام!!! و در تمامی کسب من بی انصافی که گناه باشد در من نخواهند یافت! اما من از زمین مصر (تاحال) یهوه خداوند تو هستم! و تو را با دیگری مثل ایام مواسم

درخیمه هاساکن خواهم گردانید! به انبیاء نیز تکلم نمودم! و رویاها افزودم و به واسطه انبیاء مثل ها زدم بدرستیکه در جلعاد محض گناه و بطالت گردیدند! در جلال گاو ها قربانی کردند! مذبح های ایشان نیز مثل توده های سنگ در شیارهای زمین میباشد! و یعقوب بزمین آرام فرار کرد! و اسرائیل بجهت زن خدمت نمود و برای زن شبانی کرد! و خداوند اسرائیل را به واسطه نبی از مصر بر آورد! و او بدست نبی محفوظ گردید!!!

افرایم خشم بسیار تلخی به هیجان آورد! پس خداوندش خون او را بر سرش وا گذاشت!!! و اعمال او را بروی رد نمود!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تمامی باب دوازدهم)

نکاتی از مؤلف: این کلمات و نوشتجات! از کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی میباشد!!! که ما برشته تحریر در آوردیم! از نوشتجات قلم خود! بخداوند متعال که تمام هستی جهان! بوسیله قدرت اوست به او پناه می پریم! که به پیام اوران و رسولان پاک و مقدس و مطهر و برگزیده! او چنین حرفهار از کتاب مقدس عهد

عتیق و از کتاب توراة فعلی! مینویسم! که به الله ربّ

العالمین و خلاقى جهان هستی پناه میبریم!!!

۱- یعقوب با خداکشتی گرفته و به خدا پیروز شده و از خدا امتیاز گرفته است!!!

۲- اسرائیل پدر و پسر با یک دخترزنا کرده اند!!!

۳- خداوند گفت: از جلال و حشمت یعقوب نفرت دارم!!!

۴- خداوند از جلال یعقوب راضی شده! و بجلال یعقوب قسم خورده است!!!

۵- یعقوب هم بنده خدا است و هم برگزیده او است و او را رها نکرده است!!!

۶- اسرائیل مرتد! و زناکار بوده است! و خواهر خائن اسرائیل یهودا نیز زنا کار بود! حتی با چوب و سنگ زنا نموده است! و خداوند به اسرائیل گفت: توبه بنما و اسرائیل مرتد توبه نکرد!!!

۷- خداوند یعقوب را فرخته و مادرش را طلاق داده است! و یعقوب و هم مادرش زن خداوند بودند؛ که به هر دو را طلاق داده است!!!

۸- یعقوب پسر خداوند است که خوش زامپده است

!که نخست زاده و پسر خداوند است!!!

۹- یعقوب قادر مطلق است! خدا برای او نذر کرده! که

برای یعقوب قادر مطلق مسکن پیدا کند!!!

۱۰- پسران یعقوب بخاطریک زنا! یک شهر را ویران

کردند! و تمامی مردانش را کشتند! و تمامی زنان و حیوانات

و اموال آن شهر را غارت و چپاول کردند و عهد و پیمان

ختنه را زیر پا گذاشتند!!!

۱۱- یعقوب مانند گاو وحشی شاخهایی داشته است!

۱۲- پسر نخست زاده اسرائیل بزن پدرش تجاوز

کرده و او را بی عصمت ساخته است!!!

۱۳- یعقوب بخداوند عصیان و نافرمانی کرده است!

۱۴- خداوند یعقوب را به محاکمه دعوت کرده

ولعنت و دشنام نموده است!!!

۱۵- اسرائیل؛ و افرایم زنا کار و خدا ناشناس بودند.

۱۶- خداوند بنی اسرائیل را نشناخته بود!!!

۱۷- اسرائیل خالق خود را فراموش کرده است!

۱۸- اسرائیل از خدای خود زنا نموده است.

۱۹- اسرائیل تماثیل و بُت می ساخت و نلش

پراز نفاق بوده است!!!

۲۰- دل خداوند در اندرونش منقلب شده بود!!!

۲۱- بنی اسرائیل خداوند را با مکر احاطه کرده بودند!

۲۲- فرشته خداوند در مقابل یعقوب تضرع و زاری

کرده است!!!

۲۳- یَهُوَه خداوند اصل و ازلی نیست؛ بلکه یادگار

خداوند اصل و ازلی بوده است!!!

۲۴- خداوند فریبکاری و ظلم را دوست دارد!!!

۲۵- یعقوب و یا اسرائیل زنی نبود؛ خداوند بواسطه

نبیّ او را از مصر بیرون آورد!!!

۲۶- این کلمات و یا نوشتجات را از متن کتاب مقدّس

عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی! در آورده ایم!!! که

خوانده اید که سرتاپا ضدّ و نقیض میباشد! و از نوشتجات

قلم خود به خداوند متعال خلاق جهان هستی و ربّ

العالمین پناه میبرم و پناهنده می‌شوم!!!

۲۷- کتاب آسمانی مسلمانان که قرآن کریم! وحی منزل خداوند خلاق جهان هستی وربّ العالمین است یعقوب را پیام آور و رسول خداوند متعال میدانند! مبرّی و بریّ و بیزاری از گناه و بزه و عصیان و نافرمانی از خداوند خلاق جهان هستی معرفی میفرماید: و خاندان ابراهیم بُت شکن و قهرمان توحید! و ذریّه او را پاک و بیگناه میدانند!!! و آنها هیچ گناه بزرگ و کوچک را بعمل نیاوردند! و مطیع و تسلیم خداوند یکتا و واحد و تنها و خلاق تمامی موجودات جهان هستی بودند! و مسلمان و تسلیم به خداوند! جهان هستی شده بودند! خداوندی که بسیار و بسیار و بسیار حیران و متحیر گذارنده میباشد! و اگر خداوند متعال قرآن کریم وحی منزلی را به محمد (ص) رسول الله خاتم پیام آوران نفرستاده بود! رسولان و پیام آوران را مبرّی و بریّ از گناه و خطا و بُت پرستی معرفی نمیکرد! مسلم آنانهم خیال میکردند!!! که حرفهای رکیک و سگسی و گناه و بُت پرستی و عصیان و خطا نافرمانی! پیام آوران و رسولان

و انبیاء! از خداوند خلاق جهان هستی! در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب توراة فعلی!!! درست و صحیح بوده است! امانت آیات قرآن کریم وحی منزل الهی بوده از چهره کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی! و از نویسندگان آنها برداشته است؛ و نویسندگان آن کتابها را فرزندان ابلیس و کتابهای موجود! به اصطلاح آسمانی را! اصل و ناب آیات شیطانی معرفی فرموده است! و شاهد قرآن کریم وحی منزل الهی؛ و شاهد اینجانب مؤلف: خود کتاب مقدس عهد عتیق کتاب توراة فعلی است! که اصل و ناب آیات شیطانی میباشند! زیرا که بخداوند خلاق جهان هستی! و به پیام آوران و انبیاء و رسولان خداوند رب العالمین بزرگترین و شدیدترین و سختترین! تهمت! و اهانت! و افتراعات! و حرفهای رکیک! و زننده! و سگسی رانوشته اند! و رواداشته اند! و باعث افساد اخلاقی در جهان موجود شده اند! و نسل انسان را فاسد! و بی غیرت! و بی بند بار کردند و بوجود آوردند!!! آیا این عملهای ناپسند!

ناشایسته ضدّین خداوند نبود؟؟؟! و خواسته ابلیس  
 نبوده است؟؟؟! آیا این کارهای شیطانی و فرزندان  
 حرام زاده ابلیس نبود؟؟؟! توهین و تهمت و افتراء  
 بد او پیام آور! در اصل کتابهای آیات شیطانی یهویت  
 صهیون نیست یوناتان به داود گفت: بیاتابه صحراء  
 برو! و هر دوی ایشان به صحراء رفتند!! **ویوناتان**  
**به داود گفت: ای یهوه خدای اسرائیل! چون فردا یا**  
**روز سهوم پدر خود را مثل این وقت از مودم! و اینک اگر**  
**برای داود خبری باشد!!! اگر من نزد او نفرستم و وی**  
**اطلاع ندهم! خداوند به یوناتان گفت: مثل این بلکه**  
**زیاده از این عمل نماید! و اما اگر پدرم نظرتورا اطلاع**  
**داده رها خواهم نموده بسلامتی بروی!!! و خداوند**  
**همراه تو باشد! چنانکه همراه پدرم بود!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول سموئیل باب بیستم آیه ۱۲)

و واقع شد بعد از انقضای هنگام بیرون رفتن پادشاهان  
 که داود یوآب را باندگن خویش!!! و تمامی اسرائیل  
 را فرستاده؛ و ایشان بنی عمون را خراب کرده ربه  
 را محاصره نمودند! اما داود در اورشلیم ماند!!! **واقع**

شدد وقت عصر که داود از بسترش برخاسته بپشت  
بام خانه پادشاه گردش کرد! و از پشت بام زنی را دید  
که خویشتن را شستشو می‌گند! و آن زن بسیار نیکو  
منظر بود پس داود فرستاد درباره او استفسار نمود! و  
او را گفتن: که آیا این بتشبع دختر ایعام زن اوریای  
حتی پست؛ و داود قاصدان فرستاد او را گرفت؛ و او نزد  
وی آمد او دبا او همبستر شد! و او از نجاست خود ظاهر  
شده بخانه خود برگشت! و آن زن حامله شد و فرستاده  
داود را مخبر ساخت و گفت: که من حامله هستم! پس  
فرد را نزد یوآب فرستاد! که اوریای حتی را نزد من  
بفرست! و یوآب اوریای را نزد داود فرستاد! و چون  
اوریا نزد وی رسید او از سلامتی یوآب! و از سلامتی  
قوم و از سلامتی جنگ پرسید! و داود به او ریگفت:  
بخانه ات برو و پیاپی خود را بشور! پس او ری از در  
درخانه پادشاه بیرون رفت! و از عقبش خانی از پادشاه  
فرستاده شد! اما او ری از درخانه پادشاه با سایر بندگان  
آقاییش خوابیده بخانه خود نرفت! و داود را خبر داده

گفتند: که اوریا بخانه خود نرفته است! پس داود به اوریا گفت: آئی تو از سفر نیامده پس چرا بخانه خود نرفته؟! اوریا به داود عرض کرد که تابوت! اسرائیل و یهودا در خیمه ها ساکنند! و آقایم یوآب و بندگان آقایم بر روی زمین بیبان خیمه نشین اند! و آیا من بخانه خودم بروم؟! تا اکل و شراب بنمایم و بازن خود بخوابم؟؟!! به حیات تو و به حیات جان تو قسم که این کار را نخواهم کرد! و داود به اوریا گفت: امروز نیز اینجا باش و فردا تو را روانه میکنم! پس اوریا آن روز و فردایش را در اورشلیم ماند و داود او را دعوت نمود! که در حضورش خورد و نوشید و او را مست کرد! و وقت شام بیرون رفت بر بسترش با بندگان آقایش خوابید و به خانه خود نرفت!!! او با ممدادان داود مکتوبی برای یوآب نوشته بدست اوریا فرستاد! و در مکتوب به این مضمون نوشت! که اوریا را در مقدمه سخت بگذار! و از عقبش پس بروید تازه شده بمیرد! چون یوآب شهر را محاصره کرد! اوریا را در مکانیکه میدانست که مردان شجاع

در انجام میباید گذاشت!!! و مردان شهر بیرون آمده با  
یوآب جنگ کردند و بعضی از قوم از بندگان داود افتادند  
! و اوریا حتی نیز بمرد! پس یوآب فرستاده داود را از  
جمع وقایع جنگ خبر داد! و قاصد را امر فرموده گفت:  
چون از تمامی وقایع جنگ به پادشاه خبر داده باشی  
! اگر خشم پادشاه افروخته شود و تو را گوید: چرا برای  
جنگ به شهر نزدیک شدید؟! و آیانی دانستید که از  
سر حصار تیر خواهند انداخت! کیست که ابی ملک بن  
یربوشتر اگشت؟! آیا زنی سنگ بالائین آسیابی را؟!!  
از روی حصار بر او نینداخت که در تا یاص مُرد؟! پس  
چرا به حصار نزدیک شدید؟! آنگاه بگو: بنده ات اوریا  
حتی نیز مرده است! پس قاصد روانه شد آمد و داود را  
از آنچه یوآب او را پیغام داده بود مخبر ساخت و قاصد  
به داود گفت: که مردان بر ما غالب شده! در عقب ما به  
صحراء بیرون آمدند!!! و ما برایشان تادهنه دروازه  
تا ختیم!!! و تیر اندازان بر نندگان تو از روی حصار تیر  
انداختند! و بعضی از بندگان پادشاه مردند! و بنده تو

اوریا حتی نیز مرده است! داود به قاصد گفت: به یوآب  
بگو: این واقعه در نظر تو بد نیاید! زیرا که شمشیر این  
و آن را بی تفاوت هلاک میکند! پس مقابله باشهر  
بلشند بختی کوشیده آن را منهدم بساز! پس او را  
بخاطر جمعی بده! و چون زن اوریا شنید که شوهرش  
اوریا مرده است برای شوهر خود ماتم گرفت! و چون  
ایام ماتم گذشت داود فرستاده او را به خانه خود آورد!  
و اوزن وی شد و برایش پشیزانید!!! اما کاریکه داود  
کرده بود در نظر خداوند ناپسند آمد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوّم سمونیل تمامی باب یا زدهم)

و خداوند ناتان را نزد داود فرستاد! و نزد وی آمده او را  
گفت: که در شهری دو مرد بودند یکی دو اتمند و دیگری  
فقیر! و دولت مند را گوسفندان و گاوان بی نهایت بسیار  
بود و فقیر را جز یک ماده برّه کوچک نبود! که آن را  
خریده و پرورش داده همواره وی! و پسرانش بزرگ  
میشد از خوراک وی میخورد و از گاسه او مینوشید! و  
در آغوشش میخوابید! و برایش مثل دختر میبود!!! و  
مسافری نزد آن مرد دولت مند آمد! و او را حیف آمد که از

گوسفندان و گاوان خودبگیرد تا جهت مسافری نزد وی آمده بود مهیاسازد! و بره آن مرد فقیر را گرفت برای آن مرد که نزد وی آمده بود مهیا ساخت! آنگاه خشم داود بر آن شخص افروخته شده! و به ناتان گفت: به حیات خداوند قسم! کسیکه این کلورا کرده است مستوجب قتل است! و چونکه این کار را کرده است! و هیچ ترحم ننموده بره چهارچندان باید رد کند! ناتان به داود گفت: آن مرد تو هستی و یهوه خدای اسرائیل چنین میگوید: من تورا بر اسرائیل به پادشاهی مسیح نمودم! و من تورا از دست شاول رهائی دادم! و خانه آقای تورا بتو دادم! و زنان او را به آغوش تو دادم! و خاندان اسرائیل و یهودا را بتو عطاء کردم! و اگر این کم میبود چنین و چنان برای تو مزید می کردم! پس چرا کلام خداوند را خوار نموده؟!؟! در نظروی عمل بدجا آوردی؟!؟! و او ریای حتی را به شمشیر زده! زن او را برای خود گرفتی! و او را با شمشیر بنی عمون به قتل رسانیدی؟! پس بدی از خانه تو هرگز دور نخواهد شد!

به علت اینکه مرا تحقیر نموده! زن اوریا حتی را گرفتی  
تا زن تو باشد! خداوند چنین میگوید: اینکه من از خانه  
خودت بدی را بر تو عارض خواهم گردانید زن تو را  
پیش چشم تو گرفته به همسایهات خواهم داد! و او در  
نظر این آفتاب با زنان تو خواهد خوابید! زیرا که تو این  
کار را به پنهانی کردی! اما من این کار را پیش تمام اسرائیل  
و در نظر آفتاب خواهم نمود!!! و داود به ناتان گفت: به  
خداوند گناه کرده ام ناتان به داود گفت: خداوند نیز  
گناه تو را عفو نموده است که نخواهی مرد! لیکن چون  
از این امر باعث کفر گفتن دشمنان خداوند شده! پسری  
نیز که برای تو زائیده شده است البته خواهد مرد! پس  
ناتان بخانه خود رفت! و خداوند پسری را که زن اوریا  
برای داود زائیده بود! متلا ساخت که سخت بیمار شد!  
 پس داود از خداوند برای طفل استدعا نمود! و داود روزه  
 گرفت و داخل شده تمامی شب بر روی زمین خوابید  
 ! و مشایخ خانه اش بر او برخاستند! تا او را از زمین  
 برخیزانند اما قبول نکرد و با ایشان نان نخورد!!! و در

روز هفتم طفل بمُرد! و خادمان داود ترسیدند که از مُردن  
 !طفل اورا اطلاع دهند! زیرا که گفتند: اینک چون طفل  
 زنده بود باوی سخن گفتیم: و قول ما را نمی شنید پس اگر به  
 او خبر دهیم که طفل مُرده است!!! چقدر زیاده رنجیده  
 میشود! و چون داود دید بندگانش بایکدیگر نجوی می  
 کنند داود فهمید که طفل مُرده است! و داود به خادمان  
 خود گفت: آیا طفل مرده است؟! گفتند: مُرده است آنگاه  
 داود از زمین برخاسته خویشتن را شستشوداده تدهین  
 کرد! و لباس خود را عوض نمود! و بخانه خداوند رفت  
 و عبادت نمود! و بخانه خود آمده خوراک خواسته که  
 پیشش گذاشتند و خورد!!! و خادمانش بوی گفتند: این  
 چه کار است که کردی و قتیکه طفل زنده بود روزه  
 گرفته گریه نمودی! و چون طفل مُرد برخاسته خوراک  
 خوردی! او گفت: و قتیکه طفل زنده بود روزه گرفتم!  
 گریه نمودم زیرا که فکر کردم کیست که بداند که شاید  
 خداوند بر من ترحم نماید! تا طفل زنده بماند؛ اما الان  
 که مُرده است پس من چرا روزه ندارم!!! آیا میتوانم

دیگر او را بازیابم؟! من نیز بنزد او خواهم رفت لیکن  
اونزد من باز نخواهد آمد!!! و داود زن خود بتشبع را  
تسلی داد! و نزد وی آمده با او خوابید! و او پسری زائیده  
او را سلیم-ان نام نهاده! و خداوند او را بسیار دوست داشت  
! بدست ناتان نبی فرستاد! و او را بخاطر خداوند پدیدیا  
نام نهاد!!! و یوآب باربه بنی غمون جنگ کرد! شهر  
یادشاه نشین را گرفت! و یوآب قاصدان نزد داود فرستاده  
گفت: که باربه جنگ کردم و شهر و آنها را گرفتم! پس  
الآن بقیه قوم را جمع کن! و در برابر شهر آردوزده آن  
را بگیر! مبادا من شهر را بگیرم و به اسم من نامیده  
شود! پس داود تمامی قوم را جمع کرده به ربه رفت  
و بان جنگ کرده آن را گرفت! و تاج یادشاه را از سرش  
گرفت! گه و زنش یک وزنه طلا بود! سنگهای گرانبها  
داشت و آن را بر سر داود گذاشتند! و غنیمت از حدّ زیاده  
از شهر بردند! و خلق آنجا را بیرون آورده!!! ایشان را  
زیراره ها! و چوبهای آهنین! و تیشه های آهنین گذاشت!  
و ایشان را از کوره آجریزی گذرانید! و به همین طور

## باجمع شهرهای بنی عمون رفتار نمود! پس داودو تمامی قوم به اورشلیم برگشتند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوّم سموئیل تمامی باب دوازدهم)

وبعد از این واقع شد که آبشالوم بن داود را خواهر نیکو صورت مسمّاء بتامار بود! و آمنون پسر داود او را دوست میداشت! و آمنون بسبب خواهر خود تمار چنان گرفتارش بود! که بیمار گشت زیرا که او باکره بود! بنظر آمنون دشوار آمد با وی کاری کند! و آمنون رفیقی داشت که مسمی به یوناداب بن شمعی! و برادر داود بود! و یوناداب مردی بسیار زیک بود! و او وی را گفت: ای پسر پادشاه چرا روز بروز چنین لاغر میشوی و مرا خبر نمیدی؟! آمنون وی را گفت: که من تمار خواهر برادر خود آبشالوم دوست میدارم!!! و یوناداب وی را گفت: بر بستر خود خوابیده تمارض نما! و چون پیرت برای عیادت تو بیاید وی را بگو: تمنّ اینکه خواهرم من تمار بیاید و مرا خوراک بخوراند! و خوراک را در نظر من حاضر سازد تا ببینم و از دست وی بخورم! پس آمنون خوابید و تمارض نمود و چون پادشاه به عیادتش آمد! آمنون به پادشاه

گفت: **تمنّاینکه خواهرم تمار بیاید!!! و دو قرص طعام**  
**پیش من بپزد تا از دست او بخورم! و داود فردا نزد تمار**  
**به خانه اش فرستاده گفت: الان بخانه برادرت آمنون**  
**برو و برایش طعام بساز! تمار بخانه برادر خود آمنون**  
**رفت و او خوابید بود! و آرد گرفته خمیر کرد و پیش او قرصها**  
**ساخته آنها را پخت! و تابه را گرفته آنها را پیش او پخت**  
**اما آمنون از خوردن ابانود و گفت: همه کس را از نزد**  
**من بیرون کنید و همگان از نزد او بیرون رفتند! و آمنون**  
**بتمار گفت: خوراک را به اطاق بیاور تا از دست تو بخورم**  
**و تمار قرصها را که ساخته بود گرفته نزد برادر خود**  
**آمنون به اطاق آورد! و چون پیش او گذاشت تا بخورد**  
**او وی را گرفته به او گفت: ای خواهرم بیابان خواب**  
**! او وی را گفت: نه ای بوا درم مرانلیل مساز! زیرا که**  
**چنین کار در اسرائیل کرده نشود این قباحت را به عمل**  
**میاور! اما من ننگ خود را کجا ببرم! و اما تو مثل یکی**  
**از سفهاء در اسرائیل خواهی شد! تمنّاینکه به پادشاه**  
**بگویی زیرا که مرا از تو دریغ نخواهد نمود!!! لیکن او**

نخواست سخن وی را بشنود! و بر او زور آور شده او  
را مجبور ساخت و با او خوابیده! آنگاه آمنون با شدت  
بروی بغض نمود! و بغضی که با او ورزید از محبتی  
که با وی میداشت زیاده بود! پس آمنون وی را گفت:  
برخیز و برو او وی را گفت: چنین مکن!!! زیرا این ظلم  
عظیم که بیرون کردن من میکنی! برتر است از دیگری  
که با من کردی لیکن او نخواست وی را بشنود! پس  
خادمی را که او را خدمت میکرد خواند گفت: این دختر  
را از این جائز من بیرون کن! و در را از عقبش ببند! و او  
جامه رنگارنگ در برتن داشت! زیرا که دختران باکره  
پادشاه به این گونه لباس ملبس میشدند! و خادمش  
او را بیرون کرده در را از عقبش بست! و تمار خاکستر  
بر سر خود ریخته! و جامه رنگارنگ را که در تنش بود  
درید!!! و دست خود را بر سر گذارده روانه شد و چون  
میرفت فرط دمی نمود! و برادرش آبشالوم وی را گفت:  
آیا برادرت آمنون با تو بوده است؟! پس ای خواهر من  
اکنون خاموش باش! او برادر تو است و از این کار متفکر

نگفت: زیرا که آبشالوم آمنون تمار را ذلیل ساخته بود  
و بعد از دو سال تمام واقع شد که آبشالوم در بعل حاصور  
که نزد ایس تمار در خانه برادر خود آبشالوم در پریشان  
حالی ماند! و چون پادشاه تمامی این وقایع را شنید  
بسیار غضبناک شد! و آبشالوم به آمنون سخنی نیک  
یا بد افرایم است!!! ایشم برندگان داشت! آبشالوم تمامی  
پسران پادشاه را دعوت نمود! و آبشالوم نزد پادشاه آمده  
گفت: اینک حال بده تویشم برندگان دارد!!! تمنا اینکه  
پادشاه با خادمان همراه بنده ات بیایند!!! پادشاه به  
آبشالوم گفت: نه ای پسرم همه ما نخواهیم آمد مبادا  
برای تو بار سنگین باشیم! و هر چند او را الحاج نمود لیکن  
نخواست که بیاید! و او را برکت داد! و آبشالوم گفت: پس  
تمنا اینکه برادرم آمنون با ما بیاید! پادشاه او را گفت  
: چرا با تو بیاید؟؟؟؟!!! اما چون آبشالوم او را الحاج  
نمود آمنون و تمامی پسران پادشاه را با او روانه کرد  
و آبشالوم خادمان خود را امر فرمود گفت: ملاحظه کنید که  
دل آمنون را بغض میداشت! به علت اینکه خواهرش

از شراب خوش شود! و بشما بگویم: که آمنون را بزنید  
آنکه او را بکشید! و مترسید آیامن شمارا امر نفرمودم  
؟! پس دلیر و شجاع باشید! و خادمان آبشالوم با آمنون  
بطوریکه آبشالوم امر فرموده بود بعمل آوردند!!! و  
جمیع پسران پادشاه برخاسته هر کسی بقاطر خود سوار  
شده گریختند! و چون ایشان در راه میبودند خبر بد او د  
رسانیده گفتند: که آبشالوم همه پسران پادشاه را کشته!  
ویکی از ایشان بقی نمانده است! پس پادشاه برخاسته  
جامه خود را درید!!! و بر روی زمین دراز شد و جمیع  
بندگان با جامه دریده در اطراف ایستاده بودند! اما  
یوناداب بن شمعی و برادر او دمتوجه شده گفت: آقایم  
گمان نبرده که جمیع جوانان! یعنی پسران پادشاه کشته  
شده اند زیرا که آمنون تنهامرده است! چونکه این در  
نزد آبشالوم مقرر شده بود! از روزیکه خواهرش تمار  
را ذلر ساخته بود! و الان آقایم پادشاه از این مرمتفکر  
نشود! و خیال نکند که تمامی پسران پادشاه مرده اند  
زیرا که آمنون تنهامرده است!!! آبشالوم گریخت و

جوانیکه دیده بانی میکردچشمان خودرا بلند کوده  
نگاه کرد! واینک خلق بسیاری ازپهلوی کوه که در  
عقبش بودمی آمدند! و یوناتاب به پادشاه گفت: اینک  
یسران پادشاه میآیند!!! پس بطوریکه بنده ات گفت:  
چنان شدوچون ازسخن فارغ شد! اینک یسران پادشاه  
رسیدن و آواز خودرا بلندکرده گریستند! و پادشاه نیز  
و جمیع خادمانش به آواز بسیار بلند گریه کردند!!! و  
آبشالوم فرار کرده نزد!!! تلمای ابن عمیهود پادشاه  
جشور رفت! و داود برای یسر خود هر روز نوحه گری  
مینمود! و آبشالوم فرار کرده به جشور رفت و سه سال  
در آنجا ماند! و داود آرزو میداشت که نزد آبشالوم بیرون  
رود! زیرا که در دربار ه آمنون تسلی یافته بود چونکه  
مُرده بود!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل تمام باب سیزدهم)

ویوآب بن صرویه فهمید که دل پادشاه به آبشالوم  
 مایل است! پس یوآب به تَفْوَع فرستاده زنی داشمند  
 از آنجا آورد! بوی گفت: تمنّ اینک خویشتن را مثل ماتم  
 کننده ظاهر سازی تعزیت پوشی! و خود را بروغن تدهین

نکنی و مثل زنیکه روزهای بسیار بجهت مُرده ماتم گرفته باشد بشوی! و نزد پادشاه داخل شده اورا بدین مضمون بگوئی: پس یوآب سخنان را بدهانش گذاشت! و چون زنی تقو عیّه با پادشاه سخن گفت: بروی خود بزمین افتاده تعظیم نمود! و گفت: ای پادشاه اعانت فرما! و پادشاه بلوگفت: تو را چه شده است؟! عرض کرد اینک من زن بیوه هستم و شوهرم مُرده است و کنیز تو را دو پسر بود! و ایشان با یکدیگر در صحراء مخاصمه نمودند! و کسی نبود که ایشان را از یکدیگر جدا کند! پس یکی از ایشان دیگری را زد و کشت! اینک تمامی قبیله بر کنیز تو بر خاسته میگویند: قاتل برادر خود را بسیار تا اورا به عوض جان برادرش که کشته است! بقتل رسانیم و وارث را نیز هلاک کنیم! و به اینطور آخر مرا که باقی است! خاموش خواهند کرد و برای شوهرم نه اسم و اعصاب بر روی زمین نخواهند گذاشت!!! پادشاه گفت: به خانه ات برو! و من درباره ات حکم خواهم نمود! و زن تقو عیّه به پادشاه عرض کرد!

ای آقایم پادشاه تقصیر بر من و بر خاندان من باشد! و پادشاه و کرسی او بی تقصیر باشد! و پادشاه گفت: هر که با تو سخن گوید: او را نزد من بیاور و دیگر بتو سخن ضرر نخواهد رسانید! پس زن گفت: ای پادشاه و هُوَ خدای خود را بیاد آور! تا ولی مقتول دیگر هلاک نکند! مباد افسر مرا تلف سازند! پادشاه گفت: بحیات خداوند قسم! که مویی از سر پست بزمین نخواهد افتاد! پس زن گفت: مستدعی آنکه کنیزت با آقای خود پادشاه سخن گوید؟ گفت: بگو: زن گفت: پس چرا در باره قوم خدا مثل این تدبیر کرده؟! پادشاه در گفتن این سخن مثل اینکه تقصیر کار است؟ چونکه پادشاه آواره شده خود را باز نیاورده است! زیرا که ما البته بمیریم! و مثل آب هستیم که بزمین ریخته شود! و آن را نتوان جمع کرد و خداوند جان را نمیگیرد بلکه تدبیرها میکند!!! تا آواره شده از او آواره نشود! و حال بقصد عرض کردن این سخن نزد آقای خود پادشاه آمدم سبب این بود که خلق مرا ترسانیدند! و کنیزت فکر کرد که چون به

پادشاه عرض کنم احتمال دارد!!! که پادشاه عرض کنیز خود را به انجام خواهد رسانید! زیرا پادشاه اجابت خواهد نمود! که کنیز خود را از دستی کسی که می خواهد مرا و پسر مرا با هم از میراث خدا هلاک سازد برهاند! و کنیز تو فکر کرد که کلام آقام پادشاه باعث تسلی خواهد بود! زیرا که آقام پادشاه مثل فرشته خداست! تانیک و بد را تشخیص کنیدی هُوَ خدای تو همراه تو باشد! پس پادشاه در جواب زن فرمود چیزی را از تو سؤال میکنم از من مخفی مدار؟! زن عرض کرد آقام پادشاه بفرماید: پادشاه گفت: آیا دست یوآب در همه اینکار با تو نیست؟! زن در جواب عرض کرد بحیات جان تو ای آقام پادشاه هیچکس! از هر چه آقام پادشاه بفرماید: بطرف راست و چپ نمیتواند انحراف ورزید! زیرا که بنده تو یوآب او است که مرا امر فرموده است! او او است که تمامی این سخنان را بدهان کنیزت گذاشته است! برای تبدیل صورت این امر بنده تو یوآب اینکار را کرده است! اما حکمت آقام مثل حکمت فرشته خدا میباشد تا هر چه

بیروی زمین است بدانند! پس پادشاه به یوآب گفت:  
 اینک این کار را کرده ای حال برو و آبشالوم جوان  
 را باز آور آنگاه یوآب بروی خود بزمین افتاده تعظیم  
 نمود! و پادشاه را تحسین کرد! و یوآب گفت: ای آقایم  
 پادشاه امروز بنده ات میدانم که در نظر تو التفات یافته ام  
 چون پادشاه کار بنده خود را به انجام رسانیده است  
 پس یوآب برخاسته به جشور رفت و آبشالوم را به  
 اورشلیم باز آورد! و پادشاه فرمود که بخانه خود برگردد  
 و روی مران بیند! که آبشالوم بخانه خود رفت و روی  
 پادشاه را ندید! و در تمامی اسرائیل کسی نیکو منظرو  
 بسیار ممدوح مثل آبشالوم نبود!! که کف پاتا فرق  
 سرش در او عیبی نبود! و هنگامیکه موی سر خود را  
 میچید (زیرا که آن را در آخر هر سال میچید چونکه بر  
 او سنگین میشد و از آن سبب آن را میچید) موی سر  
 خود را وزن نموده! دو سرت مثقال به وزن شاه می  
 یافت! و برای آبشالوم سه پسر و یک دختر مسماء به  
 تمارزائیده شدند! و او دختر نیکو صورت بود! و آبشالوم

دو سال تمام در اورشلیم مانده روی پادشاه را ندید!  
 پس آبشالوم یوآب را طلبید تا او را نزد پادشاه بفوست  
 اما نخواست که نزد وی بیاید! و باز بار دیگر فوستادو  
 نخواست که بیاید! پس بخادمان خود گفت: ببینید مزرعه  
 او است! و در آنجا جو دارد؟! بروید و آن را با آتش سوزانیده  
 ! پس خادمان آبشالوم مزرعه را با آتش سوزانیدند!  
 آنگاه یوآب برخاسته نزد آبشالوم بخانه اش رفت!  
 وی را گفت: که چرا خادمان تو مزرعه مرا آتش زده اند  
 ؟ آبشالوم به یوآب گفت: اینک نزد تو فرستاده گفتم:  
 اینجا بی تا تو را نزد پادشاه بفرستم! تا بگوئی برای  
 چه از جشور آمده ام مرا بهتر میبود که تبحال در آنجا  
 مانده باشم! پس حال میخواهم روی پادشاه را ببینم!  
 و اگر گناهی در من باشد مرا بکشد! پس یوآب نزد پادشاه  
 رفته او را م خبر ساخت و او آبشالوم را طلبید که پیش  
 پادشاه آمد! و بحضور پادشاه روی بزمین افتاده تعظیم  
 کرد! و پادشاه آبشالوم را بوسید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل باب چهاردهم)

وبعد از آن واقع شد که آبشالوم ارا به واسبان و پنجاه مرد! که پیش او بودند مهیّانمود! و آبشالوم صبح زود بخواسته بگنارد روزه می ایستاد! و هر کسی که دعوائی میداشت و نزد پادشاه به محاکمه می آمد! آبشالوم او را خوانده می گفت: تو از کدام شهر هستی؟! و او می گفت: بنده ات از فلان سبط از اسباط اسرائیل هستم! و آبشالوم او را می گفت: ببین کارهای تونیکور است است! لیکن از جانب پادشاه کسی نیست که تو را بشنود! و آبشالوم می گفت: کاش که در زمین داور میشدم!! و هر کسی که دعوائی یا مرافعه میداشت نزد من می آمد! برای اوداد انصاف مینمودم! و هنگامیکه کسی نزد او آمده او را تعظیم مینمود! دست خود را دراز کرده او را میگرفت و میبوسید و آبشالوم با همه بنی اسرائیل که نزد پادشاه برای داوری می آمدند! بدین منوال عمل مینود! پس پس آبشالوم دل مردان بنی اسرائیل را فریفت! و بعد از انقضای چهل سال آبشالوم به پادشاه گفت: مستدعی اینک بروم تا نذری را که بوی خداوند در حیون

کرده ام وفانمایم! زیرا که بنده ات وقتیکه درجشور  
 آرام ساکن بودم! نذر کرده ام گفتم: که اگر خداوند مرا  
 به اورشلیم باز آورد خداوند را عبادت خواهم نمود!  
 پادشاه وی را گفت: بسلامتی برو پس او برخاسته به  
 حبرون رفت!!! و آبشالوم جاسوسان بتمامی اسباط  
 اسرائیل فرستاده گفت: بمجرد شنیدن آواز کرنا بگوئید:  
 که آبشالوم در حبرون پادشاه شده است!!! و دو بیست  
 نفو که دعوت شده بودند همراه! آبشالوم از اورشلیم  
 رفتند و اینان بصاف دلی رفته چیزی نمی دانستند!  
 آبشالوم اختیوفل را که مشیر داود بود!!! از شهرش  
 خیلوه وقتیکه قربانی هامی گذرانید نیز طلبید!!! و فتنه  
 سخت شد و قوم با آبشالوم روز بروز زیاده میشدند! و  
 کسی نزد داود آمد و او را خبر داده گفت: که دلهای مردان  
 بنی اسرائیل در عقب آبشالوم گریده است! و داود به  
 تمامی خادمانیکه با او در اورشلیم بودند گفت: برخاسته  
 فرار کنیم و الأمار از آبشالوم نجات نخواهد بود! پس با  
 تعجیل روانه شویم! مبادا اونا گهان بمابرسد و بدی بر

ما عارض شود! و شهر را بدم شمشیر بزنند!!! و خادمان  
 پادشاه به پادشاه عرض کردند! اینک بندگانت حاضرند  
 برای هرچه آقای ما پادشاه اختیار کند! پس پادشاه و  
 تمامی اهل خانه اش با وی بیرون رفتند!!! **و پادشاه**  
**ده زن که متعه او بودند برای نگاه داشتن خانه و ا**  
**گذاشت!** و پادشاه و تمامی قوم با وی بیرون رفته! در  
 در بیت مَرَحَقَ تَوْقَفَ نمودند!!! و تمامی خادمانش او  
 گذاشتند! و جمیع کریتیان و جمیع فلیتیان و جمیع جتّیان  
 یعنی ششصد نفر که از جَتِّ در عقب او آمده بودند!!!  
 پیش روی پادشاه گذاشتند!!! و پادشاه به ائای جَتّی  
 گفت: تونیز همراه ما چرامی آیی برگرد؟! و همراه پادشاه  
 بمان زیرا که تو غریب هستی! و از مکان خود نیز جلاء  
 وطن کرده ام! دیروز آمدی پس آیا امروزتو را همراه  
 ما آواره گردانم؟! و حال آنکه من میروم بجایی که  
 میروم! پس برگرد و برادران خود را برگردان و رحمت  
 و راستی همراه تو باد! و ائای در جواب پادشاه عرض  
 کرد! به حیات خداوند و به حیات آقایم پادشاه قسم! که

ه رجائیکه آقایم پادشاه خواه درموت! و خواه در زندگی  
 باشه بنده تودر آنجا خواهد بود! و داود به ائای گفت: بیا  
 و پیش!!! برو پس ائای جتی با همه مردانش و جمیع  
 اطفالی که با او بودند پیش رفتند! تمامی اهل زمین با  
 آواز بلند گریه کردند! و جمیع قوم عبور کردند و پادشاه  
 از نهر قدرون عبور کردند! و تمامی قوم قدم براه بیابان  
 گذاشتند! و اینک صادوق نیز و جمیع لاویان با وی تابوت  
 عهد خداوند را برداشتند! و تابوت خداوند را نهادند! و تا  
 تمامی قوم از شهر بیرون آمدند! و ایتا قربانی می گذرانید  
 ! و پادشاه بصادوق گفت: تابوت خدارا بشهر برگردان  
 ! پس اگر در نظر خداوند التفات یابم مرا باز خواهد آوردند  
 ! و آن را و مسکن خود را بمن نشان خواهد داد!!! و اگر  
 چنین گوید: از تورا ضی نیستم اینک حاضرم! ه رچه  
 در نظرش پسند آید بمن نماید! و پادشاه بصادوق گاهن  
 گفت: آیتورا ضی نیستی پس بشهر بسلامتی برگردی  
 !؟ و هر دو پسر شما یعنی آخیمعص پسر تو و یوناتان  
 پسر ایتا را همراه شما باشند! بدانید که من در کنارهای

بیابان درنگ خواهم نمود تا پیغامی از شما رسیده مرا  
 م خبر سازد! پس صادوق و ابیاتا را تبوت خداوند را به  
 اورشلیم برگردانیده در آنجا ماندند! و آماد او د بفر از کوه  
 زیتون برآمد و چون میرفت گریه میکرد و با سر پوشیده  
 ! و پای برهنه میرفت و تمامی قومیکه همراهش بودند!  
 هریکی سر خود را پوشانیدند و گریه کنان میرفتند! و داود  
 را خبر داده گفتند: که اخیتوفل یکی از فتنه انگزان با  
 آبشالوم شده است! و داود گفت: ای خداوند مشورت  
 اخیتوفل را بحماقت گردان! و داود بفر از کوه جائیکه  
 خدار اسجده میکنند رسید! اینک خوشای آراکی را با  
 جامه دریده و خاکی بر سر ریخته او را استقبال کرده!  
 و داود وی را گفت: اگر همراه من بیائی برای من بار  
 خواهی شد!!! اما اگر بشهر برگردی و به آبشالوم بگویی  
 : ای پادشاه من بنده تو خواهم بود چنانکه پیشتر بنده  
 پدر تو بودم! الآن بنده تو خواهم بود!!! آنگاه مشورت  
 اخیتوفل را برای من باطل خواهی گردانید! و آیا صادوق  
 و ابیاتا که نه در آنجا همراه تو هستند؟! پس هر چیزی

راکه از خانه پادشاه بشوی! آن را به صادق و ابیاتار  
گهنه اعلام نما! و اینک دو پسر ایشان آخیمعص پسر  
صادوق و یوناتان و پسر ابیاتار ایشانند در آنجا نزد من  
! و هر خبری را که میشنوی! بدست ایشان نزد من خواهید  
فرستد! پس حوشای دوست داود بشهر رفت! آبشالوم  
و ارداور شلیم شد!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوم سموئیل تمامی باب پانزدهم)

و پادشاه به یوآب و ابیشای و ائیای گفت: به خاطر من  
بر آبشالوم جوان برفق رفتار نمائید! و چون پادشاه و  
جمع سرداران را درباره آبشالوم فرمان داد تمامی  
قوم شنیدند! پس قوم به مقابله بصحراء بیرون رفتند! و  
جنگ در جنگل افرایم بود! بنی اسرائیل در آنجا!!! از  
حضور بندگان داود شکست یافتند! و در آن روز کشتار  
عظیمی در آنجا شد! **و بیست هزار نفر کشته شدند!** و جنگ  
در آنجا بر روی تمامی زمین منتشر شد!!! و در آن روز  
آنانیکه از جنگل هلاک گشتند! بیشتر بودند از آنانیکه  
باشمشیر کشته شدند! و آبشالوم بندگان داود بر خورد  
و آبشالوم بر قاطر سوار بود! و قاطر زیر شاخه های پیچیده

شده! بلوط بزرگی در آمد و سر او در میان بلوطی که در  
 زیش بود بگذشت! و شخصی آن را دیده بیوآب خبر  
 رسانید و گفت: اینک آبشالوم را دیدم که در میان درخت  
 بلوط آویزان است؛ و یوآب به آن شخصی که او را خبر  
 داد گفت: هان تو دیده پس چرا او را در آنجا زمین نزدی  
 ؟! و من ده مثقال نقره و کمر بندی بتو میدادم! آن شخص  
 بیوآب گفت: اگر هزار مثقال بدست من میرسد دست  
 خود را بر پسر پادشاه دراز نمی‌کردم! زیرا که پادشاه تو  
 را و ایشای و ائای را بسمع ما امر فرموده: ز نهار هر  
 از شما در باره آبشالوم جوان با حذر باشید و الا بر خود  
 ظلم می‌کردم!! چونکه هیچ امری از پادشاه مخفی  
 نمی‌ماند خودت بضد من برمی‌خاستی آنگاه یوآب گفت:  
 نمیتوانم این‌طور تأخیر نمایم! پس سه تیر بدست خود  
 گرفته! آنهارا بدن آبشالوم زد حینیکه او هنوز در میان  
 بلوط زنده بود! و ده جوان که سلاح داران یوآب بودند!  
 دور آبشالوم را گرفتند و او را زدند و کشتند! چون یوآب  
 کرّار نواخت قوم از تعاقب نمودن بنی اسرائیل برگشتند!

زیراکه یوآب قوم را منع نمود! و آبشالوم را گوفته  
اورادرخفره بزرگ که درجنگل بود انداخت بر او توده  
بسیار بزرگ از سنگها فراشتند! و جمیع بنی اسرائیل  
هریک بخیمه خود فرار کردند! اما آبشالوم در حین خود  
بنائی راکه در وادی ملک است! برپا کرد زیرا که گفت:  
پسری ندارم که از او اسم من مذکور بماند! و آن بناء  
را به اسم خود مسمی ساخت پس تا امروزید آبشالوم  
خوانده میشود!! (از کتاب مقدس عهد عتیق وازد و مسموئیل باب هجدهم آیه ازه تا ۱۹)

توهین و تهمت و افتراء بسلیمان رسول  
خداوند خلاق جهان هستی رب العالمین  
در کتاب مقدس عهد عتیق و توراة فعلی  
وسلیمان پادشاه سولی دختر فرعون و زنان غریب  
و بسیاری را از موآبیان و عمونیان و آدومیان صدوقیان و  
حتیان را دوست میداشت! از امتّهائی که خداوند درباره  
ایشان بنی اسرائیل فرموده بود: که شمابه ایشان در  
نیاید! مبادا دل شمارا به پیروی از خدایان خود مایل

گردانند! و سلیمان با اینها به محبت ملحق شد! او او  
 راهتصد زن بانو! و سیصدمتعه بود! و زنانش دل او  
 را برگردانیدند! و در وقت پیری سلیمان واقع شد! که  
 زنانش او را به پیروی خدایان غریب مایل ساختند!  
 و دل او مثل دل پدرش داود بایهوه خدایش کامل نبود!  
 پس سلیمان در عقب عشتورت خدای صدونیان و در  
 عقب ملکوم رجس عمونیان رفت! و سلیمان در نظر  
 خداوند شرارت ورزیده! مثل پدر خود داود خداوند را  
 پیروی کامل ننمود! آنگاه سلیمان در کوهی که روبروی  
 اورشلیم است! مکانی بلند بجهت گموش که رجس  
 عمونیان بناء کرد! و همچنین بجهت همه زنان غریب  
 خود که برای خدایان خویش بخور میسوزانیدند!! او  
 قربانیهای میگذرانیدند عمل نمود! پس خشم خداوند  
 بر سلیمان افوخته شد! از آنجهت که دلش از یهوه خدای  
 بنی اسرائیل منحرف گشت! که امر فرمود بود: که پیروی  
 خدایان غیر را ننماید! اما آنچه خداوند به او امر فرموده  
 دو مرتبه خداوند بر او ظاهر شد!!! او را در همین باب

بود: بجانی آورد! پس خداوند سلیمان گفت: چونکه این عمل را نمودی! و عهد و فرایض مرا که بتو امر فرمودم نگاه نداشتی!!! البته سلطت را از تو پاره کرده آن را بینده ات خواهم داد!!! لیکن در ایام تو این را بخاطر پدرت داود نخواهم کرد! اما از دست پسر ت آن را پاره خواهم کرد! ولی تمامی مملکت را پاره نخواهم کرد بلکه یک سبط را بخاطر بنده ام داود؛ و بخاطر اورشلیم که برگزیده ام پسر تو خواهم داد! خداوند دشمنی برای سلیمان برانگیزانید یعنی هدد آدمیرا از ذریت پادشاهان آدوم بود! زیرا هنگامیکه داود در آدوم بود یوآب که سردار لشکر بود برای دفن کردن کشتگان رفته بود و تمامی ذکور آن آدوم را آدوم کشته بود! زیرا یوآب و تمامی اسرائیل شش ماه در آنجا ماندند تا تمامی ذکور آن آدوم را منقطع ساختند!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب اول پادشاهان باب یازدهم آیه از ۱ تا ۱۷)

زندگی و عمر کرد قوم یهود و یهودیان بنی اسرائیل در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب تورات تحریف شده فعلی یهودیان صهیون نیست اینطور است!!!

و واقع شد در آن زمان که یهودا از نزد برادران خود رفته! نزد شخصی عدلّامی که حیره نام داشت مهمان شد! و در آنجا یهودا دختر مرد کنعانی را که مسمّاء بشرعه بود دید! و او را گرفته بر او درآمد پس آبستن شده پسری زائید و او را عیر نام نهاد! و بار دیگر آبستن شده پسری زائید و او را اونان نامید!!! و باز هم پسری زائید او را شیله نام گذارد! و او را زائید یهودا در کزيب بود! و یهودا زنی مسمّاء به تمار برای نخست زاده خود عیر گرفت! و نخست زاده یهودا عیر در نظر خداوند شریر بود!!! خداوند او را بمیراند! پس یهودا به اونان گفت: بنون برادرت در آی! و حقّ برادر شوهری را بجا آورده تانسلی برای برادر خود پیدا کن! لکن چونکه اونادانست! که آن نسل از آن اونخواهد بود! هنگامیکه بزنی برادر خود درآمد بر زمین انزال کرد! تانسلی برادر خود نهد! و این کار او در نظر خداوند ناپسند آمد پس او را بمیراند! و یهودا به عروس خود تمار گفت: در خانه پدرت بیوه بنشین تا پسرم شیله بزرگ شود! زیرا گفت: مبادا اونیز مثل

**بردارانش بمیردیس تمار رفته در خانه پدر خودماند  
!و چون روز هاسیری شد دخترشوعه زن یهود آمدرد!  
ویهودا بعد از تعزیت او بادوست عدلامی نزدیشم چینان  
گله خود به تمنه آمد!وبه تمار خبر داده گفتند: اینک  
پدر شوهرت برای چیدن پشم گله خویش به تمنه می  
آید پس رخت بیوگی را از خویشتن بیرون کرده!برقی  
برو کشیده خود را در چادری پوشید؛وبه درازه عینام  
که در راه تمنه است بنشست!زیرا که دیدشیله بزرگ  
شده است و اورا به وی بزنی ندادند!چون یهودا اورا  
بدیدوی رافاحشه پنداشت!زیرا که روی خود را پوشیده  
بود!پس از راه بسوی او میل کرد کرده گفت: بیابتو در  
آیم زیرا که نداست که عروس اوست!!!گفت:مرا چه  
میدهی تا بمن درائی؟!گفت:بزغاله از گله میفوستم  
گفت: آیا گرو میدهی تا بفرستی؟!گفت:تورا چه گرو دهم  
؟!گفت:مهر و زنا خود را و عصائی که در دست داری  
!پس بوی داد و بدو درآمد و او از وی آبستن شد!!!  
برفت و برقع را از خود برداشته رخت و بر خاسته بیوگی**

پوشید! و یهودا بزغاله را بدست دوست عدلّامی خود فرستاد! تا گرورا از دست آن زن بگیرد اما اورانیافت! و از مردمان آن پرسیده؟! گفت: آن فاحشه که سرراه عینایم نشسته بود کجاست گفتند: فاحشه در اینجا نبود! پس بنزد یهودا برگشت گفت: اورانیافتم و مردمان آن مکان میگویند: که در اینجا نبود! یهودا: بگذار برای خود نگاه دارد!!! مبادا رسوا شویم اینک بزغاله را فرستادم و تو او را نیافتی! وبعد از سه ماه یهودا را خبر داده گفتند: عروس تو تمارزنا کرده است! و اینک از زنا بستن شده! پس یهودا گفت: وی بیرون آید تا سوخته شود! چون او را بیرون می آوردند! نزد پدر شوهر خود فرستاده گفت: از مالک این چیزها بستن شده ام!!! او گفت: تشخیص کن که این مهر و نثار و عصا از آن کیست؟! و یهودا انهار را شناخت و گفت: او از من بیگانه تر است زیرا که او را به پسر خود شیله ندادم! و بعد او را دیگر شناخت! و چون وضع حملش رسید اینک تو امان در رحمش بودند! و چون میزائیدیکی دست خود را بیرون

آورد! که در حال قابله ریسمانی قرمز گرفته بدستش  
بست! و گفت: این اول بیرون آمد! و دست خود را باز  
کشید و اینک برادرش بیرون آمد! و قابله گفت: چگونه  
شکافتی این شکاف بر تو بادیس اورا فارص نام نهاد!  
بعد از آن برادرش که ریسمان قرمز را بردست داشت  
بیرون آمد! و اورا زارح نامید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی صهیون نیست؛ سفر پیدایش تمامی باب سی و هشتم)

نکاتی از مؤلف: این یهودایی از پسران یعقوب یعنی  
اسرائیل! برادر یوسف ابن یعقوب است! با عروس خود  
خودزنا کرده و پسران دو قلوزنازاده و حرام زاده به  
**نامهای فارص و زارح را به دنیا آورده است!** که این  
یهودا! همان جدبزرگ یهودیان صهیون نیست امروزی  
است! نسبت شان را به آن یهودا میدهند و نام اورا بر  
روی خودشان گذارده اند! بخاطر همین امر به این قوم  
یهودی میگویند: که افتخار هم میکند!!! که چنین جد  
بزرگ زناکار فاسد را دارند! **که این یهودیان صهیون**  
**نیست!** از نسل **همان زنا زادگان فارص و زارح هستند!**  
**که انبیاء و پیاموران و رسولان عظام خداوند خلاق را**

عمداً بقتل رسانیده اند! و کتابهای آسمانی وحی منزل  
آن بزرگوارن را تبدیل به آیات شیطانی کردند! توهین  
!تهمت افتراء! بی غیرتی! همجنس بازی! و هوسرانی  
بی بندباری! را به خداوند خلاق جهان هستی وربّ  
العالمین و پاک و منزّه از هر عیب و ایرادی میباشد که  
نسبت دادند! و انبیاء و پیام آوران و رسولان بزرگواران  
او این اراجیف را نیز نسبت دادند! و روا داشتند! و نسل  
و انسان و انسانیت را! مانند خودشان و جدّ بزرگوارشان  
زنا زاده و حرام زاده قلمداد کردند! به خاطر همین کار  
در این جهان خوار و ذلیل و رسوا هستند! که در آخرت  
عذاب دردناک جهنّم مالکیت این فاسدان و زناکاران  
قاتلین انبیاء است و بس! و او نان پسر یهودا بازن بیوه  
برادر خود زنای مقاربت کرده و بزمین انزال نموده  
است! یعنی چه؟! آیا این مقاربت زنا نبوده است؟! که  
یهودا دستور میدهد که عمل زنا را بجا آورد! و درست  
عمل نکردن زنای او نان! بنظر خداوند بدآمده! و خوش  
نیامده است! و او نان را می میراند! آیا خداوند هم بزنا

کردن راضی بوده است؟! یعنی چه؟؟؟! واگوییهودا  
نمیدانست که تمار عروس اوست؟! آیامیدانست زنا  
می‌کند یانه؟! واگران زن عروس یهودان بوده مقاربت  
یهودازنان بوده است؟! مقاربت حلال ومجاز بوده است؟!!  
ای بنی اسرائیل کلام خداوند را بشنوید! زیرا که خداوند  
را با ساکنان زمین محاکمه ایست!! چونکه نراستی  
ونه رافت! ونمعرفت خدا در زمین میباشد! بلکه لعنت  
ودروغ و قتل و دزدی و زنا کاری و تعدی مینماید!!! و  
خونریزی به خونریزی ملحق میشود! بنابراین زمین  
ماتم میکند! و همه ساکنانش با حیوانات صحراء و مرغان  
هواکاهیده میشوند! و ماهیان دریانیز تلف میگرداند!  
اما احدی مجادله ننماید و احدی توبیخ نکند! زیرا که  
قوم تو مثل مجادله کنندگان با کاهنان میباشد! و تودر  
وقت روز خواهی لغزید!!! و نبی نیز با تودر وقت شب  
خواهد لغزید! و مادر تو را هلاک خواهم ساخت! قوم من  
از عدم معرفت هلاک شده اند! چونکه تو معرفت را  
ترک نمودی!!! که برای من کاهن نشوی! و چونکه

شریعت خدای خود را فراموش کردی! من نیز فرزندان  
تو را فراموش خواهم نمود! هر قدر که ایشان افزوده  
شدند همان قدر به من گناه ورزیدند! پس جلال ایشان  
را بر سوائی مبدل خواهم ساخت! و گناه قوم مرا خوراک  
خود ساختند! و دل خویش را به عصیان ایشان مشغول  
نمودند! و کاهنان مثل قوم خواهند بود! و عقوبت راههای  
ایشان را بر ایشان خواهم رسانید! و جزای اعمال را  
بر ایشان خواهم داد! و خواهند خورد اما سیر نخواهند  
شد! و زنا خواهند کرد اما افزوده نخواهد گردید! زیرا که  
عبادت خداوند را ترک نموده اند! زنا و شراب شیره دل  
ایشان را میر باید! قوم من از چوب خود مسئلت میکند!  
و عصای ایشان بدیشان خبر میدهد زیرا که روح زناکاری  
ایشان را همراه کرده است و از اطاعت خدای خود زنا  
کرده اند! بر قلله های گوهها قربانی میگذرانند و بر تلها  
زیر درختان بلوط! و سفی دارون چونکه سایه خوب  
دارد بخور میسوزانند! از این جهت دختران شما زنا  
میکنند! و عروسهای شما فاحشه گری مینمایند! و من

دختران شمارا حینیکه زنامیکنن! و عروسهای شما  
راحینیکه فاحشه گری مینمایندسز انخواهم داد! زیرا که  
خودایشان بازانیه ها غزلت گذنندوبا فاحشه ها قربانی  
مگذرانند! پس قومیکه فهم ندارندخواهندافتاد!!! ای  
اسرائیل اگر تو زنامیکنی یهودا مرتکب جرم نشود!؟!  
پس به جلجال نرویدوبه اون یونیا ئیدوبحیات یهوه  
قسم نخورید! بدرستیکه اسرائیل مثل گاوسرکش سرکشی  
نموده است! الان خداوندایشان رامثل بره هادر مرتع  
وسیع خواهدچیرانید! افرایم به بت هاملحق شده است  
پس اورا واگذارید! حینیکه بزم ایشان تمام شود مرتکب  
زنامیشوند! و حاکمان ایشان افتضاح را بسیار دوست  
میدارند! بادایشان رادربالهای خود فروخواهد پیچید! و  
ایشان از قربانیهای خویش خجل خواهندشد!!!

(از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب هوشع نبیّ تمامی باب چهارم)

ای کاهنان این را بشنویدوای حاندان اسرائیل اصغا  
نمائید! وای خاندان پادشاهان گوش گیرید! زیرا که این  
فتوی برای شما است چونکه شما درمضیغه دام شدید  
وتوری گسترده نابودشده اید! عاصیان درکشتار مبالعه

نموده اندپس من همگی ایشان را تادیب خواهم نمود  
من افرایم را میشناسم و اسرائیل از من مخفی نهست  
! زیرا که حال تو ای افرایم مرتکب زنا شده! و اسرائیل  
خویشتن را نجس ساخته است! کارهای ایشان مانع  
میشود که بسوی خدا بازگشت نمایند!! چونکه روح  
زناکاری در قلب ایشان است! و خداوند را نمی شناسند!  
فخر اسرائیل پیش روی ایشان شهادت میدهد اسرائیل  
و افرایم در گناه خود می لغزند! و یهودا نیز همراه ایشان  
خواهند لغزید! گوسفندان و گاوان خود را می آورند! تا خدا  
را بطلبند! و ما را نخواهند یافت! چونکه خود را از ایشان  
دور ساخته است! بخداوند خیانت ورزیده اند! زیرا که  
فرزندان اجنبی تولید نموده اند! الآن هلالهای ایشان  
را با ملک های ایشان خواهد بلعید! در جبهه کرنا و در  
رامه سرنا بنوازید! و در بیت آون صدا بزنید! در عقب  
تو ای بنیامین! افرایم در روز عتاب خراب خواهد شد!  
در میان اسباط اسرائیل بیقین اعلام نمودم! سروران  
اسرائیل مثل نقل کنندگان حدود میباشند! پس خشم خویش

رامثل آب برایشان خواهم ریخت! افرایم مقهور شده  
در داوری کوفته گردیده است! زیرا که به پیروی تقالید  
خرسند میباشند بنابراین من برای افرایم مثل بید شده ام  
برای خاندان یهودا مانند یوسیدگی! چون افرایم بیماری  
خود را و یهودا جراحات خویش رانزد! افرایم به آشور  
رفته! و نزد پادشاهی که دشمن بود فرستاده است! اما  
او شمار اشفاء نمیتواند داد و جراحات شمار التیام نتواند  
نمود! و من برای افرایم مثل شیر! و برای خاندان یهودا  
مانند شیر ژیان خواهم بود! من خودم خواهم درید!!!  
ورفته خواهم ر بود و رهاننده نخواهد بود! من روان  
شده بمکان خود خواهم برگشت! تا ایشان به عصیان  
خود اعتراف نموده روی مرا بطلبند!!! در تنگی خود  
صبح زود مرا خواهند طلبید!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبی تاملی باب پنجم)

**خداوند چنین گفت: برو و کوزه سفالین از کوزه گربخر!**  
**و بعضی از مشایخ قوم و مشایخ گهنه را همراه بردار!**  
**بوادی ابن هتوم که نزد دروازه کوزه گران است! بیرون**  
**رفته سخنانی را که بتو خواهم گفت: در آنجا نداکن و**

بگو: ای پادشاهان یهودا و سکنه اورشلیم کلام خداوند  
 را بشنوید! یهوه صباوت خدای اسرائیل چنین میگوید:  
 اینک برای من مکان چنان بلائی خواهم آرد! که گوش  
 هر کسی که آن را بشنود صدا خواهد کرد! ز ان رو که مرا  
کردند و این مکان را خوارش کردند! و بخوردن آن برای  
خدایان غیره! که نخودایشان و نه پدران ایشان؛ و نه  
پادشاهان یهودا آنها را شناخته بودند بخورسوزانیدند!  
این مکان را از خون بیگناهان مملو ساختند! و مکانهای  
بلند برای بعل بناء کردند! تا پسران خود را بجای قربانی  
های سوختنی برای بعل بسوزانند! که من آن را امر  
نفرموده و نگفته و دل نگذاشته بود! بنا بر این خداوند  
میگوید: اینک ایامی میآید که این مکان!!! بتوفت یا  
بوادی ابن هئوم دگر نامیده نخواهد شد! بلکه بوادی  
قتل و مشورت یهودا و اورشلیم را در این مکان باطل  
خواهم گردانید! و ایشان را از حضور دشمنان ایشان!  
بدست آنانیکه قصد جان ایشان دارند خواهم انداخت!  
و لاشهای ایشان را خوراک مرغان هوا و حیوانات

زمن و این ساخت! شهر رامیه حیرت و خریه خواهم  
گردانید بحدی که هر که از آن عبور بکند متحیر شده!  
بسبب جمیع بلایایش سخریه خواهد نمود! خواهم و  
گوشت پسران و ایشان و گوشت دختران را ایشان را  
خواهم خورانید! و در محضره و تنگی که دشمنان ایشان  
و جویندگان جان ایشان را برایشان خواهم آورد! هر  
کسی گوشت همسایه خود را خواهد خورد! آنگاه کوزه  
را بنظر آن نیکه همراه تو میروند بشکن! و ایشان را بگو:  
يَهُوَه صُبَايُوت چنين ميگويد: به نوعی که کسی کوزه  
گرمایش کند! و دیگران آن را اصلاح نتوان کرد! همچنان  
که این قوم و این شهر را خواهم شکست! و ایشان را  
در توفت دفن خواهند کرد! تا جایی برای دفن کردن باقی  
نماند! خداوند میگوید: به این مکان و ساکنانش چنین  
عمل خواهم نمود! و این شهر را مثل توفت خواهم ساخت  
و خانه های اورشلیم و خانه های پادشاهان یهود!  
مثل توفت نجس خواهد شد! یعنی همه خانه های که  
بر بامهای آنها بخور برای تمامی لشگر آسمان سوزانیدند

**اوهدایای ریختنی برای خدایان غیر ریختند! پس ارمیاء**  
**از توفتیکه خداوند اورا!!! بجهت نبوت کردن به آنجا**  
**فرستاده بود باز آمد! و در صحن خانه خداوند ایستاده**  
**بتمامی قوم گفت: و هوه صبا یوت خدای اسرائیل چنین**  
**میگوید: اینک من بر این شهر! و بر همه قریه هایش**  
**تمامی بلایاراکه در باره اش گفته ام وارد خواهم آورد!**  
**زیراکه گردن خود را سخت گردانیده کلام مرا نشنیدند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی تمامی باب نوزدهم)

**و خداوند فرمود: بهمین منوال بنی اسرائیل نان نجس**  
**در میان امتهائی که من ایشان را به مران آنها پراکنده**  
**می سازم خواهند خورد! پس گفتم: آه ای خداوند یهوه**  
**ایضک جان من نجس نشده! و از طفولیت و تا بحال میته**  
**یاد ریده شده را نخورده ام! خوراک نجس بدهاتم نرفته**  
**است!!! آنگاه بمن گفت: بدانکه سرکین گاورا بعوض**  
**سرکین انسان بتو دادم! پس نان خود را بر آن خواهی**  
**پخت و مرا گفت: ای پسر انسان اینک من عصای نان**  
**را در اورشلیم خواهم شکست!!! و نان را به وزن و**  
**عسرت خواهند خورد! و آب را پیمایش و حیرت خواهند**

نوشیدزیرکه محتاج نان و آب خواهندشد! و به حیرت  
بریکدیگونظرخواهند انداخت! و بسبب گناهان خود

گداخته خواهندشد!!! (از کتاب مقدس عهدعتیق و از کتاب خزقیال نبیّ باب چهارم آیات از ۱۳ تا ۱۷)

بنابر این خداوندیّهوه چنین میگوید: چونکه شما زیاده  
از امتّهائی گرداگرد شما میباشند غو غانمودید! فرایض  
من سلوک نکرده! احکام مرا به عمل نیاورید! بلکه

موافق احکام امتّهائی که گرداگرد شما میباشند نیز

عمل نمودید! لهذا خداوندیّهوه چنین مگوید: من اینک

بضدّ تو هستم و در میان تو بنظر امتّها داورها خواهم

نمود! و با تو بسبب جمیع رجاساتت کارها خواهم کرد

! که قبل از این نکرده باشم! و مثل آنهاهم نخواهم کرد!

بنابر این پدران در میان تو پسران را خواهندخورد! و

پسران پدران خویش را خواهندخورد! و بر تو داورها

نموده! تقامی بقیت تور ا بسوی هر بادیراکنده خواهم

ساخت! لهذا خداوند یّهوه میگوید: بحیات خودم قسم

چونکه تو مقدّس مرا به تمامی رجاسات!!! و جمیع

مکروهات خویش نجس ساختی!!! من نیز البته تورا

منقطع خواهم ساخت! و چشم من شفقت نخواهد نمود  
و من نیز رحم نخواهم فرمود! یک ثلث تو در میان از  
وبا خواهند مرد! و از گرسنگی تلف خواهند شد؛ و یک  
ثلث به اطرافت با شمشیر خواهند افتاد! و ثلث دیگر  
را بسوی هرباد پراکنده ساخته! شمشیر را در عقب  
ایشان خواهم فرستاد! پس من چون غضب من به  
اتمام رسیده باشد! حدت خشم خویش را برایشان ریخته  
باشم!!! آنگاه پیشمان خواهم شد! و چون حدت خشم  
خویش را برایشان به اتمام رسانیده باشم! آنگاه خواهند  
دانست که من یهوۀ این را در غیرت خویش گفته ام!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبیّ باب پنجم آیات از ۷ تا ۱۴)

و خداوند در ایام توشیا پادشاه بمن گفت: آیا ملاحظه  
کردی که اسرائیل مرتدّ چه کرده است! چگونه بفراز  
هر کوه بلندوزیر هر درخت سبز رفته؟! در آنجا ناکرده  
است؟! و بعد از آنکه همه این کارها کرده بود!!! من  
گفتم: نزد من رجوع نما! ما رجوع نکرد! و خواهر خائن  
او یهودا این را بدید! و من دیدم با آنکه اسرائیل مرتدّ  
زنا کرد! و از همه جهات او را بیرون کردم! و طلاق نامه

بوی دادم! لکن خواهر خائن او یهودا نترسید! بلکه او  
نیز رفته مرتکب زنا شد که بسبب سهل انکاری او در  
زنا کاریش زمین ملوث گردید! و او با سنگها و چوبها  
زنا نمود! و نیز خداوند میگوید: با وجود این همه خواهر  
خائن او یهودا! نزد من با تمامی دل خود رجوع نکرد  
بلکه باریا کاری پس خداوند مرا گفت: اسرائیل مرتدّ  
خویشتن را از خواهر یهودای خائن عادل تر نموده است  
لهذا برو این سخنان را ندا کرده: بگو خداوند میگوید:  
ای اسرائیل مرتدّ رجوع نما! و بر تو غضب نخواهم نمود!  
زیرا که خداوند میگوید: من رؤوف هستم تا بلبد خشم  
خود را نگاه نخواهم داشت! فقط بگناهانت اعترف نما  
که بویّهوه خدای خویش عاصی شوی! و راههای خود  
را زیر هر درخت سبز! برای بیگانگان منشعب ساختی  
و خداوند میگوید: که شما آواز مرا نشنیدید! پس خداوند  
میگوید: ای پسران مرتدّ رجوع نمائید! زیرا که من شوهر  
شما هستم! و از شما یک نفر از شهری و از قبیله گرفته  
 شمارا به صهیون خواهم آورد و شما شبانان موافق

**دل خودخواهم داد! که شمار ابر معرفت و حکمت خواهند چرانید!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ باب سوّم آیه از ۶ تا ۱۶)

**درباره قوم خودومیراث خویش بنی اسرائیل محاکمه**

**خواهم نمود! زیرا که ایشان را در میان امّتها پراکنده**

**ساخته و زمین مرا تقسیم نمودند! و بر قوم من قرعه**

**انداخته! و پسری را در عوض فاحشه داده! و دختر را**

**بشراب فروخته اند تا بنوشند! و حال ای صور و صیدون**

**و تمامی دیار فلسطینیان شما را با من چه کار است!؟**

**آیا شما با من چه کار است!؟ آیا شما با من جزاء میرسانی**

**!؟ و اگر با من جزاء برسانید من جزای شمار ابرودی هر**

**چه تمام تربه سر شمارم نخواهم نمود! چونکه نقره و**

**طلا و نفایس زیبای مرا گرفته! آنها را بهیکل های خود**

**در آورید! و پسران یهودا و پسران اورشلیم را! بیسران**

**یونانیان فروختند! تا ایشان را از حدود ایشان دور کنند!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب یوئیل نبیّ باب سوّم آیات از ۱ تا ۷)

**و قوم من جارم شدند که از من مرتد گردیند! و هر چند**

**ایشان را بسوی حضرت اعلی دعوت نمایند!! لکن**

**کسی خویشتن را بر نمی افرازد!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب هوشع نبیّ باب یازدهم آیه ۷)

**ملعون باد کسیکه کار خداوند را با غفلت عمل نماید!**  
**و ملعون باد کسیکه شمشیر خود را از خون باز دارد!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از ارمیاء نبیّ باب پهل و هشتم آیه ۱۱)

**بنابر این خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه شما تقیصر**  
**های خویش را منکشف ساخته اید! و خطائای خود**  
**را در همه اعمال خویش ظاهر نمودید! عصیان خود**  
**را یاد آورانیدید!!! پس چون بیاد آورده شدید دستگیر**  
**خواهید شد!!! و توای رئیس شریر اسرائیل! که بزخم**  
**مهلک مجروح شده!!! و اجل تو در زمان عقوبت آخر**  
**رسیده است!!!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبیّ باب بیست و یکم آیه ۲۵)

**پس در ماه سوّم از سال پانزدهم سلطنت آسادر اورشلیم**  
**جمع شدند! و در آن روز هفتصدگاو و هزارگوسفند از**  
**غریمتی که آورده بودند! برای خداوند ذبح نمودند و بتمامی**  
**دل و تمامی خود عهد بستند! که یهوه خدای پدران خود را**  
**طلب نمایند! هر کسیکه یهوه خدای اسرائیل را طلب ننماید**  
**خواه کوچک و خواه بزرگ و خواه مرد و خواه زن کشته**  
**شود! و بصدای بلند و آواز شادمانی و کرناها و بوق ها برای**  
**خداوند قسم خوردند!** (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوّم تواریخ ایام باب پانزدهم آیه ۱۰ تا ۱۵)

**بنی اسرائیل در آنچه حرام شده بود! خیانت ورزیدند زیرا که**  
**عَفان ابن کرمی! ابن زبدي! ابن زارح از سبط یهودا! از آنچه**  
**حرام شده بود گرفت! و غضب خداوند بر بنی اسرائیل افروخته شده**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب صحیفه یوشع باب هفتم آیه ۱)

**یس بنی اسرائیل در میان کنعانیان؛ و حثیا! و آموریان! و**  
**فرزیان! و حویان! و یبوسیان ساکن میبودند! و دختران ایشان**  
**را برای خودبزنی میگرفتند! و دختران خود را به پسران**  
**ایشان میدادند! خدایان آنها را عبادت مینمودند! و بنی اسرائیل**  
**آنچه در نظر خداوند ناپسند بود کردند! و یهوه خدای خود را**  
**فراموش نمودند! و بعل ها! و بت ها را عبادت کردند! و غضب**  
**خداوند بر اسرائیل افروخته شده! ایشان را بدست کوشان**  
**رشعتم یادشاه آرام نهرین فروخت! و بنی اسرائیل**  
**کوشان رشعتم هشت سال بندگی کردند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی یهودیت سفرداوران باب سوم آیات از ۹ تا ۵۹)

**تمامی بنی اسرائیل به آنجا در عقب آن زنا کردند! و واقع شد**  
**بعد از وفات جدعون! که بنی اسرائیل برگشته در پیروی بعل ها**  
**زنا کردند! و بعل بت را خدای خود ساختند و بنی اسرائیل یهوه**  
**خدای خود را که ایشان را از دست جمیع دشمنان ایشان از هر**  
**طرف رهائی داده بود بیاد نیاوردند!!!**

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب تورات فعلی یهودیت سفرداوران باب هشتم آیات از ۲۸ تا ۳۵)

**و بنی اسرائیل باز در نظر خداوند شرارت ورزیده! بلعیم**  
**و عشتاروت! و خدایان آرام! و خدایان صیدون؛ و خدایان**  
**موآب! و خدایان بنی عمّون؛ و خدایان فلسطینیان را**  
**عبادت نمودند! و یهوه را ترک کرده اورا عبادت نکرده اند**  
**! و غضب خداوند بر اسرائیل افروخته شده! ایشان را**  
**بدست فلسطینیان و بدست عمّون فروخت!!!**

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی؛ سفر داران باب دهم ایات از ۸ تا ۶)

**مردان بنی اسرائیل بر بنیامینیان برگشته! ایشان را**  
**بدم شمشیر کشتند! یعنی تمام اهل شهر و بهائم و هر**  
**چه را که یافتند!!! و همچنین همه شهرهائی را که به**  
**آنها رسیدند به آتش سوزانیدند!!!**

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب توراة فعلی سفر داران باب بیستم آیه ۴۸)

**بنی اسرائیل تمامی اوامر یهوه خدای خود را ترک کرده!**  
**بُت های ریخته شده یعنی دوگوساله برای خود ساختن**  
**و اشیره را ساختند بتمامی لشگرو آسمان سرچده کردند**  
**! و بعل عبادت نمودند! و یسران و دختران خود را از آتش**  
**گذرانیدند! و فالگیری و جادوگری نموده خویشان را**  
**فروختند! تا آنچه در نظر خداوند ناپسند بوده عمل آورده**

بخشم اورا به هیجان بیوردند! پس از این جهت غضب  
خداوند بر بنی اسرائیل بشدت افروخته شده! ایشان  
را از حضور خود دور انداخت!!! که جز سبط یهودا فقط  
باقی نماند! اما یهودان نیز او امری هوه خدای خود را نگاه  
نداشتند! بلکه به فرایض که اسرائیلیان ساخته بودند  
سلوک نمودند! پس خداوند تمامی ذریت بنی اسرائیل  
را ترک نموده! ایشان را دلیل ساخت و ایشان را بدست  
تاراج کنندگان تسلیم نمود!!! حتی اینک ایشان را از  
حضور خود دور ساخت! زیرا که او بنی اسرائیل را از  
خاندان داود منشق ساخت! و بر ایشان یربعام بن نبط  
را به پادشاهی خود نصب نمود! و یربعام بنی اسرائیل  
را از پیروی خداوند برگردانیده! ایشان را مرتکب گناه  
عظیم ساخت! و بنی اسرائیل تمامی گناهایی که یربعام  
ورزیده بود سلوک نموده از آنها اجتناب نکردند! تا  
آنکه خداوند بنی اسرائیل را موافق آنچه بواسطه  
جمع بندگان خود انبیاء گفته بود از حضور خود دور انداخت! پس  
بنی اسرائیل از زمین خود تا امروز به آشور جلائی وطن شدند!

چونکه خداوند میگوید: بنی یهود آنچه در نظر من ناپسند  
است بعمل آوردند! و رجاسات خویش را در خانه که  
به اسم من مسمی است بریانمود آن رانجس ساختند!  
و مکانهای بلند خود را در توفت که وادی ابن هئوم  
است بناء نمودند تا پسران و دختران خویش را در آتش  
بسورانند!!! که من این کار را امر نفرموده بودم و بخاطر  
خویش نیاورده!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب هفتم آیات از ۳۰ و ۳۱)

خداوند چنین میفرماید: تکبر یهودا و تکبر اورشلیم را  
شنیدن قول من ابانموده سرکشی دل خود را پیروی  
مینمایند! و در عقب خدایان غیر رفته آنها را عبادت و  
سجده میکنند!!! مثل کمر بندیکه لایق هیچکار نیست  
خواهند شد!!! ریرا که خداوند میگوید: چنانکه کمر بند  
بکمر آدمی می چسبد تمامی خاندان بنی اسرائیل و  
تمامی خاندان یهودا بخوشتن چسبانیدم! تا برای من  
قوم و اسم و فخر و زینت باشند اما نشدند! همچنین تباه  
خواهم ساخت! و این قوم شریری را!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبی باب سیزدهم آیات از ۹ تا ۱۲)

واگر در دل خود گویی این چیزاها چرا بمن واقع شده  
است؟؟!! برای آنکه کثوت گناهانت دامنهایت گشاده  
شده! و یاشنه هایت بزور برهنه گردیده است!! آیای  
حبشی پوست خود را تبدیل تو اند نمود؟! یا پلنگ پیسه  
های خویش را؟! آنگاه شمانیز که ببدی کردن معتاد  
شده اید! زنگویی نتوانید کرد! و من ایشان را مثل گاه  
که پیش روی باد صحرا عر انده شو دیرا کنده خواهم  
ساخت! خداوند میگوید: قرعه تو و نصیبی که از جانب  
من برای تو شده این است! چونکه مرا فراموش کردی  
و به دروغ اعتقاد نمودی!!! پس من نیز دامنهایت را  
پیش روی تو منکشف خواهم! و رسوائی تو دیده  
خوهد شد! فسق و شیهه های تو و زناکاری تو! و رجاسات  
تو را بر تلها بیابان مشاهده نمودم!!! وای بر تو ای اورشلیم  
تا یکی دیگر ظاهر خواهی شد!!!

(از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب ارمیاء نبیّ باب هفتم آیات از ۲۲ تا ۲۷)

کلام خداوند بر من نازل شده است!!! گفت: ای پسر انسان  
 آیا داوری خواهی نمود؟! آیا بر شه‌رخون ریز داوری  
 خواهی نمود؟! پس آن را از همه رجاساتش آگاه ساز!

و بگو خداوند یهوه چنین میفرماید: ای شهریکه خون:  
 را در میان خودت میریزی تا اجل تو برسد!!! ای که  
 بت هارا بضد خود ساخته خویشان را نجس نمود! بسبب  
 خونیکه ریخته مجرم شده! و بسبب بت هائی که ساخته  
 نجس گردیده! لهذا اجل خویش را نزدیک آورده! به  
 انتها خود رسیده! لهذا تورا نزد امهات عار نزد جمیع کشورها  
 مسخره گردانیده ام! و ای پرفتنه آنائیکه بتون نزدیک  
 و آنائیکه از تو دور اند! بر تو سخریه خواهند نمود! اینک  
سروران بنی اسرائیل هرکسی بقدر قوت خویش!  
مرتکب خون ریزی در میان تو میبودند! پدر و مادر را  
در میان تو اهانت نمودند! و غریبان را در میان تو مظلوم  
ساختند! و بریتیمان و بیوه زنان در میان تو ستم نمودند!  
و تو مقدس های مرا خوارشمرده سبتهای مرا بی عصمت  
نمودی و بعضی در تو بجهت ریختن خون نمائی نمودند  
و برکوهها در میان تو غذا مخورند! و در میان تو مرتکب  
قباحت میشدند!!! و عورت پدران را در میان تو منکشف  
می ساختند! و زنان حایض را در میان تویی عصمت  
می نمودند! یکی در میان تو بازن همسایه خود عمل

زشت نمود! و دیگری عروس خویش را بزور بی عصمت  
کرد! و دیگری خواهرش! یعنی دختر پدر خود را ذلیل  
ساخته! و در میان تو بجهت رختن خون رشوه خوردند!  
و سود و ربح گرفتند!!! و تو مال همسایه خود را بزور  
غصب کردی و مرا فراموش نمودی! قول خداوند یهوه  
است!!! الهذاهان من بسبب حرص تو که مرتکب آن  
شده! و بسبب خونی که در میان خودت ریخته ای دسهای  
خود را بهم میزنم!!! پس در ایامیکه من بتو مکافات  
رسانم! آیا دلت قوی و دستهایت محکم خواهد بود؟!!  
من که یهوه هستم تکلم نمودم به عمل خواهم آورد  
! تورا در میان امتهای پراکنده! و در میان کشورها متفرق  
ساخته! نجاسات تورا از میانیت نابود خواهم ساخت!  
و بنظر امتهایی عصمت خواهی شد! و خواهی دانست  
که من یهوه هستم! کلام خداوند بر من نازل شده گفت:  
ای پسرانسان خاندان بنی اسرائیل از نزد من دور  
شده اند!!! و جمیع ایشان من و روی و آه من و سرب  
در میان کوره و دود نقره شده اند! بنابراین خداوند یهوه

چنین میگوید: چونکه همگی شما دودشده اید! الهذا  
من شمارا در میان اورشلیم جمع خواهم نمود! چنانکه  
نقره و مس و آهن و سرب و روی را در میان کوره جمع  
کرده آتش بر آنها میدهند تا کداخته شود! همچنان من  
شمارا در غضب و حدت خشم خویش جمع کرده! در  
آن خواهم نهاد و شما گداخت! و شمارا جمع کرده آتش  
غضب خود را بر شما خواهم دمید! که در میانش کداخته  
شوید! چنانکه نقره در میان کوره گداخته میشود!!!  
همچنان شما در میانش گداخته خواهید شد! و خواهید  
دانست که من یهوۀ حدت خشم خویش را بر شمار یخته ام  
! کلام خداوند بر من نازل شده گفت: ای پسرانسان او  
را بگو: تو زمین می هستی که ظاهر نخواهی شد!!! و  
باران در روز غضب بر تو نخواهد برید! فتنۀ انبیاء در  
میانش میباشد!!! ایشان مثل شیر غران که شکار را  
می درید جانها را می خورند! و گنجها و نفایس را می برند!  
و بروه زنان را در میانش زیاد می سازند کاهنانش بشریعت  
من مخالفت ورزیده! موقوفات مرا حلال میسارند!!!

ودرمیان مقدّس و غیرمقدّس تمیزنمیده ند! ودرمیان  
نجس و ظاهر فرق نمیگذارند! چشمان خود را از سبتهای  
من میپوشانند! ومن در میان ایشان بی حرمت گردیه ام  
!سرورانش مانند گرگان درنده خون میرزند! وجانها  
راهلاک مینمایند تا سودناحق ببرند! وانبیایش ایشان  
را بگل ملات اندودند رویاهای بطل می بینند! وبرای  
ایشان نقال دروغ زده! میگویند: که خداوند یهوه چنین  
گفته است با آنکه یهوه تکلم ننمود و قوم زمین بشدت  
ظلم نموده! وما ی یکدیگر را غصب کرده اند! وبرفقیران  
ومسکینان جفانموده! غریبان را بی انصافی ومظلوم  
ساختند! ومن در میان ایشان کسی را طلبیدم که دیوار را  
بناء نماید! وبرای زمینی بحضور من در شکاف بایستد!  
!تا آن را خراب ننمایم اما کسی را نیافتم! پس خداوند  
یهوه میگوید: خشم خود را بر ایشان ریخته ام و ایشان را  
با آتش هلاک ساخته ام! طریق ایشان را بر سر ایشان  
وارد آورده ام!!!

(از کتاب مقدّس عهد عتیق و از کتاب حزقیال نبیّ تمام باب بیست و دوم)

آوازه تو بسبب زیباوئیت در میان امّت‌ها شایع شد! زیرا که  
 خداوند یَهُوَه میگوید: که آن زیبائی از جمال من که  
 برتو نهاده بودم کامل شد! اما بر زیبائی خود تو کلّ نمودی  
و بسبب آوازه خویش زناکار گردیدی! و زنا خویش را  
بر هر رهگذری ریختی و از آن اوشدی!!! و از لباس‌های  
خودگرفتی و مکان‌های بلند رن‌گارنگ برای خود ساخته  
بر آنها زنا نمودی! که مثل این کارها واقع نشده و نخواهد  
شد! و زیورهای زینت خود را از طلا و نقره من که بتو داده  
بودم! گرفته تمثال‌های مردان را ساخته با آنها زنا  
نمودی! و لباس قلابدوزی خود را گرفته با آنها پوشانیدی  
و روغن و بخور مرا که بتو داده بودم! و آرد میوه و روغن  
و عسل را که رزق تو ساخته بودم! پیش آنها برای هدیه  
خوشبوئی نهادی و چنین شد! قول خداوند یَهُوَه این  
است! و پسران و دخترانت را که برای من زائیده بودی  
گرفته ایشان را بجهت خوراک آنها ذبح نمودی! آیا  
زناکاری تو کم بود؟! که پسران مرا نیز کشتی؟! برای ایشان  
ایشان تسلیم نمودی؟! که برای آنها از آتش گذرانیده

شوند؟! در تمامی رجاسات و زنای خود ایام جوانی خود  
راحینکه عریان و برهنه بودی!!! و در خون خودمی  
غلتیدی بیادنی آوردی؟! و خداوندی هوه میگوید: وای بر  
تو وای بر تو زیرا که بعد از تمامی شرارت خود! خراباتهای  
برای خود بنا نمودی! و عمارات بلند در هر گوجه برای  
خود ساختی بر سر هر راه عماراتهای بلند خود را بنا  
نمودی! زیبایی خود را مکروه ساختی! برای هراه گزری  
پایهای خویش! گشوده و زناکاریهای خود را افزودی  
! با همسایگان خود پسران مصر که بزرگ گشت میباشند  
زنا نمودی! و زناکاری خود را افزوده خشم مرا به هیجان  
آوردی! لهذا اینک من دست خود را بر تو دراز کرده!  
وظیفه تو را قطع نمودم و تو را به آرزوی دشمنانت!  
یعنی دختران فلسطینیانی که از رفتار قبیح تو خجل  
بودند تسلیم نمودم! و چونکه سیر نشدی بابنی آشور  
نیز زنا نمودی! و با ایشان نیز زنا نمودی سیر نگشتی!  
! و زناکاریهای خود را از زمین کنعان تا زمین گادانیان  
زیاد نمودی! و از این هم سیر نشدی! خداوندی هوه میگوید:  
دل تو چقدر ضعیف است! که تمامی این اعمال را که

کارزن زانیه سلیطه میباشد بعمل آوردی! که بسر هر  
 راه خرابات خود را بناء نمودی و در گوجه عمارات بلند  
 خود را ساختی! و مثل فاحشه های دیگر نمودی چونکه  
 اجرت را خوار شمردی ای زن زانیه که غریبان را  
 بجای شوهر خود میگیری! به جمیع فاحشه ها اجرت  
 میدهند! اما تو بتمامی عاشقانت اجرت میدهی! ایشان  
 را اجیر میسازی! که از هر طرف بجهت زناکاریت نزد  
 تو بیایند! و عادت تو در زنا کاریت بعکس سائر زنان  
 است! چونکه کسی بجهت زناکاری از عقب تو نمیآید  
 ! و تو اجرت میدهی و کسی بتو اجرت نمیدهد! پس عادت  
 تو بر عکس دیگران است! بنابراین ای زانیه کلام خداوند  
 را بشنو! خداوند یهوه چنین میگوید: چونکه نقد تو  
 توریخته شد و عریانی تو از زناکاریت با عاشقانت! و با  
 همه بُت های رجاساتت! و از خون پسرانت که به آنها  
 دادی مکشوف گردید! لهذا هان من جمیع عاشقانت  
 را که با ایشان مُلّذبودی! و همه آنانیکه دوست داشتی  
 ! با همه کسانیکه که از ایشان نفرت داشتی جمع خواهم

نمود! و ایشان را از هر طرف نزد تو فراهم آورده! برهنگی  
تورا به ایشان مکشوف خواهم ساخت!!! تا تمام-ی  
عریانت را ببینند! و بر تو فتوای زنانی را که زنا میکنند  
! و خونریز میباشند خواهم داد! و چون غضب و غیرت  
را بر تو وارد خواهم آورد! و تو را بدست ایشان تسلیم  
نموده! خراباتهای تو را خراب و عمارات بلند تو را منهدم  
خواهم ساخت! و لباست را از تو خواهند کندوزیورهای  
قشنگ تو را خواهند گرفت! و تو را عریان و برهنه خواهند  
گذاشت! و گروهی را بر تو آورده تو را با سنگها سنگسار  
خواهند کرد! و با شمشیرهای خود تو را پاره پاره خواهند  
نمود! و خانه های تو را با آتش سوزانیده! در نظر زنان  
بسیار بر تو عقوبت خواهند رسانید پس من تو را از زنا  
کاری باز خواهم داشت! و بار دیگر اجرت نخواه ی داد!  
و حدت خشم خود را قلب تو فرو خواهم نشانید! و غیرت  
من از تو نخواهد برگشت! و آرام گرفته بار دیگر غضب  
نخواهم نمود! چونکه ایام جوانی خود را بیاد نیاورده  
مرا با همه اینکارها رنجانیدی!!! از این جهت خداوند

وَهُوَ میگوید: اینک نیز رفتار تو را بر سر ت وارد خواهم  
آورد! و علاوه بر تمام رجاساتت دیگر این عمل تحمل  
قبیح را مرتکب خواهی شد!!! اینک هر که مثل را  
بر تو آورده خواهد گفت: که مثل مادر مثل دخترش میباشد  
! تو دختر مادر خود هستی!!! که از شوهر و پسران خود  
نفرت میداشت! و خواهر خواهران خود هستی! که از شوهران  
و پسران خویش نفرت میدارند!!! مادر شما حتی بود  
و پدر شما آموری! و خواهر بزرگ تو سامری است!!!  
که با دختران خود بطرف چپ توساکن میباشد! و خواهر  
کوچک تو سدوم است! که با دختران خود بطرف راست  
توساکن میباشد! اما تو در طریق های ایشان سلوک  
نکردی! مثل رجاسات ایشان عمل ننمودی! بلکه گویا  
این سهل بود! تو در همه رفتار خود از ایشان زیاد فاسد  
شدی! پس خداوند یهوه میگوید: بحیات خودم قسم که  
تو خواهر تو سدوم و دخترانش! موافق اعمال تو و دخترانت  
عمل ننمودند! اینک گناه خواهرت سدوم این بود که  
تکبر و فراوانی نان! و سعادت مندی رفاهیت برای او

ودخترانش بود!!! و فقیران و مسکینان را دستگیری  
نمودند! مغرور شده در من مرتکب رجاسات گردید!  
لهذا چنانکه صلاح دیدم ایشان را از میان برداشتم! و  
سامره نصف گناهانت را مرتکب نشد! بلکه تو رجاسات  
خود را از آنها زیاده تر نمودی! و خواهر خود را بتمامی رجاسات  
خویش! که بعمل آوردی مبری ساختی! پس تونیز که  
بر خواهران خود حکم دادی! خجالت خود را متحمل  
بشو! زیرا که بگناهانت که در آنها بیشتر از ایشان رجاسات  
نمودی! ایشان از تو عادلتر گردیدند! لهذا! تونیز خجل شو  
و رسوائی خود را متحمل باش چونکه خواهران خود  
را مبری ساختی!!! و من اسیری ایشان! یعنی اسیری  
سدوم و دخترانش و اسیری سامره و دخترانش! و اسیری  
اسیران تو را در میان ایشان خواهم برگردانید! تا خجالت  
خود را متحمل شده از هر چه کرده شرمنده شوی! چونکه  
ایشان را تسلی داده! و خواهرانت یعنی سدوم و دخترانش  
بحالت نخستین خود خواهند برگشت! و سامره و دخترانش  
بحالت نخستین خواهند برگشت! و تو و دخترانت بحالت  
خود خواهید برگشت! اما خواهر تو سدوم در روز تکبر

توبزبانت آورده نشد! قبل از آنکه شرارت تو مکشوف  
بشود! مثل آن زمانی که دختران آرام مذمت میکردند  
!و جمیع مجاورانش یعنی دختران فلسطینیانی که تو  
را از هر طرف خوار می‌شمرند! پس خداوند می‌فرماید: که  
تو قباحت و رجاسات خود را متحمل خواهی شد! زیرا که  
خداوند چنین می‌گوید: بنهجیکه تو عمل نمودی من با  
تو عمل خواهم نمود! زیرا که قسم را خوار شمرده عهد  
را شکستی! لیکن من عهد خود را که در آیام جوانیت!  
با تو بستم بیاد خواهم آورد! و عهد جاودانی با تو استوار  
خواهم داشت! و هنگامیکه خواهران بزرگ و کوچک  
خود را پذیرفته باشی! آنگاه راههای خود را بیاد آورده خجل  
خواهی شد! و من ایشان را بجای دختران بتو خواهم داد  
لیکن نه از عهد تو! و من عهد خود را با تو استوار خواهم  
ساخت! و خواهی دانست که من یهوه هستم تا آنکه بیاد  
آورده خجل شوی! و خداوند یهوه می‌می‌فرماید: که چون  
من همه کارهای تو را آمرزیده باشد! بار دیگر بسبب  
رسوائی خویش دهان خود را نخواهی گشود!!!

و آخز بیست ساله بود که پادشاه!!! و شانزده سال در اورشلیم پادشاهی کرد!!! آما آنچه در نظر خداوند پسند بود! موافق پدرش داود به عمل نیاورد! بلکه بطریق های پادشاهان اسرائیل سلوک نمود!!! تمثال هانی برای بعلم ریخت! ودروادی ابن هئوم بخور سوزانید! ویسران خود را بر حسب رجاسات امتهائی! که خداوند از حضور بنی اسرائیل! اخراج نموده بود سوزانید! و بر مکانهای بلند و تلها و زیر هر درخت سبز قربانی ها گذرانید و بخور سوزانید! بنا بر این یهوه خدایش اورا بدست پادشاه آرام تسلیم نمود! که ایشان اورا شکست داده! اسیران بسیار از او گرفته بدمشق بردند! و بدست پادشاه بنی اسرائیل نیز تسلیم شد!!! که اورا شکست عظیمی داد! وقفح ابن رملیاصد و بیست هزار نفر که جمیع ایشان مرادن جنگی بودند! در یک روز در یهودا کثرت! چونکه یهوه خدای پدران خود را ترک نموده بودند!!!

منسی دوازه ساله بود که پادشاه شد! و چنج سال در اورشلیم سلطنت نمود! و آنچه در نظر خداوند ناپسند بود! موافق رجاسات امتهائی که خداوند آنها را از حضور بنی اسرائیل اخراج کرده بود عمل آورد! زیرا که مکانهای بلند را حزقیال خراب کرده بود بار دیگر بناء نمود!!! و مذب برای بعلم بریا کرد! و اشیره هاب ساخت دستهای خود! و بتامی لشگر آسمان سجده نمودند! و آنها را عبادت کرد! مذب هادر خانه خداوند بناء نمود!!! که درباره اش خداوند گفته: بود اسم من در اورشلیم تا به ابد خواهد بود! و مذب هاب برای تمامی لشگر آسمان! در هر دو صحن خانه خداوند بناء نمود! **ویسران خود را در وادی ابن هتوم از آتش گذرانید!!! و فالگیری و افسونگری و جادوگری میکرد! و با صاحب اجنه!!! و جادوگران مراوده مینمود!!! و در نظر خداوند شرارت بسیار ورزیده خشم او را به هیجان آورد! و تمثال ریخته شده! بت راکه ساخته بود در خانه خداوند بریاداشت!** که درباره اش خداوند بد او دوپسرش سلیمان گفته

بود! در این خانه و در اورشلیم که آن را از تمامی اسباط بنی اسرائیل برگزیده ام اسم خود را تا به ابد برقرار خواهم داد!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب دوّم تواریخ ایام باب سی و سوم آیات از ۸ تا ۱۸)

تو در تمامی این چیزهایی که بر ما وارد شده است! عالم هستی زیرا که تو بر استی عمل نمودی امّا شرارت ورزیده ایم! و پادشاهان و سروران و کاهنان و پدران ما بشریعت تو عمل ننمودند! و به او امر و شهادت تو که به ایشان امر فرمودی گوش ندادند! و در مملکت خودشان و در احسان عظیمی که به ایشان نمودی و در زمین وسیع و برومندی پیش روی ایشان نهادی! تو را عبادت ننمودند و از اعمال شنیع خویش بازگشت نکردند!!! (از کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب نحیمیا نبیّ اباب مهم آیه ۳۵)

نکاتی از مؤلف: مطالب زیر از متن کتاب مقدس عهد عتیق و از کتاب توراّه تحریف شده فعلی!!! یهودیت صهیون نیست میباشد! که این کتبها! کتابهای آسمانی انبیاء عظام و رسولان و پیام آوران خداوند خلاق جهان جهان هستی وربّ العاالمین نمیشد! که هیچ؛ بلکه

اصل واصل واصل و ناب و ناب و ناب آیات شیطانی  
هستند!!! زیرا که به خداوند و به انبیاء عظام او! همه  
اهانتها و توهینات و افتراعات را روا داشته اند و نوشته اند  
! که سرتایا کفر و شرک و گمراهی و سکسی و بی بند  
باری را نوشته اند!!! و اکثر مردمان جهان موجود را  
فاسد و بی بند بار و همنجس باز کردند!!! دال بر این که  
اصل این کتابهای آیات شیطانی ناب هستند! که خواننده اید  
! و اصل شاهید اینجانب مؤلف: از اصل و ناب این کتابهای  
آیات شیطانی میباشد! که مشاهده فرموده اید! باز هم  
این مطالب شاه طراز متن کتابهای اصل ناب آیات شیطانی  
هستند! توجه فرماید!!!

۱- پسری یعقوب یهودا با عروس خود بنام تامار زنا  
محرمی کرده! پسران دو قلوی زنا زاده! و حرام زاده  
! بنامهای فارص و زارح دنیا آورده است!!! که این  
یهویان صهیون نیست از نسل همان فارص و زارح  
زنا زاده و حرام زاده میباشند!!! که بنامهای یهودیت  
صهیون نیست در جهان مشهور میباشند!!!

**۲- خداوند کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی**  
**تمامی قوم یهودیت و بنی اسرائیل را خدا ناشناس و بُت**  
**پرست!!! و زنا زاده و حرام زاده و زناکار و قاتل انبیاء**  
**عظام!!! غارتگر و تجاوزکار!!! و حتی دختران و زنان**  
**و عروس‌هایشان را زناکار و فاحشه معرفی مینماید!!!**  
**و رباخوار! و نجس! و بدترین! و شریرترین! انسانه‌ای**  
**جهان نوشته و معرفی کرده است! که ما از جای دیگر**  
**نیاوردیم! بلکه از کتابهای به اصطلاح آسمانی خود**  
**ایشان میباشد که خوانده اید! پس کتابهای به اصطلاح**  
**آسمانی ایشان؛ این قوم یهودیت و بنی اسرائیل را بُت**  
**پرست و زناکار و جنایتکار و فاسد معرفی مینماید! و یا**  
**باید کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی! را قبول**  
**نکنند و آتش بزنند و بدور و بزباله دان تاریخ بیندازند!**  
**و بجهان و جهانیان اعلام نمایند که این کتاب مقدس**  
**عهد عتیق و کتاب توراة قبول نداریم! و قبول نکنند!**  
**و یا اگر این کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی**  
**را قبول کرده باشند! این قوم بُت پرست و زناکار و قاتل**

انبیاء و جنایت کار و بیندبار و فاسد و شریر و خداناسناس  
ترین قوم جهان هستند! که فرزندان زنا زاده و حرام  
زاده بسیار و فراوان تولید کرده اند! که یهودیان و بنی  
اسرائیل صهیون نیست! در کتاب مقدس عهد عتیق و  
در کتاب توراة فعلی! این قوم برگزیده و قوم و فرزندان  
خداوند جسم و مذکر و مؤنث و همجنس باز! کتاب مقدس  
عهد عتیق و کتاب توراة فعلی هستند! که این قدر گناه  
و بزه و بُت پرستی و جنایت کاری و زناکاری و قتل و  
غارت و فساد و رباخواری غیره را به عمل آورده اند و  
می آورند! و اگر این قوم! قوم و فرزندان شیطان بودند  
که بدون شک هستند! چه کارهایی را میکردند؟؟؟!!!

۳- یهودا به خداوند خود خیانت ورزیده است زیرا که  
دختر خدای خود را بزنی نگرفته! و دختر خدای دیگری  
را بزنی گرفته است!!!

۴- پس اسرائیل از خدای خود زنا نموده؛ که چطور و  
چگونه مانند انیم؟؟؟!!! که چنین نوشته است!!!

**۵- خدای یهودیان بنی اسرائیل در دل خود به تنگ آمده که بسموئیل! توصیه و سفارش مینماید! که باتو هم چنین رفتار خواهند کرد! و در دل خداوند بر سموئیل بخاطر این بوده! که یکی از خدایان بنی اسرائیل سموئیل بوده که در فصل اول نوشته ایم! خدا با خدا در دل مینماید!!!**

**۶- خداوند: بنی اسرائیل را در جهان پراکنده خواهم کرد!**

**۷- خداوند: انبیاء بنی اسرائیل احمق و مانند روباه هستند!**

**۸- بنی اسرائیل انبیاء خداوند را عمداً به قتل رسانیدند و به ناحق با شمشیر کشتند!!!**

**۹- بی اسرائیل پسر را در عوض فاحشه دادند؛ یعنی پسر را با فاحشه عوض کردند! و دختر را به شراب فروختند! یعنی دختر را دادند به رومیان در عوض شراب گرفتند و خوردند!!!**

**۱۰- خداوند یهوه اسرائیل را رئیس شریران معرفی کرده است!!!**

**۱۱- در کتاب مقدس عهد عتیق و در کتاب توراة فعلی! نوشته است هر کسی که خدای اسرائیل را بخواند و پیرسش نکند باید کشته شود! خواه مرد باشد و خواه زن باشد و خواه پیر باشد و خواه بچه باشد باید کشته شود!!!**

۱۲- بنی اسرائیل در هر جنگ پیروز شده بودند!!! تمامی  
 اهل شهر را میکشند! و به صغیر و کبیر و حیوانات هم  
 رحم نمیکردند!!! که مانند امروز که در فلسطین چقدر  
 جنایات و خونریزی فواوان را به عمل آوردند! و اگر  
 قدرت داشته باشند! در روی زمین غیر از خودشان جنبنده  
 را زنده نمیگذارند! و به هیچ کسی رحم نخواهند کرد!  
 که تا بحال به هیچ کسی رحم نکرده اند!!! چونکه به  
 اصطلاح کتاب دینی و فرهنگی آسمانی ایشان! چنین  
 حکم را صادر کرده است! که غیر از یهود و بنی اسرائیل  
 کسی را زنده نگذارند! که مردم جهان باید آگاه و هوشیار  
 باشند! که نگذارند این قوم جنایتکار و خونخوار و خون  
 ریز بقدرت و توانائی کامل برسند! که تمامی مردم اهل  
 جهان را از بین خواهند برد! و اگر کسی کتاب مقدس عهد  
 عتیق و کتاب توراة فعلی! یعنی اصل این کتابهای آیات  
 شیطانی را خوب و با دقت بخواند و مطالعه نکند! اصلاً  
 هیچ نمیداند که این جانب چه میگویم: و اصلاً این قوم  
 جنایتکار و وحشی را نخواهد شناخت! و اگر دست این قوم

خونخوار به خداوند جهان هستی ربّ العالمین هم برسد!  
اورانیز از بین خواهند برد! که این کار هم از محالات است!

۱۳- بنی اسرائیل قبلاً فرزندان خودشان را برای بت‌ها

قربانی میکردند! سرمیبردند!!! ولی امروزه فرزندان

مسلمانان و مسیحیان را! برای عید فصح یعنی عید

فطیر قربانی میکنند!!! و در یازدهم فروردین ماه شمسی

هر سال! عید فصح یهودیان است! مسیحیان و مسلمانان

را میرو بایند و میزدند و خونسش را میگیرند! با همان

خون نان فطیر درست میکنند و مییزند! یخت میکنند

و باشادی میخورند! که در جلد اول سرچشمه ای آیات

شیطانی از فرنگ یهود بخوبی و کامل نوشته ام!!! و

مطالعه فرماید!!!

۱۴- کتاب مقدس عتد عتیق و کتاب توراة فعلی یهودیان

صهیون زهست یعنی شریعت کلّ انبیاء و موسی!!! قبل

از عیسی مسیح ابن مریم! تمامی بنی اسرائیل و یهودیان

را خواه پدرانشان و خواه فرزندانشان باشند! فاسد و

فتنه انگیز و عصیانگروز ناکار و شریر و بت یوست و

خون خوار و خونریز و جنایتکار و رباخور و خداشناس  
و پیمان شکن نوشته و معرفی مینماید!!! در این مورد  
مؤلف: هیچ گناهی ندارد! زیرا که به اصلاح کتابهای  
آسمانی این قوم ایشان را چنین معرفی کرده! که در  
متن خود کتابهای این طایفه را خوانده اید! که مانوشته ایم  
! و اگر کتابهای ایشان هم ننوشته بودند! باز هم همچنین  
اخلاق و خصوصیتی را دارا میباشند! که تمامی اهل  
جهان وجه انیان خوب میدانند که چنین هستند! که در  
جلد اول این کتابهای سرچشمه ای آیات شیطانی از فرهنگ  
یهود! بخوبی و کامل نوشته ایم که این قوم خون میخورند  
و خون آشام بودند و هستند و خون و گوشت انسانها را میخورند!

۱۵- قوم یهود و بنی اسرائیل از اول شرور و خداشناس  
بودند! به خداوند عصیان و نافرمانی میکردند! زیرا که  
هرکاری را که خداوند حرام کرده بود! قوم یهود و بنی  
اسرائیل آن را حلال نمودند!!! ببینید چقدر ناران و نفهم  
و جاهل بودند که فرزندان خودشان را در مقابل بت های  
که از چوب و سنگ و خاک و فلز که با دست خودشان  
ساخته و درست کرده بودند! پسران و دختران خودشان

را در مقابل بُت هاسر بیوده و ذبح و قربانی میکردند!  
از هیچ گناهی و جنایت روگردان نبودند و نیستند که این  
مطالب و این حرفها را که نوشته ایم! از متن کتابهای  
به اصطلاح آسمانی خودشان میباشد! که مطالعه فرموده اید  
که بنام کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب توراة فعلی شریعت  
کلّ انبیاء و شریعت موسی است؟! آیا شمارا به خداوند  
متعال چنین کتابهای رامی توان کتابهای آسمانی دانیست  
؟! که تماماً از سکسی و یابین تراز کمر صحبت میکند!  
و بر خداوند متعال! و بر انبیاء عظام او این قدر توهین و  
وتهمت و افتراء و کذب را نوشته و رواداشته است؟!!  
آیا باز هم بگویم: که این کتابهای انبیاء عظام و شریعت  
موسی میباشد؟! آهای جماعت! و انسانهای جهان و  
جهانیان! خوب بدانید و آگاه باشید! کتاب مقدس عهد عتیق  
و کتاب تورات فعلی! اصل و ناب آیات شیطانی میباشد!!!  
زیرا که تمامی نوشتجات این کتابهاراه و روش از فرزندان  
ابلیس و فرزندان فارص و زارح و میمونها و خنزیرها و  
خوکها و شیاطین دیگری میباشد!!! باز هم قضاوت و  
حکم به عهده خوانندگان محترم و گرامی میباشد!!!

---

با آیات قرآن کریم وحی منزل الله رب العالمین جهان هستی! و با آیات اناجیل موجود! و با آیات کتاب مقدس عهد عتیق و کتاب تحریف شده توراة فعلی! که اصل وناب و آیات شیطانی هستند!! جواب این فوزندان زنا زاده گان و همجنس بازان و مخنثان غادر تاریخ راکه طراحان کارگردانان و بازی کنندگان فیلم کفرو شرک و وارونه! محمد رسول الله! مسلمانان معصوم رابه خوبی داده ایم! باز هم منتظر هستیم که چنین کار های رسواکننده مخنثان خودشان را انجام بدهند!!!

---

اشعار بر همجنس بازان و مخنثان جهان

هم مرگ بر جهان شما نیز بگذرد

هم رونق زمان شما نیز بگذرد

در این جهان چو غرّش شیران گزشته رفت

این عو عو سکان شما نیز بگذرد

ای صهیون نیست امریکائی بی خرد  
هان خون خوری و عید فصیح شما بگذرد  
خون میچکد ز پنجه جلاّد شاد تو  
هان ناله گرسنگان جهان نیز بگذرد  
این لشکر انعام پراکنده در جهان روز  
هان ع-رع-رخران شما نیز بگذرد  
مانند زالو میمکی خون جهان شرق  
روز شود که غیّ کنی؛ پوست شوی و بگذرد  
ای نسل ابلیس و بوزینه و خوک نجس  
روز جزاء عذاب الهی به جانتان بگذرد  
در آتش جهنّم سوزان تو؛ و خدایان تو  
بسوزید و ناله کنید که الله نگردد  
بر تیر جورتان ز تحمل شیر کنیم  
تا سختی حکومت طاغوتی شما نیز بگذرد

---

۱۴۳۳

۱۳۹۱

۲۰۱۲

تاریخ هجری قمری

تاریخ هجری شمسی

تاریخ میلادی

عزیزاله اصغری

پایان کتاب

---